





بیتورغایه ^{علیها السلام} تهران، خیابان پنجم نیروی هوایی، کوچه ۴/۲۵، پلاک ۵ و ۷
تلفن و سامانه پیامک: ۰۸ ۰۸ ۷۷ ۴۷ - ۰۲۱ - www.beytoroghayeh.ir
@beytroghayeA @beytoroghayeh

ماءِ مَعِين

شرح چهل حدیث

پیرامون امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

سید حسین ہاشمی نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا
وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ
أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ

کتاب حاضر مجموعه‌ای از سخنرانی‌های حقیر است که تعدادی از روایاتی که درباره وجود اقدس حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا له الفداه می‌باشد مورد بحث قرار گرفته است.

فاضل ارجمند جناب آقای احمدی این سخنرانی‌ها را جمع‌آوری کردند و به رشته تحریر درآوردند که دوستان حضرت ولی عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ استفاده کنند.

امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ این خدمات را از همگان قبول فرمایند بلطفه و کرمه.

سیدحسین هاشمی نژاد

فهرست

- ۱۱..... حدیث اول: ولادت مخفی
- ۱۹..... حدیث دوم: خورشید پنهان
- ۲۹..... حدیث سوم: پیام آور عدالت
- ۳۵..... حدیث چهارم: انتظار فرج
- ۴۵..... حدیث پنجم: معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۵۳..... حدیث ششم: عصر غیبت
- ۶۵..... حدیث هفتم: ملاقات گرابی
- ۷۳..... حدیث هشتم: سیر و سلوک مهدوی
- ۸۱..... حدیث نهم: نقش شیعیان در تعجیل ظهور
- ۸۷..... حدیث دهم: انتظارات امام زمان از شیعیان
- ۹۷..... حدیث یازدهم: دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۰۹..... حدیث دوازدهم: تکامل عقل ها
- ۱۱۵..... حدیث سیزدهم: خصوصیات یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۲۹..... حدیث چهاردهم: سکانداران قلوب شیعیان در عصر غیبت
- ۱۳۵..... حدیث پانزدهم: میراث انبیاء همراه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۵۱..... حدیث شانزدهم: استعجال عامل هلاکت
- ۱۵۷..... حدیث هفدهم: استبعاد ظهور
- ۱۶۱..... حدیث هجدهم: توقیت
- ۱۶۷..... حدیث نوزدهم: سرنوشت دین در دوران آخرالزمان
- ۱۷۵..... حدیث بیستم: نجات دهنده دین

فهرست

- ۱۸۳ حدیث بیست و یکم: جهانی شدن اسلام
- ۱۸۷ حدیث بیست و دوم: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
- ۱۹۱ حدیث بیست و سوم: ندای آسمانی
- ۱۹۷ حدیث بیست و چهارم: آثار دعا برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۲۰۳ حدیث بیست و پنجم: نور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۲۱۱ حدیث بیست و ششم: برکات یاد امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۲۱۷ حدیث بیست و هفتم: جلوه‌های محبت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۲۳۳ حدیث بیست و هشتم: طول عمر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۲۴۳ حدیث بیست و نهم: سپاهیان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۲۵۳ حدیث سی‌ام: مرگ شیطان
- ۲۶۱ حدیث سی و یکم: ادب نسبت به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۲۷۱ حدیث سی و دوم: امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ مظهر اسم غیب خداست
- ۲۷۷ حدیث سی و سوم: تهذیب نفس، شرط تشرف به محضر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۲۸۳ حدیث سی و چهارم: حفظ زبان در دوره آخرالزمان
- ۲۸۹ حدیث سی و پنجم: منتقم خون سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۲۹۵ حدیث سی و ششم: سلوک خانوادگی یاوران مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۳۰۵ حدیث سی و هفتم: حرام خواری در آخرالزمان
- ۳۱۱ حدیث سی و هشتم: قطع رحم در آخرالزمان
- ۳۱۵ حدیث سی و نهم: گوشه‌ای از برکات ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ
- ۳۲۱ حدیث چهل‌م: حقوق امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ

حدیث اول: ولادت مخفی

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عليه السلام: الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَى وِلَادَتُهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُولَدْ بَعْدُ لِيُخْرِجَ حِينَ يُخْرَجُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ^۱.

ولادت قائم ما بر مردم پنهان است تا به جایی که بگویند: هنوز متولد نشده است، برای اینکه وقتی که ظهور کند بیعت کسی بر گردش نباشد.

یکی از ویژگی‌های مهم ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مخفی بودن آن است. این امر در سخنان معصومین عليهم السلام مورد اشاره قرار گرفته و با تعابیر متفاوت و فراوانی به آن اشاره شده است. و ده‌ها روایت بر حتمی بودن «خفای ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و ضرورت آن دلالت دارند. البته توجه به چند نکته لازم است:

۱. مصون ماندن از خطر مرگ

خلفای بنی عباس از طریق روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرين (ع) نقل شده بود، می‌دانستند که دوازدهمین امام، همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند و دژهای گمراهی و فساد را در هم می‌کوبد و

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۴۳۹.

دولت جبّاران را سرنگون می‌سازد و طاغوتیان را به قتل می‌رساند و خود رهبر مشرق و مغرب جهان می‌شود.

آنان چون این مسئله را می‌دانستند، درصدد بودند تا نور الهی را خاموش کنند و آن امام همام را به قتل رسانند. از این رو جاسوسان و مراقبانی چند گماشتند و حتی قابله‌هایی را مأمور کردند تا درون خانه امام حسن عسکری علیه السلام را زیر نظر بگیرند؛ لیکن خداوند، در هر حال، نور هدایت را پاینده خواهد داشت. این بود که خداوند به اراده خویش، دوران بارداری مادر او را پنهان ساخت.

تلاش بی وقفه بنی عباس برای یافتن فرزندی از امام یازدهم، در بیشتر منابع تاریخی گزارش شده است. مورّخان گفته‌اند: معتمد عباسی، به قابله‌ها دستور داده بود تا وقت و بی‌وقت، سرزده، وارد خانه امام حسن عسکری علیه السلام شوند و درون خانه را بگردند و تفتیش کنند و از حال همسر او با خبر گردند و گزارش دهند.

به طور مسلم، چنین حساسیت شدیدی از طرف دستگاه خلافت، بدان سبب بود تا گذشته از کنترل امام یازدهم، در صورت عدم دسترسی به او (و یا فرزندش مهدی)؛ دست کم بتوانند اعلام کنند که امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشته است.

۲. اقدامات امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام، خود از پیش‌گویی‌ها آگاه بود و اهمیّت و عظمت آن مولود را به درستی می‌دانست و از حساسیت دشمنان درباره تولد این نوزاد، غافل نبود. اوضاع سیاسی و شرایط اجتماعی را نیز کاملاً می‌شناخت؛ از این

رو به گونه‌ای مقدمات و پیش زمینه‌های ولادت فرزندش را فراهم ساخت که نه تنها دشمنان؛ بلکه بسیاری از دوستان هم از این امر آگاه نشدند.

امام حسن عسکری علیه السلام خود درباره فلسفه «خفای ولادت فرزندش» مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین می‌فرماید: «بنی امیه و بنی عباس» به دو علت بر روی ما شمشیر کشیدند: نخست اینکه می‌دانستند در خلافت، هیچ حقی ندارند و می‌ترسیدند که ما ادعای خلافت کنیم و خلافت به محل اصلی خودش برگردد. دوم اینکه، از اخبار متواتر دریافته بودند که نابودی سلطنت ستمکاران و زورگویان، به دست قائم ما صورت می‌گیرد و شکی هم نداشتند که خودشان از ستمگران و زورگویان هستند!! بنابراین به امید اینکه از تولد قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جلوگیری کنند، یا بتوانند او را بکشند؛ در کشتار اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از بین بردن نسل آن حضرت تلاش بسیار کردند؛ اما خداوند نخواست سر امر بر آنها آشکار شود؛ بلکه اراده فرمود که بر خلاف میل کافران، نور خود را تمام کند و خیر بشریت را محقق سازد.^۱

۳. شباهت به ولادت حضرت موسی علیه السلام

ولادت پنهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حفظ جان او و ... مانند ولادت حضرت موسی علیه السلام است. در واقع خداوند درباره آن حضرت، همان کار را کرد که درباره موسی کرد؛ چنان که دشمنان مهدی نیز همان روش فرعون و سیاست فرعونی را دنبال کردند. فرعون دانست که زوال سلطنت او به دست مردی از بنی اسرائیل خواهد بود. این بود که بازرسانی گماشت تا زنان حامله

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، ح ۶۸۵.

بنی اسرائیل را زیر نظر گیرند و کودکانی را که متولد می‌شوند، تحت مراقبت شدید قرار دهند و اگر پسر بود، او را بکشند. بدین‌گونه، کودکان بسیاری را کشتند تا حضرت موسی پدید نیاید... و با این همه، خدای متعال، پیامبر خود موسی را حفظ کرد و ولادت او را مخفی داشت.

امام صادق علیه السلام فرمودند: (فی القائم سنّة من موسی بن عمران؛ فقلتُ: و ما سنّة موسی بن عمران؟ قال: خفاء مولده) در قائم سنتی از موسی بن عمران است. (راوی گوید: پرسیدم: سنت موسی بن عمران چه بود؟ فرمود: مخفی بودن ولادت او).^۱

در زمان تولد موسی علیه السلام دستگاه فرعون برنامه وسیعی برای کشتن «نوزادان پسر» از بنی اسرائیل ترتیب داده بود، و حتی قابله‌های فرعون مراقب زنان باردار بنی اسرائیل بودند. در این میان یکی از این قابله‌ها با مادر موسی دوستی داشت (حمل موسی مخفیانه صورت گرفت و چندان آثاری از حمل در مادر نمایان نبود) هنگامی که احساس کرد تولد نوزاد نزدیک شده به سراغ قابله دوستش فرستاد و گفت: ماجرای من چنین است فرزندی در رحم دارم و امروز به محبت و دوستی تو نیازمندم.

هنگامی که موسی تولد یافت از چشمان او نور مرموزی درخشید، چنانکه بدن قابله به لرزه درآمد، و برقی از محبت در اعماق قلب او فرو نشست، و تمام زوایای دلش را روشن ساخت. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم موسی چنان بود که هر کس او را می‌دید دوستش می‌داشت. زن قابله رو به مادر موسی

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۱۸.

کرد و گفت من در نظر داشتم ماجرای تولد این نوزاد را به دستگاه حکومت خبر دهم، تا جلادان بیایند و این پسر را به قتل رسانند (و من جایزه خورا بگیرم) ولی چه کنم که عشق شدیدی از این نوزاد در درون قلبم احساس می‌کنم! حتی راضی نیستم موئی از سر او کم شود با دقت از او حفاظت کن، من فکر می‌کنم دشمن نهائی ما سرانجام او باشد! قابله از خانه مادر موسی بیرون آمد، بعضی از جاسوسان حکومت، او را دیدند و تصمیم گرفتند وارد خانه شوند، خواهر موسی ماجرا را به مادر خبر داد مادر دستپاچه شد آنچنان که نمی‌دانست چه کند؟ در میان این وحشت شدید که هوش از سرش برده بود نوزاد را در پارچه‌ای پیچید و در تنور انداخت، مأمورین وارد شدند در آنجا چیزی جز تنور آتش ندیدند! تحقیقات را از مادر موسی شروع کردند، گفتند این زن قابله در اینجا چه می‌کرد؟ گفت او دوست من است برای دیدار آمده بود، مأمورین مایوس شدند و بیرون رفتند.

مادر موسی به هوش آمد و به خواهر موسی گفت: نوزاد کجا است، او اظهار بی‌اطلاعی کرد، ناگهان صدای گریه‌ای از درون تنور برخاست مادر به سوی تنور دوید، دید خداوند آتش را برای او سرد و سلام کرده دست کرد و نوزادش را سالم بیرون آورد.

۴. نبود بیعت کسی بر گردن او

یکی از عوامل مخفی بودن ولادت حضرت، که در روایات بسیار به آن اشاره شده، عدم بیعت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با خلفای جور و طاغوت‌ها است، آن حضرت به جهت اینکه مثل پدرانش مجبور به بیعت با آنان نشود، به فرمان

خدا از چشم مردم مخفی شد. امام حسن علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَيُغَيِّبُ شَخْصَهُ، لِنَلَا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ؛ خدای تبارک و تعالی ولادت او (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف) را از دیده‌ها پنهان می سازد تا هنگامی که ظهور می کند، در گردن او بیعت با کسی نباشد.»^۱

کل

می کنم یاد آن شکوفا کل	بر زمان می شود شکوفا کل
کرده دل را اسیروشیداکل	نغمه بلبس از ازل گوید
هست عطش شفای غمها کل	رنگ کل دیده را نواز سحر
روح را می کند مصفا کل	حیرت از خلقت خدایی کل
هر طرف می شود هویدا کل	می روی سوی باغ و می بینی
چهره پنهان نموده زیباکل	آخرین گل ز قدسیان جمید
وامی بر من، غریب و تنها کل	بهرمان هم نشین خاکها
می کند اشک من سحرها کل	چون رهش با خیال می پویم
گر کند جلوه اش بر دنیا کل	می شود با صفا هم هستی
گر بیاید عزیز ز زهرا کل	آفرینش شود هشت برین
سخطه ای روی آن سرا پاکل	کل خجسل می شود اگر بیند

باشی گر نظر، نظاره کند

می شود خانه تمنّا کل

حديث دوم: خورشيد پنهان

عن جابر الجعفي: سمعتُ جابر بن عبد الله الأنصاري يقول: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ، فَهَلْ أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ؟

فَقَالَ ﷺ: هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ، وَأُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي، أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ، وَالْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ، وَسُدْرُكُهُ يَا جَابِرُ إِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ سَمِيُّ وَكَيْتِي حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِقِيَّتِهِ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ ائْتَمَرَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ قَالَ جَابِرٌ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَهَلْ يَقَعُ لِشِيعَتِهِ الْاِئْتِمَاعُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ؟ فَقَالَ ﷺ: إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ، إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَيَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ .
يَا جَابِرُ، هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَمَخْزُونِ عِلْمِهِ فَاعْتَمِدْهُ الْإِعْنِ أَهْلِهِ ١.

جابر جعفی می‌گوید: شنیدم جابر بن عبدالله انصاری می‌گفت: چون خداوند عزّ و جلّ آیه «خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و اولیای امر خود نیز فرمان برید» را بر پیامبر خود محمّد ﷺ نازل کرد، عرض کردم: ای رسول خدا! خدا و رسول او برای ما معلوم است، اما اولیای امر که خداوند اطاعت از آنان را به اطاعت خود بسته است، چه کسانی هستند؟

پیامبر ﷺ فرمود: ای جابر! آنان همان جانشینان من و پیشوایان مسلمانان بعد از من هستند. اولین آنها علی بن ابی طالب است، سپس حسن، بعد حسین، بعد علی بن حسین، بعد محمّد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو ای جابر او را درک خواهی کرد و هرگاه دیدارش کردی سلام مرا به او برسان. پس از او جعفر بن محمّد صادق است، سپس موسی بن جعفر، بعد علی بن موسی، آنگاه محمّد بن علی، بعد علی بن محمّد، بعد حسن بن علی و سپس همانم و هم کنیه من، حجّت خدا در زمین او و باقی مانده او در میان بندگان، فرزند حسن بن علی. او کسی است که خداوند بلند نام به دست وی شرق و غرب عالم را فتح می‌کند؛ همان کسی که از شیعیان و دوستان خود غایب می‌شود، چنان غیبتی که بر عقیده به امامت او پا برجا نماند مگر کسی که خداوند دلش را به ایمان آزموده باشد.

جابر گفت: عرض کردم: ای رسول خدا! آیا در زمان غیبت او، شیعیان از وجودش بهره‌مند می‌شوند؟ فرمود: آری، به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، آنان در زمان غیبت او از وجودش بهره‌مند می‌شوند و از نور ولایتش روشنی می‌گیرند همان گونه که مردم از خورشید پشت ابر بهره‌مند می‌شوند. ای جابر! این مطلب از رازهای نهفته خداوند و دانش پوشیده اوست. پس تو نیز آن را، جز از اهلش، پوشیده بدار.

یکی از سوالات رایج درباره مهدویت و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مسئله نحوه

بهره‌مندی از ایشان در عصر غیبت است، اینکه «آیا غیبت و عدم امکان رویت آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف مانعی بر دریافت فیض وجودی شان است یا خیر؟»

برای درک جواب این پرسش باید به چند نکته توجه کرد:

۱. غیبت به معنی عدم وجود و فقدان نیست؛ بلکه امام غائب صلوات الله علیه در بین مردم هستند؛ اما کسی ایشان را نمی‌شناسد.

۲. حضرت در شرایط غیبت نیز همانند شرایط حضور از حوادث جامعه آگاه است و نسبت به کلیه امور اشراف کامل دارد و تا جایی که با فلسفه غیبت منافات نداشته باشد به اذن الهی به رتق و فتق امور می‌پردازد.

همچنان که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در توفیق مبارک به شیخ مفید رحمته الله علیه چنین فرمود: **إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ** (ما در مراعات حال شما سهل انگار نیستیم و هرگز شما را فراموش نمی‌کنیم، و گرنه سختی‌ها و تنگناهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان، شما را نابود می‌کردند).^۱

آیت الله بهجت می‌فرمودند: سیدحسین نامی از مدرسان نجف، در فشار اقتصادی واقع می‌شود و تصمیم می‌گیرد ۴۰ روز عریضه‌ای برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بنویسد و آن را یا در آب بیندازد یا در گوشه‌ای از اتاق بگذارد تا روز چهارم وی می‌گوید: روز چهارم رسید در حالی که من فراموش کرده بودم؛ ناگهان شنیدم کسی صدایم می‌کند، در حالی که در خانه بسته است و کسی جز من در خانه نیست!

قدری صبر کردم و دوباره شنیدم کسی من را صدا کرد و نام پدرم را هم برد، فهمیدم که این خیال نیست و واقعیت دارد، اما کسی را نمی‌دیدم. باز در عین ندیدن، این صوت را شنیدم: «شما گمان می‌کنید ما از حال شما مطلع نیستیم و شما خیال می‌کنید ما نمی‌دانیم در چه حالی هستید؟»

همین که این صدا را شنیدم گویی حاجتم رفع شد و دیگر احتیاجی ندارم. غیبت مانعی برای بهره‌مندی از وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست بلکه ایشان علی‌رغم غیبت، حواس شان به مردم است و آنها را در شرایط سخت و دشوار تنها نمی‌گذارند چنان که شرح این عنایات و گره‌گشایی‌ها از زبان بزرگان و در منابع معتبر آمده است. بسیاری از انبیاء هم این غیبت را داشته‌اند، در حالی که مقام نبوت خود را هم دارا بودند:

۱. حضرت موسی علی نبینا و آله علیهم السلام زمانی که به کوه طور رفتند و در میان قوم خود نبودند.
۲. حضرت یونس علی نبینا و آله علیهم السلام زمانی که در شکم ماهی بودند.
۳. خضر نبی که سال‌ها زنده است و در غیبت به سر می‌برند.
۴. حضرت ادریس هم کماکان در غیبت به سر می‌برند.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در پاسخ به این پرسش که «چگونه می‌توان از امام غایب بهره‌مند شد؟» می‌فرماید: «امام معصوم وظیفه هدایتی خود را به دو

گونه اعمال می‌کند:

۱. هدایت به معنای ارائه طریق؛

۲. هدایت به معنای ایصال به مطلوب.

امام برای اجراء و اعمال هدایت نوع اول نیاز به حضور فیزیکی در میان مردم دارد؛ اما برای هدایت نوع دوم نیازی به حضور جسمانی و مرادده حضوری با مردم را ندارد.

به تعبیر دیگر، باید دانست که وظیفه امام، در بیان صوری و ظاهری معارف و راهنمایی ظاهری مردم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه امام همانطور که وظیفه راهنمایی ظاهری مردم را به عهده دارد همچنان ولایت و رهبری باطنی اعمال را نیز بر عهده دارد و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند. بدیهی است که حضور یا غیبت جسمانی امام در انجام وظیفه هدایتی نوع دوم تأثیری ندارد؛ زیرا امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشرف و اتصال دارد اگرچه از چشم جسمانی ایشان پنهان است.^۱

باید توجه داشت آنچه از فوائد وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف مشروط به حضور ایشان بیان گردیده است، تنها بخش کوچکی از آثار وجود آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف است، چون تاثیر امام معصوم علیه السلام در نظام آفرینش، والاتر از آن است که به امور خاص و مشروط به حضور مشهودانه محصور شود.

وجه شباهت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با خورشید

در روایات و احادیث متعددی، وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خورشید

۱. شیعه در اسلام، ص ۱۵۲.

پنهان در پس ابر تشبیه شده است، بی‌گمان این تشبیه، از روی حکمت بوده است؛ از این رو بزرگان شیعه در بیان این تشبیهات، نکته‌های ارزشمندی را یادآور شده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. خورشید، در منظومه شمسی محور و مرکز است. امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى نیز در منظومه زندگی انسان‌ها محور، و اساس است.

۲. خورشید، در مجموعه هستی دارای فواید بسیاری است که فقط یکی از آن‌ها نور افشانی است. امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى نیز در نظام آفرینش دارای فواید بسیاری است که فقط بهره اندکی از آن، وابسته به آشکاری او است.

۳. ابر، چهره خورشید را برای زمینی‌ها می‌پوشاند؛ ولی هرگز زمین را تاریک نمی‌کند. پرده غیبت نیز فقط انسان‌ها را از دیدار مستقیم حضرت محروم می‌کند و هرگز مانعی بر نور افشانی او بر مردمان نخواهد شد.

۴. ابری شدن، از عوارض زمین و زمینیان است، نه خورشید؛ غیبت نیز نتیجه رفتار انسان‌ها است.

۵. در بهره‌مندی از خورشید، میان افرادی که خورشید را باور کرده‌اند و افرادی که منکر او هستند، تفاوتی نیست. در بهره‌مندی از فواید تکوینی امام نیز بین منکر و قائل به امام فرقی نیست.

۶. فقط انسان‌های کور، از نور افشانی خورشید محرومند؛ همان‌گونه که فقط انسان‌های کوردل منکر نور وجود پیشوای معصوم و از آن بی‌بهره هستند.

۷. منکر وجود حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت، همانند منکر وجود خورشید است هنگامی که در پشت ابرها از دیده پنهان گردد.
۸. همان گونه که در مناطقی که هوا غالباً ابری است، گاهی خورشید ابرها را می شکافد و خود را از لابه لای آن‌ها بیرون می آورد و به عده‌ای از مردم نشان می دهد، هر از چند گاهی نیز، عده‌ای شرفیاب محضر مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شوند و از وجودش استفاده می برند و از این راه، وجود آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف برای عموم مردم به اثبات می رسد.
۹. همان گونه که شعاع خورشید، به مقدار روزنه‌ها و اندازه پنجره‌ها، داخل اتاق‌ها می شود و مردم از آن بهره می برند، مقدار بهره مردم از وجود و آثار و برکات آن حضرت نیز به اندازه قابلیت آنان است. انسان هر اندازه موانع را از خود دور کند و قلب خود را بیش تر بگشاید، از وجود و آثار و برکات بیش تری بهره می گیرد.

بنابراین شکی نیست که میزان بهره‌مندی موجودات از آفتاب عالم تاب در زمانی که چیزی حایل نباشد، بیشتر و کامل تر است؛ اما این بدان معنا نیست که وجود پرده بر روی خورشید، تمام یا بیشتر بهره‌مندی‌ها را از بین ببرد؛ بلکه این مانع، فقط برخی از فواید را از میان برده یا کم می کند.

وجود ظاهری امام در عصر حضور و ظهور نیز به معنای آن است که تمام منافع امام می تواند به مردم برسد. حال اگر چیزی مانع رسیدن فیض‌های کامل امام به دیگران شود، بدان معنا نیست که وجود او بی فایده است. وجود

امام در پس پرده غیبت، به همان میزان مفید است که وجود او در زندان‌های حاکمان ستمگر دارای فایده بود. البته بین زندان غیبت و زندان حاکمان مستبد، تفاوت‌های فراوانی است؛ ولی هر کدام به نوعی مانع رسیدن فیض کامل امام به عالم وجود و انسان‌ها می‌شوند.

فشرده سخن این که مسأله غیبت، فلسفه ضرورت وجود امام معصوم علیه السلام را نقض نمی‌کند؛ زیرا امام معصوم علیه السلام در حال غیبت وجود دارد و فواید او هم به دیگران می‌رسد. فقط بخشی از فواید او است که در اثر تقصیر خود مردم در حال غیبت به آنان نمی‌رسد؛ ولی وجود او حجت را بر همگان تمام کرده است و این، خود مردم هستند که می‌بایست با ایجاد آمادگی لازم شرایط را برای ظهور آن حضرت فراهم کنند.

جامانده

از خیل عشاق رخت جامانده ام من رفتند یاران، وای، تنهامانده ام من
 پروانه با بال سوزان پر کشیدند چون سحر سوزانی بر شجامانده ام من
 طاقت نمانده تا سخن با باز گویم بایک جهان یاد و تمنا مانده ام من
 مولای من در مانده را رسوا نکردی شرمنده الطافِ مولا مانده ام من
 ای ناخدا بجز خدا با من مدارا تمامیان موج دریا مانده ام من
 بدر امکان از خود جدا می خوب خوبان این بنده بد را بخس، و امانده ام من

راز مسمای ترا با که کشایم

چون ماشمی در این مقامانده ام من

حدیث سوم: پیام آور عدالت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تقوم الساعة حتى تمتلأ الأرض ظلماً وُعدواناً، قال ثم يخرج رجل من عترتي أو من أهل بيتي يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وُعدواناً! قیامت بر پا نمی‌شود تا آن زمانی که زمین پر از ظلم و ستم گردد، سپس مردی از عترت یا اهل بیت من قیام می‌کند و زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد آن گونه که ظلم و ستم، آن را پر کرده بود.

از اساسی‌ترین و بلکه پر جلوه‌ترین خصوصیت حکومت جهانی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برچیدن ظلم و فساد از چهره هستی و برقراری و گسترش عدالت است.

مأموریت بزرگ آن بزرگوار قسط و عدل است. و شاید شیرین‌ترین میوه انقلاب عالم گیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالت باشد. در بسیاری از روایات، در دعاها، در زیارت‌ها، بیانگر آن‌اند که این انقلاب عظیم و سترگ آن گاه رخ می‌دهد که ظلم و فساد و تباهی جهان را فراگیرد و حکومت‌های دین ستیز و عدل ستیز و مستکبران، گستره‌ی زمین خاکی را تحت بیرق خود آورند.

۱. کشف الغمه ج ۲ ص ۴۷۰ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۹۳.

از جمله این روایات عبارت است از:

(الف) پیامبر ﷺ فرمود: **يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا** (زمین پر از قسط و عدل می شود، هم چنان که پر از ظلم و جور شده بود).^۱

(ب) ابی جعفر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: **لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِي حَتَّى يَرْقِيَ الظُّلْمَةَ** (مهدی عَلَيْهِ السَّلَام قیام نمی کند، مگر ظهور نمی کند مگر آن گاه که ظلمت و تاریکی سراسر جهان را فراگیرد).^۲

(ج) امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: **لَا يَظْهَرُ الْمَهْدِي إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلْزَالٍ وَ فِتْنَةٍ تُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَشْتَتُّ فِي دِينِهِمْ وَ تُغَيِّرُ فِي مَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمَوْتَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً مِنْ عَظَمِ مَا يَرَى مِنَ لُكْبِ النَّاسِ ...** (مهدی عَلَيْهِ السَّلَام قیام نمی کند، مگر با فراگیری ترس شدید در مردم و نیز زلزله ها و فتنه و بلایی که به آنان می رسد و نیز طاعونی پیش از آن و شمشیر برآنی میان عرب که آنان را به کشتن می دهد و درگیری سختی میان مردم و پراکندگی در دینشان و دگرگونی احوالشان، تا آن جا که برخی، به خاطر شرارت بسیار مردم و به جان هم افتادن آنها، صبح و شب، آرزوی مرگ می کنند...)^۳

عبارت شریف **(يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا)** از آن دسته عباراتی است که در روایات متعددی که حتی ابتدا و انتهای آنها با یکدیگر متفاوت است تکرار شده است. روایاتی که نه فقط در میان منابع شیعیان بلکه در کتب اهل سنت هم یافت می شود. و تمام این روایات، بر روی دو محور

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷

اساسی بنیان شده است: یکی تحقق آرمان عدالت در حکومت مهدی موعود؛ و دیگری گسترش ظلم و جور در آخرالزمان.

آیا برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باید در زمین ظلم و فساد کنیم؟

با توجه به اینکه، فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه‌های ظهور است پس چرا مردم را برای زمینه‌سازی ظهور دعوت به صلح و ترک ظلم و گناه می‌کنند؟ اگر سرانجام و به طور طبیعی چنین فساد و طغیانی، جهان را فرا خواهد گرفت، پس چرا باید به سمت اصلاح خود و جامعه حرکت کنیم؟ این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت انسانی و دینی و برداشت غلط از موضوع ظهور است؛ لذا توجه به چند نکته لازم است:

۱. هیچ یک از تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف، مبارزه با فساد و... مشروط به چنین شرطی نیست؛ یعنی، تکلیف نماز و یا نهی از منکر تکالیفی مطلق هستند و عمل به آنها الزامی است؛ چه موجب تسریع در ظهور شود یا تأخیر آن.

۲. آیا معقول است که ما در سراسر عمر خود که چه بسا به ظهور منجر نگردد، دست روی دست بگذاریم و همه آیات و روایات را به کناری بگذاریم؛ به این بهانه که ما می‌خواهیم در ظهور تعجیل گردد! آیا این عذری خدایسندانه است؟!

۳. باید توجه کرد که شرط ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، هرگز منحصر به گسترش فساد در اجتماع انسانی نیست، بلکه زمینه را برای ظهور حضرت و اصلاح جامعه انسانی فراهم می‌کند؛ و هر گاه مردم دنیا از

نظر رشد فکری و کمال‌های روحی به حدی برسند که بتوانند ارزش وجود امام را درک کرده و شایسته رهبری ایشان شوند، در این صورت حضرت بدون هیچ قید و شرطی ظهور می‌کند.

۴. مردم دنیا باید خواستار واقعی حضرت و عدالت‌گستری او باشند و حق و عدالت و بهره‌وری از منافع و مواهب دنیا را برای همه بخواهند و در راه مبارزه با ظلم و پیاده کردن عدالت، تا آخر بایستند.

۵. ما باید موضع و موقعیت خود را در زمینه قیام امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى مشخص کنیم، بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى برای درهم کوبیدن آنها صورت می‌گیرد و در مقابل، اگر در صدد اصلاح جامعه برآییم، از کسانی هستیم که در ارتش انقلابی او همکاری می‌کنند؛ بنابراین به فرض این که با کمک کردن به گسترش فساد و ظلم، ظهور حضرت را به پیش اندازیم، وضع خود را به یقین به خطر انداخته‌ایم. مگر نه این که مصلح جهانی برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن بساط ظلم و فساد قیام می‌کند؟

۶. در احادیثی که وظایف منتظران مشخص شده، همه جا سخن از تقوا، ورع، عفاف، دوری از گناه و قرب به خداوند است.

چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس خشنود می‌شود که از اصحاب قائم باشد، پس باید منتظر باشد و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است. اگر چنین شخصی، پیش از ظهور بمیرد، اجر او مانند کسی

است که زمان ظهور را درک کرده است. «پس (در جهت نیکی‌ها) بکوشید و منتظر باشید.»^۱

علمای ما درباره وظایف و تکالیف منتظران در زمان غیبت، کتاب‌های مستقلی نوشته یا فصلی از کتاب خود را بدان اختصاص داده‌اند (مانند نجم الثاقب، مکیال المکارم و...)، در این کتاب‌ها و مشابه آنها - که تنها براساس روایات معصومین نوشته شده - هیچ‌گاه پر کردن جهان از فساد و تباهی به عنوان وظیفه منتظران در زمان غیبت، یاد نشده است.

آتش گلگون
 سگر بُننه که مرا آه سحر کاھی هست
 جگر سوخته و ناله جان کاھی هست
 از دل سوخته و ناله جانوز سحر
 می توان یافت که در ساحت او را ہی هست
 به بیابان فراش شده ام سگردان
 جلوه امی ز آتش گلگون رخس کاھی هست
 پادشاهان جهان حلقه بکوشان درش
 قابل ولایت او تاج شهنشاهی هست
 هر که شد بنده او، غرت جاوید گرفت
 ز گدایی درش عزتی و جاهی هست
 تا مدد دل، یکدله شد بانگ بر سر می آید
 پادشاهی که درش خیمه و خر کاھی هست
 باشی حلقه زن در که شاه است هنوز
 آن که بر بام درش راه برد کاھی هست

حدیث چهارم: انتظار فرج

قال أبو عبد الله عجل الله تعالی فرجه الشریف: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا لَهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي فُسْطَاطٍ الْقَائِمِ^۱

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: کسی که بر این امر بمیرد و منتظر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد همانند کسی است که در خیمه امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

انتظار کلمه‌ای مقدس و به لحاظ معنایی عمیق است، انتظار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخاسته از رهنمودهای زندگی ساز اسلام عزیز است، که از یک سو روح یأس و نومیدی را خنثی نموده و آینده‌ای روشن فراروی انسان ترسیم می‌کند و سپیده سحر ایمان و آزادی را نوید می‌دهد و مژده مرگ ظلم و ستم را یادآور می‌شود؛ و از سوی دیگر انسان را به خودسازی و تهذیب نفس خویش فرا می‌خواند. انتظار رهبری الهی، منتظران را به عدالت و عبودیت خدا دعوت می‌کند و نسبت به هرگونه کفر و ظلم و عصیان هشدار می‌دهد.

خواستگاه بحث انتظار در اسلام به زمان «رسول اکرم صلی الله علیه و آله» برمی‌گردد از آن حضرت ده‌ها روایت درباره نشانه‌های ظهور، ویژگی‌های موعود و کارهای بزرگی که پس از ظهور رخ می‌دهد بیان شده است.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

برداشت های ناقص و نادرست درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسأله انتظار در برخی اذهان وجود دارد، که تنها با مطالعه گفتار معصومین علیهم السلام و منابع معتبر اسلامی اصلاح می گردد.

روایات انتظار فرج

در روایات، توصیه های فراوانی در مورد انتظار فرج و ارزش، و فضیلت های بی شمار آن شده است، که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را برترین اعمال و عبادات می داند (أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ) انتظار فرج [و گشایش] از جانب خدای بلندمرتبه، برترین عمل امت من است.^۱
۲. حضرت علی علیه السلام نیز آن را محبوب ترین اعمال در نزد خداوند و منتظر فرج را، همانند شهید راه حق می داند (إِنْتِظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتَظَرُ الْفَرَجِ الْأَخَذَ بِأَمْرِنَا مَعَنَا عِدًّا فِي حَظِيرَةِ الْقُدُسِ وَ الْمُنتَظِرُ لِلْفَرَجِ كَمِشْحَطٍ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که محبوب ترین اعمال نزد خداوند - عزّ و جلّ - انتظار فرج است. کسی که پذیرای امر ما باشد، فرداها در «حظیره القدس» با ما است و کسی که منتظر فرج باشد، مانند کسی است که در راه خدا، به خون خود آغشته گشته است.^۲
۳. امام جواد علیه السلام آن را با فضیلت ترین و راه گشایترین امور می داند (أَفْضَلُ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

- اعمالِ شیعَتنا اِنْتَظارِ الفَرَجِ مَنْ عَرَفَ هَذَا الامرَ فَقَدْ فَرَّجَ عَنْهُ بِاِنْتَظارِهِ (برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است. هرکس این امر را بداند و آن را بشناسد، با همین انتظار در کارش گشایش و فرج می شود).^۱
۴. علی بن مهزیار می گوید: نامه ای به امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشتم و از ایشان درباره «فرج» پرسیدم؛ حضرت فرمود: (إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظُّلَمِینَ فَتَوَقَّعُوا الفَرَجَ) هرگاه امام شما از بین ظالمان و ستمگران مخفی شد، چشم به راه فرج باشید.^۲
۵. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز حالات شیعیان در دوران غیبت و انتظار گشایش و فرج را چنین بازگو می فرماید: نزدیک ترین جایی که خدای متعال به بندگانش هست و نیز بیشترین زمانی که از ایشان راضی است، وقتی است که حجت الهی را از دست بدهند و او بر ایشان ظاهر نشود و جایش را ندانند؛ در عین حال یقین دارند که آن حجت باقی است و باطل نشده است. پس در آن هنگام، هر صبح و شام، منتظر فرج باشید.^۳
۶. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: (الْمُنْتَظَرُ لِلثَّانِي عَشَرَ كَالشَّاهِرِ سَيَفُتُ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَذُبُّ عَنْهُ) کسی که در انتظار امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَامُ است، همانند کسی است که در رکاب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شمشیرش را برهنه کرده و از او دفاع می کند.^۴
۷. امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: (الْمُنْتَظَرُونَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ) بهترین مردم

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۰.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۰.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

- هر زمان کسانی هستند که منتظر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.^۱
۸. امام باقر علیه السلام فرمود: (وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمُنْتَظَرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ) بدانید کسی که منتظر حکومت حق باشد، پاداش او همانند پاداش روزه دار شب زنده دار است.^۲
۹. نائب اول امام زمان در دوره غیبت صغری در دعای روز جمعه بعد از نماز عصر این قطعه را می‌گوید «و لا تنسنا ذکرة و انتظاره» یعنی خدایا یاد او و انتظار کشیدن او را از یاد من نبر.^۳
۱۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: (عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ وَ الرَّدِّ إِلَيْنَا وَ انْتِظَارِ أَمْرِنَا وَ أَمْرِكُمْ وَ فَرَجِنَا وَ فَرَجِكُمْ) بر شما باد به تسلیم و رد [امور] به ما و انتظار امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج شما.^۴
- به طور خلاصه مؤلفه‌های زیر را می‌توان از «روایات انتظار فرج» برداشت کرد:
۱. انتظار قائم، رکن دین است. لذا روایاتی که در باب انتظار مطرح می‌شود از دوره رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله شروع شده است. هر آنچه لازم بوده در مورد انتظار بیان شود از زمان خود پیامبر بیان شده است چون جزء دین است. لذا عموم مردم جهان - به خصوص شیعیان - باید منتظر ظهور و قیام مهدی موعود باشند که از سرآورده غیبت بیرون آید.
۲. انتظار فرج، فراتر از انتظار معمولی است؛ یعنی انتظاری همراه با

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

۳. مصباح المتعجد، صفحه ۲۸۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

آگاهی، بصیرت، درایت، معنویت، آمادگی، حق‌گرایی، عدل خواهی
و....

۳. از مهم‌ترین رازهای نهفته بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد شیعه را آکنده ساخته و پیوسته او را به تلاش، کوشش، جنبش و جوشش وامی‌دارد.

۴. انتظار فرج، موجب زنده کردن امید در جامعه است.

۵. لوازم انتظار، عمل به وظایف و تکالیف و همچنین پرهیز از گناه و معصیت است.

۶. برپایی عدالت واقعی و امنیت و آرامش برای همگان و ایجاد سعادت برای جامعه انسانی و نجات بشریت از تباهی و نابودی، از عهده مکاتب و ایسم‌های بشری و حکومت‌های غیر الهی خارج است و فقط در سایه دین و رهبری آسمانی، میتوان صبح روشنی را برای بشریت به انتظار نشست.

معنای انتظار

آیا همین که بنشینیم و ادعا کنیم که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم کافی است؟ همین انتظار است؟ آیا این همه ثواب که ائمه اطهار علیهم السلام و نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند، برای کسانی است که می‌نشینند و می‌گویند: «ما منتظریم» و هر کاری هم که دلشان می‌خواهد می‌کنند و هر راهی هم که دلشان خواست می‌روند؟

انتظار؛ یعنی انزجار از وضع موجود و تقاضای حالت مطلوب‌تر. مثلاً

شخصی مریض است، حالش خیلی بد است و اطرافیان او امیدوارند که حالش بهتر شود. می‌گویند منتظریم حالش خوب شود. پس انتظار، یعنی از حال فعلی ناراضی‌ام و یک وضع مطلوب‌تر را می‌خواهم. این معنای انتظار است. مثلاً پرسش رفته است سفر. سؤال کنی، می‌گویی: «از نیامدنش خیلی ناراحتم، اما منتظرش هستم»، یعنی من از این غیبت او ناراضی و ناراحتم و منتظرم که او برگردد و حالم بهتر شود. یا اینکه مثلاً تاجری است که از نظر تجاری وضع خوبی ندارد و بازارش کساد است. می‌پرسیم «وضعتان چه طور است؟» می‌گویی: «وضع خوبی نداریم، اما منتظریم خوب شود. خبر داده‌اند که وضع خوب می‌شود، ما هم منتظریم که وضع خوب شود»، یعنی کاملاً از وضع کنونی ناراضی است و منتظر وضع بهتری است.

آیا کسانی که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند همین حالت را دارند؟ واقعا از وضع فعلی خود و جامعه ناراضی‌اند. اگر انسان باکسانی که ایجاد فساد می‌کنند، معصیت می‌کنند، اسیر هوای نفس هستند ارتباط داشته باشد، و از وضع فعلی که الآن جامعه دارد، راضی باشد، انتظار معنا ندارد.

انتظار معنای مرکبی دارد: نفی و اثبات. عدم رضایت از وضع فعلی و انتظار وضع بهتر.

انتظار؛ یعنی آماده باش برای یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

منتظریم؛ یعنی وجودم کلاً در انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بیاید و انقلاب جهانی ایجاد بکند.

معنای انتظار، کمال اشتیاق به پیاده شدن عدل الهی در سراسر جهان است.

اقسام انتظار

انتظار فرج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر دو قسم است:

الف- انتظار قلبی

ب- انتظار بدنی

انتظار قلبی

انتظار قلبی دارای درجات سه‌گانه است:

درجه اول: آن که یقین داشته باشد ظهور آن حضرت حق است و واقع خواهد شد، و آن وعده الهی است که تخلفی در آن نیست، و هر قدر هم در تحقق آن تأخیر شود، مأیوس و ناامید نگردد، و منکر اصل آن نشود.

درجه دوم: آن که ظهور را موقت به وقت خاصی نداند و وقت تعیین نکند.

درجه سوم: آن را نزدیک بداند و پیوسته چشم به راه باشد، و باید حال منتظر، مانند حال کسی باشد که خبر آمدن مسافر را به او داده‌اند مسافر او در حال بازگشت است، همه روزه انتظار آمدن آن مسافر را دارد. بنابراین، باید برای ظهور آن حضرت و نیز ملاقات با ایشان مهیا شود، همان‌طور که انسان از برای مسافر عظیم القدر تهیه می‌بیند.

انتظار بدنی

هرگاه انسان مزرعه‌ای داشته باشد، آن را اصلاح می‌کند و بذرمی‌پاشد و آب می‌دهد، چون احتمال وقوع آفات زمینی و آسمانی می‌رود، دعا می‌کند و از خداوند متعال حفظ آن زراعت را از آن آفات طلب می‌کند، و با این حال انتظار

می‌کشد که زمان رسیدن محصول آن فرا رسد.

خداوند عالم - جلّ شأنه - در هر زمان وجود مبارک امام - عَلَيْهِ السَّلَام - را وسیلهٔ بقاء عالم و عطا کردن نعمت‌های خود قرار داده است، که بدون آن نه عالمی باقی می‌ماند و نه نعمتی عطا می‌شود، و ظهور امر امام عَلَيْهِ السَّلَام - را - که تصرفات ظاهری داشته باشد - وسیله از برای ظهور کامل همهٔ نعمت‌های ظاهری و باطنی قرار داده است، که بدون آن در هر قسم از آن نعمت‌ها نقصان پیدا می‌شود، و در هر کدام سرور و خوشحالی او مقرون به حزن و غم خواهد شد.

و همانگونه که در نعمت‌های دنیوی خداوند متعال بعضی اسباب را مهیا کرده و آن نعمت‌ها را به وسیلهٔ آن اسباب عطا می‌فرماید، چون بذر کاشتن و آب دادن که وسیلهٔ ظاهر شدن حبوبات و میوه‌جات و گل‌های گوناگون است، همچنین برای تعجیل در ظهور امام عَلَيْهِ السَّلَام که وسیلهٔ ظهور همهٔ نعمت‌ها است، اسبابی مقرر فرموده است که به دست خود بندگان است، و آن اسباب عبارت از تقوا و اعمال صالحه است. و آفت تعجیل در ظهور آن حضرت، اعمال قبیحه زشت و گناهان بندگان است، و لذا منتظر حضرت، با توبه از همهٔ گناهان و خطاها، از خداوند دفع آن آفات را طلب می‌کند، و با این حال انتظار می‌کشد که زمان رسیدن محصول یعنی روز ظهور و فرج امام عَلَيْهِ السَّلَام فرا رسد، و این حال با این خصوصیات، انتظار کامل بدنی است که از لوازم کمال ایمان است.

چرا باید منتظر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام باشیم؟

یکی از راه‌های دانستن علت انتظار دقت در آثار و فواید انتظار است، بعضی از

فوائد انتظار عبارت است از:

۱. امید؛ انتظار، در انسان امید ایجاد می‌کند، شخصی که منتظر آینده‌ای روشن است هرگز در مشکلات و سختی‌ها امید خود را از دست نمی‌دهد و برای آنچه وعده داده شده، تلاش می‌کند.
۲. صبر؛ کسی که منتظر است، اهل صبر و تحمل می‌شود و اگر در راه رسیدن به هدف، به موانعی برخورد کند، بردباری نموده و با یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دوران سخت غیبت را سپری می‌کند.
۳. آمادگی؛ اگر ما منتظر امام باشیم، خود را برای ظهور آماده می‌کنیم، از گناه و سستی پرهیز می‌کنیم و به دنبال عدالت می‌رویم و در جهت اجتماعی، محیط شهر و کشورمان را آماده ظهور می‌کنیم و می‌کوشیم عدالت را در جامعه برقرار سازیم و کارهای ثواب و نیک را ترویج دهیم و گناه و کارهای بد را بزداییم.
۴. انسان منتظر، یک لحظه هم از یاد آن حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف غافل نیست. دائماً به یاد منتظر است.
۵. انسان منتظر، برای آمدن آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف لحظه شماری می‌کند. لحظه لحظه می‌گوید: خدا کند تو بیایی! اصلاً آمدن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب می‌بیند. نه اینکه بگوید - نعوذ بالله - آقا تا هزار سال دیگر هم ظهور نمی‌کند.

حشمت ملک سلیمان

شکر افزون که سرکوی تو را هم دادند نبی پناه آمده بودم و پناهم دادند
 تا نهادم ب سرم تاج گدائی آری دولت و سلطنت و عزت و جاهم دادند
 تا گاهی ز کرم بر من مکین کردی فیض جاوید از آن بخله نگاهم دادند
 تا زدم بوسه به خاک در کاشانه تو حشمت ملک سلیمان و سپاهم دادند
 من که عطشان می جام ولایت بودم نمی از جام ولا گاه به گاهم دادند
 تا دم ز آتش هجران رخت سوخته شد اثری بر سخن و ناله و آهَم دادند

باشمی گفت مبادک سحری پیداشد

که ز حق خطّ المانی ز گناهَم دادند

حدیث پنجم: معرفت به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام فَرَحَهُ الشَّرِيفُ

قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً^۱
هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

به موجب این حدیث عاقبت سهل انگاری و بی تفاوتی نسبت به شناخت امام زمان واجد شرایط، مرگ جاهلی و حشر و نشر با بت پرستان و مشرکین در قیامت خواهد بود. این، تعبیر خیلی شدیدی است چون در زمان جاهلیت مردم اصلاً مشرک بودند و حتی توحید و نبوت هم نداشتند.

اعتقاد به مهدویت و شناخت امام هر عصری در منابع شیعه جایگاه خاصی دارد، و شیعه به عقیده امامت و مهدویت شهرت دارد؛ مضمون این حدیث با تعبیرات مختلف به حد تواتر در منابع شیعه و سنی نقل شده است؛ معمولاً حدیثی را که مورد اتفاق شیعه و سنی باشد، نمی شود کوچک شمرد زیرا وقتی هر دو فریق از دو طریق روایت می کنند، تقریباً نشان دهنده این است که پیغمبر اکرم یا امام قطعاً این مطلب را فرموده است. علامه مجلسی از بزرگان علما و مراجع حدیثی شیعه، این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه آورده است.

۱. کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۴۰۹.

برای فهم بهتر روایت چند مطلب را باید بررسی کنیم:

۱. مراد از مرگ جاهلیت چیست؟

در این که مقصود از مرگ جاهلیت چیست دو احتمال داده می شود:

الف - مراد، مرگ در عصر جاهلیت است. جاهلیتی که همراه با شرک و بت پرستی و اوهام و دوری از تمدن اسلامی و کارهای زشت و دوری از حقایق و معارف اصیل و ناب بوده است.

ب - مراد، مرگی باشد که توأم با جهل و نادانی است؛ یعنی انسان اگر بدون معرفت به امام زندگی کند و بدون معرفت بمیرد به مانند این است که جاهل از دنیا رفته است.

۲. سیمای دوره جاهلیت چگونه بوده است؟

قرآن چهار مصداق روشن برای جاهلیت بیان کرده است که عبارتند از:

۱. حکم جاهلیت، یعنی پیروی از حکومت و حکم ناحق، رفتار خلاف

قانون الهی و مبتنی بر هوا و هوس و روی گردانی از دستورات الهی،

که مورد نهی قرار گرفته است. (أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةَ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ

اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ) آیا حکم جاهلیت را می جویند؟ برای مردمی

که اهل یقین هستند چه حکمی از خدا بهتر است.^۱

۲. بی توجهی به وعده وعیدهای خداوند و بد اندیشی درباره افعال الهی

که درباره گروهی از یاران پیامبر است که با اکراه و نفاق در جنگ

۱. آیه ۵ سوره مائده.

أحد شرکت کرده بودند. (وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ) و گروهی در فکر جان خود بودند، و درباره خدا، گمان‌های ناروا همچون گمان‌های جاهلیت می‌بردند.^۱

۳. بی‌پروایی زنان در جامعه و نمایاندن زیور و آرایش‌های زنانه که در هشدار به زنان پیامبر و جلوه‌گری آنان است. (وَقُرْنٌ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى) و در خانه‌هایتان قرار بگیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید.^۲

۴. تاکید بر خواسته‌های نابه‌جا تعصب درباره آگاهی‌های ناچیز و جانب‌داری بی‌دلیل از عقاید و اندیشه‌ها (إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ) آنگاه که کافران در دل‌های خود، تعصب (آن‌هم) تعصب جاهلیت ورزند.^۳

البته، جاهلیت برهه محدودی از زمان در خلال تاریخ نیست بلکه جاهلیت، زمان شمول و مکان شمول است. حالت و کیفیت خاصی است که در هر زمان و مکان می‌تواند پدید آید و محدود به زمان و مکان نیست. بنابراین جاهلیت مفهوم است نه زمان.

۳. چگونه شناختی نسبت به امام واجب و لازم است؟

مقصود از معرفت امام در اینجا شناخت مصداقی امام هر عصر و زمان است، نه معرفت به مقام ولایت امام؛ بنابراین ما باید بدانیم چه کسی در حال حاضر

۱. آل عمران، ۱۵۴.

۲. احزاب، ۳۳.

۳. فتح، ۴۸.

حجت خدا بر ما است و پیشوایی اُمت اسلامی را بر عهده دارد و در نتیجه قول، فعل و تقریر او و احکام و فرامین او بر ما حجت است و تبعیت از او بر ما لازم و واجب است و در هنگام حیرت و سرگردانی و جهل به حکم خدا قول او باید تبعیت شود زیرا تبعیت از او انسان را از تاریکی جهل به نور علم رهنمون می‌سازد و اوست که بیان‌کننده احکام الهی و مفسر و مبیین دین خداست.

امام صرفاً یک حاکم یا سلطانی که امور سیاسی مردم را در دست دارد نیست، بلکه او واسطه فیض الهی است و خداوند بوسیله او دینش را یاری می‌کند و بر هر مسلمانی واجب است که او را در هر عصری بنام بشناسد و اطاعتش را بر خود لازم بداند و او را جانشین بر حق رسول خدا ﷺ بداند. و معتقد باشد که او از هر گونه گناه و خطا و اشتباه معصوم و مصون است و در او ضلالت و گمراهی و نادانی راه ندارد.

پس برای آن که دچار کژ راه‌ها نشویم و راه را گم نکنیم، در درجه نخست باید بکوشیم که امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ خود را بشناسیم و امام زمان ما، کسی جز امام مهدی حجة بن الحسن عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ نیست. او مصداق منحصر به فرد امام مفترض الطاعة است که به اذن و امر خدا زنده است و شاهد و ناظر اعمال و رفتار عموم مردم، به ویژه شیعیان است.

۴. شناخت امام زمان، شرط اسلام واقعی

بر اساس این روایت، معرفت امام عصر، شرط اسلام است و اگر کسی بدون شناخت امام از دنیا برود، گویا از اسلام واقعی و اصیل بی‌بهره بوده است. علامه امینی رضوان الله علیه صاحب کتاب گران‌سنگ الغدیر می‌فرمودند:

در سفری به سوریه، دانشمندان آن دیار، به دیدار من آمدند، در مجلسی از بزرگان اهل سنت آن منطقه، یکی از آنان به من رو کرده گفت: آیا در اسلام جز ولایت و امامت، اصلی دیگر وجود ندارد که تو فقط درباره ولایت و غدیر و مفاهیم مربوطه می نویسی؟! آیا اسلام، توحید ندارد، نبوت و قرآن و اخلاق و احکام ندارد؟ من هر چه فکر کردم که به این فرد سنی در مجمعی از اهل سنت چه جوابی بدهم که دندان شکن باشد، چیزی به ذهنم نیامد. قلباً به حضرت امیرالمومنین علیه السلام متوسل شدم که: من در این جمع زبان شما اهل بیت هستم. مرا یاری دهید تا بتوانم از منطق شما دفاع کنم. به عنایت مولا به ذهنم رسید که به این حدیث شریف استناد کنم، که پیامبر فرمود: (من مات ولم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة) را خوانده، مدارک آن را بیان کرده معنای آن را توضیح دادم و گفتم: این که من فقط از ولایت می گویم و می نویسم، سلیقه من نیست، بلکه فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله در این حدیث است که کسی که ولایت ندارد، از توحید و نبوت و معاد و قرآن و احکام بهره ای نمی برد. و آنها هم ساکت شدند. روزی علمای اهل تسنن مرحوم علامه امینی رحمته الله علیه را برای صرف شام دعوت می کنند. اما علامه امینی امتناع می ورزد و قبول نمی کند. آنها اصرار می کنند که علامه امینی را به مجلس خود ببرند.

به علت اصرار زیاد علامه امینی دعوت را می پذیرد و شرط می گذارد که فقط صرف شام باشد و هیچ گونه بحثی صورت نگیرد، آنها نیز می پذیرند. پس از صرف شام یکی از علمای اهل سنت که در آن جمع زیادی از علما نشسته بود، می خواست بحث را شروع کند که علامه امینی گفت: قرار ما این بود که بحثی

صورت نگیرد!

اما باز آنها گفتند: پس قرار بر این شد که از آن جایی که تمام حضار در جلسه، حافظ حدیث بودند برای متبرک شدن جلسه، هر نفر یک حدیث نقل کند تا مجلس نورانی گردد.

آنان شروع کردند یکی یکی حدیث نقل کردند تا اینکه نوبت به علامه امینی رسید.

علامه به آنها گفت: شرطم بر گفتن حدیث این است که ابتدا همگی بر معتبر بودن یا نبودن سند حدیث اقرار کنید. همه قبول کردند.

سپس علامه امینی فرمود: قال رسول الله ﷺ: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةَ (حضرت رسول اکرم ﷺ فرموده است: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است).^۱

سپس از تک تک حضار در جلسه در رابطه با معتبر بودن حدیث اقرار گرفت و همه حدیث را تایید کردند.

سپس گفت: حال که همه حدیث را تایید کردید یک سوال از شما دارم! بعد از کل جمع پرسید: آیا فاطمه الزهراء عليها السلام امام زمان خود را می شناخت یا نمی شناخت؟!

اگر می شناخت، امام زمان فاطمه عليها السلام چه کسی بود؟

تمام حضار مجلس به مدت ربع ساعت، بیست دقیقه ساکت شدند و سرشان را به زیر انداختند و چون جوابی برای گفتن نداشتند یکی یکی جلسه

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۶.

را ترک کردند و با خود می‌گفتند: اگر بگوییم نمی‌شناخت، پس باید بگوییم که فاطمه علیها السلام کافر از دنیا رفته است و حاشا که سیده نساء العالمین کافر از دنیا رفته باشد؟!!

و اگر بگوییم می‌شناخت چگونه بگوییم امام زمانش ابوبکر بوده؟ درحالی که بخاری (از سرشناس‌ترین علمای اهل سنت) گفته: (فَاطِمَةُ سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا مَاتَتْ وَ هِيَ سَاخِطَةٌ عَلَيْهِمَا) فاطمه علیها السلام در حالی از دنیا رفت که از ابوبکر و عمر غضبناک بود.^۱ و چون حضار مجبور می‌شدند بر حقایق و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام اقرار بورزند سکوت کرده و جلسه را با خجالت ترک کردند.

۵. راههای شناخت امام زمان چیست؟

برای تحصیل معرفت و شناخت امام زمان راه کارهای زیر توصیه می‌شود:

- الف- مطالعه احادیث و سخنان اهل بیت علیهم السلام درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ب- تهذیب نفس و پرهیز از گناه، و نیز عمل به واجبات؛ چرا که آدمی تا تزکیه و تهذیب نفس نکند نمی‌تواند با اولیای مقرب الهی ارتباط برقرار کند.
- ج- همواره به یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بودن و خود را در محضر حضرت دیدن
- د- دعا و الحاح به درگاه خداوند جهت معرفت پیدا کردن
- هـ - خواندن و تدبر در دعاها و زیارت‌هایی که از خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف رسیده است و یا فرموده امامان دیگر علیهم السلام درباره آن حضرت از بهترین این راه‌هاست.

۱. صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۴۵.

کم کرده ام

یار تنهایی خود را سال ها کم کرده ام خوش قد و بالای خود را ای خدا کم کرده ام
 ذره ناچیزم و در جستجوی آفتاب آفتابم را در این بجز فنا کم کرده ام
 ماه من پنهان شدی در کز پیمان جان بی فروغ روی ماهت راه را کم کرده ام
 به چو مجنون گشته ام آواره دشت خون منزل لیلای خود را بارها کم کرده ام
 می روم گاهی به دیر و گاه تا مهد حجاز من نمی دانم که یارم را کجا کم کرده ام
 سعی کردم در صفا، اما صفا بی روی تو؟ من صفا یم را سرکوه صفا کم کرده ام
 باغریبان در غریبی خزن را پیوده ام ای خدا در شهر غربت آشنا کم کرده ام
 و اندرین دریای طوفانی پر موج و بلا زور قم بکشته و من نا خدا کم کرده ام

باشمی گفت با هنگام سحر وقت دعا

من دعایم را به هنگام دعا کم کرده ام

حدیث ششم: عصر غیبت

يَعْقُوبُ بْنُ مَنْقُوشٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى دُكَّانٍ فِي الدَّارِ وَعَنْ يَمِينِهِ بَيْتٌ وَعَلَيْهِ سِتْرٌ مُسْبَلٌ. فَقُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي مَنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ: ازْجِعِ السِّتْرَ فَرَفَعْتُهُ فَخَرَجَ إِلَيْنَا غُلَامٌ حُمَاسِيٌّ لَهُ عَشْرٌ أَوْ ثَمَانٌ أَوْ نَحْوُ ذَلِكَ وَاضِحُ الْجَبِينِ أَبْيَضُ الْوَجْهِ دُرِّيُّ الْمُقْلَتَيْنِ شَتْنُ الْكَفَّيْنِ مَعْطُوفُ الرُّكْبَتَيْنِ فِي حَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالَ وَفِي رَأْسِهِ ذُؤَابَةٌ فَجَلَسَ عَلَيَّ فَاذْجَدْتُ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام ثُمَّ قَالَ لِي: هَذَا هُوَ صَاحِبُكُمْ وَتَبَّ فَقَالَ لَهُ: يَا بُنَيَّ ادْخُلْ إِلَى الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ فَدَخَلَ الْبَيْتَ وَأَنَا أَنْظَرُ إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لِي: يَا يَعْقُوبُ انْظُرْ إِلَيَّ مَنْ فِي الْبَيْتِ فَدَخَلْتُ فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا!

يعقوب بن منقوش می گوید: بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم و او بر سگویی در سرا نشسته بود و سمت راست او اتاقی بود که پرده های آن آویخته بود، گفتم: ای آقای من صاحب الامر کیست؟ فرمود: پرده را بردار، و پرده را بالا زدم و پسر بچه ای به قامت پنج و جب که حدود هشت یا ده سال داشت بیرون آمد با پیشانی درخشان و رویی سفید و چشمانی در افشان و دو کف ستبر و دو زانوی برگشته و خالی بر گونه راستش و گیسوانی بر سرش بود، آمد و بر زانوی پدرش ابو محمد علیه السلام نشست، آنگاه به من فرمود: این صاحب شماست، سپس برخاست و امام بدو گفت: پسر! تا وقت

معلوم داخل شو و او داخل خانه شد و من بدو می‌نگریستم، سپس به من فرمود: ای یعقوب! به داخل بیت برو و بین آنجا کیست؟ و من داخل شدم اما کسی را ندیدم.

بنابر آموزه‌های شیعه، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف دو غیبت دارد: غیبت صغری که شصت و نه سال طول کشیده و غیبت کبری که هنوز ادامه دارد.

غیبت صغری

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ (سال درگذشت آخرین نایب خاص امام) یعنی حدود ۶۹ سال بود. (مرحوم شیخ مفید آغاز غیبت صغری را از سال تولد آن حضرت (سال ۲۵۵) حساب کرده است و با این محاسبه، دوران غیبت صغری، ۷۵ سال می‌شود. طبعاً نظریه مرحوم مفید از این لحاظ بوده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در زمان حیات پدر نیز حضور و معاشرت چندانی با دیگران نداشته و از نظر کلی غایت محسوب می‌شده است. گویا بر اساس همین ملاحظه است که محققانی مانند: طبرسی، سید محسن امین، و آیت‌الله سید صدر الدین صدر نیز آغاز غیبت صغری را از سال میلاد آن حضرت، و مدت آن را ۷۴ سال دانسته‌اند.^۱

در دوران غیبت صغری، ارتباط شیعیان با امام به کلی قطع نبود، و در طول این مدت، افراد مشخصی به عنوان «نایب خاص» با حضرت در تماس بودند و شیعیان می‌توانستند به وسیله آنان مسائل و مشکلات خویش را به عرض

۱. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۶ - اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۵۹ - الارشاد، ص ۳۴۶.

امام برسانند و توسط آنان پاسخ دریافت دارند و حتی گاه به دیدار امام نائل شوند. از اینرو می‌توان گفت: در این مدّت، امام، هم غایب بود و هم نبود. این دوره رامی‌توان دوران آماده سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن، ارتباط شیعیان با امام، حتی در همین حد نیز قطع شد و مسلمانان موظف شدند در امور خود به نایبان عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرائط و آشنایان به احکام اسلام، رجوع کنند.

اگر غیبت کبری یکباره و ناگهان رخ می‌داد، ممکن بود موجب انحراف افکار شود و ذهن‌ها آماده پذیرش آن نباشد. اما گذشته از زمینه‌سازی‌های مدبرانه امامان پیشین، در طول غیبت صغری، به تدریج ذهنها آماده شد و بعد، مرحله غیبت کامل آغاز گردید. همچنین امکان ارتباط نایبان خاص با امام در دوران غیبت صغری، و نیز شرفیابی برخی از شیعیان به محضر آن حضرت در این دوره، مسئله ولادت و حیات آن حضرت را بیشتر تثبیت کرد.^۱

غیبت کبرا

اما غیبت کبرا دورانی است که با وفات چهارمین نائب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۳۲۹ ق. آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. بین غیبت صغرا و غیبت کبرا فاصله زمانی وجود نداشت و تنها تفاوت آن است که برخلاف دوره غیبت صغرا، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوره نماینده مشخصی در بین شیعیان ندارد و مردم باید برای راهنمایی در امور دینی به علمای شیعه مراجعه کنند. علت تقسیم غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو دوره صغرا و کبرا نیز برای نشان دادن آن است که

۱. المهدی، ص ۱۸۳.

از دوره‌ای به بعد امکان ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود نداشته است. بنابر باورهای شیعه، هر چند امام معصوم در غیبت است، اما جهان و موجوداتش از فیض وجود او همواره بهره‌مندند و در واقع، جهان برای وجود خویش نیازمند وجود امام منصوب از سوی خداوند است و امام نه تنها ولایت تشریحی دارد، بلکه به لحاظ ولایت تکوینی نیز بر جهان ولایت دارد. بدین رو، برخی از منابع مهم روایی شیعه، بابی با عنوان «انَّ الْأَیْمَةَ هُمْ أَزْكَانُ الْأَرْضِ»^۱ (امامان ارکان زمین‌اند) گشوده‌اند.

رؤیت کنندگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره غیبت صغری

ولادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج سال قبل از شهادت امام عسکری علیه السلام بوده است و همه علمای شیعه قائل به این مطلب هستند. هنگام تولد و بعد تولد عده‌ای بوده‌اند که بر ولادت آن بزرگوار شهادت داده و آن حضرت را رؤیت کرده‌اند. از جمله تعدادی از ارادتمندان و اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده‌اند که در مدت پنج سال آخر حیات آن حضرت، فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده‌اند. که به اسامی عده‌ای که در آن مقطع خاص تاریخی محضر مبارک آن حضرت شرفیاب شده‌اند، اشاره می‌کنیم.

۱. یکی از کسانی که به دیدار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف راه یافته، نایب و سفیر حضرت، عثمان بن سعید عمری است، او در جواب سؤال عبدالله بن جعفر حمیری که از راویان موثق است تصریح می‌کند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده است.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۶.

مرحوم کلینی این روایت را با سند صحیح این گونه نقل کرده است:
 عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: اجْتَمَعْتُ أَنَا وَالشَّيْخُ أَبُو عَمْرٍو
 رَحِمَهُ اللَّهُ عِنْدَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ فَعَمَّرَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ
 الْخَلْفِ فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا عَمْرٍو إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ شَيْءٍ وَمَا أَنَا بِشَاكٍ
 فِيمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهُ فَإِنَّ اعْتِقَادِي وَدِينِي أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَحُلُو مِنْ حُجَّةٍ
 إِلَّا إِذَا كَانَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ رُفِعَتِ الْحُجَّةُ
 وَأُعْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ أَوْ
 كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا فَأَوْلَيْكَ أَشْرَارٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمْ الَّذِينَ
 تَقُومُ عَلَيْهِمُ الْقِيَامَةُ وَلَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ أَرْدَادَ يَقِينًا وَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام سَأَلَ رَبَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُرِيَهُ «كَيْفَ يُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ
 لِيُطْمَئِنَّ قَلْبِي...» ثُمَّ قَالَ: سَلْ حَاجَتَكَ فَقُلْتُ لَهُ: أَنْتَ رَأَيْتَ الْخَلْفَ مِنْ
 بَعْدِ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام؟ فَقَالَ: إِي وَاللَّهِ وَرَقَبَتَهُ مِثْلُ ذَا وَأَوْمًا بِيَدِهِ.^۱

عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: من با عثمان بن سعید عمروی،
 سفیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در خانه احمد بن اسحاق، وکیل امام بودیم.
 احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از جانشین امام عسکری بپرسم، من
 به سفیر امام زمان عثمان بن سعید گفتم: می خواهم سؤالی مطرح کنم.
 سؤال من در اثر شک و تردید نیست، زیرا کیش و آئین من براین است
 که زمین از حجت خالی نمی ماند، مگر چهل روز قبل از قیامت که در آن
 روز حجت خدا به آسمان پر می کشد. در آن روز راه توبه و بازگشت به

ایمان مسدود می‌شود آنسان که بعد از آن نه ایمان کسی پذیرفته شود که تا آن روز کافر بوده است، و نه کردار شایسته مردمان مورد قبول می‌افتد که پاداشی بر آن مترتب گردد. مردمی که در آن چهل روز بر روی زمین باشند بدکاره‌های خلق خدا هستند و عالم هستی بر سر همانان خراب می‌شود. با این اعتقاد و یقین، دوست دارم بر یقین خود بیفزایم. همانا ابراهیم خلیل از خدا مسالت کرد تا به او نشان دهد که چگونه مردگان را زنده می‌کند. و خدا به او گفت: مگر این را باور نداری؟ ابراهیم گفت: «چرا باور دارم. اما می‌خواهم اطمینان و آرامش دل بیابم». من نیز به شما که سفیر امام زمانی و ثوق کامل دارم ...

عثمان بن سعید گفت: سؤال خود را مطرح کن و آنچه حاجت داری بپرس. من گفتم: «تو خودت جانشین امام حسن عسکری را دیده‌ای؟». گفت: آری به خدا. موقعی که او را دیدم گردن او تا این حد رشد کرده بود و به دست خود اشاره کرد ...

۲. شیخ صدوق در کمال‌الدین، قضیه رؤیت امام زمان علیه السلام را در زمان امام حسن عسکری علیه السلام از زبان احمد بن اسحاق قمی نقل می‌کند: عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عليه السلام وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالَ لِي مُبْتَدَأًا: يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَخْلُ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ عليه السلام وَلَا يَخْلِيهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ

يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِ يُنْزَلُ الْعَيْثُ وَبِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ
 قَالَ فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنِ الْإِمَامُ وَالْحَلِيفَةُ بَعْدَكَ فَتَهَضُّ عَلَيْنَا
 مُسْرِعًا فَدَخَلَ الْبَيْتُ خَرَجَ وَعَلَى عَانِقِهِ غُلَامٌ كَانَ وَجْهُهُ الْقَمَرُ لَيْلَةً
 الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ الثَّلَاثِ سَنِينَ فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْ لَا كَرَامَتُكَ
 عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَلَى حُجْبِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَمِيٌّ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَكَتَيْهُ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْنَتْ جَوْرًا
 وَظُلْمًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ (عليه السلام)
 وَمَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقُرْنَيْنِ وَاللَّهُ لَيَغَيِّبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ
 تَبَّئْتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.
 فَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ فَقُلْتُ لَهُ: يَا مَوْلَايَ فَهَلْ مِنْ عَلَامَةٍ يَطْمِئِنُّ إِلَيْهَا
 قَلْبِي؟ فَتَنَطَّقَ الْغُلَامُ عَلَيْنَا بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ فَصِيحَ فَقَالَ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
 وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ آثَرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ...^۱

احمد بن اسحاق بن سعد اشعری می گوید به محضر امام یازدهم ابومحمد حسن بن علی علیه السلام وارد شدم و می خواستم راجع به جانشین پس از او پرسش کنم، آن حضرت آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق به درستی که خدای تبارک و تعالی از هنگامی که آدم را آفریده تا هنگامه قیامت زمین را از حجت خودش که به واسطه وجود او بلاء را از زمین دفع می کند و باران رحمتش را می فرستد و به برکات زمین را استخراج می کند، خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت. گفتم یا

ابن رسول‌الله امام و خلیفه پس از شما کیست؟ آن حضرت شتابان برخاست و درون خانه رفت و سپس برگشت و بر شانه او بچه پسری بود که رویش چون ماه شب چهارده بود، کودک، سه سالی می‌نمود و فرمود: ای احمد بن اسحاق اگر نزد خدای (عزوجل) و نزد حجج او گرامی نبودی من این پسر خود را به تو نشان نمی‌دادم. به درستی او هم نام رسول خدا و هم کنیه او است، او آن کسی است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد هم‌چنان که از جور و ستم پر شده است. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر علیه السلام و مثل ذوالقرنین است. به خدا یک غیبتی دارد که در آن کسی از هلاکت نجات نیابد جز آنکه خدای (عزوجل) او را بر قول به امامت وی ثابت دارد و او را موفق سازد که برای تعجیل فرجش دعا کند. گفتیم: ای مولای من آیا نشانه‌ای دارد که دل من بدان مطمئن شود؟ آن کودک به زبان فصیح فرمود: منم ذخیره خدا در زمین و انتقام‌گیرنده از دشمنان او، ای احمد بن اسحاق پس از مشاهده باچشم، دنبال اثر نگرد....

۳. یکی دیگر از افرادی که امام زمان عج را دیده، عمرو اهوازی است.

مرحوم کلینی و شیخ مفید روایت او را نقل کرده‌اند:
 (عَنْ عَمْرِو الْأَهْوَازِيِّ قَالَ: أَرَانِيهِ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام وَقَالَ: هَذَا صَاحِبُكُمْ)
 عمرو اهوازی گوید: امام حسن عسکری علیه السلام آن حضرت را به من نشان داد و فرمود: این صاحب شما است.^۱

۱. اصول کافی، ج ۱ ص ۳۳۲، ح ۱۲ - الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۴.

فلسفه و علل غیبت

به باور پژوهشگران شیعه، همه اسرار و علل غیبت بر ما روشن نیست؛ اما در روایات بر سه موضوع تاکید شده است:

۱. آزمایش مؤمنین

بنابر منابع دینی اسلام، از سنتهای ثابت الهی، آزمایش بندگان و انتخاب صالحان و گزینش پاکان است. زندگی همواره صحنه امتحان است تا بندگان از این راه در پرتو ایمان و صبر و تسلیم خویش در پیروی از اوامر خداوند تربیت یابند و به کمال برسند و استعدادهای نهفته آنان شکوفا گردد. بر اثر غیبت حضرت مهدی، مردم آزمایش می‌شوند: گروهی که ایمان استواری ندارند، باطنشان ظاهر و دستخوش شک و تردید می‌گردند و کسانی که ایمان در اعماق قلبشان ریشه دوانده است، به سبب انتظار ظهور آن حضرت و ایستادگی در برابر شدائد، پخته‌تر و شایسته‌تر می‌گردند و به درجات بلندی از اجر و پاداش الهی نائل می‌گردند از روایات برمی‌آید که آزمایش در روزگار غیبت، از سخت‌ترین آزمایشهای الهی است و این سختی از دورو است:

اول: چون غیبت طولانی می‌شود، بسیاری از مردم دستخوش شک و تردید می‌گردند. برخی در اصل تولد و برخی در دوام عمر آن حضرت شک می‌کنند و جز افراد آزموده و مخلص و دارای شناخت عمیق، کسی بر ایمان و عقیده به امامت آن حضرت باقی نمی‌ماند.

دوم: سختی‌ها و فشارها و پیشامدهای ناگوار که در دوران غیبت رخ می‌دهد

و مردم را دگرگون می‌سازد، به طوری که حفظ ایمان و استقامت در دین، کاری سخت دشوار می‌گردد و ایمان مردم در معرض مخاطرات شدید قرار می‌گیرد.

۲. حفظ جان امام

از برخی روایات بر می‌آید که خداوند، به وسیله غیبت، امام دوازدهم را از خطر قتل حفظ می‌کند؛ زیرا اگر آن حضرت از همان آغاز زندگی در میان مردم ظاهر می‌شد، او را می‌کشتند. بر این اساس اگر پیش از موعد مناسب نیز ظاهر شود، جان او به خطر می‌افتد و به انجام ماموریت الهی و اهداف بلند اصلاحی خود موفق نمی‌گردد.

۳. آزادی از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان

به نقل برخی روایات، پیشوای دوازدهم، هیچ حکومتی ستمگری را حتی از روی تقیه، به رسمیت نمی‌شناسد. او مامور به تقیه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت حکومت و سلطنت هیچ ستمگری در نخواهد آمد و احکام دین خدا را به طور کامل و بی هیچ پرده پوشی و بیم و ملاحظه‌ای اجرا می‌کند. به عبارت صریح روایت، او غایب است تا وقتی قیام می‌کند، عهد و پیمان و بیعت هیچ حاکم و حکومتی بر عهده‌اش نباشد.

خوش زبانی

گاه دل بایادت احساس جوانی می‌کند این سرشوریده را صاحب زبانی می‌کند
 پیرکشم در گذرگاه جوانی، عمر فرست عاشقی بس، اینک بایادت جوانی می‌کند
 حیرتم زین جذب عشق دل‌نکیزت، چه سگ قرن‌ها از عاشقانت دل‌تانی می‌کند
 خال جانوسیه‌ست دانه دامن است چون ستاره دیده‌ام را آسمانی می‌کند
 آفتاب چهره را گرچه زما کردی غمان بردل تار یک من پر تو فشان می‌کند
 تا شود جانم نظر گاه تو جان سوداکنم زین سبب از جان دل‌شیرین زبانی می‌کند

باشی و صفش چو کفنی شعر تو پاینده شد

یاد او نام تو را هم جاودانی می‌کند

حدیث هفتم: ملاقات گرابی

شیخ صدوق رحمته الله علیه از «حسن بن احمد مکتب» روایت کرد: در آن سالی که ابوالحسن علی بن محمد سمری وفات یافت، من در بغداد بودم و چند روز پیش از وفاتش به محضرش شرفیاب شدم. وی در آن روز، توقیعی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیرون آورد و برای مردم قرائت کرد. متن آن نامه مبارک چنین بود:

حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُكْتَبِيُّ قَالَ: كُنْتُ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ فِي السَّنَةِ الَّتِي تُوُفِّيَ فِيهَا الشَّيْخُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمْرِيُّ فَدَسَّ اللَّهُ رُوحَهُ فَحَضَرْتُهُ قَبْلَ وَفَاتِهِ بِأَيَّامٍ فَأَخْرَجَ إِلَى النَّاسِ تَوْقِيعًا نُسَخْتُهُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمْرِيُّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِنْتَةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةَ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَسَيِّئَاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ الْأَفْسَنَ إِدْعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛ قَالَ فَنَسَخْنَا هَذَا التَّوْقِيعَ وَخَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ السَّادِسَ عُدْنَا إِلَيْهِ وَهُوَ يَجُودُ بِنَفْسِهِ فَقِيلَ لَهُ مَنْ وَصِيكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ اللَّهُ أَمْرُهُو بِالْغُيِّهِ وَ مَضَى رَضَى اللَّهُ عَنْهُ فَهَذَا آخِرُ كَلَامٍ سَمِعَ مِنْهُ ١.

ای علی بن محمد سمری! خداوند اجر برادرانت را در عزای تو عظیم گرداند که تو ظرف شش روز آینده خواهی مرد، پس خود را برای مرگ مهیا کن و به احدی وصیت مکن که پس از وفات قائم مقام تو شود زیرا غیبت تامه واقع شده و ظهوری نیست مگر پس از اذن خدای تعالی و آن پس از مدتی طولانی و قساوت دلها و پر شدن زمین از ستم واقع خواهد شد و به زودی کسانی نزد شیعیان من آیند و ادعای مشاهده کنند، بدانید هر که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند دروغگوی افترا بند است و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. پس؛ حاضرین از آن توقیع استنساخ کردند و از نزد او خارج شدند و چون روز ششم فرا رسید نزد او بازگشته و او را در حال احتضار بود، یکی از مردمان پرسید: وصیّ پس از شما کیست؟ گفت: خداوند را امری است که خود او رساننده آن است و فوت کرد و این آخرین کلامی بود که از او شنیده شد.

شاید یکی از بارزترین آسیب‌های مهدویت در عصر غیبت ملاقات گرایی و مدعیان دروغین مهدویت باشند، مدعیانی که بی‌دلیل یا به ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند، یا کسانی که تمام وظیفه و هم و غم خویش را رسیدن به دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پندارند و از باقی وظایف غافل شده و دیگران را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه، فرامی‌خوانند. اگر چه دیدار حضرت امر مطلوبی است، اما آن چه در عصر غیبت مهم است توجه به دغدغه‌های حضرت و عمل کردن به وظایف یک منتظر واقعی است. و نبود بصیرت و آگاهی نسبت به دین و نشناختن وظایف اصلی و فرعی، از علت‌های مهم این آسیب می‌باشد.

یکی از علمای بزرگوار نقل می‌کردند: در حرم امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف مشغول زیارت بودم، یکی از بزرگان دست بر شانهم گذاشت و گفت: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه سلمان را می‌دیدند، لذت می‌بردند، امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مالک را که می‌دیدند لبخند بر لبانشان نقش می‌بست، آیا شما هم به گونه‌ای شده‌اید که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شما را می‌بینند، لبخند بزنند و راضی باشند...؟»

رواج این آسیب پیامدهای ناهنجاری در پی دارد از جمله:

۱. یأس و ناامیدی در اثر عدم توفیق دیدار.
۲. توهم‌گرایی و خیال‌پردازی.
۳. رویکرد به شیادان و مدّعیان مهدویت، نیابت و مدّعیان ملاقات.
۴. دور ماندن از انجام وظایف اصلی، به دلیل اهتمام بیش از اندازه و غیر متعادل به دیدار.
۵. بدبینی به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به علت عدم دیدار.
۶. احتمال تمایل به انکار وجود مقدس حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

امکان یا عدم امکان تشریف

این تویع شریف و عبارت (فَمَنْ ادَّعى المُشَاهَدَةَ ... فَهُوَ كاذِبٌ مُفْتَرٌّ) زمینه ساز بحث و گفتگوهای فراوانی در زمینه امکان یا عدم امکان ملاقات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت شده و علمای شیعه را به اظهارنظر در این زمینه واداشته است. آنچه از مجموع این مباحث برمی‌آید، این است که دراصل امکان ملاقات با آن حضرت تردیدی نیست و اینکه افراد زیادی در طول دوران

غیبت کبری به این شرافت رسیده‌اند، گواه روشنی برای مدعاست. با این حال، سخن در شرایط و ویژگی‌های آن است. لذا لازم است به چند نکته توجه شود:

۱. همه علمای شیعه اتفاق نظر دارند که در عصر غیبت کبری، باب نیابت خاص، به گونه‌ای که در موردنایبان خاص آن حضرت و در دوران غیبت صغری وجود داشت، بسته شده است. از این رو، هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که با آن حضرت در ارتباط است و هر زمان اراده کند، می‌تواند با ایشان ملاقات کند یا به طور خاص از سوی ایشان نیابت یافته است که اموری را به انجام رساند یا دستورهای را به مردم ابلاغ کند.

۲. در توقیع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر کلمه (ادعا) تأکید شده است، نفرموده‌اند که کسی اعلام کند یا خبر بدهد، بلکه فرموده‌اند کسی ادعا کند. چون اعلام کردن یا خبر دادن نوعی تأیید و قابل قبول بودن را می‌تواند همراه خود داشته باشد در عین حال ادعا کردن، نوعی فراخواندن به سوی خودش را به همراه دارد. یعنی کسی که ادعای ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارد، به نوعی می‌خواهد برای خودش جایگاهی به دست بیاورد و مردم را به سوی خودش بخواند.

۳. بعضی از بزرگان و حتی افراد عادی که در ایمان به درجاتی رسیده‌اند که لیاقت تشرف به آستان مقدس حضرت بقیه‌الله العظم ارواحنا له الفداء را پیدا کنند. خودشان تعریف نکرده‌اند که من آن حضرت را دیده‌ام. و آن را از سایر مردم مخفی نگه می‌داشته‌اند. بلکه از قراین و شواهدی مشخص شده که با آن حضرت دیدار داشته‌اند و از نزدیک ایشان را زیارت کرده‌اند.

۴. ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مستلزم شایستگی‌های ویژه‌ای است که حتی بسیاری از بزرگان به آن دست نیافتند و گروهی هم که به این توفیق دست یافتند، با تلاش‌های فراوانی بوده است.

یکی از علمای بزرگوار وجود «سنخیت» را شرط لازم برای حصول تشریف می‌داند و می‌فرماید: تنها کسانی می‌توانند آن حضرت را ببینند و ایشان را بازشناسند که خود از بُعد مادی عالم خارج شده باشند و با آن حضرت که سلطان عالم مجردات هستند سنخیت برقرار کرده باشند. و تخلیه نفس از رذائل اخلاقی و تحلیه آن به صفات پسندیده، تنها راه ایجاد سنخیت و زان پس تشریف یافتن به محضر آن حضرت است؛ چه، مادام که نفس انسان از صفات رذیله تخلیه نشود و به صفات حمیده آراسته نشود، حجاب‌های نفسانی مانع از دیدن خورشید وجود آن حضرت است.^۱

۵. آیا همه کسانی که ادعا می‌کنند با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ملاقات کرده‌اند، به راستی شخص آن حضرت و وجود واقعی ایشان را دیده‌اند یا احتمال‌های دیگری در این میان وجود دارد؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: احتمال‌ها و فرض‌های مختلفی در این زمینه مطرح است و هرگز نمی‌توان ادعا کرد که همه مدعیان رؤیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به واقع آن حضرت را دیده‌اند.

یکی از علمای بزرگوار می‌فرماید: خیلی از موارد است که انسان بیمار دارد،

شفا پیدا می‌کند یا گم شده ای دارد، پیدا می‌کند، اما آیا اینها به وسیله شخص حضرت است یا اولیای فراوانی که زیر نظر حضرت هستند و یا شاگردان فراوانی که حضرت دارد؟ یا اینکه یکی از اولیای خود را اعزام می‌کند؟ هیچ برهانی بر مسئله نیست که مثلاً آن کسی که شخص گم شده را به منزل می‌رساند یا مشکل کسی را حل می‌کند، شخص حضرت باشد. اولیای فراوانی در خدمت و تحت تدبیر حضرت هستند. حضرت ممکن است به یکی از اینها دستور داده باشند و آن مشکل حل شود.

یکی از علمای بزرگوار می‌فرماید: بسیاری از کسانی که ادعای تشرّف به محضر آن حضرت را داشته‌اند، یکی از یاران خاصّ ایشان را زیارت کرده‌اند؛ چون، همواره پنج گروه از اولیا در محضر آن ولیّ مطلق به سر می‌برند و در خدمت ایشان از جان و دل می‌کوشند. اینان اوتاد، نجباء، نقباء، رجال الغیب و صلحا هستند که اگرچه از جنس دیگر مردمانند، به مراتبی از تهذیب نفس و جلای باطن نائل شده‌اند که می‌توانند در محضر آن حضرت به سر برند. طرفه آنکه غیر از طبقه صلحاء، گویا بقیّه این طبقات دارای تشرّف اختیاری هستند و می‌توانند در هر لحظه ای که طلب کنند، به محضر ایشان بار یابند.

اگرچه شمار اینان به درستی بر ما معلوم نیست، گویا جمعیت حاضر در محضر آن حضرت، بیش از پانصد نفر هستند. اینان دائماً در فرمان آن حضرتند و حوائج شیعیان و مجتبان ایشان را به فرمان آن حضرت روا می‌دارند. از این روست که شماری از کسانی که ادعای تشرّف به محضر آن حضرت را دارند، هر چند واقعاً مورد نظر و فیض خاصّ آن حضرت واقع شده‌اند، اما نه

خود ایشان که یکی از یاران خاصّ ایشان را زیارت کرده‌اند، اما با اصرار مدّعی می‌شوند که خود آن حضرت را دیده‌اند. باید از اینان پرسید: آیا پیش از این ایشان را دیده‌اند که از چگونگی چهره ایشان آگاه باشند تا بتوانند آن حضرت را باز شناسند؟

یاران آن حضرت و به ویژه طبقه رجال الغیب، همواره به امر آن حضرت به میان مردم رفت و شد می‌کنند و حوائج آنان را برطرف می‌سازند. بدین ترتیب، اگر کسی با یکی از مردان الهی روبرو شد که پس از انجام حوائج مادی و یا معنوی او، از دیده نهان گشت، نباید بیندارد که خود آن حضرت را دیده است؛ چه بسا یکی از یاران خاصّ آن حضرت که سر در فرمان ایشان دارند را دیده است.^۱

با توجه به مطالب یاد شده، نباید هر عنایتی را که از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شخصی می‌شود و هرگونه گره‌گشایی را که از سوی آن حضرت صورت می‌گیرد، به حساب ملاقات یا تشرّف گذاشت. همچنین نباید هر ادعای تشرّفی را به سادگی پذیرفت و برگفته‌های مدعی مهر تأیید زد.

گل اشک

گریفتند ز سر کوی تو روزی گذرم از همه هستی این ملک جهان می گذرم
 به امیدمی که کنارت نشینم ای گل بهجو بلبل سحرها ز غمت نغمه گرم
 لطف کردی مُرا بنده کویت خواندی چون به این بندگیست نزدشمان مفتخرم
 شود آیا که به لطفست نظری پیمایی که غبار قدست سرمه چشمان ترم
 شود آیا که بروید به زکا هم گل اشک ما که آبی بزخم بر ترف سوز بجرم
 غمزن طی شده ادوست به عصیان و کنه من به جا مانده ام از قافله و در بدرم

باشمی خواست برآرد همّت به دعا

که دعا کوی وجودت همیشه با تاحرم

حدیث هشتم: سیر و سلوک مهدوی

قال الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف : فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقَرِّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَلْيَتَجَنَّبَ مَا يُؤْذِنُهُ مِنْ كِرَاهِيَّتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ امْرَأً يَبْغَتْهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبُهُ، وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبِهِ^۱.

هر یک از شما باید به آنچه که او را به دوستی ما نزدیک می‌سازد، عمل کند و از آنچه که خوشایند ما نبوده و خشم ما در آن است، دوری گزیند، زیرا خداوند به طور ناگهانی انسان را می‌گیرد، در وقتی که توبه برایش سودی ندارد و پشیمانی او را از کیفر ما به خاطر گناهش نجات نمی‌دهد.

این تعابیر، بخشی از نامه‌ای است که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شیخ مفید رحمته الله فرستاده است. حضرت بعد از تأیید ایشان و ذکر سفارش‌ها و دستورهای گوناگون خطاب به شیعیان می‌فرماید: هر فرد از شیعیان باید کاری را انجام دهد که به محبت ما اهل بیت نزدیک شود، و از کارهایی که موجب کراهت و ناخرسندی ما می‌شود، اجتناب و دوری کند.

روشن است محبت و کراهت اهل بیت علیهم السلام جنبه‌ی فردی و شخصی ندارد، بلکه ملاک خدایی است؛ زیرا هرگاه اهل بیت علیهم السلام مشاهده کنند که شیعیان

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳ و ۳۲۴ - بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، ح ۷.

و منتسبان به آنان، کارهایی را انجام می‌دهند که مورد رضایت الهی است، و نیز از کارهایی که مورد سخط و غضب خداوند است اجتناب می‌کنند، خوش حال می‌شوند و به آنان می‌بالند.

وسائل و راه‌های قرب و نزدیک شدن به حضرت ولی عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجَعَلَ الْقَرِيفَ

۱. معرفت و شناخت
۲. به یاد آن حضرت بودن در همه اوقات؛ کسی که خواهان ارتباط قلبی با امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
وَجَعَلَ الْقَرِيفَ است، از یاد و نام محبوب خود غافل نمی‌شود و پیوسته در فکر و اندیشه او است. شخص مؤمن، در هیچ حالی از حالات و هیچ وقتی از اوقات و هیچ مکانی از مکان‌ها از یاد امامش و انتظار قدم مبارک او، خالی و فارغ نیست.
- وقتی امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ از امام غایب و نعمت باطنی خدا یاد کرد. فردی پرسید: آیا از امامان کسی غائب می‌شود؟ فرمود: (نعم یغیبُ عن ابصار النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا یَغِیْبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ ذِکْرَهُ وَ هُوَ الثَّانِیَ عَشَرَ مَنَّا) بلی، شخص او از دیدگاه‌های مردم غائب می‌شود: ولی یاد او از دل‌های مؤمنان پنهان نمی‌شود و او دوازدهمین نفر از ما است.^۱
۳. انتشار دادن نام و یاد آن حضرت در بین مردم؛ هر شیعه‌ای می‌تواند در تحلیل و بزرگداشت از امام زمان خود در جامه بکوشد. این کار (یعنی گرامیداشت امام عصر در جامعه)، از غربت آن مولا می‌کاهد و توجه همگانی را به ایشان بیشتر می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

۴. دعاء برای تعجیل فرج در هر صبح و شام در اوقات اذان که در توفیع شریف فرمودند: «و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم» برای تعجیل ظهور زیاد دعا نمایید که آن فرج و رهایی شما است.
۵. انفاق مال برای سلامتی آن حضرت؛ همه ما می دانیم که کمک به فقرا (یا همان صدقه) رفع بلا می کند، پس می توانیم با دادن صدقه از طرف امام عصر در رفع بلا از وجود شریفش گام برداریم.
۶. صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله برای سلامتی حضرت.
۷. یاری رساندن به شیعیان آن حضرت و رفع مشکلات دوستان آن بزرگوار؛ بخش مهمی از دغدغه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به گرفتاری شیعیان مربوط می شود. شیعیان، خانواده امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می آیند. آن حضرت، به واسطه گرفتاری شیعیان اندوهگین می شود و از بابت پیروزی و نجات آنان شاد می گردد.
- در تعالیم اهل بیت علیهم السلام بیان شده که خوشحال کردن شیعیان ائمه در حکم خوشحال کردن خود آنهاست، دیدار و عیادت از شیعیان در حکم دیدار و عیادت از خود اهل بیت علیهم السلام است و کمک مالی به شیعیان گرفتار به منزله کمک مالی به خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.
- بر این مبنا اگر کسی نسبت به شیعیان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف احساس وظیفه کند، گویی نسبت به پاسداشت حریم خود امام عصر غیرت ورزیده و به شخص ایشان یاری رسانده است.
- بیاید به نیت یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به یاری شیعیان گرفتار آن حضرت

بشتاییم و به نیت خدمت به امام زمان در عزت بخشیدن به جامعه ی شیعه کوشا تر از پیش گام نهمیم .

۸. دعوت از دیگران جهت بهره مند شدن از برکات امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف ؛ هر شیعه که نعمت وجود امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف را درک کرده و حلاوت عنایات او را چشیده باشد، می تواند وجود این نعمت را به دیگران خبر دهد و از آنها دعوت کند که با توسل به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف از عنایات او بهره مند گردند . ارجاع دیگران به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف برای رفع نیازهای مادی و معنوی شان کاری بسیار ساده است . این کار زمینه در غربت زدایی از این مولای کریم بسیار مؤثر است .

۹. زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و گریه بر سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام ؛ از نکات جالب توجه دیگر در ابراز محبت به آن بزرگوار، گریستن در مصیبت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و خواندن زیارت آن حضرت است از اموری است که بدون تردید از عظیم ترین و مهم ترین وسایل تقرب یافتن به حضرت است . امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: (هر کس قبر پدرم [ابی عبدالله] را زیارت کند، همانا رسول خدا را صله نموده و پیوند ما را گرامی داشته و غیبتش حرام می گردد و بدنش بر آتش (دوزخ) حرام می شود) .

۱۰. سلام روزانه به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف ؛ سلام روزانه به حضرت مخصوصاً در روزهای دوشنبه و پنج شنبه که اعمال عموم خلایق بر آن حضرت عرضه می شود، نیز توصیه شده است .

۱۱. حفظ شئون اسلام، تقوا و پرهیز از محرّمات؛ آنچه که از کلمات گهربار خود آن وجود مقدس دانسته می شود تنها چیزی که نمی گذارد به آن حضرت نزدیک شویم و حضرت را ملاقات کنیم اعمال سوء ماست که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ناراحت می سازد درحقیقت علت اصلی این حجاب بین ما و آن حضرت در خود ماست.

در تشریح علی بن مهزیار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همین نکته را اشاره فرمودند؛ که علی بن مهزیار نقل می کند که پس از توسلات بسیار، در یک سفر در جستجوی آن وجود مقدس به مکه مشرف می شود شبی در مسجدالحرام مقابل درب کعبه شخص وارسته ای را می بیند که پس از سلام و معرفی خود به این که از سوی حضرت مامور بُردن پسر مهزیار به جهت زیارت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از پسر مهزیار می پرسد: چه چیزی را طلب می کنی ای ابالحسن؟ گفتم: امامی که محجوب و مخفی از عالم است. گفت: او از شما پوشیده و مخفی نیست و لکن اعمال بد شما او را از شما پوشانده و مخفی ساخته است. وقتی آن شخص با مقدماتی فرزند مهزیار را خدمت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف می برد حضرت در قسمتی از سخنانشان خطابه به او می فرماید: ای ابوالحسن شب و روز توقع و انتظار آمدن تو را داشتم، چه چیز آمدنت را نزد ما تاخیر انداخت؟ پسر مهزیار در جواب می گوید: ای آقای من تا الان کسی را نیافته بودم که مرا راهنمایی کند. حضرت فرمودند: کسی

را نیافتی که راهنمایت کند؟ آنگاه با انگشتان مبارکشان بر روی زمین فشار دادند و سپس فرمودند : ولکن شما امواتان رازید نمودید، ضعفاء مؤمنین را دچار حیرت ساختید و بین خود قطع رحم نمودید پس الان برای شما چه عذری مانده است؟!!!

کاشانه دل

نیست یاری بجز از عشق تو در خانه دل
 غم تو دیر بیاید به مبارک بادم
 مهر تو گنج گرانمست بویانه دل
 که زده خمیسه در این گوشه غمخانه دل
 تا بنوشم نمی از جام تولای شما
 خرمین جان به سر شمع تو خاکتر شد
 سالها حلقه زدم بر در میخانه دل
 آفرین بر دل و خاکت پر وانه دل
 شمه گشته م ز نگاه تو بدیوانه دل
 ما که افتاد بر این پیر خرد سایه تو
 به گدایی تو عمری بس آوردم من
 بر سر نقره بی منت شاهانه دل
 جان من باد به قربان تو ای جان جهان
 که تو جان بخش جهان هستی و جانانه دل
 تو گشودی درمی از غیب به جان و دل من
 شده ام تا به ابد ساکن کاشانه دل
 هاشمی پای ادب بوسد و می گوید فاش
 که فدای تو دل و دیده به شکرانه دل

حدیث نهم: نقش شیعیان در تعجیل ظهور

قال الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف : وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِيَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يُحْسِنُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ^۱.

اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صدافتی از آنان نسبت به ما؛ علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.

این جملات، قسمتی از نامه ای است که از ناحیه مقدّس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف برای شیخ مفید رحمته الله علیه فرستاده شده است. حضرت در این نامه، بعد از سفارش های لازم به شیخ مفید رحمته الله علیه، انتظارات خودشان را از شیعیان بیات می فرمایند. مضمون این توفیق در حقیقت بیانگر چند نکته اساسی است:

۱. خداوند متعال از شیعیان عهد و پیمان گرفته که از امامان پیروی کنند و

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹ - بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

- این پیروی سبب تشرف به لقای امام زمان خواهد بود.
۲. دوری از حضرت ثمره کارهای ناپسند دوستان و شیعیان است. (فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ)؛ و لذا اعمال شایسته می تواند در تسریع ارتباط با امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ النَّبِيِّ مؤثر باشد.
۳. طولانی شدن غیبت نتیجه عدم همدلی شیعیان است. (عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا)
۴. همدلی شیعیان در وفای به عهد با آن حضرت می تواند عاملی برای تعجیل در ظهور باشد. (لَتَعْجَلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا)

مراد از عهد و پیمان

درباره مراد از عهد و پیمانی که در این روایت بدان اشاره شده، چنداحتمال داده شده است:

۱. استقامت و پابند بودن بر خط و مسیر اسلام ناب بدون هیچ انحراف.
۲. یاری رساندن به امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ النَّبِيِّ از راه ایمان و عمل صالح.^۱
۳. منظور از وفای به عهد همان عهد و میثاقی است که خدای متعال در عالم ذر از انسان ها گرفت. مفاد کلی این عهدیات این بود که انسان ها ربوبیت خدا، نبوت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ولایت ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را بپذیرند و در دنیا رفتار صحیحی در قبال این موضوعات داشته باشند، علاوه بر این، به این بزرگواران ایمان آورده و در دنیا نصرتشان کنند.

۱. الإمام المهدی من المهدی الی الظهور، ص ۳۰۰ - ۳۰۱.

نقش شیعیان در تعجیل ظهور

برای یک انقلاب و یک اتفاق فقط یک رهبر و فرمانده کافی نیست، بلکه در کنار آن باید افرادی حضور داشته باشند که در بحث‌ها و گفتگوها شرکت کنند و اهداف قیام را برای مردم بیان کنند و با مساله انقلاب و شکل‌گیری آن آشنا شوند. شیعیان باید زمینه‌های ظهور را فراهم آورند. فراهم آوردن زمینه‌های ظهور، از جمله شرایط ظهور به حساب می‌آید، و تا زمینه ظهور فراهم نشود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نخواهد کرد. باید توجه داشت که برخی از شرایط ظهور، با گذشت تاریخ و ظلم و جور انسان‌ها، پیشرفت علم و دانش بشری و در نتیجه آگاهی مردم دنیا و ناامید شدن مردم از حکومت‌های مختلف فراهم می‌شود؛ و برخی دیگر از آنها به دست ما انسان‌ها و دوستداران آن حضرت فراهم آید. یکی از حکمت‌های غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، آماده بودن جامعه بشری برای محقق کردن آن هدف والای امام عصر است که استقرار عدالت است. این استقرار عدالت، پذیرش عدالت هم می‌خواهد و فقط مجری آشنای به مواضع عدالت، کافی نیست. لذا هر چه پذیرش عدالت و آمادگی برای ظهور زودتر فراهم شود، ظهور، نزدیک‌تر پدید می‌آید. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند تا تشکیل حکومت اسلامی جهانی بدهد از این رو ظهور حضرت زمانی به وقوع می‌پیوندد که چنین زمینه‌ای هم وجود داشته باشد، برخی از آمادگی‌های لازم برای ظهور عبارتند از:

۱. آمادگی فکری و فرهنگی: یعنی سطح افکار مردم جهان چنان بالا رود که بدانند مثلاً مسئله «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیایی» مسئله قابل

توجهی در زندگی بشر نیست و تفاوت رنگ ها و زبان ها و سرزمین ها نمی تواند بشر را از هم جدا سازد.

۲. آمادگی اجتماعی: مردم جهان باید از ظلم و ستم و نظامات موجود خسته شوند، تلخی این زندگی مادی و یک بُعدی را احساس کنند و حتی از این که ادامه این مسیر ممکن است در آینده مشکلات کنونی را حل کند، مأیوس گردند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: تا همه اصناف مردم به حکومت نرسند حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى قیام نمی کند برای اینکه وقتی حکومتش را تشکیل داد کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم.^۱

۳. آمادگی های تکنولوژی و ارتباطی: برخلاف آنچه بعضی می پندارند که رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت، تنها با نابودی تکنولوژی جدید امکان پذیر است، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال باشد.

۴. آمادگی های فردی: حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى زمانی ظهور می کند که یاران آماده ای داشته باشد، زیرا او می خواهد جهانی عمل و اصلاح کند و حکومت جهانی قبل از هر چیز نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی است تا بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را به دوش بکشد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرمایند: امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ظهور نمی کند، مگر آن

که تعداد آنان به ده هزار نفر برسد.^۱

شیخ حر عاملی می‌گوید: در روایت است که تعداد کامل سپاه امام

زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صد هزار نفر است.^۲

۵. آمادگی نظامی: مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری

داشته باشد، تا به هنگام طلوع حق، به صف پیکارگران رکاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیوندند، و در آن نبرد بزرگ حق و باطل، حماسه آفرینند و کمک رسانند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: باید هر یک از شما برای خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه.^۳

خلاصه سخن:

هر نهضت و انقلابی در صورتی امکان پیروزی دارد که زمینه آن از هر جهت

فراهم باشد و اوضاع و شرایط کاملاً آماده باشد یکی از شرائط مهم موفقیت

این است که عموم ملت خواستار آن انقلاب باشند و افکار عمومی برای تأیید و

پشتیبانی آن مهیا باشد و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از این قاعده و قانون

خارج نمی‌باشد و علاوه بر این به آمادگی‌های دیگری از جمله آمادگی فکری

آمادگی تکنولوژی و ارتباطی و آمادگی نظامی نیز نیاز می‌باشد. بنابراین ظهور

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم به یاران و هم به شرایط و اوضاع جامعه جهانی بستگی

دارد.

۱. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

پادشاه حسن

ای جلوه منور انوار ذوالجلال ای صورت تجلی آیت ذوالجلال
 در کوی وصل توست که عمری دیده‌ام شاید جلواتی رسد ای مایه وصال
 از پادشاه حسن عطا و کرم سزد بخشد به زندگان به تمنای هر سوال
 بویی ز وصل خود به دل و جان ما ببار تا کی فسرگی ز بسیاره و قیل و قال
 آمدند از هاتف غیبم هر گهی گر عاشقی بسوز و مگو هیچ از ملال
 من آرزوی وصل تو دارم تمام عمر نو میدکی روم ز درمخزن کمال
 ماه مبارک است و سحر موسم دعا با تو سخن دراز کنم یار بی مثال
 دارد امید هاشمی بی قرار تو بوسه زندغال توای نور ماه و سال

گر من تنهای غیر تو گویم هزار درد

کرد زبان من به دهانم همیشه لال

حدیث دهم: انتظارات امام زمان از شیعیان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ.... الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَمْرِهِ.....^۱
 خداوندا ابگردان مرا، از کسانی که شتاب به سوی اومی کنند در برآوردن حاجتهای او، و از کسانی که فرمان بردارند.

این جملات، بخشی از دعای عهد است. دعای عهد از جمله دعاهاى بسیار با برکتی است که محتوایی سازنده و عباراتی عاشقانه دارد که والهان سرگشته را به خوبی به خود جلب کرده است. این دعای عهد را شیدایان و والهانی درک می‌کنند که معارف آن را به فراخور ظرفیتشان دریافته باشند و با معرفت به زمزمه این دعا پردازند. بزرگان و عارفانی که همه چیزشان را در راه عشق به حضرت در طبق اخلاص گذاشتند، با این گونه دعاها زندگی می‌کردند و جان تشنه خویش را با آنها سیراب می‌کردند.

در این جملات از خدا می‌خواهیم که ما را از کسانی قرار دهد که در اطاعت از اوامر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و برآوردن انتظارات و خواسته‌های آن حضرت، بر دیگران پیشی بگیریم. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف انتظاراتی دارد که انتظارات شخصی و فردی نیستند و به همین دلیل، خطابات و دستورات او از سر دوستی و از راه

۱. البلد الامین، ص ۸۳-بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۸۴.

شفقت و دلسوزی است؛ چنان که خود حضرت در سخنان پر مهر و محبتش می‌فرماید: (لَوْلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلاَحِكُمْ وَ الْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مُخَاطَبَتِكُمْ فِي شُغْلٍ) اگر محبت صلاح و خوبی شما در نزد ما نبود و نسبت به شما دلسوز و مهربان نبودیم، شما را مخاطب [گفته‌های] خود قرار نمی‌دادیم.^۱ با توجه به این نکات، آنچه در این مقال مورد توجه قرار می‌گیرد، برخی انتظارات هدایتگر و سعادت آفرینی است که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در زمان غیبت خویش از شیعیان و پیروان خویش دارد. این انتظارات عبارت‌اند از:

۱. تقوا و تسلیم

از مهم‌ترین انتظارات آن حضرت از شیعیان و پیروان خویش، این است که تقوای الهی را پیشه خود ساخته، سرا پا تسلیم اوامر و نواهی امامان معصوم باشند. در این صورت است که سعادت دنیوی و اخروی انسان تأمین می‌شود. آن امام رئوف و مهربان می‌فرماید: (فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِصْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْأَيَادُ وَلَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ) از خدا بترسید و تسلیم [امر] ما شوید و کارها را به ما واگذار کنید. پس بر ماست که شما را از سرچشمه [معارف] سیراب گردانیم، همان‌گونه که بردن شما به سوی سرچشمه به وسیله ما بوده است، و در پی آنچه از شما پوشیده شده است، نروید.^۲

۲. جلب محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و ترک گناهان

یکی از انتظارات امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام که از شیعیان خویش دارد، این است که

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

در پی جلب و کسب محبت ما اهل بیت باشید و از انجام گناه و اموری که باعث ناراحتی و رنجش می شود، به شدت پرهیز نمایید. آن حضرت در سخن خیرخواهانه خود چنین می فرماید: (فَلْيُعْمَلْ كُلُّ امْرٍءٍ مِنْكُمْ مَا يُقَرِّبُ بِهِ مِنْ مُحَبِّبِنَا وَلِيَّتَجَنَّبَ مِنْ كَرَاهِينِنَا وَ سَخَطِنَا) پس باید هر یک از شما [شیعیان] کارهایی را که موجب جلب محبت ما می گردد، انجام دهد و باید از کارهای ناپسندی که خشم و غضب ما را در پی دارد، اجتناب کند.^۱

بر اساس اصول عقلانی و وحیانی، اگر کسی بخواهد محبوب کسی باشد باید نوعی مناسخت و مناسبت میان خود و محبوب ایجاد کند. اصولاً حب و محبت زمانی شکل می گیرد که انسان چیزی را بپسندد و به آن علاقه مند شود و عواطف و احساساتش تحت تاثیر آن قرار گیرد و شوق و ذوق دیدار و وصل در دل پدید آید.

همواره میان دو طرف محبت نوعی مشابهت و مناسبت وجود دارد؛ زیرا اگر چنین سنخیت و تناسبی نباشد، شوق و اشتیاق قلبی پدید نمی آید، بنابراین اگر میان دو طرف دوستی و محبت سنخیت و مناسبتی وجود نداشته باشد، تنها ادعای محبت است و هیچ واقعیتی ندارد.

کسی که مدعی محبت شود ولی وقتی محبوب از او خواسته ای داشته باشد و انجام ندهد یا حتی بی تفاوت و بلکه خلاف آن عمل کند، در محبت و دوستی دروغگویی بیش نیست. پس کسانی که مدعی دوستی و محبت هستند و به دشمنی با محبوب برمی خیزند جزو منافقان و دروغگویان خواهند بود و نه تنها

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

بهره‌ای از مسلمانی نبرده‌اند، بلکه بهره‌ای از اخلاق و رفتار نیک انسانی مبتنی بر فطرت عقل نیز نبرده‌اند.

بنابراین، هر مسلمان مدعی دوستی خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ باید این دوستی و محبت خود را در عمل نشان دهد و شکی نیست که اطاعت از محبوب، نخستین و ابتدایی‌ترین نشانه دوستی و محبت کسی است.

در بیان دیگری امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ، حرکت در مسیر محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را این گونه از شیعیان خواسته است: (وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَ تَعْدِلُوا إِلَى الْيَسَارِ وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ) از راست به چپ منحرف نشوید و مقصد خود را با دوستی ما طبق سنت [الهی و نبوی] روشن به سوی ما قرار دهید.^۱

و قطعاً کوچک‌ترین انحرافی که در بین شیعه ایجاد شود قلب امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ را سخت ناراحت و رنجور خواهد کرد. به همین جهت، آن یار پرده‌نشین با قلب آکنده از رنجش و غصه، شکوه خویش را از دست شیعیان جاهل و منحرف به این صورت اظهار می‌دارد: (قَدْ آذَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حَمَقَاؤُهُمْ وَ مَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبُعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ) به حقیقت نادانان و کم‌خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه بر دین آنها برتری دارد، ما را آزار می‌دهند.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

۳. همدلی و اتحاد

از دیگر انتظارات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از شیعیانش این است که همدل و متحد باشند؛ چرا که همدلی هم موفقیت دنیوی آنها را در پی دارد، و هم زمینه تعجیل فرج و ظهور عدالت گستر جهان را فراهم می‌سازد.

وحدت شیعه مهم‌ترین استراتژی عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و هر میزان وحدت شیعه در این عصر آسیب بیند، موجودیت جبهه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آسیب می‌بیند و دشمن امکان آسیب رساندن به آن را پیدا خواهد کرد؛ لذا وحدت یک ضرورت در عصر انتظار است و تک تک منتظران باید به این بلوغ برسند که، نباید این وحدت شیعه آسیب بیند و هر امری که بنا داشت به این وحدت شیعه آسیب بزند باید با آن مقابله شود.

هر عمل اخلاقی که در سبک زندگی منتظرانه به وحدت شیعه آسیب بزند، رذیله اخلاقی محسوب شده و باید از آن دوری شود، به عنوان مثال غیبت یک گناه کبیره است که در میدان مبارزه جبهه حق و باطل انجام غیبت موجب واگرایی میان جبهه خودی می‌شود.

دروغ، بهتان، حسادت، تکبر و ... از ویژگی‌های اخلاقی است که در دوران غیبت به عنوان یک خیانت بزرگ محسوب می‌شود زیرا این رفتارها، مشکلات و زهری را در جبهه انتظار ساطع می‌کند که موجب تضعیف این جبهه می‌شود. در مقابل، فضایل اخلاقی سبک زندگی منتظرانه در رفتار با دیگران، رفتارهایی هستند که موجب همدلی، صمیمت، مهربانی، وحدت، انس و الفت در جبهه انتظار می‌شود و افراد این جبهه را به مشت گره کرده تبدیل می‌کند، به

عنوان مثال سخاوت از جمله فضایل اخلاقی است که موجب نزدیکی مومنین می شود زیرا به شدت قلوب مومنین و حق پرستان را به یکدیگر متصل می کند. صفات و فضایل اخلاقی که در کتب اخلاقی مطرح است، در سبک زندگی منتظرانه و در جبهه مبارزاتی حق و باطل عظمت و فضیلت اجتماعی پیدا می کند و رذایل اخلاقی در این مسیر، بزرگترین خیانت محسوب می شود.

۴. دعا برای فرج

مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف از شیعیانش انتظار دارد و مجدّانه می خواهد که برای فرج دعا کنند؛ آنجا که فرمود: (اَكْتَبُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ) برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید؛ زیرا همین موجب فرج و گشایش شماست.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر صد مرتبه بگوید: «اللهم صل على محمد وال محمد وعجل فرجهم» نمیرد تا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را دریابد.^۲

حضرت عسکری علیه السلام دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه های دوران غیبت دانسته، و می فرماید: (وَ اللَّهُ لَيَغَيِّبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَقَّعَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ) به خدا سوگند [او] غیبتی خواهد داشت که در آن تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خداوند آنها را بر قول به امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است.^۳

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۴.

۲. مصباح المتعهد، ص ۳۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۲- کمال الدین و تمام التعمه، ص ۳۸۴.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: هر مومنی که در مجالس سوگواری پس از ذکر مصایب حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای من دعا کند، من برای او دعا می نمایم.^۱

۵. مراجعه به علما

در دوران غیبت کبری، هر چند دست الطاف امام زمان عجل الله تعالی فرجه از پشت ابرهای غیبت بر سر امت و شیعیان سایه افکنده است، اما نیاز مبرم وجود دارد که برای سرپرستی امت و شیعیان و هدایت و گره گشایی از مشکلات آنان، فرد و یا افرادی باشند تا مردم با مراجعه به آنها تفسیر سخنان امامان خویش را به دست آورند و پاسخ پرسشهای خود را دریابند و صراط مستقیم را به پشتوانه فکری و علمی آنان طی نمایند. به همین جهت، آن امام رئوف و دلسوز برای دوران غیبت تدبیری اندیشیده و مردم را به فقها و مراجع تقلید ارجاع داده اند؛ چنان که فرموده اند: (وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) حوادث پیش آمده، به روایان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان هستم.^۲

نکته:

۱. منظور از روایان حدیث در توقیع شریف ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قطعاً کسانی نیستند که الفاظ حدیث را بدون تفهّم و تفقّه در مفاد آن نقل می کنند؛ بلکه مقصود فقها و اهل نظراند که از ناحیه آن حضرت، حجّت بر مردم هستند.

۱. مکالمات المکارم، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۳، ح ۲۱.

۲. منظور از حوادثی که به وقوع می‌پیوندد و مردم باید در آن حوادث به علما مراجعه کنند، یقیناً امور اجتماعی و مختلف است؛ نه صرفاً بیان احکام و مسائل شرعی حلال و حرام.

شیخ انصاری در کتاب مکاسب، می‌فرماید: منظور از «حوادث واقعه»، همه اموری است که عقلاً و شرعاً در مورد آن، باید به حاکم مراجعه کرد.

۶. پرداخت سهم امام عَلَيْهِ السَّلَامُ

حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ سفارش اکید و انتظار و توقع جدی از مردم دارد که واجبات مالی خود را بپردازند و در سهم امام تصرف نکنند؛ لذا فرمود: (فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ مِنْ مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَيْفَ يَحِلُّ ذَلِكَ فِي مَا لَنَا) [وقتی] برای کسی جایز نیست که در مال دیگران بدون اجازه آنان تصرف کند، پس چگونه این کار در مال ما حلال شمرده می‌شود!؟^۱

و در بیانی دیگر، به شدت کسانی را که سهم امام را نمی‌پردازند، تهدید کرده، می‌فرماید: (مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَ سَيَصْلِي سَعِيرًا) هر کس [به ناحق] چیزی از اموال ما را بخورد، همانا آتش می‌خورد و به زودی به صورت در آتش جهنم می‌افتد.^۲

البته این امر را نیز گوشزد فرموده است که مالی را که به عنوان سهم امام می‌پردازید، باید از راه حلال به دست آمده باشد. و الاً مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. فلسفه پرداخت واجبات مالی و سهمین هم این است که مردم

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۱.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۱.

پاکیزه شوند و روح آنها جلا پیدا کند.

در این باره مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجِبَابُ الشَّرِيفِ فرمود: (أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا تَقْبَلُهَا إِلَّا لَتَطَهَّرُوا فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ) اما اموال شما [که به ما می‌رسانید،] پس ما آنها را نمی‌پذیریم، مگر برای اینکه پاکیزه شوید. هر کس می‌خواهد، آنها را به ما برساند و هر کس می‌خواهد، نرساند، پس آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است.^۱

نسخه دیدار

ای نسیم سحری با تو مرا کاری هست در دل سوخته ام دلبر و دلداری هست
 گر گذارت به در خانه یارم افتاد گو به یارم که تو را عاشق بیماری هست
 بوسه ای ده به تمنای غبار راهش چونکه بین من او حاجب دیواری هست
 گو به آن یار سفر کرده قدم رنجبه نما که پذیرای شما دیده خونباری هست
 گو گویی یاد کن از بنده بی پاوسرت که دعا گوی تو با آه شرّ رباری هست
 گو به آن خواجه افلاک نظر کن بر خاک گرچه زیر قدمت بنده بسیاری هست

ای نسیم سحری، گو به نگارم سحری

هاشمی در طلب نسخه دیداری هست

حدیث یازدهم: دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: تَكَرَّرْ فِي لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءَ سَاجِداً وَقَائِماً وَقَاعِداً وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَفِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَكَيْفَ مَا أَمَكَنَّكَ وَمَتَى حَضَرَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَمْجِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُهْدِيِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً وَنَاصِراً وَدَلِيلاً وَعَيْناً حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

خدایا برای ولیات باش محمد بن حسن المهدی در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و نگهبان و پیشوا و باور و راهنما و دیده بان، تا او را با رغبت مردم در زمینت سکونت دهی و زمانی طولانی بهره مندش سازی.

یکی از مهمترین وظایفی که شیعه منتظر در عصر غیبت و انتظار، بر عهده دارد، دعا برای تعجیل فرج و ظهور حضرت صاحب الامر روحی و ارواح العالمین له الفداء و سلامتی آن حضرت است. البته دعا در این باره، همچون سایر موارد، به هر زبان و بیانی که باشد مقبول درگاه الهی بوده و چندان تفاوتی نمی کند. آنچه مهم است، روح دعا و شرایط کیفی آن است که در منابع روایی

۱. مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۶۳۰ - فلاح السائل، ج ۱، ص ۴۶ - مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۸۳.

و دینی ما فراوان به آن توصیه شده است. در این میان، اهمّیت و ارزش دوچندان ادعیه مأثوره (دعاهایی که از زبان مبارک اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صادر شده‌اند) براحدی از شیعیان پوشیده نیست. یکی از این دعاها؛ دعای معروفی است که برای سلامتی امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌ه الشریف در منابع مختلف نقل شده است.

نکات دعا

قبل از شرح و توضیح این دعای شریف چند نکته لازم به یادآوری است:

۱. در روایات وارده، این دعا را برای شب بیست و سوم ماه رمضان نقل شده است اما در تمام ماه رمضان و همچنین در تمام لحظات عمر، خواندن این دعا مناسب است. و تکرار این دعا در هر شبانه‌روز و در نمازها، شایسته و مناسب است.

۲. دعا کردن برای ولی نعمت و امام زمان ساعت خاصی ندارد، بلکه باید تمام لحظات را با یاد او سپری کرد. از این‌رو، بزرگان و عاشقان یوسف زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ نمازهایشان را با دعا برای امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌ه الشریف مزین می نمودند.

۳. در دعای «اللهم کن لولیک» با عبارت‌های مختلف برای سلامتی امام دعا شده است. در این دعا با شش واژه «ولیا»، «حافظاً»، «قائداً»، «ناصرأ»، «دلیلاً» و «عیناً» از خداوند خواسته شده تا سرپرست و ولی امام باشد و او را تحت حفظ، رهبری، نصرت و حراست خود قرار دهد. و چون کلمه «ولی» جامع‌تر از سایر واژگان است و به همین جهت نخست ذکر شده است، واژه «حافظاً» نیز به دعا برای سلامتی امام تصریح دارد.

۴. «فی هذه الساعة» به شب قدر (۲۳ ماه رمضان) اشاره دارد و «فی کل ساعة» بیانگر توجه و دعای همیشگی برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. براساس این دعا، دعا کننده در لحظه خواندن دعا و در همه لحظات خواستار سلامتی و نصرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.
۵. دعا کردن برای سلامت آخرین حجت الهی، سیره و سنت پیشوایان در همه حال و در بهترین حالات، به هنگام نماز و راز و نیاز بوده است.
۶. فقره‌های این دعا، بیانگر ایمان و اخلاص شیعه منتظر نسبت به امام غایب بوده و نشان از سوز هجران او نسبت به محبوبش دارد.
۷. این دعای شریف با تفاوت‌های اندکی در عبارت، در منابع مختلف روایی (از جمله کتاب کافی - فلاح السائل - المزار - مصباح المتعجد و...) ذکر شده است.

شرح دعا

در این بخش، می‌کوشیم تا به ترجمه و توضیح بسیار مختصری پیرامون هر یک از فقرات این دعای شریف پردازیم. به این امید که بتوانیم اندکی از معارف بلند این دعای شریف را بیان کنیم:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ - صلواتك عليه و على آبائه - في هذه الساعة و في كلِّ ساعة»

«ولیتک» در لغت به معنای نزدیکی، قرب و مباشر است. چنان که در عرب می‌گویند: «تباعدنا بعد ولی؛ یعنی بعد از نزدیکی دور شدیم». بنابراین، بین دو چیز بسیار نزدیک به هم - که فاصله‌ای نباشد - از این لفظ استفاده می‌شود.

«ولی» در اصطلاح متون دینی و اسلامی براساس آیات و روایات، خصوصاً واقعه غدیر خم و حدیث (من كنت مولاة فهذا علی مولاة) به معنای سرپرست است. بنابراین «ولی» را درباره معصومان علیهم السلام به معنای دوست انگاشتن، بزرگ‌ترین جفا بر کلمه «ولی» در طول تاریخ محسوب می‌شود که برخی از انسان‌ها را از مسیر هدایت دور کرده است.

ائمه معصومین علیهم السلام، هم خود و هم فرزندان و جانشینان خود را با این کلمه معرفی نموده‌اند. مانند این که امام رضا علیه السلام در دعا برای فرزندش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه می‌دارد: «اللهم ادفع عن ولیک...»

بنابراین، ولی در اصطلاح به معنای سرپرست، و در لغت به آن دو چیزی می‌گویند که آن چنان به هم نزدیک هستند که فاصله‌ای بین آنها نیست. لذا، خداوند ولی مؤمنان است و آنها هم ولی خدایند. همان طور که در آیات قرآن کریم می‌خوانیم: «الله ولی الذین آمنوا» و «ألا انّ اولیاء الله»

بنابراین، اگر گفته می‌شود، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ولی خداست، در لغت یعنی نزدیک‌ترین خلق به خداوند که در این عصر است، و در اصطلاح به معنای نماینده و خلیفه الهی به شمار می‌آید که از طرف خداوند متعال سرپرست بر مردم معرفی شده است.

«الحجّة» در زبان عرب، در اصل به معنای دلیل و برهان است. برخی گفته‌اند: اصل، در معنای حجت عبارت است از هر چیزی که انسان، در غلبه بر دشمن به آن تکیه نماید و چون برهان و دلیل در نزاع لفظی با دیگران، چنین

ماهیتی دارد، به آن نیز حجت گفته می‌شود.^۱

اما در ادبیات دینی و اعتقادی ما مسلمانان، همان گونه که در چند جای قرآن کریم، این واژه به کار رفته است (همچون سوره نساء، آیه ۱۶۵ و سوره مانده، آیه ۱۴۹) به معنای خاصی آمده است که عبارت است از هر چیز که خداوند متعال، به وسیله آن، بر بندگان خویش احتجاج کرده و عقاب و ثواب خود را با آن تحکیم بخشد؛ به عبارتی دیگر، با اتمام آن، بر بندگان خود - چه در عالم تکوین و چه تشریح - راه گونه عذر و بهانه را کاملاً ببندد. این نوع از حجت، در ادبیات دینی شیعه و سنی دو نوع است:

نخست: حجت باطنی، که همان نعمت عقل است.

دوم: حجت ظاهری، که همه انبیا و امامان هستند. قرآن کریم، در این باره می‌فرماید: (رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ) ما همه پیغمبران را بشارت دهنده و بیم دهنده قرار دادیم تا برای مردم در پیشگاه خداوند [برای کوتاهی و قصورشان] حجتی نباشد.

در روایات بسیاری از شیعه و سنی آمده است که خداوند متعال هیچگاه زمین را از حجت ظاهری (پیغمبر یا امام معصوم) خالی نمی‌گذارد؛ هر چند در پس پرده غیبت بوده و دیدگان او را نبینند.

در برخی اخبار آمده است: اگر به فرض، تنها دو نفر، روی زمین باشند، یکی

از آن دو حتماً امام دیگری است.^۲

۱. لسان العرب، ج، ص ۲۲۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۶۸.

الحجّة بن الحسن؛ لفظ شریف «حجت» از القاب خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. هنگامی که «حجت» یا «حجت الله» گفته می‌شود، ذهن‌ها و فکرها به یاد آخرین حجت الهی منصرف می‌گردد. در بسیاری از ادعیه، زیارات و روایات با همین لقب نورانی یاد می‌شود. هم‌چنین مراد در روایاتی که قرینه و شاهدی ندارد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، چنان که نقش انگشتر ایشان هم «انا حجة الله» است.

بنابراین، او حجت الهی و آخرین حجت پروردگار عالمیان و فرزند یازدهمین پیشوای برحق، امام حسن عسکری علیه السلام است. به اتفاق تمام شیعیان در سحرگاه نیمه شعبان، سال ۲۵۵ هجری قمری پا به عرصه وجود گذاشت، و جهان را با نور خود منور کرد.

در این باره، روایاتی در منابع مهم شیعه هست از جمله حکیمه دختر امام جواد علیه السلام می‌گوید:

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام کسی را دنبال من فرستاد و به من فرمود: عمه جان، امشب که شب نیمه شعبان است، افطار نزد ما باش! (فان الله تبارک و تعالی سیظهر فی هذه الليلة الحجة و هو حجتہ فی ارضه...^۱) به درستی که خدای تبارک و تعالی، به زودی در امشب حجت را ظاهر می‌سازد، و او حجت پروردگار بر روی زمین است... .

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ

در این قسمت از دعا از خداوند مسئلت داریم که نزول رحمت و یاریش را در

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۸.

این لحظه و هر لحظه یعنی مستمر و بدون وقفه شامل حالش فرماید.

وَلِيًّا

پروردگارا!، تویار و یاور و سرپرست آن حضرت باش.

وَ حَافِظًا

معنای حفظ و محافظت، کاملاً واضح است؛ یعنی: پروردگارا! محافظ و نگهدارنده آن حضرت، از انواع بلایا و آفات زمینی و آسمانی باش.

بر اساس روایات، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند دیگران، زندگی طبیعی در میان مردم دارد و همان طوری که پیامبران الهی و دیگر ائمه (علیهم السلام) به بیماری یا مشکلات دیگر دچار می شدند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ممکن است به همین صورت باشد. بنابراین، دعا و صدقه برای سلامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بی مورد نیست.

اهل بیت علیهم السلام در مناجات خود، برای حفظ و سلامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا کرده اند. امام رضا علیه السلام پیوسته به دعا کردن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله خواندن این دعا، امر می فرمودند: (اللهم ادفع عن وليك... و اعذه من شر جميع ما خلقت و برات و نشات و صورت و احفظه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و من فوقه و من تحته بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به^۱) خداوند، هرگونه بلا را از ساحت ولی خود دور گردان... و او را در پناه خود از شر تمام آنچه آفریده و ایجاد و انشا و صورت‌گیری فرموده‌ای محفوظ

۱. کیمیا المکارم، ج ۲، ص ۱۲۷.

بدار، و او را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و از بالا و پایین محفوظ
 بدار، حفظ کردنی که هرکس را آن طور محفوظ گردانی از بین نرود!

امام جواد علیه السلام می فرمایند: بعد از هر نماز واجب بگو: (اللهم ولیک فلان
 فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمنیه و عن شماله و من فوقه و من
 تحته) خداوندا، ولایت (امام مهدی) را در پیشگاه خودت از پیش رو و پشت
 سر و از سمت راست و چپ و از بالا و پایین حفظ بفرما!

امام حسن عسکری علیه السلام هم، در قنوت نمازهایشان این گونه دعا می فرمایند:
 (فاجعله اللهم فی حضانه من بأس المعتدین... و اجعله اللهم فی أمن مما
 یشفق علیه منه... و رُدّ عنه من سهام المکائد ما یوجهه اهل الشنان الیه)
 خداوندا، او (امام مهدی) را در پناه‌گاهی قرار ده تا از شرّ متجاوزان در امان
 باشد! خدایا، او را از چیزهایی در امان بدار که برایش می‌ترسیم، و تیرهای
 نیرنگ را که کینه‌توزان و بدخواهانش به سوی او پرتاب می‌کنند، برطرف ساز!^۲

و قَائِدًا

قائد؛ در لغت عرب از ریشه قود و به معنای راهبر، راهنما و هدایت کننده آمده
 است. این جا مراد، آن است که: پروردگارا! تو خود، راهنما و راهبر آن حضرت
 باش. زیرا تمام موجودات، محتاج عنایت پروردگار هستند. اگر خداوند متعال
 لحظه‌ای انسان را سرپرستی نکند و به حال و هوای نفسش واگذارد، طغیان
 می‌کند و از مسیر حق خارج می‌شود. بنابراین، اشرف مخلوقات، پیامبر مکرم

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. مصباح المتعجد، ۱۵۶.

اسلام صلی الله علیه و آله در هر روز عرضه می‌داشت: (الهی... لا تکنلی الی نفسی طرفه عین أبداً، فإنک إن تکنلی الی نفسی أقرب من الشر و أبعد من الخیر) خدایا، یک چشم برهم زدن مرا به خودم وامگذار! زیرا اگر به نفسم واگذار کنی به بدی خیلی نزدیک و از خوبی بسیار دور می‌شوم.

وَ نَاصِراً

از ماده نصر، به معنای نصرت و یاری است. در برخی مصادر، به جای آن، عبارت و عون آمده، که به همین معنا است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناصر دین است، و چون بزرگ‌ترین و بهترین بنده است، به نصرت الهی نیز احتیاج دارد. از این رو، دعاکننده با گفتن این کلمه از خداوند متعال نصرت و یاری او را در همه برنامه‌ها و احوال می‌خواهد. این نوع درخواست در بسیاری از ادعیه مهدوی به گونه‌های متفاوت بیان شده که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

الف) امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز ظهر هنگام دعا عرضه می‌داشت:
اللهم ائده بنصرک و انصر عبدک؛ خدایا، با یاری خودت او را تأیید کن و بنده‌ات را یاری نما!^۱

ب) و به کسی که خواهان طول عمر و زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، فرمود بگو: ... و عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر.

ج) در دعای امام رضا علیه السلام نیز آمده است: وانصر بنصرک العزیز... و ائده

۱. مناتب ابن شهر آشوب، ص ۴۳۴.

۲. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۲.

بالنصر و انصره بالرعب؛ او را با نصر عزت‌مند، نصرت بده... او را مؤید به نصر و نصر به رعب بفرما!

د) امام حسن عسکری علیه السلام نیز در قنوت نمازهایش نصرت و یاری یادگار شایسته‌اش را این گونه طلب می‌نماید: وانصره علی من عاده؛
بر تمام دشمنانش پیروز گردان.^۲
ه) در زیارت «آل‌یاسین» که به تعلیم ایشان است عرضه می‌داریم: (اللهم انصره؛ بارالها، او را یاری فرما!)

وَ دَلِيلاً

دلیل- در این مقام- به معنای راهنما و هدایت‌کننده است و به هدایت خدای متعال اشاره دارد که به طور عام سایه بر سر همه مخلوقات افکنده و به طور خاص، متوجه بندگان عزیز و ویژه الهی است.

وَ عَيْنًا

معنای تام و کامل هدایت مذکور، در عبارت و عین متبلور شده است. در این بخش، عرض می‌کنیم: پروردگارا!، عین (چشم) آن حضرت باش.

حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً

این قسمت از دعا، تقریباً لب و مغز دعا است. منتظر آن حضرت، در این عبارت، ظهور آن حضرت و به عبارتی دیگر، طلوع آن آفتاب حقیقت و سپری

۱. مصباح‌المتجهد، ص ۵۸.

۲. مصباح‌المتجهد، ص ۱۴۴.

شدن شب هجران را از خدای توانا طلب می‌کند.

وَ تَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

این عبارت، آرزوی طول بقا برای حکومت آن موعود جهانی است؛ یعنی پروردگارا! تو او را به صورت طولانی، در روی زمین متمکن ساز.

سخنه حضور

داغ فراق روی تو دل را کباب کرد آتش فداه خانه ما را خراب کرد
 از تاب غم، صراحی یادت به مار سید آثوب در فغند و هوای شراب کرد
 خاکستر تمام وجودم به باد داد آنکه کدای یوسف زهر احساب کرد و یوسف علیہ السلام
 ما را چسان گذشت پی سخنه حضور شرط است در طریق ادب ترک خواب کرد
 آن کس که جان به بخت چو پروانه بی خبر گویی به چشم من همه عالم سراب کرد
 عمری اگر بماند، در گمی نمی کنم باید برای توشه ره فکر ناب کرد
 این کلوان عمرت باندازه می رود باید برای دیدن یارم شتاب کرد
 خوشبخت بنده ای که به دوران زندگی مهدی و مهدی علیہ السلام و راه بندگی خود خطاب کرد
 گفتم سلام ما که رساند برابرم هر که ز ما سلام رساند صواب کرد
 شکرانه ای به در که حق باشی نژاد
 مهدی و مهدی علیہ السلام تو را به خادیش انتخاب کرد

حدیث دوازدهم: تکامل عقلها

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ^۱

چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را به وسیله آن متمرکز ساخته و اخلاقشان را به وسیله آن به کمال می‌رساند.

یکی از اتفاقات مهم دوران ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، رشد و توسعه و تکامل عقول فطری مردم است که بواسطه‌ی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، خداوند متعال زمینه را برای شکوفایی عقول فطری جامعه‌ی بشری فراهم می‌آورد. و آینده‌ی تاریخ را به نحو صحیحی در مقابل دیدگان منتظران حقیقی دولتش ترسیم نماید!

در تبیین این کلام شگفت‌انگیز، باید به چند نکته توجه شود:

۱. براساس این روایت، در زمان ظهور، عقول و افکار مردم متمرکز و شکوفا و اخلاق آنان کامل می‌شود.

۲. منظور از این روایت، این نیست که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سر تک تک انسان‌ها دست می‌کشد و پس از آن عقول مردم کامل می‌شود، هرچند آن

۱. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۱۲.

حضرت به یقین از ولایت تکوینی خود استفاده کاملی می‌کند و با نفوذ در دل و جان و عقل مردم و هدایت‌های پیامبر گونه خود، آنان را هدایت و راهنمایی می‌کند. اما مقصود از «دست» در این روایت، دست رحمت، هدایت و شفقت الهی بر بندگان است.

کلمه «ید» به معنای «دست» در زبان عربی، مفاهیم و مصداق‌های گوناگونی دارد. یکی از معانی ید، «نعمت و رحمت» است.^۱

لذا معنا چنین می‌شود: در زمان ظهور، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با آفت زدایی از درخت عقل و خرد و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای رشد و شکوفای عقل مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل می‌شود و همه آنان هدایت می‌یابند و به سر منزل مقصود (کمال) می‌رسند.

۳. شکوفایی عقل، از مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدام‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او از حقایق گسترده و جهانی برای بشریت پرده بر می‌دارد و مردمان را به دانش‌های یقینی و درست هدایت می‌کند و شناخت‌های ناب و خالص به ارمغان می‌آورد، و نقطه‌های ابهام و تردید و سرگردانی محو می‌شود. از این رهگذر دو محور اساسی تحقق می‌پذیرد:

الف- با گسترش شناخت و کشف اسرار کائنات، پایه‌های خداشناسی استوار می‌گردد.

ب- گسترش شناخت و دانایی، تشکیل جامعه مطلوب انسانی را ممکن می‌سازد.

۱. مفردات راغب، ص ۸۸۹.

بدین سان به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و با اذن و قدرت الهی، همه جامعه‌ها و انسان‌ها، از تاریکی نادانی، ظلم و فساد به روشنایی و نور دانایی، تقوا و اخلاق فاضله رهنمون می‌گردند.

۴. مردم در عصر ظهور در اثر تجربه و بلوغ تاریخی، آمادگی لازم برای تکامل عقول را خواهند داشت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رسالت جهانی خویش را با تکامل عقول انسان‌ها آغاز می‌کند.

۵. از جمله مسائل بسیار مهمی که در اتحاد مردم و روی آوردن به خوبی‌ها و دوری از انحرافات نقش اساسی دارد، کامل شدن عقل مردم است، و در پرتو عقل‌های کامل بسیاری از نابسامانی‌ها، سامان می‌یابد و آمادگی‌های دیگر معنی و مفهوم پیدا می‌کنند. عقل ریشه‌ی رعایت تمامی اصول اخلاقی است و بی‌عقلی و جهل سر منشاء تمام مفاسد اخلاقی فردی و اجتماعی است.

جایگاه عقل در اسلام

اسلام، به عقل و تعقل بسیار اهمیت داده و تربیت اخلاقی را به نوعی تربیت عقلانی و بازپروری قوه استدلال می‌داند. محتوای برخی از روایات، این است که اساساً زیربنای اخلاق، وابسته به عقل و خرد است؛ زیرا عقل است که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند بازمی‌دارد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «العاقلُ من تورَّع عن الذُّنوبِ و تنزَّه من العیوبِ»^۱ خردمند کسی است که خود را از گناهان برحذر داشته، خود را از عیوب پاک سازد.^۱

۱. غررالحکم.

«العاقلُ من قمع هواه بعقله» خردمند کسی است که در پرتو عقلش، بر هواهای نفسانی پیروز گردد.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «دعامه الإنسان العقلُ والعقلُ منه الفطنة والفهم الحفظ والعلم» ستون وجودی انسان، عقل است و هوشمندی و فهم و حفظ و دانش از عقل سرچشمه می گیرند.^۲

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «انَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ» همانا همه نیکی ها و کمالات در پرتو عقل عاید انسان می گردد.^۳

۱. غررالحکم.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۵.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۵.

نشسته ام

وقت سحر به یاد تو تنها نشسته ام
 در لحظه دعا و نیایش برای تو
 پشت دسرای تو نمکین و اشجار
 با صد هزار امید شکسته دل آدم
 رازی درون پرده به دل چنگ می زند
 گرنج بگذرد به دعای سحرگهی
 خونم بر سختی و چو شمم به راه تو ست
 ای یوسفی که یوسف کنعان گدای تو ست
 از آن زمان که حلقه بگوش دت شدم
 در روز کافرنه و آشوب بی شمار
 بشنوز کعبه این سخن دل فروز را
 جانم گواه می دهد ای صبح عاشقان

ماقطره کشته ایم به دریای جود تو

چون هاشمی به حسرت دریافته ام

حدیث سیزدهم : خصوصیات یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : ... إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مُحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ^۱ .

همانا برای ما حکومتی است که خداوند آن را هر وقت بخواهد می آورد. — سپس حضرت فرمودند — هر کس خوشحال می شود که از اصحاب قائم باشد، پس باید منتظر باشد و به ورع (پرهیز از گناه) و محاسن اخلاق عمل کند در حالی که در انتظار به سر می برد، پس اگر از دنیا رفت و قائم بعد از او قیام نمود، برای او اجری مانند اجر کسی که قائم را درک نموده است خواهد بود، بنا بر این تلاش کنید و منتظر بمانید، گوارای وجودتان باد، ای جماعتی که مورد رحمت واقع شده اید.

در تبیین این کلام شگفت انگیز، باید به چند نکته توجه شود:

۱. شادی و سرور مؤمن، در به دست آوردن لیاقت یاری حضرت است. (مَنْ سَرَّهُ)
۲. به یاد حضرت بودن و چشم به راه ظهورش به سر بردن، تاثیر مهمی در

۱. الغیبة نعمانی، جلد ۱، صفحه ۲۰۰- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

- نزدیک شدن به ایشان دارد (فَلْيَنْتَظِرْ) لذا پس از توصیه به دوری از گناه و تخلق به خوبی‌ها دوباره فرمود: در حالی که منتظر است (وَهُوَ مُنْتَظِرٌ) یعنی در انجام خوبی‌ها و دوری از گناه هم به یاد امامان باشیم.
۳. با «تخلیه» و دور نمودن خود از گناه و «تحلیه» و آراستن خود به فضائل و خوبی‌ها می‌توان در جرگه یاران حضرت راه یافت. (وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ)
۴. این ذهنیت که از کجا معلوم زمان ظهور حضرت، ما باشیم اشتباه است و نباید موجب سستی و کوتاهی‌مان در یاری ایشان شود. ما مامور به وظیفه‌ایم و اگر در راه کسب لیاقت یاری حضرت و زمینه‌سازی ظهور تلاش نمودیم ولی اجل مهلت نداد و از دنیا رفتیم لحظه‌ای ضرر نکرده‌ایم. (كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجْرٍ مَنْ أَدْرَكَهُ)
۵. در مسیر یاری حضرت، جدیت، تلاش، توجه و به یاد امام بودن، لازم است (فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا)
۶. یاران امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ چند دسته‌اند.
- دسته‌ای از آنان، یاران خاص آن حضرت هستند که تعدادشان ۳۱۳ نفر است.
- دسته دوم: از یاران حضرت که پس از جمع آمدن پرچم‌داران و ستاد فرماندهی به یاری ایشان می‌آیند طبق روایات ۱۰ یا ۱۲ هزار نفرند. وقتی این حلقه کامل شد، حرکت و قیام، آغاز می‌شود.
- حلقه سوم: از یاران، مؤمنانی هستند که پس از شروع قیام به آنان می‌پیوندند و لحظه به لحظه بر تعداد آنان افزوده می‌شود.

روایات مربوط ویژگی های یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَجَّاهُ الشَّرِيف

۱. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مُحَبِّبِهِمْ، أَوْلَيْكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: (وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) وَقَالَ: (أَوْلَيْكَ حِزْبُ اللَّهِ - أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)^۱ خوشا به حال کسانی که در غیبت حضرت صبور باشند و خوشا به حال کسانی که در محبت و رزیدن در راه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام استوار ماندند، خداوند آنها را در کتابش اینطور توصیف نموده است: «آنها که به جهان غیب ایمان آوردند» آنها حزب الله هستند، آگاه باشید به درستی که حزب الله رستگار است.^۲

۲. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام: «قَدْ لَيْسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَ أَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَ الْمَعْرِفَةِ بِهَا وَ التَّفَرُّغِ لَهَا فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّتُهُ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَ حَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا فَهِيَ مُغْتَرَبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامُ وَ ضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ وَ أَلْصَقَ الْأَرْضَ بِحِرَانِهِ بَقِيَّةً مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ خَلِيفَةً مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ» زره حکمت و دانش بر تن دارد، و آن را با تمامی آداب، و با توجه و معرفت کامل، فرا گرفته است. حکمت گمشده او است که همواره در جست و جوی آن است و نیاز او است که آن را طلب می کند. او غریب است در آن زمانی که اسلام چون شتری خسته که دم بر زمین گذاشته و سینه بر آن نهاده دچار غربت است. او باقی مانده حجت های الهی، و آخرین جانشین از جانشینان پیامبران است.^۳

۱. مجادله، آیه ۲۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۳. قال علی علیه السلام: « أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَيَحْدُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رِبْقًا وَيُعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَيَصْدَعَ شَعْبًا وَيُشَعَبُ صَدْعًا فِي سُرْتَةِ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَلَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ سَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ تُجَلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَيُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَيُغْبَقُونَ كَأَسِّ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبُوحِ » بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف) که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشن گر در آن گام می‌نهد، و بر جای پای صالحان گام نهد (بر همان سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام رفتار می‌کند) تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع آوری می‌کند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد، آن چنان که اثر شناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند، اگر چه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند، و چونان شمشیرها صیقل می‌خورند، دیده‌هاشان با قرآن روشنایی گیرد، و در گوش‌هاشان تفسیر قرآن طنین افکند، و در صبحگاهان و شامگاهان جام‌های حکمت سر می‌کشند.^۱
۴. قال الصادق علیه السلام: «رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَسُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لِأَزَالُوهَا» یاران امام زمان کسانی هستند که دل‌های آنان همچون پاره آهن سخت و محکم

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

- است و تردیدی در ایمان الهی آن‌ها ایجاد نمی‌گردد. دلشان قوی تر از سنگ است و اگر به کوه حمله‌ور گردند آن را از جای برکنند.^۱
۵. قال الصادق عجل الله تعالی فرجه الشریف: «يا أبا خالد! إنَّ أهلَ زمانِ غيبتِهِ، القائِلِينَ بِإمامتِهِ، المُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ» ای ابا خالد! مردمان زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اگر به امامتش اعتقاد، و برای ظهورش انتظار برند، از مردم همه دورانها برترند.^۲
۶. قَالَ الصَّادِقُ عجل الله تعالی فرجه الشریف: «طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ بِالْهُدَايَةِ» خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما چنگ زند و قلب هدایت شده‌اش به طرف باطل متمایل نشود.^۳
۷. قَالَ الرِّضَاءُ عجل الله تعالی فرجه الشریف: مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: (فَازْتَقِمْوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ)^۴ وَقَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: (فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ)^۵ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيئُ الْفَرَجَ عَلَى الْيَأْسِ، فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ. شَكِيائِي وَانْتِظَارِ فَرَجِ چقدر نیکو است، آیا گفته خدا را شنیدید که فرمود. «شما منتظر باشید که من هم با شما منتظرم» و همچنین فرمود: «انتظار بکشید که من هم با شما از انتظار کشندگانم»، بنابراین صبور باشید، چون فرج بعد از زمان یأس و ناامیدی می‌رسد و افراد قبل از شما صبورتر بودند.^۶

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۲۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۴. هود، ۹۳.

۵. یونس، ۲۰.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۶۲۹.

راه ورود به حلقه یاران امام زمان عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ

از ملاحظه روایات معصومین و با ملاحظه تاریخ این مطلب فهمیده می شود که، یار و یاور امام بودن، ویژگی هایی دارد که راه ورود به حلقه یاران امام زمان عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ، داشتن این خصوصیات و اوصاف می باشد؛ که با توجه به اهمیت موضوع و به دلیل پرسش های فراوانی که عموم افراد جامعه به ویژه جوانان در این زمینه مطرح می کنند، به بیان برخی از این ویژگی ها می پردازیم.

ویژگی نخست: منتظر بودن

انتظار کشیدن - که از وظایف یاران امام مهدی عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ است - یک حالت و عمل قلبی و درونی است که آثار و برکت های فراوان بیرونی هم دارد. انسان منتظر، دائماً به در نگاه می کند. پیوسته در درون و باطن به عالم بالا نگاه می کند که آقايش چه زمانی تشریف می آورد.

ویژگی دوم: با ورع بودن

دومین ویژگی یاران امام زمان عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ تهذیب نفس و خودسازی است. در اسلام، یک منطقه ممنوعه داریم و یک منطقه فُرُق. منطقه ممنوعه، گناه است و منطقه فُرُق شده، مکروهات و شبهات.

دوری از گناه، تقوا و دوری از مکروهات و شبهات، ورع نام دارد. اگر کسی بگوید: می روم و در مرز سرزمین گناه می ایستم و گناه نمی کنم بدانند که شیطان می آید و آرام به گناه می اندازد!

برای حفظ خودمان، باید یک سری مستحبات را انجام دهیم. مستحبات،

بازوی واجبات است و باید یک سری مکروهات را هم ترک کنیم. دوری از مکروهات، به دوری از حرام و گناه کمک می‌کند.

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد، علاوه بر ترک گناه، باید از شبهات هم دوری کند؛ یعنی مواظب باشد که هر چیزی که در آن شبهه عقلی و عرفی است (نه شبهه برخاسته از وسوسه!) مرتکب نشود.^۱

ویژگی سوم: داشتن محاسن اخلاق

ویژگی سوم یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف داشتن اخلاق کریمانه است. این صفاتی که فطرت، به خوبی آنها شهادت می‌دهد و امامان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشريف از آنها مدح و تمجید کرده‌اند، باید در وجود یار و یاور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد.

دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف با آهنگر

یکی از بزرگان، آرزوی زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را داشت و از اینکه موفق نمی‌شد رنج می‌برد... در نجف اشرف بین طلاب... معروف است که هرکس چهل شب چهارشنبه، مرتباً و پیاپی به مسجد سهله برود و عبادت کند، خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌رسد. مدت‌ها در این باره کوشش کرد ولی به مقصود نرسید. سپس به علوم غریبه و اسرار حروف و اعداد متوسل شد و چله‌ها نشست و ریاضت‌ها کشید و نتیجه نگرفت، ولی به خاطر مناجات سحرگهان صفای باطنی پیدا کرده بود. گاهی نوری در دلش پیدا می‌شد و حال خوشی به او دست می‌داد؛ حقایقی می‌دید و دقایقی می‌شنید.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰ - الغیبة للنعمانی، ص ۲۰۰.

در یکی از این حالات به او گفته شد: دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تو ممکن نیست، مگر آنکه به فلان شهر سفر کنی. هرچند این مسافرت مشکل بود ولی در راه انجام مقصود، آسان بود. روانه آن شهر شد و در آنجا نیز به ریاضت مشغول شد و چله گرفت. روز سی و هفتم یا سی و هشتم به او گفتند:

الان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در بازار آهنگران در دکان پیرمردی قفل ساز نشسته‌اند. هم اکنون برخیز و شرفیاب شو! با اشتیاق از جا برخاست و روانه دکان پیرمرد شد. وقتی رسید دید حضرت آنجا نشسته‌اند و با پیرمرد گرم گرفته و سخنانی محبت‌آمیز می‌گویند. همین که سلام کرد حضرت پاسخ دادند و با اشاره فهماندند که: «بنشین و ساکت باش و تماشا کن!» در این حال پیرزنی ناتوان و قد خمیده، عصازنان وارد دکان شد و با دست لرزان، قفلی را به پیرمرد نشان داد و گفت: ممکن است برای رضای خدا این قفل را به مبلغ سه شاهی از من بخرید که من به پول آن نیاز دارم. پیرمرد قفل را گرفت و نگاهی به آن انداخت، دید بی‌عیب و سالم است. گفت: خواهرم، این قفل، دو عباسی (هشت شاهی) ارزش دارد، زیرا پول کلید آن بیش از ۱۰ دینار (دو شاهی) نمی‌شود. چنانچه شما ۱۰ دینار به من بدهید، من کلید آن را خواهم ساخت و در این صورت، قیمت قفل و کلید مجموعاً به ۱۰ شاهی خواهد رسید. پیرزن گفت: نه، نیازی به قفل ندارم. شما آن را سه شاهی از من بخرید، شما را دعا خواهم کرد. پیرمرد گفت: خواهرم، تو مسلمانی، من هم ادعا می‌کنم که مسلمانم. چرا مال مسلمان را ارزان بخرم و حق وی را ضایع کنم؟! این قفل، هم اکنون نیز هشت شاهی می‌ارزد و من اگر بخواهم از آن منفعت ببرم آن را به هفت شاهی

می خرم، زیرا در دو عباسی معامله، بیش از یک شاهی منفعت بردن بی انصافی است. اگر می خواهی بفروشی، من هفت شاهی خریدارم و باز تکرار می کنم که بهای واقعی آن دو عباسی است، ولی من، چون کاسبم و باید نفعی ببرم، یک شاهی ارزان تر می خرم. شاید باور حرف های پیرمرد برای پیرزن سخت بود. چه، او قفل را پیش همکاران پیرمرد برده بود و آنان حاضر نشده بودند که بابت آن، حتی سه شاهی مورد نیاز وی را پرداخت کنند، ولی اکنون می دید که پیرمرد می گوید حاضر است هفت شاهی بابت خرید آن به وی بدهد! در نهایت، پیرمرد هفت شاهی به پیرزن داد، قفل را از وی خرید و او خوشحال و شادان از مغازه بیرون رفت. پس از رفتن پیرزن، امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: آقای عزیز، ماجرا را تماشا کردی؟ اینطور باشید و اینگونه بشوید تا ما به سراغتان بیاییم. چله نشینی و توسل به علوم غریبه سودی ندارد. عمل صالح داشته باشید و مسلمان باشید تا من بتوانم با شما همکاری کنم. من از بین تمامی مردم این شهر، این پیرمرد را انتخاب کرده ام، زیرا وی دین دارد و خدا را می شناسد. این هم امتحانی که داد. آن پیرزن از اول بازار کالای خود را عرضه کرد، چون او را نیازمند دیدند همه درصدد برآمدند که جنسش را ارزان بخرند و هیچ کس حتی به پرداخت سه شاهی نیز حاضر نشد، ولی این پیرمرد به هفت شاهی آن را خرید. هفته ای نمی گذرد مگر آنکه من به سراغ او می آمیم و از وی دلجویی و احوالپرسی می کنم.^۱

۱. ملاقات با امام عصر، ص ۲۶۸.

ویژگی چهارم: به خدا عشق می‌ورزند

از دیگر ویژگی‌های، یاران امام زمان که در آیه ۵۴ سوره مانده، اشاره شده است و سر منشأ صفات دیگر یاران آن حضرت بوده و ویژگی‌های دیگر ارتباط مستقیم با آن دارد، این است که آن‌ها به خدا عشق می‌ورزند و جز به خشنودی او نمی‌اندیشند. هم خداوند آنان را دوست دارد و هم آن‌ها خدا را دوست دارند «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» چه کسانی خدا را دوست دارند؟

منتظران و یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الشَّرِيفِ خدا را دوست دارند و تابع دستورات او و پیامبر ایشان هستند «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» اگر خدا را دوست دارید، باید گوش به حرف من (پیامبر) بدهید.

متأسفانه گاهی با اینکه می‌دانیم یک عملی، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الشَّرِيفِ را شاد می‌کند، ولی کوتاهی می‌کنیم و آن عمل را انجام نمی‌دهیم. گاهی از بعضی کارها ناخرسند و گله‌مند می‌شوند، ولی شیطان فریب‌مان می‌دهد و آن‌ها را انجام می‌دهیم. در روایتی از امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است که فرمودند: «الْقَلْبُ الْمُحِبُّ لِلَّهِ يُحِبُّ كَثِيرًا النَّصَبَ لِلَّهِ وَالْقَلْبُ اللَّاهِي عَنِ اللَّهِ يُحِبُّ الرَّاحَةَ» دل خدادوست، رنج و سختی در راه خدا را بسیار دوست می‌دارد و دل بی‌خبر از خدا، راحت طلب است.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در روایتی زیبا ملاک و معیار این دوستی را چنین بیان کرده است: «فَإِنَّ كُلَّ مَنْ خَيْرَ لَهُ أَمْرَانِ: أَمْرُ الدُّنْيَا وَ أَمْرُ الآخِرَةِ، فَاخْتَارَ أَمْرَ الآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا فَذَلِكَ الَّذِي يُحِبُّ اللَّهَ» هرکسی که بین دو امر مخیر بشود که یکی

دنیوی و دیگری اخروی است، اگر کار اخروی را مقدم داشت، معلوم می‌شود که خدا را دوست دارد. اما اگر امر دنیوی را مقدم بدارد، معلوم می‌شود برای خدا جایگاهی قائل نیست و خواست خدا برای او ارزشی ندارد.^۱

یاران حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجَّهَ الشَّرِيفَ همچون یاران امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ رضایت خداوند و امر اخروی را بر هر چیزی مقدم می‌دارند و به خاطر دنیا و پست و مقام‌ها و لذت‌های زودگذر، آخرت خود را خراب نمی‌کنند و در هر حال و حتی سخت‌ترین شرایط رضایت محبوب خود را جلب می‌کنند. پس یاران حضرت به معنای واقعی کلمه مصداق یحبهم و یحبونه هستند.

ویژگی پنجم: متواضع در برابر مؤمنان و سرسخت در برابر دشمنان

یاران امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجَّهَ الشَّرِيفَ از هرگونه خود برتر بینی و تکبر و غرور نسبت به مؤمنین پرهیز می‌کنند و متواضعانه با آنان برخورد می‌کنند. تواضعی که از درون جان انسان برخیزد و برای احترام به مؤمنی از مؤمنان و بنده‌ای از بندگان خدا از این جهت که مومن و بنده خدا هستند باشد.

(أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ) در برابر مؤمنان خاضع و مهربان

هستند و در برابر کافران سخته‌گیر.^۲

«أَذَلَّةٌ» به معنای: ذلت، خواری، فرمانبری، کوچک نمودن، رام است.

«أَعِزَّةٌ» به معنای: سرسخت، شکست‌ناپذیر و پر قدرت است.

قرآن در توصیف یاران پیامبر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» کسانی

۱. جامع الأخبار، ص ۵۰۵.

۲. سوره مائده آیه ۵۴.

که با او هستند در برابر کفار، شدید و محکم هستند.
و در دومین وصف می‌فرماید: اما در میان خود، رحیم و مهربانند «رُحَمَاءُ
بَيْنَهُمْ»^۱

آری یاران اهل بیت کانونی از عواطف و محبت نسبت به برادران و دوستان
و هم‌کیشان خود هستند و آتشی سخت و سوزان و سدی محکم و پولادین در
مقابل دشمنان خویش می‌باشند.

ویژگی ششم : خستگی ناپذیر

در راه انجام فرمان خدا و دفاع از حق از ملامت هیچ‌کننده‌ای نمی‌هراسند.
«وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» از عوام‌زدگی و محیط‌زدگی و غوغای اکثریت منحرف
و استهزاء نمی‌هراسند و با گام‌های استوار در صراط مستقیم حرکت می‌کنند و
پاوه‌های چپ و راست در حرکت آن‌ها اثر ندارد.

امیرالمؤمنین امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار
باش و با دست و با زبان بدی‌ها را انکار کن و بکوش تا از بدکاران دور باشی و
در راه خدا آنگونه که شایسته است تلاش کن و هرگز سرزنش ملامت گران تو
را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق، در مشکلات و سختی‌ها شنا کن،
شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت در برابر مشکلات
عادت ده که شکیبایی در راه حق عادتی پسندیده است.»^۲

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در باره یاران مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى می‌فرماید: «رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ

۱. فتح، ۲۹.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

زُبْرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنْ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ
لَأَزَالُوهَا» یاران امام زمان کسانی هستند که دل‌های آنان همچون پاره آهن
سخت و محکم است و تردیدی در ایمان الهی آن‌ها ایجاد نمی‌گردد. دلشان
قوی‌تر از سنگ است و اگر به کوه حمله‌ور گردند آن را از جای برکنند.^۱

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

شاه کرم

کله ای نیست که از یاد تو غافل باشم کاش دریا تو و من عابر ساحل باشم
 گلک نقاش ازل خوش که نقیش تو رسید کاش من برخی آن نقش شمایل باشم
 کاروان رفت از این منزل و یادش جا ماند کاشی روز و شبم هم محمول باشم
 هر که مجنون تو شد دامن صحرایم کرد چه توان کرد که دیوانه عاقل باشم
 شادم از لطف و سخامندیت ای شاه کرم رخصتم باد به دربار تو سائل باشم

به چه اقرار کند هاشمی سرگردان

خواهم هر کله به دیدار تو نائل باشم

حدیث چهاردهم: ساکنداران قلوب شیعیان در عصر غیبت

قال الإمام الهادي عليه السلام: لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَالدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَّقِدِينَ لَضَعَفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ وَ مِنْ فِخَاخِ التَّوَاصِبِ الَّذِينَ يُسْكُونَ قُلُوبَ ضَعَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُنْسِكُ السَّفِينَةَ سُكَّانَهَا لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ، أُولَئِكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۱.

اگر بعد از غیبت قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف، نبود وجود علمایی که به سوی او می خوانند و به وجود او رهنمون می شوند و با حجت های الهی از دین او دفاع می کنند و بندگان ناتوان خدا را از دام های ابلیس و پیروان او می رهانند و از دام های ناصبی ها نجات بخشند، کسی در دین خدا پا برجامی ماند و همه مرتدمی شدند، ولی آنان رهبری دل های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند، چنان که ناخدای کشتی، سگان و فرمان کشتی را نگاه می دارد؛ آنان نزد خدا والاترین انسان ها هستند.

یکی از آسیب هایی که وحدت جامعه اسلامی را خدشه دار ساخته و زمینه را برای فعالیت دشمنان دین و مهدویت را فراهم می آورد، عدم پیروی از نواب

۱. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۵-۱ احتجاج، ج ۱، ص ۵۰۲.

عام امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ است با آن که اطاعت از این بزرگواران، در عقل و نقل تأکید شده است.

نکات روایت:

۱. امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ چهار وظیفه و تکلیف برای علمای شیعه تعیین فرموده است؛ که عبارت است از:
 - اول - دعوت مردم به سوی حق
 - دوم - دلالت و راهنمایی جامعه
 - سوم - ایستادگی در مقابل دشمنان
 - چهارم - نجات مردم از دام‌های شیطان.
۲. در یک تعبیر خیلی عجیب امام هادی می‌فرمایند: که بدانید اگر پس از غیبت، علمای ربّانی و مردان الهی نبودند؛ و به وظایف خود عمل نمی‌کردند همه مردم، از دین خدا برمی‌گشتند، و مرتد می‌شدند.
۳. شیاطین می‌ترسند از اینکه مومنین به محضر، آن علمایی که بصیر هستند و می‌دانند شیطان، امروز با کدام گناه جلو آمده، بروند و عرضه حال به محضر بزرگان کنند.
۴. پیروی بی‌چون و چرا از عالمان ربّانی و ولی فقیه، از وظایف شیعیان در عصر غیبت است.
۵. از این روایت لزوم شناخت علمای مورد تایید اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و تشخیص آنان از علمای گمراه یعنی همان عالم نماها آشکار می‌شود.

پیروی از علماء در بیان اهل بیت علیهم السلام

براساس احادیث، امامان معصوم علیهم السلام مردم را جهت رفع نیازهای حکومتی - به ویژه مسائل قضایی و منازعات - به فقها ارجاع داده‌اند و آنان را با تعبیری چون «امنا»، «خلفا»، «وارثان پیامبران» و «کسانی که مجاری امور به دست ایشان است»، معرفی کرده‌اند.

در روایات متعددی شیعیان را در دوران غیبت کبری موظف کرده‌اند که به علمای جامع شرایط رجوع نموده و بر اساس دستورات آنان عمل نمایند. در این مقال چند روایت، بیان می‌شود:

۱. قال الصادق علیه السلام: «من كان منكم قد روى حديثنا و نظر في حلالنا و حرامنا و عرف احكامنا، فليرضوا به حكما فانّي قد جعلته حاكما عليكم فاذا حكم بحكمنا فلم يقبل منه فائما استخف بحكمنا و علينا ردّ و الرادّ علينا كالرادّ على الله و هو على حد الشرك به» هرکس از شما که راوی حدیث ما باشد و در حلال و حرام ما بنگرد و صاحب نظر باشد و احکام ما را بشناسد و او را به عنوان داور بپذیرد، همانا من او را بر شما حاکم قرار دادم. پس هرگاه حکمی کرد و از او قبول نکردند، حکم ما را سبک شمرده و ما را رد کرده‌اند و آن کس که ما را رد کند، خدا را رد کرده است و رد کردن خدا، در حد شرک به خدای متعال است.^۱

۲. قال الصادق علیه السلام: «ایاکم ان یحاکم بعضکم بعضا الی اهل الجور و لکن انظروا الی رجل منکم یعلم شیئا من قضائنا (قضایانا)، فاجعلوه

بینکم قاضیا فآئی قد جعلته قاضیا فتحاكموا الیه» زنهار که مسائل اختلافی خود را نزد اهل جور (کسانی که جایگاه عدالت را به ناحق اشغال کرده اند) نبرید؛ بلکه از میان خود کسی را که از روش حکومت و دادرسی ما آگاه باشد، برای قضاوت برگزینید. من چنین کسی را بدین مقام منصوب کرده ام؛ پس داوری را به نزد او برید.^۱

۳. قال الحسین علیه السلام: «مجارى الامور و الاحكام على ایدی العلماء بالله و الامناء على حلاله و حرامه» مجاری امور و احکام به دست علمای ربانی است که امین بر حلال و حرام خدا هستند.^۲

۴. قال النبی صلی الله علیه و آله: «اللهم ارحم خلفائی. قیل: یا رسول الله و من خلفائک؟ قال: الذین یأتون بعدی و یروون منی حدیثی و سنتی» خدایا! بر جانشینان من رحمت فرست، پرسیدند: ای رسول خدا! جانشینان شما کیانند؟ فرمود: آنان که بعد از من می آیند و حدیث و سنت مرا نقل می کنند.^۳

۵. قال الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف: «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجّتی علیکم و انا حجّة الله علیهم» در رخدادهایی که اتفاق می افتد، به روایان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان هستم.^۴

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲.

۲. تحف العقول، ص ۱۶۹.

۳. وسائل الشیعه، ج، ص ۶۵.

۴. کمال الدین، ص ۴۸۳.

با توجه روایات، به طور خلاصه می‌توان گفت، ویژگی علمای مورد تایید اهل بیت علیهم‌السلام به شرح زیر است:

۱. سوق دادن مردم به اهل بیت علیهم‌السلام و به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲. مطابقت کردار با گفتار
۳. تواضع و فروتنی
۴. خویشتن داری و خاموشی (یعنی سکوت و صحبت نکردن جز در صورت لزوم)
۵. عمل به قرآن و عدم تفسیر به رأی
۶. وارد نشدن در دنیا و پیروی نکردن از پادشاهان و سلاطین
۷. مخالفت با هوای نفس و فرمانبرداری از خدا
۸. تشخیص حلال و حرام دین خدا

سجادم

از فراقت دیده ربا لشک در یامی کنم دیدن روی تو را از حق تنگامی کنم
 دل تمنّا و صالت می کند زین آرزوست این دل شوریده را هر دم تسلی می کنم
 ای سجدام، دمی گر بر مرادم بگری بانگ گاهم مردگان عشق احیایم کنم
 عاقبت راه تماشای تو را ای گلخدار در میان قطره های اشک پیدایم کنم
 سلیه افخن بر سرم ای سرور سالاروش من بیزر سایات ای سرو ماوامی کنم
 تا بگویم با تو شرح روزگار اشتیاق کرمیه ها و ناله هاشب هایم یلدامی کنم

هاشمی عمی چو لاله روخت در باغ وصل

عمر چه بود؟ صدقیاست بی تو بر پامی کنم

حدیث پانزدهم: میراث انبیاء همراه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

قال الباقراء عليه السلام: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عليه السلام ظَهَرَ بِرَأْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَخَاتِمِ سُلَيْمَانَ وَحَجْرِ مُوسَى وَعَصَاهُ ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيَهُ فَيُنَادِي أَلَا لَايَحْمِلُ رَجُلٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَلَا عَلْفًا فَيَقُولُ أَصْحَابُهُ: إِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَمْتَلِنَا وَيَقْتُلَ دَوَابَّنَا مِنَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ فَيَسِيرُونَ وَيَسِيرُونَ مَعَهُ فَأَوَّلُ مَنْزِلٍ يَنْزِلُهُ يَضْرِبُ الْحَجَرَ فَيَنْبُعُ مِنْهُ طَعَامٌ وَشَرَابٌ وَعَلْفٌ فَيَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَدَوَابُّهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا التَّجْفَ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ»^۱.

هنگامی که قائم ظهور کند، با پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی ظهور خواهد کرد. سپس منادی او به فرمان آن حضرت ندا می‌دهد: فردی از شما غذا و آب و علف با خود حمل نکنند. پس یارانش می‌گویند: او قصد دارد ما و چهار پایان ما را بر اثر گرسنگی و تشنگی هلاک کند. پس او حرکت می‌کند و آنها نیز با او حرکت می‌کنند. پس در اولین منزلی که آن حضرت فرود می‌آید، آن سنگ را (به زمین) می‌زند، پس غذا و آب و علف از آن بیرون می‌آید و یاران و حیوانات آنان از آن می‌خورند و می‌نوشند (وضع به همین منوال است) تا به نجف پشت کوفه می‌رسند.

بی تردید هر یک از انبیا و اولیاء، آیات و معجزاتی داشته‌اند که هم دلیل صدق آنها و هم یاور آنها در رویارویی با دشمنانشان بوده است، اما نکته جالب توجه

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۴۱- الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۷.

این است که به اعتقاد ما، همه این آیات و معجزات و یادگارهای انبیای پیشین اکنون در نزد آخرین حجت حق حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ است. از مجموع روایات وارده در موضوع ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ، استفاده می‌شود که خداوند تمام ابزار و امکانات غلبه و پیروزی را در اختیار آن «ولّی الله الاعظم» قرار می‌دهد، که از جمله آن‌ها میراث‌گران بهای پیامبران است. انگشتر حضرت سلیمان، پیراهن مخصوص حضرت آدم، عصای حضرت موسی، شمشیر و پیراهن حضرت محمد و ... که از موارث انبیاء بزرگ الهی است، همراه حضرت می‌باشد.

نمونه‌ای از روایات این باب

۱. قال الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَسَيَدُنَا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسَيِّدٌ ظَهَرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَشَيْثَ، فَهِيَ آتَا ذَا آدَمَ وَ شَيْثَ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَوَلَدِهِ سَامَ فَهِيَ آتَا ذَا نُوحٍ وَ سَامَ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ فَهِيَ آتَا ذَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُوسَى وَ يُوْسَعَ فَهِيَ آتَا ذَا مُوسَى وَ يُوْسَعَ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَ شَمْعُونَ فَهِيَ آتَا ذَا عِيسَى وَ شَمْعُونَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَهِيَ آتَا ذَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَهِيَ آتَا ذَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَهِيَ آتَا ذَا الْأئِمَّةِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ».

آقای ما، قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ پشت خود را به کعبه تکیه زده می‌فرماید: ای گروه

مردم! بیدار باشید! هر کس می خواهد آدم و شیث را ببیند، اینک منم آدم و شیث، بیدار باشید! هر کس می خواهد نوح و فرزندش سام را به تماشا نشیند، اینک منم نوح و سام، آگاه باشید! هر کس می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، اینک منم ابراهیم و اسماعیل، بیدار باشید! کسی که می خواهد موسی و یوشع را بنگرد، اینک منم موسی و یوشع، آگاه باشید! هر کس می خواهد عیسی و شمعون را بنگرد، این منم عیسی و شمعون، بیدار باشید! هر کس می خواهد محمد و امیر مؤمنان را بنگرد، اینک منم محمد و علی، بیدار باشید! و هر کس می خواهد حسن و حسین را بنگرد، اینک منم حسن و حسین، بیدار باشید! هر کس می خواهد امامان از فرزندان حسین را تماشا کند، اینک من همان، عصاره ائمه از فرزندان حسینم.^۱

۲. در زیارت حضرت صاحب الامر به نقل از سیدبن طاووس می خوانیم:
 «السلام علی بقیه الله فی بلاده و حجته علی عبادہ المنتهی الیه مواریت
 الأنبیاء و لدیه موجود اثار الأصفیاء...» سلام بر بقیه خدا در شهرهایش
 و حجت او بر بندگان؛ همو که مواریت پیامبران به او رسیده و آثار
 اصفیا در نزد او موجود است...^۲

۳. قال الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَأِنَّهُ كَانَ كُلُّهُ فِي السَّفَطِ وَ تَرَكَاتُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ حَتَّى
 عَصَا آدَمَ وَ نُوْحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ تَرَكَتَهُ هُوْدَ وَ صَالِحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ مَجْمُوعَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ
 صَاعُ يُوسُفَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ مِكْيَالَ شُعَيْبَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ مِيزَانَهُ وَعَصَى مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۳.

۲. مفاتیح الجنان.

تَابُوهُ الَّذِي فِيهِ بَقِيَّةُ مَا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۗ وَ دَرَعُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ خَاتَمُهُ وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَاجُهُ وَ رَحْلُ عِيسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِيرَاثُ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فِي ذَلِكَ السَّنْفِطِ» همه آن اشیا (در نزد حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ) داخل آن جامه دان قرار دارد و همین طور تمامی ماترک انبیا حتی عصای آدم و نوح عليهما السلام و ماترک هود و صالح عليهما السلام و مجموع ابراهیم عليه السلام و جام یوسف عليه السلام و پیمانان و ترازوی شعیب و عصای موسی عليه السلام و تابوت [سکینه] او که ماترک (پادگارهای) آل موسی و هارون در آن قرار دارد و ملائکه آن را حمل می‌کنند و زره داود عليه السلام و انگشترش و انگشتر حضرت سلیمان عليه السلام و تاجش و رحل عیسی عليه السلام و میراث انبیاء و رسولان (همه) در آن جامه دان قرار دارند.^۱

- قبل از تبیین و شرح روایات این باب باید چند نکته مورد توجه قرار گیرد:
۱. موارد انبیاء فقط یک مجموعه اشیا ی قیمتی و عتیقه نیست که فقط جنبه مالی و آثار باستانی داشته باشد، بلکه اشیا یی است منحصر به فرد و دارای خواص فوق العاده عجیب و پیشرفته که حضرت را در تحقق حکومت جهانی و بر پایی عدالت فراگیر، کمک و یاری می‌رساند.
 ۲. این میراث‌ها، نشانگر این واقعیت است که حضرت ولی عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ از همه مردم به پیامبران و جانشینان راستین آنان نزدیک‌تر است و آن گرامی، ادامه‌دهنده همان خط آسمانی و خدایی است.

۳. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با میراث پیامبران می‌آید، و به وسیله آن‌ها با تمام اقوام و ملل دنیا اتمام حجت می‌کند و راه عذری برای هیچ‌یک از اهل ادیان باقی نمی‌گذارد، تا این‌که همگی به اسلام می‌گروند و در روی زمین هیچ نقطه‌ای باقی نمی‌ماند، مگر این‌که در آن، به یکتایی خدا و پیامبری رسول خدا گواهی داده می‌شود.
۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نه تنها جامع صفات کمال و جمال انبیای گذشته است، بلکه جامع علوم آنها و آگاه به کتب آسمانی آنان نیز می‌باشد.

مواریث انبیاء

وجود مبارک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر صحف انبیای الهی، علم انبیا و اسم اعظم، ودایع و آثار انبیای الهی را نیز به ارث برده است که در این مقال با بهره‌گیری از روایات معصومین علیهم السلام به برخی از این ودایع اشاره می‌کنیم:

۱. عصای حضرت موسی علیه السلام:

۱. اولین میراثی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه دارد، عصای موسی علیه السلام است. این عصا نیز طبق نقل قرآن و روایات، یکی از معجزات حضرت موسی بوده است که بعد از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اختیار او قرار می‌گیرد تا در تحقق اهدافش او را یاری رساند. محمد بن فیض از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: که آن حضرت فرمود: «كَانَ عَصَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَدَمَ فَصَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ ثُمَّ صَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَأَتْهَا

لَعِنْدَنَا وَإِنَّ عَهْدِي بِهَا آفِئَةٌ وَهِيَ خَضْرَاءُ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَزَعْتَ مِنْ شَجَرِهَا
 وَإِنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتَنْطَقْتَ. أُعِدَّتْ لِقَائِنَا لِيَضَعَ كَمَا كَانَ مُوسَى يَضَعُ بِهَا
 وَإِنَّهَا لَتُرْوَعُ وَتَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ وَتَصْنَعُ كَمَا تُؤْمَرُ وَإِنَّهَا حَيْثُ أَقْبَلْتَ تَلْقَفُ مَا
 يَأْفِكُونَ تَفْتَحُ لَهَا شَفْتَانِ أَحَدِيهِمَا فِي الْأَرْضِ وَالْأُخْرَى فِي السَّقْفِ وَيَبْنِيهِمَا
 أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا وَتَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بلسانها؛ عصای موسی از آدم بود و بعد
 به دست شعیب رسید و سرانجام به دست موسی بن عمران علیه السلام و اکنون
 در دست ماست و الان در دست من است. و آن عصا همانند روزی است
 که از درخت سبز بریده شده است و به راستی آن عصا هرگاه استنطاق
 شود سخن می گوید. این عصا برای قائم ما آماده شده تا همچون موسی
 بن عمران آنرا به کار برد و این عصا [اهل باطل را] می ترساند و هر چه
 بیاندازند می بلعد و همان کاری را انجام می دهد که فرمان داده شده است
 و هر جا رو کند می بلعد آنچه را که به طرفش بیاندازند، دو لب باز می کند
 (در بعضی از نسخه ها وارد شده به دو شعبه می شود) که یکی روی زمین
 و دیگری تا سقف است که بین آن دو لب (یا دو شعبه) چهل ذراع است
 و هر چه به طرفش بیاندازند بازبانش می بلعد.^۱

در روایت دیگر، امام صادق علیه السلام فرمود: الواح موسی علیه السلام (تورات) و عصای
 او نزد ماست و ما وارث پیامبرانیم.^۲

عصای حضرت موسی علیه السلام چندین معجزه داشته که قرآن به آنها اشاره کرده

است:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، ح ۱۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱.

۱. هنگام مبعوث شدن حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به پیامبری عصا تبدیل به مار شد؛ در سوره قصص آیه ۳۱ می فرماید: «وَأَنْ أَلْقِي عَصَاكَ فَلَمَّا رآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِينَ» (ندا داده شد به) عصایت را بیفکن! هنگامی که (عصا را افکند و) دید همچون ماری با سرعت حرکت می کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد! ندا آمد: «برگرد و ترس، تو در امان هستی!»
۱. نزد فرعون، عصا اژدها شد، در سوره شعراء آیه ۳۲ می فرماید: «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ»، پس عصای خود بیفکند و به ناگاه آن اژدهایی نمایان شد.
۱. بلعیدن سحر ساحران، در سوره شعراء آیات ۴۵ و ۴۶ می فرماید: «فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ» پس موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ عصایش را انداخت و به ناگاه هر چه را به دروغ برخاسته بودند بلعید. در نتیجه، ساحران به حالت سجده درافتادند.
۱. زمانی که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ عصا را به دریا زد، راه برای نجات قوم بنی اسرائیل باز شد، در سوره شعراء آیه ۶۳ می فرماید: «فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ» پس به موسی وحی کردیم: «با عصای خود براین دریا بزن» تا از هم شکافت، و هر پاره ای همچون کوهی سترگ بود.
۲. هنگامی که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ عصارا به سنگ زد، دوازده چشمه آب

برای اسباط بنی اسرائیل بیرون آمد؛ در سوره بقره آیه ۶۰ می‌فرماید: «وَ إِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كَلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللّٰهِ وَ لَا تَعْتَوُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ» و (به یاد آرید) هنگامی که موسی برای قوم خود آب طلبید گفتیم: عصای خود را بر آن سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشید (برای دوازده سبط از نسل یعقوب)، هر گروهی آبشخوار خود را شناخت، (و گفتیم) از روزی خداوند بخورید و بیاشامید و در روی این زمین تبهکارانه حرکت نکنید.

۲. پیراهن حضرت یوسف علیه السلام

این پیراهن، پیراهن بهستی و بی‌نهایت خوشبو و حفظ‌کننده و شفا بخش است. همین پیراهن بود که ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد و بعد از او به اسحاق علیه السلام و آنگاه به یعقوب علیه السلام و یوسف علیه السلام رسید. این همان پیراهن بود که بوی آن را یعقوب علیه السلام از مصر که تا کنعان فاصله زیادی داشت استشمام کرد.^۱

چنان که قرآن از زبان حضرت یعقوب علیه السلام نقل می‌کند که «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُون»؛ به راستی من بوی یوسف را استشمام می‌کنم اگر مرا کم خرد ندانید.^۲

این همان پیراهن است که وسیله‌ای برای شفای چشمان نابینای یعقوب شد، که بنابر نقل مرحوم طبرسی، بیش از شش سال نابینا بود. و قرآن می‌فرماید: «وَ

۱. تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۶۲.

۲. یوسف، ۹۴.

أَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ؛ و دیدگانش از غم و اندوه سفید شد.^۱
 وقتی حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ از حال پدر جو یا شد، برادران گفتند: پدر از فراق تو چشمانش را از دست داده، حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «إِذْ هَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا»؛ این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید که بینا می شود.^۲

و چون بشارت دهنده به کنعان رسید، پیراهن را بر صورت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ افکند و او در جا بینا شد و نگاه بود که حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ آیا به شما نگفتم که من از خداوند چیزی می دانم که شما نمی دانید.^۳

درباره سابقه و خاصیت و نهایت این پیراهن، حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به مفضل فرمود: «اتدری ما كان قميص يوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ قال: قلت: لا. قال: إن إبراهيم عَلَيْهِ السَّلَامُ لما أوقدت له النار نزل إليه جبرئيل عَلَيْهِ السَّلَامُ بالقميص والبسه إياه فلم يضره معه حر ولا برد فلما حضرته الوفاة جعله في تميمة وعلقه على إسحاق عَلَيْهِ السَّلَامُ وعلقه إسحاق على يعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ فلما ولد يوسف علقه عليه وكان في عضده حتى كان من أمره ما كان فلما أخرجته يوسف من التميمية وجد يعقوب ريحاً وهو قوله عز وجل «إني لأجد ريح يوسف لولا أن تفندون فهو ذلك القميص الذي من الجنة قلت: جُعِلْتُ فداك فإلى من صار هذا القميص قال إلى أهله وهو مع قائمنا إذا خرج»؛ می دانی پیراهن یوسف چه بود؟ گفت: نه. حضرت فرمود: وقتی آتش برای

۱. یوسف، ۹۴.

۲. یوسف، ۹۳.

۳. یوسف، ۹۶.

ابراهیم فروخته شد، جبرئیل با این پیراهن به سوی او فرود آمد و آن را بر او پوشاند. پس با آن پیراهن، گرما و سرما به او زیان نمی رساند. چون وفات او نزدیک شد، آن را در جلدی قرار داده و به (گردن) اسحاق آویخت و اسحاق (نیز) بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب آن را به یوسف آویخت. هنگامی که آن بلاها به یوسف رسید، آن جلد در بازوی او بود، وقتی که یوسف آن پیراهن را از جلد خارج کرد، یعقوب بوی آن را استشمام کرد و این سخن خدای عزیز و جلیل [از قول یعقوب] است که می گوید: «همانا من بوی یوسف را استشمام می کنم اگر مرا کم خرد ندانید.» پس آن همان پیراهن بهشتی است. مفضل می گوید: عرض کردم: فدایت شوم! این پیراهن به چه کسی رسید؟ فرمود: به اهلش رسید و هنگامی که قائم ما قیام کند، آن پیراهن با او خواهد بود.^۱

یعقوب بن شعیب می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم، حضرت فرمود: «أَلَا أَرِيكَ قَمِيصَ الْقَائِمِ الَّذِي يَقُومُ عَلَيْهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى. فَدَعَا بِقَمِطٍ فَفَتَحَهُ وَأَخْرَجَ مِنْهُ قَمِيصٌ كَرَابِيسَ فَنَشَرَهُ فَإِذَا فِي كُمِّهِ الْإَيْسَرِدَمُ فَقَالَ: هَذَا قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي عَلَيْهِ يَوْمَ ضُرِبَتْ رِبَاعِيَّتُهُ وَ فِيهِ يَقُومُ الْقَائِمُ فَقَبَلْتُ الدَّمَ وَ وَضَعْتُهُ عَلَى وَجْهِ نَمِّ طَوَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ رَفَعَهُ»؛ آیا نمی خواهی پیراهن قائم را که در آن قیام می کند به تو نشان دهم؟ عرضه داشتم: چرا. پس حضرت جعبه ای را خواست و آن را گشود و یک پیراهن کرباس از داخل آن بیرون آورد و آن را باز کرد. پس دیدم که آستین چپ آن خون آلود است. حضرت فرمود: این پیراهن پیامبر است،

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۵.

روزی که دندان‌های رباعی آن حضرت در جنگ شکست، آن را بر تن داشت و در آن قائم قیام می‌کند. یعقوب می‌گوید: من خون را بوسیدم و آنرا به صورت خود گذاشتم و آن گاه حضرت پیراهن را پیچیده و بر داشت.^۱

۳. انگشتر حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ

یکی دیگر از موارث انبیاء، انگشتر حضرت سلیمان است که در اختیار حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهًا لَشَرِّهِمْ قرار می‌گیرد. آن حضرت از سمت صفا ظاهر می‌شود در حالی که انگشتر سلیمان و عصای موسی با اوست.^۲

این انگشتر دارای ویژگی‌های معجزه‌آساست؛ چرا که به وسیله آن به سادگی می‌توان مؤمن را از کافر تشخیص داد و قدرت تسلطی که حضرت سلیمان بر موجودات جهان یافته بود، از طریق این انگشتر بود، چنان که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُلْكَ سُلَيْمَانَ فِي خَاتِمِهِ فَكَانَ إِذَا لَبَسَهُ خَصْرَتُهُ الْحِجْرُ وَالْإِنْسُ وَالشَّيَاطِينُ وَجَمِيعُ الطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَأَطَاعُوهُ»؛ خداوند پادشاهی سلیمان را در انگشترش قرارداده بود. پس هرگاه آن انگشتر را در دست می‌کرد، جن و انس و شیاطین و همه پرندگان و وحشیان نزد او حاضر می‌شدند، و از او اطاعت می‌کردند.^۳

این انگشتر در دوران ظهور کاربردهایی دارد، از جمله تشخیص کافر از مؤمن؛ چنانکه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «تَضَعُ الْخَاتِمَ عَلَى وَجْهِ كُلِّ مُؤْمِنٍ فَيُطْبَعُ فِيهِ هَذَا مُؤْمِنٌ حَقًّا وَتَضَعُهُ عَلَى وَجْهِ كُلِّ كَافِرٍ فَيُكْتَبُ فِيهِ هَذَا كَافِرٌ حَقًّا. إِنَّ الْمُؤْمِنَ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵، ح ۱۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ح ۱۰۵.

۳. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۹۹.

لَبِنَادَى الْوَيْلُ لَكَ يَا كَافِرًا وَإِنَّ الْكَافِرِينَ نَادَى طُوبَى لَكَ يَا مُؤْمِنٌ وَدَدْتُ أَنِّي الْيَوْمَ مِثْلُكَ فَأَفُوزَ فَوْزًا»؛ و امام زمان هر گاه انگشتر را بر روی هر مؤمنی قرار می‌دهد نوشته می‌شود. «این واقعا مؤمن است» و آن را بر صورت هر کافری قرار می‌دهد، پس بر صورتش نوشته می‌شود: «این واقعا کافر است» تا آنجا که مؤمن صدا می‌زند: ای کافر! وای بر تو باد (ولی) کافر داد می‌زند ای مؤمن! خوشا به حالت، دوست داشتم امروز مثل تو بودم تا رستگار می‌شدم.^۱

۴. تابوت سکینه

چهارمین میراثی که از انبیای گذشته به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌رسد تابوت سکینه و یا «صندوق عهد» است که هنگام ظهور همراه آن حضرت می‌باشد. این تابوت همان صندوقی است که مادر موسی او را در آن گذاشت و به دریا افکند و هنگامی که بوسیله عمال فرعون از دریا گرفته شد و موسی را از آن بیرون آوردند، همچنان در دستگاه فرعون نگهداری می‌شد و سپس به دست بنی اسرائیل افتاد، بنی اسرائیل این صندوق خاطره انگیز را محترم می‌شمردند و به آن تبرک می‌جستند.

موسی در واپسین روزهای عمر خود، الواح مقدس که احکام خدا بر آن نوشته بود به ضمیمه زره خود و یادگارهای دیگری را در آن نهاد و به وصی خویش «یوشع بن نون» سپرد و به این ترتیب، اهمیت این صندوق در نزد بنی اسرائیل بیشتر شد. آنها در جنگهایی که میان آنان و دشمنان واقع می‌شد، آنرا با

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴.

خود می بردند و اثر روانی و معنوی خاصی داشت. از اینرو گفته اند تا زمانی که این صندوق خاطره انگیز با آن محتویات مقدس در میانشان بود، با سر بلندی زندگی می کردند.^۱

و در منابع روایی آمده است که این تابوت، بعد از ظهور، در اختیار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرد، از جمله حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ مُسْتَخْرَجٌ تَابُوتِ السَّكِينَةِ مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةٍ وَ أَسْفَارَ التَّوْرَةِ مِنْ جَبَلِ بِلْشَامِ يُحَاجُّ بِهَا الْيَهُودَ فَيَسْلِمُ كَثِيرٌ مِنْهُمْ»؛ به راستی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تابوت سکینه را از غار انطاکیه و سفرهای تورات را از کوهی درشام بیرون می آورد و به وسیله آن با یهود محاجّه می کند، سپس عده زیادی از یهودیان مسلمان می شوند.^۲

از خواص منحصر به فرد تابوت سکینه در دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که آنرا به هر شهری (که از فرمان آن حضرت تخلف کرده است) و یا کشوری ارسال کند، طعمه حریق شده و از جغرافیای جهان محو خواهد شد.^۳

۵. زره، پرچم، و شمشیر و ... پیامبرگرمی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از دیگر میراث های پیامبران که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسد، مجموعه ای از ما ترک و میراث گرانبهای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می باشد، مانند: زره، پرچم و براق آن حضرت که در مورد زره آن حضرت که به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسد.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۲. منتخب الاثر، ص ۳۰۹.

۳. خصائص مهدی، ص ۳۱۰.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به ابا بصیر فرمود: ای ابا محمد! پدرم زره رسول خدا را پوشید و آن را به زمین می کشید و من نیز آن را پوشیدم که نزدیک بود به اندازه باشد، آنگاه فرمود: «وَأَنْهَاتُكَ مِنَ الْقَائِمِ كَمَا كَانَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُشْمِرَةً كَأَنَّهُ تُرْفَعُ نِطَاقُهَا بِحَلْفَتَيْنِ»؛ و آن زره بر بدن و قامت قائم عَبْدُ اللَّهِ الْعَلِيِّ، همانگونه که بر بدن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود، می باشد و دامن آن زره از زمین بالاتر است به نحوی که گویا جلوی آن با دو حلقه بالا رفته است.^۱

در مورد پرچم و شمشیر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «ثُمَّ يَهْرُ الزَّيَاةُ الْجَلِيَّةُ وَيَنْشُرُهَا وَهِيَ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّحَابَةُ وَدِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّابِغَةُ، وَيَتَقَلَّدُ بِسَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذِي الْفَقَارِ»؛ سپس پرچم روشن را به اهتزاز در می آورد و آن را می گشاید و آن همان پرچم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نام سحابه است و (همچنین) زره پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نام سابغه را همراه دارد و شمشیر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نام ذوالفقار را به گردن می آویزد.^۲

همچنین جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند که آن حضرت فرمود: «يُظَهَرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَمَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ»؛ مهدی عَبْدُ اللَّهِ الْعَلِيِّ در مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند در حالی که پرچم و لباس و شمشیر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همراه اوست.^۳

ابان بن تغلب از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَنْتَفِضُ هُوَ بِهَا

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۸۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳. نجم الناقب، ص ۱۲۶.

فَتَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ فَيُعْشِيهَا بِخَدَاجَةٍ مِنْ اسْتَبْرَقٍ وَيَرْكَبُ فَرَسًا أَذْهَمَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرَاخٌ
 فَيَنْتَفِضُ بِهِ اِنْتِفَاضَةً لَا يَبْقَى أَهْلُ بِلَادٍ إِلَّا وَهُمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ فَيَنْشُرُ رَايَةَ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَمُودَهَا مِنْ عَمُودِ الْعَرْشِ وَ سَائِرَهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ
 أَبَدًا إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ فَإِذَا هَرَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ وَيُعْطَى الْمُؤْمِنَ
 قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛^۱ گویا من قائم را می بینم در نجف کوفه، در حالی که زره
 پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پوشیده، پس آن حضرت با آن زره که بر او احاطه دارد حرکت
 می کند و لباس ضخیمی (و یا حریری همراه با پنبه که زره را منور ساخته) بر
 آن می پوشد و بر اسب تیره رنگ و ابلق که میان پیشانی تا گلویش سفید است
 سوار شده است، پس اسبش او را به حرکت در آورد؛ به گونه ای که مردم هر
 شهری می بینند، قائم در میان شهرهای آنهاست؛ پس پرچم رسول خدا را باز
 می کند که دستگیره آن از عمود عرش [الهی] است و حرکت دهنده آن از یاری
 خدا است. با آن پرچم به سوی هر چیزی رو کند، خداوند آن را به هلاکت
 می رساند، پس هنگامی که آن پرچم را به اهتزاز در آورد مؤمنی باقی نمی ماند
 مگر اینکه قلبش همچون پاره آهنی سخت و محکم می شود و به مؤمن، توان
 چهل نفر را اعطا می کند.^۱

شکار دل

عمرم خزان گرفت و نیاید بجا دل جانم بلب رسید و نیاید قرار دل
 پروانه سوخت شمع به خاکسترش نشست بختم گریخت، یار نیاید کنار دل
 چشمم به خون نشست به امید یک نگاه از بس کشید تا به حسرت انتظار دل
 از آتش فراق تو دل داغدار شد آتش زده به خرمین جان، لاله زار دل
 خیزد ز سینه ناله و اندوه بی شمار اما چه سود؟ زان کدنیامد به کار دل
 یارب دعای زنده دلان را به کار بند تا آید آن نگار و فریاد قرار دل
 بر چشم مست و ناوک مژگانست آفرین کردی به یک اشاره ابرو و شکار دل
 شرمم رسد ز دیده خود هاشمی نثار
 تا در شاهوار بر آید نثار دل

حدیث شانزدهم: استعجال عامل هلاکت

عن ابراهیم بن مهزم عن ابيه عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ذَكَرْنَا عِنْدَهُ مُلُوكَ آلِ فُلَانٍ فَقَالَ إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ هَذَا الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ غَايَةٌ يَنْتَهَى إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا! مهزم، پدر ابراهیم گوید: خدمت امام صادق علیه السلام از سلاطین آل فلان (بنی عباس) سخن بمیان آوردیم، حضرت فرمود: مردم بواسطه شتابشان برای این امر هلاک گشتند. همانا خدا برای شتاب بندگان، شتاب نمیکند، برای این امر پایانی است که باید بآن برسد، و اگر مردم بآن پایان رسیدند ساعتی پیش و پس نیفتند.

مقوله مهم انتظار، به دلیل اثرات بسیار حیاتبخش و بهجت زایی که دارد؛ در معرض خطرات و آسیب هایی است، که شناخت موانع و آفات انتظار، بسیار مهم و حیاتی است، چرا که اندیشه های انحرافی، هرگز نمی توانند خود را با عناوین باطل و در پناه ظواهر دینی مطرح کنند و اگر مومنین، آسیب ها و تاکتیک های دشمن را نشناسند، راهکارهای مناسب برای جلوگیری از آن ها یا مبارزه با آن ها پیدا نخواهند کرد.

از جمله ی این آفات، عجله داشتن در تحقق امر ظهور است. شتاب زدگی

در امر ظهور، در روایات ما بسیار نکوهش شده است. چرا که شتاب در این امر می‌تواند پیامدهای متعددی به دنبال داشته باشد؛ صاحب کتاب مکیال المکارم، چهارده پیامد برای استعجال ظهور ذکر کرده است که برخی از آنها عبارتند از:

- پیروی از مدعیان دروغین و رفتن در دام خرافات و انحرافات.
- یأس از تحقق امر ظهور.

عَنْكَاللَّهِ تَعَالَى
فَرْحَةَ الشَّرِيفِ

- انکار وجود حضرت ولی عصر عَنْكَاللَّهِ تَعَالَى فَرْحَةَ الشَّرِيفِ
- اعتراض به تقدیر الهی و قرار گرفتن در زمره یاران ابلیس
- تردید در عدل خدا و نفی حکمت طولانی شدن غیبت.
- تمسخر و استهزاء منتظران.

- تردید درباره تمام روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

با توجه به موارد فوق روشن می‌شود که چرا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عجله و شتاب را عامل هلاکت انسان معرفی نموده‌اند. «یَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ»
عبدالرحمن بن کثیر از حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آورده که درباره آیه اول سوره نحل (أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ) «امر خداوند آمد در آن شتاب نکنید» فرمود: آن امر ماست. خدای امر فرموده، که در آن عجله نشود تا این که سه لشکر، آن را تأیید کنند: فرشتگان و مؤمنان و رعب.» خروج او (حضرت قائم) همانند خروج حضرت رسول خدا خواهد بود.^۱

دستور اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در این امر چیست؟

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۴۰.

۱. تسلیم اراده و حکمت الهی بودن همراه با آرزوی ظهور و داشتن آمادگی

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ... يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا؛ عبد الله بن فضل هاشمی گفت: از حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که فرمود: ... ای پسر فضل! این امر، امری است از امور خدا و سرتی است از اسرار الهی و غیبی است از غیب‌های پروردگار و وقتی خدای عز و جل را حکیم دانستیم باید تمام افعالش را تصدیق نموده و معتقد باشیم همه آنها از روی حکمت صورت می‌گیرند، اگر چه وجه آنها را ما ندانیم.^۱

۲. ایمان و یقین محکم

عَنْ ابْنِ قَيْسٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: ... وَ إِنْ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى ... وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجَعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . وَ بِهِ راستی برای قائم از ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی‌تر است ... و دیگری طول کشد تا بیشتر قائلین بآن از آن برگردند و بر آن ثابت نماند مگر کسی که یقین او قوی و معرفتش درست باشد و در دلش گرفت و گیری نباشد از آنچه ما حکم می‌کنیم و تسلیم ما اهل بیت باشد.^۲

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳. معرفت به امام زمان

عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ... مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَا يَضُرُّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَ مَنْ مَاتَ عَارِفًا لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ؛ فضیل بن یسار گوید: من از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود: هر که بمیرد و عارف به امامش باشد به او زیان ندارد که این امر پیش افتد یا پس افتد و هر که عارف به امام خود بمیرد چون کسی است که با امام قائم در زیر چادر او باشد.^۱

۴. صبر

(إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ)؛ بدانید کسی که در دوران غیبت او بر آزار و تکذیب صابر باشد مانند مجاهدی است که با شمشیر پیشاروی رسول خدا صلی الله علیه و آله مجاهده کرده است.^۲

روشن است که اگر کسی راه را به درستی شناخته باشد می کوشد وظایف خود را در دوران غیبت بازشناسد و به آنها عمل کند و در مسیر رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و قرب الهی حرکت کند. در چنین شرایطی تقدم و تأخر ظهور، ضرری به فرد نمی رساند، هر چند هر مؤمن منتظری همواره باید آرزومند ظهور باشد اما تسلیم در برابر فرمان حق ضرورت دارد.

معنای استعجال

استعجال، به معنای تعجیل و خواستن امری قبل از رسیدن وقت آن می باشد؛

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۷۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷.

انسانی که عجول باشد، همواره متانت و آرامش خود را از دست می‌دهد و بدون اینکه شرایط لازم را در نظر داشته باشد، خواهان تحقق آن پدیده‌ها می‌باشد. کسانی که در باره ظهور آن حضرت شتاب زده شوند، یعنی بخدا اعتراض و اشکال کنند که چرا آن حضرت را ظاهر نمی‌کند، خدا را نشناخته و بقضاء و قدر او راضی نگشته و در نتیجه بشقاوت و هلاکت رسیده‌اند. در فرهنگ مهدویت، انسان منتظر همواره باید ظهور را طلب کند و با تمام وجود خود خواستار تحقق ظهور باشد ولی این را باید دانست که تأخیر در ظهور نباید باعث از دست دادن صبر و شکیبایی شود بلکه علی‌رغم شوق فراوان به ظهور، در برابر اراده پروردگار و خواست او کمال تسلیم را از خود نشان می‌دهد و برای تحقق همه زمینه‌های لازم برای ظهور می‌کوشد و بردباری می‌کند.

حساب و کتاب

درس محبت تو به مشق و کتاب نیست مهر خدا نخلده به فکر و حساب نیست
 این کیمیای مهر که شد سرنوشت ما اکسیر عظمت که در دزتاب نیست
 یک جود اثر شراب مرامت چشیده ایم بهتر ازین شراب به علم شراب نیست
 گرد زده ای ز نور افتد به جان من نازم به شعله ای که نه در آفتاب نیست
 که با خیال روی تو در خواب میروم دل را بجلد نیست که آن را بخواب نیست
 من ره نورد کوی تو بودم تمام عمر گمراه افتاده دست بگیرم ثواب نیست
 یکبار پانچی به سلامی، خدای را آیا سلام بی سروپا را جواب نیست
 مویم سپید گشته، هنوزم امید هست سختی مرا وصال بجای شباب نیست

ای هاشمی سوخته، اصرار بھر چیست

می دان که دل دوست بوجه کتاب نیست

حدیث هفدهم: استبعاد ظهور

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا اسْتَيْأَسْتُمْ مِنَ الْمُهْدِيِّ، فَيَطْلُعَ عَلَيْكُمْ صَاحِبُكُمْ مِثْلَ قَرْنِ الشَّمْسِ، يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَآئِي يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِذَا غَابَ عَنْهُمْ الْمُهْدِيُّ، وَآيسُوا مِنْهُ.^۱

چگونه خواهد بود حال شما، اگر از مهدی مایوس و ناامید گشتید؟ ولی پس از آن ناامیدی، او چون آفتابی روشن بر شما تابش می‌کند و تمام اهل آسمان و زمین خرسند می‌گردند. سؤال شد: ای رسول خدا! چه وقت چنین زمانی فرا می‌رسد؟ جواب دادند: هنگامی که مهدی از میان آنان غیبت کند و از او مایوس و ناامید گردند.

هر شیء گران بهایی همانند اصول و ارزش‌های انسانی، همیشه در خطر سرقت است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدویت برای شیعیان، جواهر گران بهایی است و باید از این جواهر با ارزش مراقبت و مواظب شود. از جمله خطراتی که این گوهر ارزشمند را تهدید می‌کند، استبعاد ظهور و دور پنداشتن آن است که از آسیب‌های جدی و پر ضرر است. افرادی که ظهور را دور می‌شمارند، هرگز آماده ظهور نبوده و نوعی رخوت و سستی در آنان پیدا می‌شود. ایجاد یأس در

۱. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۲۵۹ - اثبات الهداة، جلد ۵، صفحه ۲۰۱.

تحقق ظهور، ترک دعا، محرومیت از لذت انتظار و عبور از حدود و مرزهای الهی، از شاخصه‌های چنین تفکری است.

در دعای عهد می‌خوانیم: (... اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره و عجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيدا و نريه قريبا) پروردگارا! با حضور ولی و دوست خود اندوه را از دل‌های این امت بزدا و در ظهور وی شتاب کن (هرچند) دیگران ظهور حضرتش را دور می‌انگارند ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم.

در برخی از روایات به موضوع استبعاد و تغافل گروهی از مردم از امر عظیم ظهور حضرت مهدی عَجَلَهُ اللهُ تَعَالَى اشاره شده است. حماد بن عبد الکریم جلاب گوید: در محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، از حضرت قائم عَجَلَهُ اللهُ تَعَالَى یاد شد پس آن حضرت فرمود: (إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ يَقُولُ النَّاسُ أَنِّي ذَلِكَ وَ قَدْ بَلَيْتَ عِظَامَهُ) بدانید که هر گاه او قیام کند حتماً مردم می‌گویند: این چگونه ممکن است در حالیکه چندین و چند سال است که استخوان‌های او نیز پوسیده است.^۱

بنابراین استبعاد و ناامیدی از امر فرج در هیچ مدّت زمانی، هر چند کوتاه روا نیست؛ بلکه حال انتظار فرج همیشه و در هر لحظه باید در مؤمن وجود داشته باشد.

نوامی نی

در ساحت نسیم خیالت بجاندها
 از کوی بی نشان تو پر زد نشانه‌ها
 وقتی دلم ز وصل تو مایوس می‌شود
 می‌گیرد آتش از دل سوزان زبانه‌ها
 کرد داغ جان گزای درون شعله می‌کشد
 می‌سخت دشته‌ها و صحاری، کرانه‌ها
 گرمی شنید سوز دلم را نوامی نی
 فریاد می‌کشید به جان ترانه‌ها
 دل را برده‌ای به نگاهی ز عاشقان
 کردی به کنج سینه عشاق، خانه‌ها
 شکر خدا به دامن صحرای گریختم
 دل‌کنده‌ام به لطف تو از دام و دانه‌ها
 هر کس نهاد سر به در آستانه‌ای
 ما سر نهیم بدین آستانه‌ها
 ما سر سپرده ایم به محمدی صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام
 او بلجاً و پناه همه بی‌شانه‌ها

شکر خدا که تکیه زده ما شمی نژاد

بر تخت گاه پادشاه جاودانه‌ها

حدیث هجدهم: توقیت

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مِهْزَمٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَنْتَظِرُ مَتَى هُوَ فَقَالَ يَا مِهْزَمُ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ وَهَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَحَجَا الْمُسْلِمُونَ^۱.

عبد الرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مهزم وارد شد و گفت: قربانت، به من خبر ده از این امر که انتظارش را داریم، چه وقتی هست؟ فرمود: ای مهزم، وقت گذاران دروغ زنند و شتابداران هلاک شوند و پذیرندگان نجات یابند.

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله اموریست که وقتش معلوم نیست، لذا در این روایت تصریح شده است که کسانی که برای آن وقت معین کنند دروغگویند. لذا از آسیب‌های دوران غیبت، تعیین وقت ظهور است. حکمت الهی بر این است که وقت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر بندگان مخفی بماند. لذا احدی نمی‌تواند برای ظهور، وقت و زمان تعیین کند. و سیره اهل بیت علیهم السلام و علمای ما، این بوده است که در مقابل کسانی که برای رؤیت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقت تعیین می‌کنند سینه سپر کرده و می‌ایستادند.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

روایات کذب الوقاتون

۱. عَنْ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ؟ فَقَالَ: كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ إِنْ مُوسَى (عليه السلام) لَمَّا خَرَجَ وَإِفْدًا إِلَى رَبِّهِ وَاعَدَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا فَلَمَّا زَادَهُ اللَّهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا فَإِذَا حَدَّثْنَاكُمْ الْحَدِيثَ فَجَاءَ عَلِيٌّ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ وَإِذَا حَدَّثْنَاكُمْ الْحَدِيثَ فَجَاءَ عَلِيٌّ خِلَافَ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ تُوجَرُوا مَرَّتَيْنِ.

فضیل بن یسار گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: برای این امر وقتی هست؟ فرمود وقت گذاران دروغ گویند، وقت گذاران دروغ گویند، وقت گذاران دروغ گویند. همانا موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، چون در طور سینا به پروردگار خود برای پیغام بردن وارد شد، قومش را وعده سی روز داد، و چون خدا ده روز بر سی روز افزود قومش گفتند: موسی با ما خلف وعده کرد، و کردند آنچه کردند (یعنی گوساله پرست شدند) پس اگر ما خبری بشما گفتیم و طبق گفته ما واقع شد، بگوئید: خدا راست فرموده است و اگر بشما خبری گفتیم و بر خلاف گفته ما واقع شد، بگوئید: خدا راست فرموده است تا دو پاداش گیرید.^۱

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در این روایت، تعیین کنندگان وقت ظهور را سه مرتبه دروغگو خوانده است، که دلیل بر این است که نباید برای ظهور امام زمان وقت تعیین کرد و کسانی هم که از هر راه ممکن، وقتی را برای

ظهور معین می کنند، دروغ می گویند.

۲. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عجل الله تعالی فرجه الشریف قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف فَقَالَ: كَذَبَ الْوَقَاتُونَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقْتُ.

ابوبصیر می گوید: از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف در مورد امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم، فرمود: وقت گذاران دروغگویند، ما خانواده ای هستیم که تعیین وقت نمی کنیم.^۱

۳. عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ عجل الله تعالی فرجه الشریف هَلْ لِلْمَأْمُورِ الْمُنتَظِرِ الْمَهْدِيِّ عجل الله تعالی فرجه الشریف مِنْ وَقْتٍ مُوقَّتٍ يَعْلَمُهُ النَّاسُ؟ فَقَالَ: حَاشَ لِلَّهِ أَنْ يُوقَّتَ ظُهُورُهُ بِوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شَيْعَتُنَا ... قُلْتُ: فَمَا مَعْنَى يُمَارُونَ؟ قَالَ: يَقُولُونَ مَتَى وُلِدَ وَمَنْ رَأَى وَإِنْ يَكُونُ وَمَتَى يَظْهَرُ وَكُلُّ ذَلِكَ اسْتِعْجَالًا لِأَمْرِ اللَّهِ وَشَكَا فِي قَضَائِهِ وَدُخُولًا فِي قُدْرَتِهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا الدُّنْيَا وَإِنَّ لِلْكَافِرِينَ لَسِرًّا مَا بِ قُلْتُ: أَفَلَا يُوقَّتُ لَهُ وَقْتٌ؟ فَقَالَ: يَا مُفَضَّلُ لَا أُوقَّتُ لَهُ وَقْتًا وَلَا يُوقَّتُ لَهُ وَقْتٌ إِنْ مَنْ وَقَّتَ لِمَهْدِيَّتِنَا وَقْتًا فَقَدْ شَارَكَ اللَّهَ تَعَالَى فِي عِلْمِهِ وَادَّعَى أَنَّهُ ظَهَرَ عَلَى سِرِّهِ وَمَا لِلَّهِ مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَقَدْ وَقَعَ إِلَى هَذَا الْحَلْقِ الْمَعْكُوسِ الصَّالِّ عَنِ اللَّهِ الرَّاعِبِ عَنِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَمَا لِلَّهِ مِنْ خَبْرٍ إِلَّا وَهُمْ أَحْصَى بِهِ لِسِرِّهِ وَهُوَ عِنْدَهُمْ وَإِنَّمَا أَلْقَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ لِيَكُونَ حُجَّةً عَلَيْهِمْ.

مفضل بن عمر می گوید: از آقایم حضرت صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم: آیا ماموریت مهدی منتظر وقت معینی دارد که باید مردم بدانند کی خواهد

بود؟ فرمود: حاشا که خداوند وقت ظهور او را طوری معین کند که شیعیان ما آن را بدانند. ... عرض کردم: معنی «یمارون» چیست؟ فرمود: یعنی مردم می‌گویند قائم کی متولد شده و کی او را دیده، و حالا کجاست و چه وقت آشکار می‌شود؟ اینها همه عجله در امر خدا و شک در قضای الهی و دخالت در قدرت اوست اینان کسانی هستند که در دنیا زیان می‌برند و پایان بد از آن کافران است. عرض کردم: آیا وقتی برای آن تعیین نشده؟ فرمود: ای مفضل! نه من وقتی بر آن معین می‌کنم و نه وقتی برای آن تعیین شده است! هر کس برای ظهور مهدی ما وقت تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و (به ناحق) ادعا کرده که توانسته است بر اسرار خدا آگاهی یابد! در صورتی که خداوند هر سری دارد برای این مخلوق که از خدا و اولیاء خدا برگشته‌اند واقع شده است، هر خیری خدا داشته باشد اختصاص به بندگانش دارد که باید بآن برسند. زیرا که خدا همه وقت با بندگانش است. آن اسرار که به آنها می‌دهد برای این است که بر آنها حجت باشد.^۱

۴. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُؤَقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا.

محمد بن مسلم می‌گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ای محمد هر کس از جانب ما تعیین وقت را به تو خبرداد نگران نباش از این که او را دروغ پنداری؛ زیرا ما برای احدی وقتی را تعیین نمی‌کنیم.^۲

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۷۹.

۲. الغیبه، ص ۲۸۹.

پیامدهای تعیین وقت

- این عمل - جدای از این که ادعایی است بی دلیل و دروغی است آشکار؛ پیامدهای بسیاری دارد برخی را بیان می‌کنیم:
۱. ایجاد یأس و ناامیدی به سبب عدم تحقق ظهور در وقت تعیین شده.
 ۲. ایجاد بدبینی نسبت به اصل ظهور.
 ۳. ایجاد بدبینی به شخصیت امام در اثر عدم تحقق ظهور.
 ۴. قساوت قلب.
 ۵. برگشتن مردم سست ایمان از دین.

نتیجه:

نتیجه اینکه، آنچه از مجموع روایات به دست می‌آید این است که، امر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست خدا و به اراده اوست. هر زمانی که مصلحت بداند حجت خودش را برای برچیدن ظلم و بی‌عدالتی و گسترش عدل و اقامه دین ظاهر می‌سازد و تعیین وقت ظهور نیز به دست خدا است.

چه کنم

ای خدا با عنم هجران نگارم چه کنم از فراش گره افتاده به کارم چه کنم
 عمر گذشته و سرمایه خود باختام سال ها منتظر دیدن یارم چه کنم
 ناله از ناله نخیزد چه کنم نالانم جان فسر د از تب این ناله زارم چه کنم
 تا بگر سوخته این عطش عشق شدم سوزد از آتش دل دار و ندارم چه کنم
 من غبار ره و تو شاه نشین فلکی تو گل باغی و من بوته خارم چه کنم
 تو شهر حُنی و من راه سپار نظرم غمیر افسوس ندارم که بیارم چه کنم
 تا دم شرح تو صد عمر بباید مارا هر دم آواره شهمی و دیارم چه کنم

هاشمی چشم فرو بند و خمش بگذر از این

گر ز هجران رخس اشک نبام چه کنم

حدیث نوزدهم: سرنوشت دین در دوران آخرالزمان

الإمام مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْغَائِبِ مِنَّا غَيْبَةٌ أَمَدُهَا طَوِيلٌ كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ يَجُولُونَ جَوْلَانَ التَّعَمِّ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ إِلَّا فَنَنْتَبَهُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَلَمْ يَفْسُقْ قَلْبُهُ لِطَوْلِ أَمَدِ غَيْبَتِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱.

حضرت عبدالعظیم حسنی از امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ از آباء بزرگوارشان از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین روایت کند: برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است، گویا شیعه را در دوران غیبت او می بینم، که جولان می دهد مانند جولان چهارپایان، چراگاه را می جویند اما آن را نمی یابند، بدانید هر که در آن دوران در دینش استوار باشد و قلبش به واسطه طول غیبت امامش سخت نشود او در روز قیامت هم درجه من است.

مجموع جملات نورانی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بیانگر وجود نوعی تحییر، پس رفت اعتقادی، ظاهرسازی و رنگ باختن دینداری در آخرالزمان است. وضعیت دینداری در آخرالزمان سخت و شکننده و میزان رویگردانی اغلب مردم از دستورات الهی، زیادتر است. این مسئله دلایل مختلفی می تواند داشته باشد، از جمله:

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۰۳-بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

۱. تحریف در آموزه‌های متعالی و راستین دین در این عصر فزونی می‌گیرد و ادیان و مکاتب مختلفی شکل می‌گیرد؛ این ادیان ساختگی، رنگ و بویی از حقیقت ندارند و تهی از معنویت و باورهای راستین حق‌گرایانه هستند.
۲. غول‌های ارتباط جمعی و رسانه‌ای، به شدت با اسلام درگیر می‌شوند و با انواع تخریب‌ها و تحریف‌ها و سیاه‌نمایی‌ها، سعی بر آن دارند که چهره خشن و سیاهی از اسلام و دین نشان دهند و در این کار، چنان ماهرانه و شیطنت‌آمیز واقعیت‌ها را تحریف و تخریب می‌کنند که حتی برخی از مسلمانان نیز دچار تردید می‌شوند و گاه از دین خود شرم‌منده می‌شوند، و از طرفی دیگر، ظواهر دنیا را چنان فریبنده و زیبا جلوه می‌دهند و انواع فساد و فحشا را در جامعه پخش می‌کنند، به گونه‌ای که مردم در کنترل کردن امیال و غرایز خود باید مجاهدت و تلاش فراوان کنند. بازار فسادهای مالی و اخلاقی، چنان گرم می‌شود که برخی، همه چیز را به فراموشی می‌سپرند و حتی انسانیت را زیر پا قرار می‌دهند روشن است که با فساد علنی دنیای امروز، حفظ دین و معنویت، بسیار مشکل است.
۳. مردم از محتوای اسلام و قرآن و حقیقت آن دور می‌شوند. این دور شدن به اشکال مختلف اتفاق می‌افتد.

ویژگی‌های دین در آخرالزمان

۱. دینی که سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن مرده است.

در دعای برای امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى، منقول از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، می‌خوانیم: (وَاقْصِبْمْ

بِهَ رُؤُوسِ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُمِيتَةَ السُّنَّةِ) خدایا به وسیله او سران گمراهی و پدیدآورندگان بدعت و میراندگان سنت را درهم شکن.^۱

معلوم می شود که در آن زمان سنت مرده است که از خدا می خواهیم که به وسیله آن حضرت محو کننده سنت را بشکند. در ادامه دعا می خوانیم: (وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ) خدایا به وسیله او سنت مرسلین را زنده کن. گویی نه تنها سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بلکه سنت تمام پیغمبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از بین رفته است.

۲. تعطیل شدن احکام و حدود الهی

حمران که یکی از اصحاب امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ است؛ در حدیثی طویل، از حضرت در پیشگویی دوره در آخرالزمان؛ روایت می کند که فرمود: ... (وَرَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتُخِفَّتْ بِهَا) (در آخرالزمان) می بینی، مردم نماز را سبک می شمارند. (وَرَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ عَطِّلَ وَ يُؤْمَرُ بِتَرْكِهِ) و می بینی، خانه خدا (کعبه) تعطیل شده و امر می کند به ترک آن.

(وَرَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ) و می بینی، مردم علناً قماربازی می کنند (وَرَأَيْتَ الشَّرْبَ تَبَاعًا ظَاهِرًا لَيْسَ عَلَيْهِ مَانِعٌ) و می بینی، علناً شراب خرید و فروش می شود و هیچ مانعی هم بر سر راه آن نیست.^۲

حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ دعایی در افشای جنایات اهل شام یعنی یزید و تبار او دارد. در ضمن آن، برای ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ دعا کرده و می فرماید: (...)

اللَّهُمَّ وَ أَحْيِ بِهِ الْأَرْضَ الْمَيِّتَةَ، وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ وَ أِقْمِ بِهِ الْحُدُودَ

۱. مفاتیح الجنان، اعمال روز نیمه شعبان - مکالم المکارم، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۱۸، ح ۶.

المُعْطَلَّةَ، وَ اسْرَبَ بِهِ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ... خدایا به وسیله او (مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ مُحَمَّدٌ الشَّرِيفُ) زمین مرده را زنده کن، و هواها و خواسته‌های متفرقه را متحد گردان، و حدود معطل مانده را به وسیله او به پادار، و احکام رها شده را توسط او جاری ساز.^۱ بسیار دیده می‌شود، افرادی که اسلام را و دین اسلام را بر اساس آراء و نظرات خودشان توجیه می‌کنند، کتاب خدا و آیات قرآن را تعطیل می‌کنند و شما به ندرت در صحبت آنها و سخن آنها از آیات قرآن نشانه می‌بینی. گویا خود را مستغنی از رجوع به آیات قرآن می‌دانند.

۳. عوض شدن حکم خدا

در دعا برای امام زمان می‌خوانیم (وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَغَيْرِ مَنْ سُنَّتِكَ) و به وسیله او اصلاح کن آنچه از قانونت، به قانون دیگر تبدیل شده و از آیینت دگرگون گشته.^۲

فرق است بین انجام دادن کار حرام، و حلال شمردن آن؛ در اولی ممکن است کسی گناهی مرتکب شود با این حال علم به حرمت آن و مجرم بودن خودش دارد و ممکن است با این علم در آینده از گناه خودش توبه کند. ولی در دومی وقتی حرام حلال شد دیگر حکم عوض شده و شخص، خود را خطا کار نمی‌بیند که بخواهد از آن توبه کند. فریاد از زمانی که کار حرام مستحب یا واجب شمرده شود که در این صورت مردم برای انجام آن از هم سبقت هم می‌گیرند. مثل جماعتی که اجتماع کردند بر قتل سید الشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ و در آن کار

۱. الصحیفة السجادية الجامعة، ص ۱۳۹.

۲. مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۲۷.

تقرب به خدا را می‌جستند.

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: (... وَرَأَيْتَ الْخَمْرَ يُتَدَاوَى بِهَا وَ يُوصَفُ لِلْمَرِيضِ وَ يُسْتَشْفَى بِهٖ) در آخرالزمان ، با شراب مداوا صورت می‌گیرد و برای مریض تجویز شده واز آن شفا طلب می‌شود.

(... وَرَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَرَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحْرَمُ) فعل حرام، حلال و حلال، حرام شود.

(... وَرَأَيْتَ الْحُدُودَ قَدْ عُظِّلَتْ وَ عُمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ) حدود الهی معطل مانده است و مردم آنها را طبق هوای نفسشان پیاده می‌کنند .

(... وَرَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُدْمُ وَ يُعَيَّرُ وَ طَالِبَ الْحَرَامِ يُمْدَحُ وَ يُعَظَّمُ) طالب مال حلال را سرزنش و دوستدار حرام را تمجید و تکریم می‌کنند .

(... وَرَأَيْتَ الْحَرَمِينَ مَنْ يَعْمَلُ فِيهِمَا بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ لَا يَمْنَعُهُمْ مَانِعٌ وَلَا يَحُولُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْعَمَلِ الْقَبِيحِ) درحرمین (مکه و مدینه) کارهای خلاف انجام می‌دهند و کسی جلوی آنها را نمی‌گیرد^۱.

۴. گمنام بودن دین

چهره‌ای که از اسلام امروز در برابر دیدگان جهانیان نشان داده می‌شود اسلام واقعی نیست تا اینکه کسی بگوید دین که گمنام نیست همه آن را می‌شناسند، دینی که غالب افراد جهان آن را به عنوان اسلام می‌شناسند واز طریق رسانه‌های تحت نفوذ استکبار به مردم معرفی می‌شود، وهابیت است، دینی که در کنار ظالمین جهان به کشتن مسلمانان و چپاول اموال آنان مشغول است. دینی که ریختن خون

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۱۸، ح ۶.

سایر مسلمانان را حلال بلکه واجب می‌شمارد و مرتکب آن را مستحق بهشت می‌داند. معلوم است که این دین گمنام نیست و اصلاً مستکبرین نمی‌گذارند این دین گمنام بماند زیرا بقای آنها به باقی بودن چنین دینی است. اما دینی را که امام عَلَيْهِ السَّلَام از گمنامی در می‌آورد و عزیز می‌کند دینی است که ظلم ظالمین را بر نمی‌تابد. با مظلوم همدردی کرده، از او دفاع می‌کند حقوق همه افراد را محترم می‌داند. و این چنین دینی در گمنامی است و به آن اعتنائی نمی‌شود.

در زیارت حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: (اللَّهُمَّ وَاعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ) خدایا دین را به وسیله او بعد از گمنامی عزیز کن.

سیمای دین در آخرالزمان

کتاب «یوم الخلاص» که یکی از ترجمه‌های آن با نام «روزگار رهایی» منتشر شده است، نوشته عالم لبنانی «کامل سلیمان» می‌باشد. وی در این کتاب به نشانه‌های ظهور، وضعیت آخرالزمان و چگونگی حکومت آن حضرت پرداخته و تمام روایات و مطالب را با ذکر دقیق اسناد آن جمع آوری نموده است. که بطور خلاصه سیمای دین در آخرالزمان را، از این کتاب بیان می‌کنیم:

۱. دین کم ارج می‌شود.
۲. دین مانند بقیه ی خوراکی است که در دهان می‌گردانند و سپس بیرون می‌ریزند.
۳. اسلام مانند آغاز غریب می‌شود.
۴. اگر کسی بر این خود استوار باشد، همانند کسی است که آتش گداخته‌ای

- را با دست بگیرد.
۵. از اسلام جز نام آن باقی نباشد.
 ۶. به ظاهر مسلمان نامیده میشوند، در حالی که بیش از همه ی مردم از آن دورند.
 ۷. برای هیچ دینداری دینش سالم نمی ماند، جز اینکه از کوهی به کوهی فرار کند.
 ۸. ثروتمندان برای سیاحت، متوسطین برای تجارت و فقرا برای ریا و تظاهر به مکه می روند.
 ۹. آلات لهو در حرمین شرفین ظاهر شود.
 ۱۰. چیزی شایعتر از دروغ بر خدا و پیامبر یافت نشود.
 ۱۱. اعراض از دین فراگیر می شود.
 ۱۲. با دین خود بر خدا منت می گذارند.
 ۱۳. سرزنش کننده ای نمی بینی جز کسی که خداوند سبحان را سرزنش کند.
 ۱۴. در حرمین شریفین آنچه خدا نمی پسندد انجام می پذیرد.
 ۱۵. دینداران تحقیر می شوند.
 ۱۶. بیشتر مردمان از دین مرتد می شوند.

پادشاه پرده نشین

ای پادشاه پرده نشین، دوست دارم

ای صاحب زمان و زمین، دوست دارم

خورشید تابناک ولایت فرود آمی

بشین کنار خاک نشین، دوست دارم

ماه از جمال ماه تو گردید مستتیر

مه آفرین ماه جبین، دوست دارم

طاووس دلربای هشت برین تویی

زیباتر از هشت برین، دوست دارم

ای خاتم وصایت سلطان انبیا

ای آخرین امام مبین دوست دارم

تا حشمتی نصیب سلیمان شود ز حق

نام تو کرد نقش نگین، دوست دارم

با هاشمی بگو که مدارا میسر است

ای بهترین لمان و امین، دوست دارم

حدیث بیستم: نجات دهنده دین

قال الباقر عليه السلام: المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و أصحابه یملکهم الله مشارق الأرض و مغاربها و یظهر به الدین و یمیت الله به و بأصحابه البیدع و الباطل کما أمت السفهاء الحق حتی لا یرى أین الظلم و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.
 امام باقر عليه السلام در ذیل آیه ۱۱۴ سوره آل عمران می فرماید: خداوند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش را مالک مشرق‌ها و مغرب‌های زمین می‌کند و دین را به وسیله‌ی او ظاهر می‌کند و همان‌گونه که نادان‌ها حق را از بین بردند. بدعت‌ها و باطل را به وسیله‌ی او و یارانش از بین می‌برد تا جایی که ظلم در هیچ‌جا به چشم نمی‌خورد و به نیکی امر می‌کردند و از منکر باز می‌داشتند.

با تأمل در این روایت امام باقر عليه السلام چند نکته برداشت می‌شود:

۱. در زمان غیبت آنقدر احکام دین دستخوش تغییر شده‌اند، که ماهیت‌شان دگرگون شده است و باید «ولی خدا» به میدان بیاید و احکام الهی را احیاء کند.
۲. یکی از رخدادهایی که در پی برپایی حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می‌یابد اظهار کامل دین و آیین اسلام است.

۳. امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، نه اصول دین را تغییر خواهد داد، و نه فروعش را؛ بلکه در حدود شریعت روشن گری خواهد کرد، و دین اسلام را به وسیله ی علم بی منتها و لدنی اش به تمامی حق جویان عالم معرفی خواهد کرد، و جواب تمامی شبهات را خواهد داد..

اقدامات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در رابطه با دین:

۱. ظاهر ساختن دین

این مطلب در دعای شریف افتتاح، در قالب درخواست از درگاه الهی مورد توجه قرار گرفته است: (اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ)؛ خدایا به وسیله او دینت و روش پیامبرت را آشکار کن، تا چیزی از حق، از ترس احدی از مردم پنهان نماند.

۲. یاری کردن دین

در دعای بعد از زیارت آل یاسین به این عبارت بر می خوریم "وانتصر به لدینک" خدایا به وسیله او دینت را یاری کن.

همچنین در زیارت حضرت صاحب الامر آمده است (ذَخَرَكَ اللَّهُ لِئُصْرَةَ الدِّينِ وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ)؛ خدا تو را ذخیره کرده برای نصرت و یاری دین خود و عزت و اقتدار اهل ایمان.^۱

۳. تصحیح کردن دین

امروزه هرکسی از دین قرائت و برداشتی دارد و آن را صحیح می پندارد. وهمین

۱. مفاتیح الجنان؛ زیارت صاحب الزمان.

برداشت‌های غلط و ناروا باعث پدید آمدن انحرافات و عقاید فاسد و تولد احزاب فراوانی می‌شود که علی القاعده همه آنها هم صحیح نیستند، و هر کدام از این نحله‌های انحرافی پیروانی پیدا می‌کنند. کما اینکه فرقه‌های انحرافی چون شیخیه، باییت، بهائیت و... از همین برداشت‌های غلط ناشی شده است. حضرت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ بگونه ای دین را صحیح می‌فرماید که هیچ گونه کجی و انحرافی در آن نباشد.

در دعای برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ می‌خوانیم: (عَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا مَحْضًا صَحِيحًا لَا عَوَجَ فِيهِ)، (خدایا دینت را) بر دو دست او جدید و تازه و خالص و صحیح نمایی که کجی در آن دیده نشود.^۱

۴. پیرایش دین از بدعتها

حضرت با ظهورشان دینی را می‌آورند که از بدعت‌ها خالی باشد. (وَلَا بِدْعَةً مَعَهُ)

یکی از نشانه‌های ظهور این است که بدعت در جامعه زیاد می‌شود. در احادیث ائمه معصومین (علیهم السلام) به این موضوع اشاره شده است؛ از جمله:

رسول بزرگ اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: اگر در میان شما مردم، پنج چیز پدید آید، به پنج چیز گرفتار می‌شوید؛ اگر ربا بخورید، ذلت و خواری شما را می‌گیرد و اگر زنا شیوع یابد، مرگ‌های ناگهانی فراوان رخ می‌دهد و اگر حاکمان به ستم پرداختند، حیوانات می‌میرند و اگر مردم به همدیگر ستم کنند، اقتدار و

۱. مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۲۷.

نظمشان می‌شکند و اگر سنت را ترک کنند، بدعت آشکار می‌گردد.
 «أَيُّنَ الْمُدَّخِرِ لِحُجْرَتِهِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ» کجاست آن آقایی که برای نو کردن
 واجبات و مستحبات، ذخیره شده است؟

۵. زنده کردن قرآن

امام صادق علیه السلام فرمودند: «فَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
 السَّلَامِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام» (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف) مردم را به کتاب
 خدا و سنت رسولش و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام دعوت می‌کند.^۱

۶. زنده و عزیز کردن اهل دین

در دعاها و زیارت نامه‌ها، خیلی زیبا به این مطلب اشاره شده است:
 «این محیی معالم الدین و اهله» (کجا است زنده کننده نشانه‌های دین و
 اهل آن).

چون دین و احکام و دستوراتش به واسطه ی سلطه مردم هواپرست و دنیاخواه
 به مرور زمان در میان جامعه بشری و ملت مسلمان از میان رفته و می‌رود و
 فقط نامی از آن باقی می‌ماند و تنها اسمی از آن برده می‌شود. از این رو باید
 گفت: «محیی معالم الدین».

«این معزّ الاولیاء» کجاست عزیز کننده اولیای خدا. آنکس که به معنای
 واقع می‌تواند اولیای خدا را عزیز کند صاحب زمان است.
 «السلام علی المدّخر لكرامة اولیاء الله» سلام بر آن کسی که برای کرامت

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

بخشیدن به دوستان خدا ذخیره شده است.

«ذخرک الله... وإعزاز المؤمنین» آری خدا تو را ذخیره کرده برای عزیز کردن

مومنان

۲. از بین بردن هر نماد بی دینی

همان گونه که هر دینی برای خود نماد و نشانه ای دارد بی دینی هم نمادی دارد. به عنوان مثال یکی از نمادهای دین مسجد است که تقدس و حرمتی دارد؛ یا حجاب یکی دیگر از نمادهای دین ماست؛ اگر می بینید دشمنان این قدر با حجاب مخالفند به خاطر این است که می خواهند با دین مبارزه کنند و برای این کار، اول دنبال برداشتن نمادهای دینی از جامعه هستند. لذا با این حال که کوس دموکراسی آنها گوش جهان را کر کرده است و دم از آزادی عقیده می زنند، دختران محجّبه را از مدارس و دانشگاهها اخراج می کنند. ما نیز باید بدانیم اگر بخواهیم جامعه ما یک جامعه دینی شود اول باید نمادهای بی دینی را از جامعه پاک کنیم، بعد شروع به ایجاد و احیای نمادها و نشانههای دینداری کنیم. و یکی از کارهایی که امام عصر ارواحنا فداه می کند همین است

«وَلَا صَمَمًا إِلَّا رَضَهُ وَلَا عِلْمًا إِلَّا نَكَسَهُ» هیچ بتی نمی ماند مگر اینکه آن را خرد می کند و هیچ علمی (بر علیه حضرت) نیست مگر اینکه آن را می شکند.
«وَلَا رَأْيَةَ إِلَّا نَكَسَتْهَا» هیچ پرچمی نیست مگر اینکه آن را واژگون می کند.

۸. نابود و دلیل کردن دشمنان دین

در بسیاری از ادعیه و زیارات مهدوی، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ به عنوان نابود کننده

دشمنان خدا و دشمنان دین خدا وانتقام گیرنده از آنان معرفی شده است به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

«این... ومُذَلِّ الأعداء» کجاست ذلیل کننده دشمنان.

«ومبیر الکافرین» و هلاک کننده کافران.

«السلام علی ... و بوار اعدائه» سلام بر نابود کننده دشمنان خدا.

«ذخرک الله ... والانتقام من الجاحدین المارقین» خداوند تو را برای انتقام

از منکران سرکش ذخیره کرده است.

ممکن است برخی افراد، مجازات و قتل و نابودی ستمگران از سوی امام علیه السلام را سنگدلی و افراط در کشتار تعبیر کنند اما در واقع آن کار مانند یک عمل جراحی است که برای پاکسازی جامعه اسلامی و سایر جوامع جهانی از لوث وجود سرکشان و ستم پیشگان ضرورت دارد و بدون آن هرگز بساط ظلم برچیده نشده و عدالت حاکمیت پیدا نمی‌کند و اگر امام علیه السلام با سیاست ملایمت و گذشت با آنان رفتار نماید هرگز ترفندها و توطئه‌های جدید استکباری که ادامه حیاتشان به آنها بستگی دارد از بین نخواهد رفت. زیرا ستمگران در جامعه‌های کنونی همچون شاخه‌های خشکیده یک درخت، بلکه مانند غده سرطانی هستند که بایستی برای نجات بیمار، آن را ریشه کن نمود هر چند دشوار باشد.

مہتاب من

آتش بھران تو آتش فشانی می کند بار غم بر سینہ نالان گرانی می کند
 بد مھری را کہ تو در جان من نشانده ای چشم با اشک روانش باغبانی می کند
 کیمیای عشق تو در دل چنان تاثیر کرد گر چه پیرم لیک احساس جوانی می کند
 گر چه ترک جان کنم جان نیست در خوردنار جان من در راه وصلت جان فشانی می کند
 ماہ من مہتاب من بر جان تا کریم تاب تابش نور تو جان را آسمانی می کند
 آفتاب حسن من پیچم، چه گوید هیچ، هیچ ذرہ را نور نگاہت جاودانی می کند

ہاشمی باری ندارد در بساط عاشقی

گر چه باری نیست بر کف، پاسبانی می کند

حدیث بیست و یکم : جهانی شدن اسلام

عَنْ أَبِي بصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)^۱، فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرًا فَكَيْسِرْنِي وَ أَقْتُلْنِي^۲.

ابو بصیرمی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در باره سخن خدا (اوست کسی که پیامبرش را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها چیره کند، هر چند مشرکان را ناخوش آید) فرمود: «به خدا سوگند، تأویل آن هنوز نیامده است و تأویلش هم نخواهد آمد تا قائم قیام کند، و چون قائم قیام کند، هیچ کافری به خدای بزرگ و مشرکی به امام، باقی نمی‌ماند، جز آن که قیام او را ناخوش می‌دارد، تا آن جا که اگر کافری یا مشرکی در دل تخته‌سنگی [پنهان] باشد، آن سنگ می‌گوید: ای مؤمن! در دل من، کافری است، مرا بشکن و او را بکش .

در دوران ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَاءَهُ السُّوْفَا، در کل دنیا جز خداوند کسی یا چیزی

۱. سوره توبه، آیه ۳۳.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۰ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴.

مورد پرستش واقع نمی شود. نه تنها توحید و معنویت و ایمان به الله و پرستش یگانه معبود حقیقی عالم، سراسر جهان را می گیرد بلکه توحید ناب و کامل عالمگیر می شود و دین مبین اسلام در سر تا سر کره زمین گسترش پیدا کرده و دین رسمی جهان، دین اسلام ناب و اصیل محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواهد بود.

البته در تبیین این مطلب چند نکته لازم به یادآوری است :

۱. منظور این نیست که در جامعه امام زمانی عَلَيْهِ السَّلَامُ هیچ فردی کافر و بی دین نخواهد بود و بدون استثناء همه عالم موحد و مسلمان می شوند و جامعه از یهود و نصارا و ... خالی می شود، بلکه منظور اینست که چهره عمومی جامعه از شرک و کفر و بت پرستی خالی می شود، حکومت مشرکان و کافران و حزب آنان سرکوب می شوند و موانع هدایت و ایمان انسان ها از سر راه برداشته می شود و گرچه مادامی که انسان دارای آزادی اراده است، امکان دارد در بهترین جوامع انسانی هم افراد منحرفی وجود داشته باشند.

۲. اسلام به صورت یک آیین رسمی همه جهان را فرا خواهد گرفت، و همه انسان ها از طریق رسانه های عمومی و ابزار پیشرفته متناسب با آن زمان، اسلام را در خانه های خود می شنوند و با آن آشنا می شوند؛ چرا که در آن زمان اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و اخلاقی برای ظهور و پذیرش دین اسلام کاملاً مساعد می باشد.

۳. از آنجا که دین اسلام دین جامعیت و عقلانیت است و رهبران آن از بهترین مردمان زمان خود هستند، این دین را متناسب با شرایط هر زمان

گسترش خواهند داد. چنانکه در زمان پیامبر ساده‌ترین و متناسب‌ترین راه برای ابلاغ دین اسلام نامه‌نگاری بود در آخر الزمان نیز دین اسلام با ابزار و وسایل متناسب با آن دوره و توسط حضرت مهدی و یارانش ترویج خواهد شد.

۴. جهانی شدن دین مبین اسلام وعده صادق الهی در آخرالزمان است. شیخ طبرسی در ذیل آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۱ روایت کرده است که، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: «لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا أَدَخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ»؛ هیچ خانه آباد و هیچ چادری در روی زمین نخواهد بود، مگر اینکه خداوند به وسیله حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَاءَهُ الشُّوْبُ اسلام را در آن وارد می‌نماید.^۲
۵. با نگاهی ژرف و جامع‌نگرانه به تعالیم اسلام، می‌توان گفت: اسلام زمینه‌های لازم و کافی را برای جهانی شدن را دارد.

۱. نور، ۵۵.

۲. مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۱۵۲.

شراب وصل

از شراب وصل، مارانی نشان جامی بده
 راه ناپیدا ست ساقی، بگذر و گامی بده
 دوش مرغ دل پریشان بود و پروازی شدت
 مرغ سرگردان دل را گوشه بامی بده
 گرچه عمری ره سپاروی جانان بوده ام
 پختگی در عشق خود بر کودک خامی بده
 گرچه آب روی ما آتش فشانمی کند
 نام و نگنی نیست ما را، جرعه از جامی بده
 از دم بردمی قرار و صبر کم شد انتظار
 بانگاه دهنوازت جان آرامی بده
 من که در بندم رهایی کی شود ما را نصیب
 گرچه آغازی نبوده، حال فرجامی بده
 گاه راهم می زند افسون او هام و خیال
 صبح راهش بسته بر ما، لاجرم شامی بده
 شکر عمری، همچو مجنون سر به صحرا و درم
 عاشق مجنون خود راهم سرانجامی بده

هاشمی از ره نخواهد شد تا روز جزا

بار دیگر برگدای خوش انعامی بده

حدیث بیست و دوم: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

قال الإمام الباقر عليه السلام: فإذا خَرَجَ أُسْنَدَ ظَهْرُهُ إِلَى الكَعْبَةِ ، و اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ و ثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا ، و أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ و خَلِيفَتُهُ و حِجَّتُهُ عَلَيْكُمْ ، فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ١.

هرگاه قیام کند، به کعبه تکیه می‌دهد و سیزده مرد بر گردش حلقه می‌زنند. نخستین سخنی که می‌گوید این آیه است: «بقیة الله برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید». آن‌گاه می‌فرماید: من بقیة الله روی زمین هستم و جانشین و حجّت او بر شما، آن‌گاه هر کس بخواهد به او سلام دهد، چنین می‌گوید: سلام بر تو ای باقیمانده خدا در زمین خدا.

یکی از القاب معروف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، لقب «بقیة الله» است که در بسیاری از ادعیه و زیارات، آن حضرت بدین نام شناخته شده‌اند و در حقیقت این لقب برگرفته از نص صریح قرآن کریم است: خداوند در آیه ۸۶ سوره هود می‌فرماید: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» اگر مؤمن باشید باقیمانده خدا برای شما بهتر است.

در تفسیر نمونه «بقیة اللّٰه» را اینطور معنا کرده است، هر موجود نافع از طرف خداوند که برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد، «بقیة اللّٰه» محسوب می شود.^۱

از این رو، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که وجود شریفشان مایه بیشترین خیر و برکت برای جامعه بشری است، یکی از بهترین مصادیق این آیه مبارکه است. در بسیاری از احادیث این لقب شریف به خصوص به حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف اطلاق شده است.

در حدیثی آمده است: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا بر امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان با عنوان «امیر مؤمنان» سلام کرد؟ فرمود: (لاذاک اسم سَمی الله به امیر المؤمنین لم یسم به احد قبله ولا یتسمی به بعده الا کافر قلت جعلت فداک کیف یسلم علیه؟ قال: یقولون السلام علیک یا بقیة الله ثم قرأ بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین)؛ خیر، خداوند این نام را به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام اختصاص داده است. پیش از او کسی این نام بر خود نهاده و پس از او نیز - مگر کافر - این نام به خود نبندد. راوی گوید: پرسیدم: فدایت گردم پس چگونه بر او سلام کنند؟ فرمود: می گویند: سلام بر تو ای بقیة الله. سپس این آیه را قرائت فرمود: بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین.^۲

وقتی احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، محضر امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شد، درباره جانشین آن حضرت سؤال کرد؛ حضرتش کودکی خردسال همچون قرص ماه به او نشان داد. احمد بن اسحاق پرسید: آیا نشانه ای هست

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۰۴.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱- وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۰۰.

تا قلبم اطمینان یابد؟ آن کودک زبان گشود و با زبان عربی فصیح چنین فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ» من بقیة الله بر روی زمین هستم و من منتقم از دشمنان اویم. ای احمد بن اسحاق! بعد از دیدن اثری طلب نکن.^۱

آتش هجر

سحری بود و دل سوخته چشم تری یاد می کرد از آن سوز و نوای سحری

چه شود کز نظری سوی من زار کنی توشه حُسنی و من عاشق بی پائوسری

نالَم از درد نغان، سوزِ کجرا اشک سحر آه و صد آه که سوی تو ندارد اثری

حلقه درویش زنده بر دولت گاهی دست خالی نرود بنده مکین زدری

در حدیث نبوی گفت رسول مدنی آتش هجر بود آتش سوزنده تری

باشمی سوخت درونم ز تب آتش هجر

می زند بر نفسی یاد تو بر دل شرری

حدیث بیست و سوم: ندای آسمانی

قال الامام علی عجل الله تعالی فرجه الشریف: إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: «إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ» فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيَشْرَبُونَ حُبَّهُ فَلَا يَكُونُ هُمْ ذِكْرَ غَيْرِهِ!¹
 هنگامی که منادی آسمانی بانگ برآورد که «همانا حق در میان خاندان محمد است»، در آن هنگام نام مهدی بر سر زبان‌های مردم می‌افتد و از جام محبت او می‌نوشند و جز نام او بر زبان ندارند.

بخش زیادی از روایت بحث مهدویت، مربوط به نشانه‌های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این نشانه‌ها در مدت زمانی طولانی به تدریج به وقوع می‌پیوندند. در این میان برخی از نشانه‌ها نزدیک ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می‌یابد و برخی دیگر ممکن است سال‌ها پیش از ظهور آن حضرت اتفاق بیافتد. همچنین در احادیث پیشوایان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر برخی از نشانه‌ها تاکید بیشتری شده و از آنها با صفت قطعی و حتمی یاد شده است. از نشانه‌هایی که نزدیک و متصل به ظهور حضرت تحقق می‌یابد و در احادیث پیشوایان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر آن تاکید فراوانی شده، ندای آسمانی است. در

مراحل مختلف ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف ندهای گوناگونی شنیده خواهد شد، که هر یک از آنها بر حقانیت قیام آن حضرت دلالت می‌کند و برای حق جویان و حق پویان هرگونه شک و شبهه ای را برطرف می‌کند؛ ولی ندایی که معروف است و در احادیث پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام بیشتر از آن سخن به میان آمده، ندایی است که در آغاز ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف شنیده خواهد شد. که با این ندا، نام و نسب و برحق بودن حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف و پیروانش برای جهانیان اعلان می‌شود و مردم از زمان ظهور آگاه می‌شوند.

با توجه به اهمیت موضوع و به دلیل پرسش‌های فراوانی که عموم افراد جامعه به ویژه جوانان در این زمینه مطرح می‌کنند، به بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع می‌پردازیم.

الف - ویژگیهای ندای آسمانی

۱. این ندا، توسط جبرئیل ایجاد می‌شود
۲. همه انسان‌ها آن و هر کس به زبان و گویش خود آن را خواهد شنید.
۳. از نزدیک و دور یکسان شنیده می‌شود
۴. انسان‌های خواب را بیدار کرده و همگان را به وحشت می‌اندازد.
۵. برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب است.
۶. پس از ندای آسمانی نام حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف بر سر زبان‌ها می‌افتد.

ب - محتوای ندای آسمانی

در بیشتر روایات، محتوای ندا آسمانی معرفی امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجته الشریف با نام و

ویژگی‌های او است. و در برخی روایات نیز محتوای ندای آسمانی حقانیت علی علیه السلام و رستگاری شیعیان او دانسته شده است.

ج - ندای شیطان

برخی روایات از ندایی که شیطان در پایان همان روز سر می‌دهد حکایت می‌کند، و مهم‌ترین هدف او را از ایجاد این صدا، ایجاد تردید در انسان‌ها در پیروی از امام زمان می‌داند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمود: ابلیس ملعون در هوا بالا می‌رود، به طوری که از اهل زمین فاصله می‌گیرد و ندا می‌دهد: بدانید حق با عثمان بن عفان و پیروان اوست. او مظلوم کشته شد، پس به خونخواهی اش قیام کنید و بدانید حق با سفیانی و پیروان اوست و عثمان و پیروانش رستگارند.^۱

در روایات دیگری، محتوای ندای شیطان، دعوت مردم به مسیحیت دانسته شده است.

برخی معتقدند، شیطان نیز چندین بار ندا کرده و هربار به گونه‌ای در پی انحراف مردمان است و احتمال داده‌اند ایجادکنندگان این نداها انسان‌هایی باشند که به تحریک شیطان این کار را می‌کنند.

امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس فرمود: صدای جبرئیل از آسمان است و صدای ابلیس از زمین. پس از ندای اول پیروی کنید و از ندای دوم بر حذر باشید که مبادا از آن فریب بخورید.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۲، ح ۴۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶، ح ۳۹.

د- هدف از اعلان ندا

۱. شناساندن امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى، به جهانیان است؛ زیرا قیام آن امام، انقلابی جهانی است و شناسایی او نیز باید جهانی باشد، تا حجت بر همگان تمام شود و نگویند راه و مسیر حق را نشناختیم. در روایتی وقتی عبدالله بن ابی یعفور از امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام می پرسد: «آیا مراد از صوت، همان ندا دهنده است؟» حضرت در پاسخ می فرماید: «بلی و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می شود.»^۱
۲. بشارتی برای مؤمنان و رنجشی برای کافران؛ پیروان حق با شنیدن ندای آسمانی، نشاط و شادابی خاصی می یابند و آگاه می شوند که مولایشان بعد از قرن ها انتظار می آید و در پرتو آن، حق و عدالت همه جا را نورانی خواهد کرد. گویی با شنیدن ندا، روحی تازه در وجودشان دمیده می شود. از سوی دیگر، دشمنان حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى با شنیدن آن ندا، می فهمند برابر قدرت آسمانی او توانی ندارند و نمی توانند مقاومت کنند.
۳. اتمام حجتی همگانی؛ ندای آسمانی، همگانی است و هر کس با زبان خود این ندا را می شنود و دیگر جایی برای عذر و بهانه باقی نمی ماند که اگر واقعاً می دانستیم او حجت خداوند است، از او پیروی می کردیم.^۲

۱. نعمانی، ص ۲۶۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳.

باران زیبا

ندار هیچ بستان سرور عنیایی که من دارم ندار هیچ عاشق یار زیبایی که من دارم
 به کلها و به دستاها بگود باغ و بستاها تماشایی بود یار تماشایی که من دارم
 کریمان جهان یکسر کدایان کدایش کرم می ریزد از دستان مولایی که من دارم
 فلک با آفتاب کوبانش خوب می داند ندارد خور ضیاء عالم آریایی که من دارم
 چنان از فصل هجرانش دل آتشکده دارم که غم نمکین شده از رنج و غمهایی که من دارم
 راه کوب ز مژگانم، پیل اندر دو چشمم ندارد آسمان باران زیبایی که من دارم

اگر چه ره نپیمودم به راهی کوب من بنمود

نپندارم کسی دارد هم آقایی که من دارم

حدیث بیست و چهارم: آثار دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ سَيُولَدُ لَكَ فَقَالَ لِسَارَةَ فَقَالَتْ أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّهَا سَتَلِدُ وَيُعَذِّبُ أَوْلَادَهَا أَرْبَعِمِائَةَ سَنَةٍ بَرِدَهَا الْكَلَامَ عَلَى قَالَ فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ضَجُّوا وَبَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَهَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُخَلِّصُهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَظَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ قَالَ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذْ لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرِيَّتِي إِلَى مِنْتَهَا^۱.

از فضل بن ابی قره روایت شده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم میفرمود: خداوند وحی فرستاد بحضرت ابراهیم که بزودی فرزندی برای تو متولد خواهد شد! ابراهیم هم بساره (همسرش) خبر داد: ساره گفت: من فرزند بیاورم در حالی که پیر زن هستم؟ خداوند وحی فرستاد بسوی ابراهیم که ساره بزودی فرزندی می آورد و اولادش چهار صد سال گرفتار خواهند بود به جهت انکارش سخن مرا. آنگاه حضرت فرمود: چون گرفتاری بنی اسرائیل بطول انجامید چهل صبح رو بدرگاه الهی آورده بگریه و زاری پرداختند. خدا هم به موسی (و برادرش) هارون وحی فرستاد که (با امداد غیبی) آنها را از شر فرعون نجات دهد و صد و هفتاد سال از چهار صد

۱. تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۶۰ - کنز الدقائق، ج ۶، ص ۲۰۰ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

سال گرفتاری آنها را برداشت. سپس امام ششم فرمود: همچنین شما هم اگر مثل بنی اسرائیل در درگاه خداوند بگریه و زاری بپردازید؛ خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد. اما اگر چنین نباشید، این سختی تا پایان مدتش خواهد رسید.

یکی از وظایف شیعه در عصر غیبت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى تضرع و زاری و دعا برای تعجیل در فرج آن حضرت است. در توقیعی که برای اسحاق بن یعقوب از ناحیه مقدسه صادر گردیده است حضرت صاحب الزمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى دعا برای تعجیل در فرج را سبب فرج شخص دعاکننده ذکر نموده اند. حضرت در قسمتی از توقیع ذکر شده چنین فرموده اند: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى.»
برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همان فرج شماست و ای اسحاق بن یعقوب، درود بر تو و بر پیروان هدایت باد.^۱

آثار و برکات دعا برای امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى

در کتاب مکیال المکارم، که بنا به دستور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى نوشته شده است، بیش از یکصد فضیلت و اثر دعا برای تعجیل در ظهور امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى با شرح و تفضیل بیان شده است بطور خلاصه عبارت است از:

۱. فرج و گشایش حقیقی دعا کننده.

۲. زیاد شدن نعمت‌های الهی.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، جلد ۲، صفحه ۴۸۵.

۳. مایه ی جلب عنایت و محبت ائمه اطهار است.
۴. نشانه ی منتظر بودن است (و افضل اعمال انتظار فرج است).
۵. شیطان از دعا کننده دور می شود.
۶. از فتنه های آخرالزمان و دام های شیطان در امان می ماند.
۷. امام زمان و ائمه اطهار علیهم السلام او را دعا می کنند.
۸. امام زمان و ائمه اطهار علیهم السلام او را شفاعت می کنند.
۹. دعایش به اجابت می رسد.
۱۰. بلا از او دفع می گردد.
۱۱. روزیش زیاد می شود.
۱۲. گناهانش آمرزیده می گردد.
۱۳. اگر پیش از ظهور از دنیا برود، در زمان ظهور حضرت رجعت می کند.
۱۴. به واسطه ی دعای او فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک می گردد.
۱۵. سبب طول عمر می گردد.
۱۶. ثواب خونخواهی امام حسین علیه السلام به او داده می شود.
۱۷. در روز قیامت نورش درخشان می گردد.
۱۸. فرشتگان برای او استغفار و در حقش دعا می کنند.
۱۹. ثواب شهادت در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می یابد.
۲۰. ثواب حج و عمره و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام و روزه ی آنها به او می رسد.
۲۱. صد هزار حاجت او در قیامت روا می گردد.

۲۲. زنده کردن امر ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است.
۲۳. مجلسی که در آن برای حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ دعا شود، محل حضور فرشتگان گردد.
۲۴. باعث دوری غم ها می شود.
۲۵. درجات او در بهشت بالا می رود.
۲۶. از بدی حساب در روز قیامت در امان می ماند.
۲۷. در روز قیامت به بالاترین درجات شهدا نائل می گردد.
۲۸. به شفاعت حضرت زهرا سلام الله علیها رستگار می گردد.
۲۹. اظهار تجدیدعهد و پیمان با آن حضرت عَلَيْهَا السَّلَامُ است.
۳۰. سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران است.

تذکر:

۱. فوائد یاد شده و مکارم مزبور با دعا کردن به هر زبان و به هرگونه که باشد حاصل می گردد چون عموم و اطلاق دلایلی که در مورد آنها هست تخصیصی نگرفته است و همه ی انواع را شامل می شود.
۲. بیشتر این کرامت ها با بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج مولای قائم ما عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حاصل می گردد زیرا آن حضرت فرموده: (و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید)
۳. کمال این آثار با تحصیل ملکه ی تقوی و پاکسازی نفس از بدی ها و زشتی ها امکان می پذیرد.

آداب دعا برای فرج امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ

۱. از اوقات مخصوص دعا برای امام زمان روحی له الفداء روز جمعه به طور عموم و به خصوص پس از نماز صبح است.
۲. از آداب دعا برای آن حضرت آن است که مستحب است دعا در جمع باشد.
۳. مستحب است در دعا برای امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ صدا بلند گردد.
۴. خلوص و صدق یت در دعا و توبه قبل از دعا.
۵. مقدم دانستن دعا برای فرج امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ بر سایر حاجات خود.

اباصاح عَلَيْهِ السَّلَامُ

آفرینش بی تجلی رخت آبی ندارد آسمان شب چه دارد و صبر تو همتا ندارد
 دیده بکشا تا تماشایی شود رخسار عالم تا تو کنشایی درمی، دیر زمان بابی ندارد
 روی تو آید بر یادم چون سپردم دل به یادت دل بجز طاق دو ابروی تو محرابی ندارد
 مهربانارحم کن بر عاشق دلخسته خود کز فراق در تن رنجور خود تابی ندارد
 یا اباصاح عَلَيْهِ السَّلَامُ بیا بر آفرینش رهبری کن عالم خلقت یتیم و غیر تو بابی ندارد
 کی تو انم بوسه زد از دور ره بر آستانست بر که شناسد تو را رسمی و آدابی ندارد

ماشمی چونان گدلیان در کنار شاه شاهان

همدمی، هم صحبتی، همراه واربابی ندارد

حدیث بیست و پنجم: نور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَظْلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعًا فَأَخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا وَشَفَقْتُ لَكَ مِنْ إِسْمِي إِسْمًا فَأَنَا الْمُحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ إِظْلَعْتُ الثَّانِيَةَ فَأَخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا وَجَعَلْتُهُ وَصِيكَ وَخَلِيفَتَكَ وَزَوْجَ ابْنَتِكَ وَأَبَا ذُرِّيَّتِكَ وَشَفَقْتُ لَهُ إِسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا لَعْلَى [الْعَلِيُّ] الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ وَجَعَلْتُ فَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنْ نُورِكُمَا ثُمَّ عَرَضْتُ وَلَايَتَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ قَبِلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُتَقَرِّبِينَ يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَيَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لَوْلَايَتِهِمْ مَا أَسْكَنْتُهُ جَنَّتِي وَلَا أَظْلَمْتُهُ تَحْتَ عَرْشِي يَا مُحَمَّدُ أَتَحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّي فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ ارْزُقْ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا أَنَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّجَةَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ قُلْتُ يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ وَهَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَائِي وَيُحَرِّمُ حَرَامِي وَبِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي وَهُوَ رَاحَةٌ

لِأَوْلِيَائِي وَهُوَ الَّذِي يَشْفِي قُلُوبَ شَيْعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْجَاهِدِينَ وَ الْكَافِرِينَ
فَيُخْرِجُ اللَّاتَّ وَ الْعُزَّى طَرِيقَيْنِ فَيُخْرِفُهُمَا فَلِفِتْنَتِهِ النَّاسِ بِهِمَا يَوْمَئِذٍ أَشَدُّ مِنْ
فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَ السَّامِرِيِّ^۱.

از امام جعفر صادق از پدرش از پدران‌ش از امیر المومنین ع روایت شده که، رسول خدا ص فرمود: شبی که مرا به آسمان بردند، خداوند به من وحی کرد که ای محمد! من بر زمین نظر کردم، تو را اختیار کردم و نبی گردانیدم و از نام‌های خود برای تو نامی اشتقاق کردم، من محمودم تو محمد، پس دومین بار نظر کردم و اختیار کردم از آن علی را و او را وصی و خلیفه و شوهر دختر تو و پدر ذریّه تو گردانیدم و نام او را از نام‌های خود اشتقاق کردم منم علیّ اعلی و اوست علی و گردانیدم فاطمه و حسن و حسین را از نور شما، سپس عرضه کردم ولایت ایشان را بر ملائکه، هرکه قبول کرد نزد من از مقرّبان شد، یا محمد اگر عبدی مرا عبادت کند تا همچو کهنه پوستی شود سپس نزد من بیاید و منکر ولایت ایشان باشد او را در جنت خود ساکن نکنم و در عرش خود سایه بر او نگestرم، ای محمد ص آیا دوست می‌داری ایشان را ببینی؟ گفتم: آری ای پروردگار! گفت: سر بردار، سر برداشتم دیدم انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت بن حسن قائم (ایستاده) در میان ایشان گویا ستاره درخشان بود، گفتم: یا رب اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: اینها امامانند و این قائم است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می‌کند، و با او انتقام می‌ستانم از دشمنان خود، او راحت دوستان من و شفا دهنده دل‌های شیعه تو از ظالمان، منکران و کافران است، بیرون می‌آورد لات و عزی را و آنها را می‌سوزاند، همانا گمراهی مردمان در آن روز بدتر باشد از فتنه گوساله و سامری.

۱. عیون الأخبار، ج ۱، ص ۵۸ - کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۲ - بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۴۵.

وجه تشابه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نور

وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نور است، و به نور هدایت می‌کند و این نور، قلب و روح انسان را روشن می‌کند. بنابراین کسانی می‌توانند از وجود ایشان در زمان غیبت بهره ببرند که دل‌هایشان به نور ولایت حضرت روشن شده باشد. او از نور است.

به موجب این حدیث، نور مولی ما، حضرت حجه بن الحسن، دو ویژگی خاص دارد:

اول: اینکه در میان انوار معصومین، همانند ستاره درخشان است، بدین خاطر که ظهور آن حضرت، در عالم امکان تمام‌تر و کامل‌تر از سایر معصومین است که غلبه و پیروزی کامل دین و شوکت و عظمت اهل ایمان به دست آن حضرت انجام می‌گردد.

دوم: اینکه نور آن جناب در وسط انوار واقع شده و چند وجه برای حکمت آن به نظر رسیده است.

۱. این دلیل و نشانه شرافت و رفعت و بلندی مقام و منزلت است چنانکه از شیوه بزرگان معلوم است بلکه در تمام اصناف این روش دیده می‌شود هرگاه زرگری بخواهد زیوری بسازد که گوهرهای متعددی بر آن نصب نماید گرانبهارترین و زیباترین گوهرها را در وسط آن قرار می‌دهد این برنامه هر صنعت گر ماهر است.

۲. اشاره به کمال ظهور و انتشار نور آن حضرت است همچنان که وقتی خورشید به وسط آسمان رسید نورش برای تمام دیدگان در همه شهرها

- آشکار می‌گردد و روشنایی آن به حد اعلی می‌رسد که پر واضح است.
۳. هر چیزی که وسط واقع شود انظار به سوی آن متوجه می‌گردد و چون پیوسته انظارنامه اطهار به سوی امام غایب بوده (چون خداوند متعال ظهورش را وعده داده است و انتقام از دشمنانشان را به دست حضرت تضمین فرموده) خداوند عز و جل نور مبارکش را در وسط انوار آنها قرار داده است.
۴. اشاره به این مطلب باشد، که کمالات و علوم ائمه معصومین و پیامبران پیشین به آن حضرت منتهی می‌شود.

در زیارت روز جمعه نیز خطاب به امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَحَالُ فُرَجَةُ الشَّرِيفِ این گونه آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ»؛ سلام بر تو ای نور خداوند که هدایت جویان به وسیله او هدایت می‌شوند. نکته بسیار زیبای این جمله این است که، اگر بجای الله، الرحمن الرحیم و ... می‌شد امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَحَالُ فُرَجَةُ الشَّرِيفِ نور یک صفت خدا می‌شد. ولی الله به نور اضافه شده لذا می‌گوییم سلام بر تو، که نور ۱۰۰۱ صفت جلال و جمال خدا هستی نور هدایت. نور ستاریت. نور غفوریت. نور رحیمیت. نور کریمیت. تمام انوار الهیه در وجود امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَحَالُ فُرَجَةُ الشَّرِيفِ جمع است.

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در توصیف امام می‌فرمایند: (الإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ وَ هِيَ فِي الأفُقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهَا الأَيْدِي وَ الأَبْصَار) امام مانند خورشید فروزنده‌ای است که با تابش نور خود به زندگی تاریک بشر

روشنی می‌بخشد و در حالی که خود بر تارک بلند افق آسمان قرار دارد، دستها و چشمها به او نمی‌رسد.

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ مفهوم امام را به خورشیدی مثال می‌زند که در عالم والایی قرار دارد که از دست آلوده ناهلان به دور است و باعث نورافشانی عالم می‌شود و از سوی دیگر تمام موجودات نورشان وابسته به تابش نور خورشید است.

ابی خالد کابلی می‌گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از تفسیر قول خدای عزّ و جلّ: «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا»^۱

پرسیدم؛ حضرت فرمودند: يَا أَبَا خَالِدٍ النُّورُ وَاللَّهُ الْأَيْمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لِنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ وَهُمْ وَاللَّهُ يَنْوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَحْجُبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَسَاءُ فَتُظْلِمُ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَيَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَلَا يُطَهَّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَيَكُونَ سَلْمًا لَنَا فَإِذَا كَانَ سَلْمًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَآمَنَهُ مِنْ فِرَاعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ.

فرمود: ای ابو خالد، بخدا سوگند که منظور از نور، تا روز قیامت ائمه از خاندان محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که ایشانند همان نور خداوند در آسمانها و زمین، به خدا ای ابا خالد، نور امام در دل مؤمنان از پرتو خورشید تابان در روز، روشن تر است، به خدا آنها دل مؤمنان را نورانی می‌کنند و خدای عز و جل نورشان را از هرکس بخواهد پنهان می‌دارد تا دلشان تاریک گردد، به خدا ای ابا خالد! بنده‌ای

ما را دوست ندارد و پیروی نکند تا خدا دلش را پاک گرداند و خدا دل بنده‌ای را پاک نکند تا تسلیم ما شود و با ما همراه باشد و چون با ما سازش کرد خدا او را از حساب سخت، حفظ کند و از ترس روز قیامت او را آسوده سازد.^۱

نور هر کجا که در قرآن آمده مقصود ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند و مصداق بارز نور امروز، مولای ما حجه بن الحسن العسکری عَلَيْهِ السَّلَام فرجه الشریف است، که ذکرش نور است، محفلش نور است، دستوراتش نور است، سنت و سیره اش نور است و نامش سبب نورانیت است.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۰۸ - کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۲۸۰.

آقای من

مجنون عشقت گشتم و جانی ندارم از تو به غیر از تو تمنائی ندارم
 آرمی خلائق بندگان این و آنند شکر خدا غیر از تو مولائی ندارم
 درد فراق روی تو درمان ندارد غیر از وصال تو مداوائی ندارم
 از تو به فهم خود کند هر کس تقاضا من غیر دیدارت تقاضائی ندارم
 آقای من من بنده ای بی دست پیامم خواهم پیام سوی تو پائی ندارم
 من با ولا محض تو مغف کفرتم هیچم و بی عشق تو معنائی ندارم
 در خیل عشاق جمالت کمتر نیم لطفی منا امیسد فردائی ندارم
 رسوا مگردان بنده آوده ات را حزنی دگر جز ترس رسوائی ندارم
 نه خانه، نه کاشانه، نه دار امید من بی پناهم جز تو ماوائی ندارم
 نوری به تابان در شب تاریختین من طاقت آن شام تنهائی ندارم
 در روز محشر نامه من زشت زشت است جز مهر تو در نامه زیبائی ندارم

خواهم تماشایت کنم اما چه سازم
 چون هاشمی چشم تماشائی ندارم

حدیث بیست و ششم: برکات یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

قال أبو عبد الله عليه السلام: يا زُرَّارَةُ! إن أدركت ذلك الزمان فالزم هذا الدعاء: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ إن لم تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لم أعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إن لم تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لم أعْرِفْ، حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إن لم تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.^۱

امام صادق عليه السلام به زُرَّارَه فرمود: اگر زمان غیبت را درک کردی، این دعا را همیشه داشته باش: خدایا، خودت را به من بشناسان، چون اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا رسول خود را به من معرفی کن چون اگر رسول تو را نشناسم، حجّت تو را نخواهم شناخت، خدایا حجّت خود را به من معرفی کن زیرا اگر حجّت تو را نشناسم از دین خود گمراه شده ام.

بعضی از تکالیف زمان غیبت به زبان فرمان و دستور واجب صادر نشده، بلکه بصورت خبر دادن از حالات مومنان آن زمان بیان شده است. در این روایت به این مطلب، توجه داده شده است که، شخص با ایمان در این برهه از زمان، باید دلش متوجه و به یاد محبوبش باشد چرا که اگر غیر از این باشد، نشانه بی ایمانی اوست.

۱. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶.

محمد بن زیاد ازدی می‌گوید: از سرور خودم امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره کلام خدا: (وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً) فقال: أَلِنِعْمَةَ الظَّاهِرَةِ الْإِمَامُ الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنَةِ الْإِمَامُ الْغَايِبُ فَقُلْتُ لَهُ وَيَكُونُ فِي الْأَيْمَةِ مَنْ يَغِيبُ؟ قَالَ: نَعَمْ يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ؛ فرمود: نعمت ظاهری امام ظاهر است و باطنی امام غایب. گفتم: آیا در میان ائمه کسی هست که غایب شود؟ فرمود: آری شخص او از دیدگان مردم پنهان می‌شود، اما یاد او از قلوب مؤمنان غایب نمی‌شود.^۱

مرحوم آیت الله سید هادی میلانی رحمة الله عليه از مراجع بزرگ مشهد بود که قبل از انقلاب از دنیا رفت. این مرجع تقلید، علاقه بسیاری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف داشت و بسیار انتظار ایشان را می‌کشید و توسلات بسیاری نیز به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف داشت. از ایشان استفتاء کردند: «انتظار، یاد و توجه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و دعا برای ایشان چه حکمی دارد؟» پاسخ داد که واجب است یعنی در زمان غیبت واجب است هر شیعه ای یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد و دعا برای حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف کند زیرا این دعا و یاد کردن ما را حفظ می‌کند، دین ما را مراقبت می‌کند، ارتباط ما را با حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف حفظ می‌کند و بهره ما را اضافه می‌کند.

هر میزان برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف دعا کنیم و به یاد حضرت باشیم، نفع آن برای ماست؛ همانطور که خورشید احتیاج به کسی ندارد، اگر ما به تاریکی رفتیم و از نور و حرارت خورشید استفاده نکردیم، ضرر می‌کنیم.

برکات یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

۱. یاد حضرت، موجب نورانیت فکر و قلب است. فکر انسان وقتی به یاد انسان کامل باشد، نور می‌گیرد و در مقابل هم اگر به یاد گناه باشد، فکر او ظلمت می‌گیرد. این نکته ای است که ما نمی‌توانیم نسبت به آن بی‌توجه یا غافل باشیم. یک مؤمن باید علاوه بر رفتارش، فکرش را هم کنترل کند؛ چرا که فکر روی جسم انسان کاملاً تأثیر می‌گذارد. شما اینجا که نشسته اید، تصور کنید یک ترشی یا خیارشور را زیر دندانان فشار می‌دهید، هرچند این خیارشور وجود خارجی ندارد، ولی بزاق دهان شما ترشح می‌شود این مثالی است که تأثیر روح بر جسم را کاملاً محسوس می‌کند.

جوانی که شبانه روز به یاد امام زمانش است، می‌گوید: یا صاحب الزمان! دستم به دامن شما؛ ای انسان کامل ای آقازاده، شما انسان کاملی هستید. دستم به دامن شما، آیا می‌شود دست مرا هم بگیرید، لطفی کنید. (خالصانه با آقا صحبت کنید، خیلی ساده، اما مؤدبانه؛ فرض کنید روبه روی آقا ایستاده اید و نتیجه بگیرید. بعضی می‌خواهند ساده حرف بزنند بلد نیستند، بی ادبانه حرف می‌زنند با لفظ «تو» و ... صحبت می‌کنند. هیچ وقت خلاف ادب صحبت نکنید.)

کسی که به یاد آن حضرت، دل خود را نورانی می‌سازد، ضربان روحش منظم خواهد شد و روحش زنده و بیدار می‌ماند و این یاد دائمی مانع خواب رفتن روح یا مُردن آن می‌شود؛ یاد آن بزرگوار همچون یاد مدینه و مکه و کربلاست که حتی اگر کسی تا آخر عمر، به زیارت آن مکان‌های شریف موفق نشود، روح

او با یاد آن مکان‌ها زنده خواهد ماند.

و در مقابل، فکر گناه و شهوت نیز فکر و روح انسان را سیاه و تیره می‌کند. روان‌شناسان می‌گویند: اگر می‌خواهی از فکر مطلبی بیرون بیایی، فکرت را متوجه مطلب دیگری کن، مثلاً کتاب بخوان، فیلم نگاه کن. اما یک عالم اخلاق می‌گوید علاوه بر بیرون کردن آن از ذهن، متوجه استغفار شو! یعنی فکرت را با ذکر کنترل کن، نتیجه این می‌شود که وقتی فکر متوجه ذکر شد، هم فکر گناه بیرون می‌رود و هم نورانیت جای آن می‌آید. شما گاهی تخته سیاه را پاک می‌کنید، گاهی هم علاوه بر پاک کردن به آن رنگ جلا هم می‌زنید.

۲. یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف از غفلت جلوگیری می‌کند. یکی از بلاهای بزرگی که دائماً دچار آن می‌شویم، غفلت است. انسان غافل، مثل ماشینی است که بی حرکت ایستاده و متوجه نیست. بخش عمده‌ای از عمر ما با غفلت می‌گذرد. اگر ذکر «یا صاحب الزمان» را وارد زبانمان کنیم، یکی از بهترین راه‌هایی است که می‌تواند از غفلت جلوگیری کند.

ماه خدا

ماه خداست، ماه صفا، ماه التجا	باید دعا کنیم بدرگاه کبریا
وقتی کریم بنده خود را کند صدا	بخشد خطای بنده و بر او کند عطا
وقت سحر که تیر دعا می کند اثر	تجلیل در طهور بود بهترین دعا
مولای ما، امام صفا بخش خوش بگفت	بر شیعیان و سوخته جانان با صفا
آرمی دعاست رمز کلید حضور من	تا کم شود ز فیض دعا مشکل شما
هر گاه مبتلا به بلا و غمی شدید	دست طلب دراز نمائید سوی ما
تا بگذرد نشانه اندوه جان گزرا	باشید در امان ز غم و فتنه و بلا
یار ب بحق احمد و آل مطهرش	دستور ده طهور کند ختم او صیا

ما توتیای دیده کند خاک مقدش

چون است هاشمی که کند جان خود فدا

حدیث بیست و هفتم : جلوه‌های محبت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ

قال الإمام الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ . في صفة الإمام .: الإمام الأئیس الرفیق ، والوالد الشفیق ، والأخ الشقیق ، والأُمّ البرّة بالولد الصّغیر^۱ .

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ - در تعریف «امام» - : امام ، همدم و رفیق است و پدر مهربان ؛ و برادرِ همسان است و مادر نیکوکار به فرزند کوچکش است.

یکی از زوایای ناشناخته‌ی امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ ، مهر و محبت آن بزرگوار به انسان‌ها و به ویژه شیعیان است. متأسفانه از گذشته‌ی دور چنین بوده است که امام را تنها با شمشیر و خونریزی و قهر و انتقام معرفی کرده و چهره‌ای خشن از آن حضرت نشان داده‌اند؛ حال آنکه آن حضرت مظهر رحمت بی کران الهی و پدر مهربان امت و همدمی دلسوز و همراهی خیرخواه است.

در حدیث قدسی در پایان ذکر امام معصوم آمده است: «وَأَكْمَلَ ذَلِكَ بَابِنِهِ م ح م د رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ» و تکمیل می‌کنم [سلسله امامان] را به فرزندش (م ح م د) به عنوان رحمتی برای همه جهانیان.

و در سخنی از خود حضرت آمده است: «إِنَّ رَحْمَةَ رَبِّكُمْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ» همانا رحمت پروردگارتان همه چیز را فرا گرفته و من آن

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۳ - تحف العقول، ص ۴۳۹.

رحمت بیکران الهی هستیم.

و در بیان امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین توصیف شده است. «وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مَنْ أَبَانِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ» امام دلسوزتر است بر مردم از پدران و مادرانشان. «أَوْسَعَكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرَكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصَلُكُمْ رَحِمًا» حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ، از همه‌ی شما، مردم را بیشتر پناه می‌دهد و از همه‌ی شما علمش افزون‌تر و رحمت و لطفش از همه فراگیرتر است.

آری، امام تجلی رحمت خدا است که در وسعت سینه‌ی او، کران تا کران عشق به انسان‌ها موج می‌زند و اگر قهر دارد بر گروهی اندک است که نه انسان، بلکه گرگهایی انسان نمایند که زندگی بشریت را با درنده‌خوئی خود زشت و سیاه کرده‌اند.

امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ مربی بزرگ و معلم دلسوز انسان و پدر مهربان مردم است و در همه اوقات و لحظات صلاح حال ایشان را رعایت می‌کند و در عین بی‌نیازی از ایشان، بیشترین لطف و عنایت را نثارشان می‌سازد؛ چنانکه خود فرمود: «لَوْ لَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَ رَحْمَتِكُمْ وَ الْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مُخَاطَبَتِكُمْ فِي شُغْلٍ» اگر این گونه نبود که ما دوستدار اصلاح کار شما هستیم و به شما نظر لطف و رحمت داریم از توجه و التفات به شما [به دلیل کارهای ناپسندتان] احتراز می‌کردیم.^۱

جلوه‌های مهربانی امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ

در این مجال، مروری داریم به گوشه‌هایی از جلوه‌های مهر و محبت آخرین

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

ذخیره الهی، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف:

۱. غم خواری

از مهم ترین و برترین صفات مومن، هم گرایی و همدردی با برادران دینی است. مومنان در جامعه اسلامی چونان پیکر واحدی هستند که درد و غم هر یک سبب رنج دیگران و آسایش و شادی هر کدام باعث سرور دیگران خواهد بود، زیرا آنها به تصریح قرآن برادرند. در روایات متعدّد ائمه معصومین علیهم السلام احساس هم دردی و غم خواری خود را نسبت به شیعیان بیان کرده اند که این حسّ زیبا سبب آرامش و تسلای دلِ دوستان ایشان است و قوت قلبی است که آنها را در فراز و نشیب های زندگی دلگرمی داده و صبوری و مقاومت آنها را تقویت می کند.

امام رضا علیه السلام می فرماید: «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضْنَا لِمَرَضِهِ وَلَا اغْتَمَّ إِلَّا اغْتَمَمْنَا لِغَمِّهِ وَلَا يَفْرَحُ إِلَّا فَرَحْنَا لِفَرَحِهِ» هیچ یک از شیعیان، مریض نمی شود مگر اینکه ما نیز در بیماری او بیمار می شویم و اندوهگین نمی شود مگر اینکه ما نیز در غم ایشان محزون می شویم و شادمان نمی گردد مگر اینکه ما نیز به خاطر شادی او شادمانیم...

یکی از شیعیان امام صادق علیه السلام گوید: بر آن حضرت وارد شدم و عرض کردم: از «عمر بن اسحاق» حدیثی به من رسیده است. فرمود: آن را عرضه کن. گفتم: «عمر بن اسحاق» بر امیرالمومنین علی علیه السلام داخل شد، پس از آن حضرت آثار زردی بر صورتی دید و فرمود: این زردی چیست؟ پس

بیماری خود را توضیح داد. آن حضرت به او فرمود: ما خوشحال می شویم به خوشحالی شما و اندوهگین می شویم به اندوه شما و بیمار می شویم به بیماری شما... امام صادق علیه السلام فرمود: عمر و راست گفته است.^۱

بنابراین امام به دلیل شدت رأفت و محبتی که نسبت به پیروانش دارد، بیشترین اتصال و ارتباط را با شیعیان خود دارد و به دلیل همین محبت و دوستی فزاینده است که در غم و رنج آنها شریک است مانند مادری که به دلیل شدت دوستی و ارتباط با فرزندش به هنگام بیماری او، بیمار می شود؛ چنان که با بهبودی و شادی او نشاط پیدا می کند زیرا که فرزند، همچون جان شیرین برایش عزیز و دوست داشتنی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَاللَّهِ إِنِّي أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» به خدا سوگند من نسبت به شما از خود شما مهربانترم.^۲

نتیجه اینکه جنس محبت امام با سایر محبت ها متفاوت است. محبتی است خالص و بی منت و بی نهایت و محبتی است که نه به زبان که در دل و اعماق جان او نهفته است و به همین دلیل با همه ی وجود و با جسم و جان با شیعیانش پیوند دارد.

یکی از نمونه های روشن این محبت الهی در وجود شریف امام زمان اینگونه در بیان حضرت توصیف شده است: «إِنَّهُ أَنْهَى إِلَيَّ أَرْثَابَ جَمَاعِهِ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ وَمَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشَّكِّ وَالْحَيْرَةِ فِي وُلاِهِمْ فَعَمَمْنَا ذَلِكَ لَنَا وَسَاوَنَّا فِيكُمْ لَا فَيْنَا لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ» به من رسیده است که گروهی از

۱. بصائر الدرجات، ص ۲۶۰.

۲. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۷۸.

شما در دین به تردید افتاده و در دل آنها نسبت به اولیای امرشان شک و حیرت راه پیدا کرده است و این امر مایه‌ی اندوه ما شد، البته به خاطر خود شما نه برای خودمان و باعث ناراحتی ما نسبت به شما و نه درباره‌ی خودمان گردید، زیرا که خداوند با ماست و با بودن او نیازی به دیگری نداریم.^۱

پس به جاست همان‌گونه که برادران یوسف در سختی و گرفتاری خود، دست به دامن یوسف شدند و از او مدد طلبیدند، ما نیز در مشکلاتمان اینگونه با آقا و مولای خود نجوا کنیم: «يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ؛ ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته و متاع کمی (برای خرید مواد غذایی) با خود آورده‌ایم، پیمانانه را برای ما کامل کن و بر ما تصدق و بخشش نما، که خداوند بخشنندگان را پاداش می‌دهد!»^۲

۲.۲ دعا کردن

یکی از اسباب خیر و نیکی مؤمنان نسبت به یکدیگر دعا کردن است، که گره گشای بسیاری از مشکلات و برون رفت از بن بست‌های فراوان است. و نیز بدون تردید دعا از بهترین وسائل قرب الهی و رسیدن به خواسته‌های دنیوی و اخروی است و البته هرچه دعا کننده از ایمان و اخلاص بیشتر برخوردار باشد، دعای او به اجابت نزدیک تر خواهد بود. تصور کنید که یک عالم ربّانی و مردی سر تا پا خدائی به شما بگوید که شب گذشته در راز و نیازم حالت

۱. غیبت طوسی، ص ۲۸۵.

۲. سوره یوسف، آیه ۸۸.

خوشی دست داد و شما را به ویژه دُعا کردم، چه حالتی در شما پیدا می‌شود و چه نشاطی پیدا می‌کنید و چقدر این احسان او را بزرگ می‌شمارید.

راستی اگر شیعه‌ی منتظری بدانند و بفهمند که نه یک بار، بلکه همیشه مشمول دُعای خیر امام زمان خویش است چه احساسی پیدا می‌کند؟! در روایت است یکی از یاران امام رضا علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: برای من و خانواده‌ام دعا کنید. امام فرمود: آیا چنین نمی‌کنم؟! ...^۱

یعنی شیعیان هر امامی مشمول دعا‌های امام زمان خویشند و این به دلیل نهایت لطف و محبتی است که امام امت نسبت به پیروان خود دارد و نیز به دلیل قدردانی امام از احساس و نیکی شیعیان نسبت به امام امت یعنی در پاسخ دعا‌هایی که شیعیان برای فرج و سلامتی امام می‌کنند، امام نیز پیوسته برای حوائج دنیوی و اخروی ایشان دعا می‌کند و البته دُعای او کلید هر خیر و خوبی است و این نکته نیز گفتنی است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف هم به صورت گروهی شیعیان را دعا می‌کند و هم به صورت فردی و به طور خاص.

سید بن طاووس می‌گوید: در سامرا بودم، شبی هنگام سحر شنیدم که مولایم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف این گونه دعا می‌خواند: «إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَفَصَّلَ عَلَيَّ فَقَرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ] وَ الشَّرَّهِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشَّفَاءِ وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكَرَمِ [الكَرَامَةِ] وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ

عُرْبَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ» خدایا به حق آنکه با او مناجات کرد و به حق آنکه در خشکی و دریا تو را خواند، بر فقرای مومنین به غنا و ثروت و بر بیمارانشان به شفا و سلامتی و بر زندگانیشان به لطف و کرم و بر امواتشان به بخشش و رحمت و بر مسافران و غریبانیشان به بازگشت به وطن هایشان همراه با سلامتی، تفضّل فرما.^۱

علی بن بابویه رحمة الله - از محدثان و علمای بزرگ شیعه - عریضه‌ای به خدمت حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشت و به حسین بن روح نوبختی - نائب خاص امام زمان - داد و از آن حضرت خواست که دعا کنند تا خداوندی فرزندی به او عطا فرماید. پس از آن از سوی امام عَلَيْهِ السَّلَامُ توقیعی به این مضمون رسید: برای تو دعا کردیم و خداوند تو را به زودی دو فرزند نیکو کرامت فرماید. پس برای علی بن بابویه دو فرزند متولد شد؛ یکی «محمد» که معروف به شیخ صدوق است و کتاب‌های بسیار دارد که از جمله‌ی آنها کتاب شریف «من لا یحضره الفقیه» است و فرزند دیگرش، «حسین» بود که از نسل او عالمان و محدثان بسیاری به وجود آمدند. شیخ صدوق رحمه الله مگرر با افتخار می‌گفت: «أَنَا وُلِدْتُ بِدَعْوَةِ صَاحِبِ الْأَمْرِ» یعنی من به دعای حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ متولد شده‌ام.^۲

آری امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ برای دوستداران و شیعیان واقعی به ویژه افرادی که در حق آن حضرت و برای ظهور وی دست به دعا بردارند، دعا می‌کنند و این سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز بوده است.

۱. مهج الدعوات، ص ۵۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۶.

قطب راوندی، در خراج آورده که: شخصی به نام عبدالرحمن، مقیم اصفهان شیعه بود. از او پرسیدند: «چرا به امامت حضرت علی النقی هادی علیه السلام معتقد شدی؟» گفت: چیزی دیدم که موجب شد من این چنین معتقد شوم. من مردی فقیر، ولی زبانداری و پر جرأت بودم. در یکی از سالها، اهل اصفهان مرا با جمعی دیگر برای شکایت به دربار متوکل بردند، در حالی که بر آن دربار بودیم دستوری از سوی او بیرون آمد که علی بن محمد بن الرضا علیه السلام احضار شود. به یکی از حاضران گفتم: «این مرد کیست که دستور احضارش داده شده؟» گفت: «او، مردی علوی است که رافضیان، معتقد به امامتش هستند.»

سپس گفتم: «چنین می دانم که متوکل، او را برای کشتن احضار می کند.» گفتم: «از اینجا نمی روم تا این مرد را بینم چگونه شخصی است؟» گوید: «آنگاه او، سوار بر اسب آمد و مردم از سمت راست و چپ راه، در دو صف ایستاده به او نگاه می کردند. هنگامی که او را دیدم، محبتش در دلم افتاد. دست به دعا شدم و در دل از خدا خواستم تا شر متوکل را از او دفع کند. او در بین مردم پیش می آمد و به کاکل اسبش نگاه می کرد و به چپ و راست نظر نمی افکند، من در دل پیوسته برایش دعا می کردم. هنگامی که کنارم رسید، صورتش را به سویم گردانید. آنگاه فرمود: «خداوند، دعایت را مستجاب کند و عمرت را طولانی و مال و فرزندات را زیاد نماید!»

از هیبت او، بر خود لرزیدم و در میان رفقایم افتادم. پرسیدند: «چه شد؟» گفتم: «خیر است» و به هیچ کسی چیزی نگفتم. پس از این ماجرا، به اصفهان برگشتم. خداوند، به برکت دعای او، راههایی از مال بر من گشود، به طوری که

امروز، من، تنها، هزار درهم ثروت در خانه دارم، غیر از مالی که خارج از خانه، ملک من است و ده فرزند دارا شدم و هفتاد و چند سال از عمرم می‌گذرد. من، به امامت این شخص معتقدم که آنچه در دلم بود، دانست و خداوند، دعایش را دربارهام مستجاب کرد.»

پس هر کسی برای امام زمانش دعا کند، امام مهربانی‌ها نیز برای او دعا می‌کند و نه تنها برای او دعا می‌کند و طلب حاجت دارند؛ بلکه بر دعاهای او نیز آمین می‌گوید و زمینه استجاب آن‌ها را فراهم می‌کنند.

امیرالمؤمنین علی ع خطاب به شخصی به نام رُمیله می‌فرماید: «ای زمیله! هیچ مؤمنی نیست که بیمار شود، مگر اینکه به مرض او مریض می‌شویم و اندوهگین نشود مؤمنی، مگر اینکه به خاطر اندوه او، اندوهگین گردیم و دعایی نکند مگر اینکه برای او آمین گوئیم و ساکت نماند مگر اینکه برایش دعا کنیم.»

۳. نام بردن

نام هر کسی، شخصی‌ترین، عاطفی‌ترین و مورد علاقه‌ترین نشانه اوست و تجربه کرده‌ایم که وقتی ما را به نام می‌خوانند احساس زیبایی داریم، به ویژه اگر بر زبان شخص ارجمندی جاری شود و البته اگر آن بزرگ، محبوب و محبوب‌ترین باشد، این احساس خوشایند بسیار بیشتر و والاتر است. و اگر به زبان خطاب باشد لذتی از آن برتر نخواهد بود!

و یکی از جلوه‌های محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که دوستان خود را به نام یاد می‌کند و یا آنها را مخاطب قرار می‌دهد.

محدث نوری از مرحوم ملازین العابدین سلماسی نقل کرده است که گفت: [در مجلسی خصوصی همراه با مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی] در محضر علامه سید مهدی بحرالعلوم رحمه الله بودم که محقق از بحرالعلوم چنین درخواست کرد: چیزی به ما تصدیق نمایید؛ از آن نعمت‌های غیرمتناهی که به دست آورید! سید بحرالعلوم بدون تأمل فرمود: من شب گذشته، در مسجد کوفه رفته بودم برای ادای نافله‌ی شب... و چون از مسجد بیرون آمدم در دلم شوقی افتاد برای رفتن به مسجد سهله...؛ داخل مسجد شدم دیدم که خالی است از زوّار جز شخصی جلیل که مشغول مناجات با قاضی الحاجات است به کلماتی که قلب را منقلب و چشم را گریان می‌کند، حالت‌م متغیر و اشکم جاری شد... پس ایستادم و گوش فرا دادم و از آنها لذت می‌بردم تا آنکه از مناجات فارغ شد، پس ملتفت شد به من و به زبان فارسی فرمود: «مهدی بیا!» چند گامی پیش رفتم و ایستادم. امر فرمود: که پیش روم. اندکی رفتم و توقف نمودم. باز امر فرمود: به پیش رفتن و فرمود: «ادب در امثال است». پیش رفتم تا به آنجا که دست آن جناب به من و دست من به آن جناب می‌رسید و تکلم فرمود: به کلمه‌ای!...^۱

- روزی آیت الله بهاء‌الدینی فرمود: «امسال، در مکه‌ی معظمه در مجلسی که آقا امام زمان - عجل‌الله‌تعالی فرجه‌التشریف - تشریف داشتند، اسم افرادی برده شد که مورد عنایت آقا بودند، از جمله‌ی آنان حاج آقا فخر بود.» از حاج آقا فخر سؤال شد: «شما چه کرده‌اید که مورد عنایت حضرت واقع شده‌ای؟»، گریه کرد و فرمود: «من، کاری نداشته‌ام، جز این که مادر من، علویه است و افلیج و زمین‌گیر شده

است. تمام خدمات او را خود بر عهده گرفته‌ام، حتی حمام و شستشوی او را. من گمان می‌کنم، خدمت به مادر، مرا مورد عنایت حضرت قرار داده است.»^۱

۴. سلام دادن

سلام، تحیت و برکت و رحمت و سلامتی است. سلام نشانه محبت و صفا و اخلاص و یکرنگی است. رمز عاشق و معشوق و مرید و مراد است.

۵. هدیه دادن

هدیه، نشانه محبت و یاد و توجه است و هرچه هدیه دهنده بزرگتر باشد ارزش هدیه بالاتر و احساس گیرنده‌ی هدیه زیباتر خواهد بود. در زندگی معصومین علیهم السلام موارد فراوانی است که به دوستان خود هدایائی داده‌اند و در این میان هدایای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که در عصر غیبت به شیعیان می‌رسد رنگ و بوی دیگری دارد.

مرحوم ملا محمد تقی مجلسی می‌گوید: در اوایل بلوغ در پی کسب رضایت الهی بودم و همیشه ناآرام بودم تا آنکه بین خواب و بیداری حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که در مسجد جامع اصفهان تشریف دارند. به آن حضرت سلام کردم و دست مبارکشان را بوسیدم و مشکلاتی که داشتم از ایشان پرسیدم... آنگاه عرض کردم: مولای من برای من امکان ندارد که همیشه به حضورتان مشرف شوم تقاضا دارم کتابی که همیشه به آن عمل کنم عطا بفرمایید. فرمود: کتابی به تو عطا کردم و آن را به مولا محمد تاج داده‌ام. برو

۱. کتاب نزدان آسمان، ص ۱۷۴ - کتاب سیری در آفاق (زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی)، ص ۳۷۴.

و آن را از او بگیر. مرحوم مجلسی در ادامه می‌گوید آن کتاب صحیفه کامله سجادیه بود.

۶. مراقبت و نظارت بر اعمال دوستان

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با اذن الهی، مراقب احوال شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام است. آن حضرت همچون پدری که دغدغه تربیت و آینده فرزندان خود دارد، دوستاندانش را زیر ذره‌بین می‌گیرد و همواره مراقب آنان می‌باشد.

البته این نظارت و مراقبت بر اعمال شیعیان و دوستان برای مچ‌گیری و پرده‌داری از آنان و کشف اسرارشان نیست؛ بلکه برای این است که در حق آنان دعا کنند و از نیکی‌ها و حسنات آنان شادمان شود و به شوق آید و در مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها فریادرس آنان شود و در برخورد با دشمنان یاریشان نماید و اگر گناهی مرتکب شوند، آنان را باز دارند و در مواردی هم به سوی توبه هدایت کند و خود نیز در پیشگاه الهی واسطه شوند تا از مجازات آن‌ها کم شده و زمینه ورود به بهشت و قرب الهی برای آنان فراهم گردد.

آن حضرت خود، در نامه‌ای برای شیعه واقعی خویش، شیخ مفید رحمته الله علیه نوشته است: «اگر چه خدا صلاح ما و شیعیان مؤمن را در این دانسته که تا زمانی که حکومت دنیا با گناه‌کاران است، در جایی منزل کنیم که از شهرهای اهل ظلم و ستم دور باشد، لیکن ما از خبرهای شما آگاه هستیم و هیچ چیز از احوال شما بر ما پنهان نیست و انحرافات و انحرافات که بدان دچار شده‌اید را می‌دانیم»

در ادامه این نامه طولانی، می‌فرماید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدُكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ

جَآلَالُهُ؛ ما شما را رها نمی‌سازیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر این چنین بود، بلاها بر شما نازل می‌شد و دشمنان، شما را نابود می‌کردند. پس از معصیت خدا پرهیز کنید و تقوا پیشه سازید.»^۱

امام صادق علیه السلام نیز در وصف خود بلکه ائمه علیهم السلام می‌فرماید: «وَ اللّٰهُ لِآنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ؛ به خدا سوگند! که ما، نسبت به شما، از خود شما، مهربان‌تر و رحیم‌تریم.»^۲

همچنین امام صادق علیه السلام درباره وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان دوستان می‌فرماید: «صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَيَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَّأُ فُرُشَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللّٰهُ لَهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدْنَى لِيُوسُفَ حَتَّى قَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ أَيْنَكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ؛ صاحب این امر، در میان آنان، راه می‌رود و در بازارهایشان رفت و آمد می‌کند، روی فرش‌هایشان گام برمی‌دارد و آنان او را نشناسند تا اینکه خداوند او را اجازه فرماید که خودش را معرفی کند همان‌گونه که خداوند یوسف را اجازه فرمود، در آن هنگام که برادرانش به او گفتند: «آیا حتماً تو خود، یوسف هستی؟ پاسخ داد: آری من یوسفم.»^۳

ناگفته نماند این مراقبت و نظارت هشدار برای محبین و پیروان آنان است که آنی از توجه مولای خویش به خود، غافل نباشند و متوجه باشند فرمان‌برداری، شرط اساسی و نشانه خوبی بر صداقت عاشقی و دلدادگی به محبوب است. یکی از مراجع عظام تقلید، ضمن توجه دادن همگان به حضور امام

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲. بصائر الدرجات، ص ۲۶۰ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۵.

زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و آگاهی آن حضرت به احوال شیعیان نشان، می فرماید: «صدای شما، قبل از اینکه به گوش خودتان برسد، به گوش آن حضرت می رسد؛ چون فاصله شما با آن حضرت، از فاصله دهان تا گوش شما نزدیک تر است.»

نکته:

درجهٔ محبت و ارادت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مخصوصاً حضرت ولی عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى نسبت به شیعیان بستگی به درجهٔ تقوا و پاکی و قرب آنان به درگاه خدا دارد. ملاک محبت نزد امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، همان است که در قرآن آمده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ»؛ گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شما است.

تماشای یار

شبی به شوق تماشای یار خوابیدم بخواب جلوه‌ای از روی یار دیدم
 به شب همیشه کند قرص ماه جلوه‌گری تعجب است که من آفتاب را دیدم
 ندای هاتف غیبی رسید عالم غیب بکوش جان سخن دل نپوش بشنیدم
 که ذره‌را چه رسد وصل شمس عالمیان من از خجالت افزون بخویش لرزیدم
 پریش گشتم از این آرزوی باطل خویش به گوشه‌انمی‌نشستم وزاگر دیدم
 ندارید که با قدیان هم‌آوا شو ز خواب چشم‌گشودم که خواب می‌دیدم

تو نامید مشو باشمی ز دور فلک

نکرده شاه کریمان ز خویش نو میدم

حدیث بیست و هشتم: طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا تُنْكِرُونَ أَنْ يَمُدَّ اللَّهُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ فِي الْعُمُرِ كَمَا مَدَّ لِنُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْعُمُرِ!
چرا انکار می‌کنند که خداوند عمر صاحب این امر را طولانی می‌کند، همان‌طور که عمر نوح درود خدا بر او باد را طولانی کرد.

یکی از ویژگی‌های حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، بهره‌مندی از عمر طولانی است. که با توجه به اهمیت این ویژگی و نظر به پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود، این ویژگی را بطور اختصار بررسی می‌کنیم:

۱. پیش‌بینی عمر طولانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

موضوع طولانی بودن عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، از سال‌ها پیش از تولد آن حضرت، در روایت‌ها مطرح شده و ائمه معصومین عليهم السلام برای برطرف ساختن هرگونه شک و تردید در این زمینه، عمر طولانی پیامبران پیشین را به مردم یادآور می‌شدند و به آنها گوشزد می‌کردند که داشتن عمر طولانی، در تاریخ انبیا و اولیای الهی امری بی‌سابقه نیست.

در روایت‌های متعددی که در آنها به شباهت امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و بر خوردارانی آن حضرت الهی اشاره شده است، بر شباهت امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و بر خوردارانی آن حضرت از عمر طولانی تأکید شده است. از جمله در روایتی که از امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده، آمده است: «فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَ هِيَ طُولُ الْعُمْرِ»^۱ در قائم سنتی از نوح است و آن داشتن عمر طولانی است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَدَارَ فِي الْقَائِمِ مِثْلَ ثَلَاثَةِ أَدَارِهَا لِثَلَاثَةِ مِثْلِ الرُّسُلِ: قَدَّرَ مَوْلِدَهُ تَقْدِيرَ مَوْلِدِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَام، وَ قَدَّرَ غَيْبَتَهُ تَقْدِيرَ غَيْبَةِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَام، وَ قَدَّرَ إِبْطَاءَهُ تَقْدِيرَ إِبْطَاءِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَام، وَ جَعَلَ لَهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عُمَرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ أَعْنَى الْخِضَرِ عَلَيْهِ السَّلَام دَلِيلًا عَلَى عُمُرِهِ»^۲ خداوند متعال، سه ویژگی از سه نفر از پیامبران را در قائم ما قرار داده است: ولادتش را همچون ولادت موسی عَلَيْهِ السَّلَام، طولانی بودن غیبتش را همچون طولانی بودن غیبت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و عمر او را همچون عمر نوح عَلَيْهِ السَّلَام [طولانی] قرار داده است. خداوند به بنده صالح خود (خضر عَلَيْهِ السَّلَام) عمر طولانی داد تا دلیلی بر طولانی بودن عمر او (قائم) باشد.

در برخی روایات، امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام، با توجه دادن مردم به عمر طولانی حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام، زمینه هرگونه شک و تردید در عمر طولانی حضرت صاحب‌الامر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى را برطرف می‌ساختند.

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۲۴ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۲. کتاب الغیبة، ص ۱۰۵ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۰.

۲. پاسخ به شبهه طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از شبهاتی که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره مطرح بوده، طول عمر آن حضرت است. اینکه چگونه ممکن است که یک انسان بیش از هزار سال عمر داشته باشد؟ و مخالفان شیعه، این مسأله، را مستمسک قرار داده و آن را دلیلی قاطع بر بطلان اعتقاد شیعه در خصوص مهدویت دانسته‌اند.

پاسخ‌هایی را که به شبهه طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داده شده است، می‌توان به شرح زیر دسته بندی کرد:

الف - امکان عملی

با توجه به این جمله معروف که می‌گوید: «محکم‌ترین دلیل بر امکان چیزی، واقع شدن آن است» بسیاری از کسانی که از گذشته تا کنون درباره اثبات طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب یا مقاله نوشته‌اند، یکی از دلایل اصلی خود را وجود موارد فراوانی از افراد دارای عمرهای طولانی در گستره تاریخ، قرار داده‌اند.

بر اساس شواهد و قرائن تاریخی که در میان ادیان و ملل مختلف پذیرفته شده است، در طول تاریخ کسان زیادی وجود داشته‌اند که به عمرهای طولانی حتی بیش از هزار سال دست یافته‌اند. از آن جمله می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

۱. حضرت آدم ع‌آل‌ه‌س‌ل‌م: ۹۳۰ سال

۲. حضرت حوا ع‌آل‌ه‌س‌ل‌م: ۹۳۱

۳. شیث پسر آدم: ۹۱۲

۴. آنوش پسر شیث: ۹۰۵
۵. قینان پسر انوش: ۹۱۰
۶. مهلائیل (مَهْلَلْئیل) پسر قینان: ۸۰۰
۷. یَرَد (یارد) پسر مهلائیل: ۹۶۲ سال
۸. اُخْنُوخ (خَنُوخ) پسر یَرَد: ۳۶۵ سال
۹. مَتُوْشَالِح (مَتُوْشَلِخ) پسر اُخْنُوخ: ۹۶۰
۱۰. لَمَک پسر متوشالح: ۷۷۷

علی محمد علی دخیل در کتاب خود، نام‌های بیش از دویست نفر از دراز عمران (معمّران) تاریخ را که بین ۱۳۰ تا ۳۶۰۰ سال عمر کرده‌اند، برمی‌شمارد. یکی دیگر از نویسندگان معاصر نیز در کتابش، بیش از سی نفر از کسانی را که تا ۷۰۰ سال عمر داشته‌اند، معرفی کرده است.

در ادبیات کهن عرب نیز کتاب‌های متعددی با عنوان المعمرّون یافت می‌شود که در آنها به نام‌های کسانی از عرب و غیر عرب که عمرهای طولانی بیش از ۱۲۰ سال داشته‌اند، اشاره شده است. یکی از معروف‌ترین این کتاب‌ها، کتاب المعمرّون و الوصایا اثر ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی (م ۲۵۰ هـ. ق) است.

با توجه به فهرست طولانی اسامی افرادی که در گستره تاریخ از ابتدای آفرینش تا سده‌های اخیر به عمرهایی چند برابر عمر متوسط انسان‌ها دست یافته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که داشتن عمر طولانی امری غیر ممکن و بی‌سابقه

نیست، و از نظر عقل و منطق کاملاً قابل تصور است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم بتواند بیش از هزار سال عمر کند.

ب- امکان علمی

علوم امروز، امکان طول عمر را تأیید کرده و کوشش بشر را در این راه، نتیجه بخش، موفقیت آمیز و لازم می‌شناسد و برای طول عمر، حد و اندازه‌ای معلوم نمی‌کند.

در این زمینه می‌توان نظر علوم مختلف را چنین تبیین کرد: زیست شناسان می‌گویند: اگر اختلالات و آسیب‌هایی که به انسان می‌رسد و موجب کوتاهی عمر او می‌شود، رفع گردد، عمر او به دویست سال خواهد رسید. برخی می‌گویند: انسان باید سیصد سال عمر کند؛ اینکه می‌بینیم هفتاد یا هشتاد سال عمر می‌کند، بر اثر آن است که عضوی از او فرسوده می‌شود و به عضوهای دیگر سرایت می‌کند.

بر اساس نظر دانشمندان، پیری جز فرسوده شدن سلول‌های بدن نیست و اگر روزی بشر بتواند سلول‌های بدن انسان را جوان نگه دارد، خواهد توانست به راز طول عمر دست یابد و از عمری دراز برخوردار گردد. از نظر دانش جدید، جسم انسان برای سالیانی دراز، دارای قابلیت حیات و بقا است. دانشمندی که نظریات آنان مورد اعتماد است، می‌گویند: همه بافت‌های اصلی در جسم انسان و حیوان، تا بی‌نهایت قابلیت دارد و از این جهت کاملاً ممکن است که

انسانی هزاران سال زنده بماند؛ البته مشروط به اینکه عوارضی بر او عارض نشود که ریسمان حیات او را پاره کند.^۱

در قوانین طبیعی، در مورد مقدار عمر طبیعی بشر، هیچ اصل ثابت و غیر قابل تغییری وجود ندارد. به همین دلیل، دانشمندان علوم تجربی، همواره در حال مطالعه و آزمایش‌اند و می‌کوشند تا متوسط طول عمر انسان را افزایش دهند. بدون شک اگر مقدار عمر طبیعی انسان، دارای اصول ثابت و غیر قابل تغییر بود، این مطالعات و آزمایش‌ها، معنا و مفهومی نداشت. دانشمندان با تحقیقاتی که به عمل آورده‌اند. موفق شده‌اند عمر برخی از حشرات را تا نهمصد برابر عمر طبیعی آن، افزایش دهند. اگر این قضیه روزی در مورد انسان به حقیقت پیوندد، عمر هزار ساله برای انسان، امری پیش پا افتاده خواهد بود.

ج - امکان عقلی

از نظر عقل و قواعد عقلی، طولانی شدن عمر شخصی حتی تا هزاران سال هیچ محذوری نداشته و محال نیست. این امری است که همه عقلاء آن را تصدیق خواهند کرد؛ زیرا هیچ دلیلی بر محال بودن وجود ندارد. عمر بیش از حد طبیعی، از تفضلات و اعطای خداوند است: فخر رازی از مفسران شهیر اهل سنت، می‌گوید: با در نظر گرفتن ترکیب بدنی انسان، عقل با عمر بیش از حد طبیعی موافق است. آنهایی که عمر بیش از ۱۲۰ سال را محال و غیر ممکن می‌دانند، سخن‌شان خلاف حکم عقل است.

۱. منتخب الاثر، ص ۲۸۱.

یکی از علمای بزرگ می‌فرماید: «هیچ قاعده و برهان عقلی وجود ندارد که بر محال بودن طول عمر دلالت کند. به همین جهت نمی‌توانیم، طول عمر را انکار کنیم»^۱

د- اعجاز و قدرت الهی

یکی از راه‌های مهم اثبات امکان «طول عمر»، «اعجاز» و قدرت الهی است. با توجه به نصوص معتبر روایی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، با قدرت الهی زنده است و در میان مردم به حیات خود ادامه می‌دهد، همان خدایی که آتش را برای ابراهیم سرد و وسیله سلامتی قرار می‌دهد، عیسی و خضر را پس از قرن‌ها زنده نگه می‌دارد؛ می‌تواند مهدی موعود را نیز با قدرت بی‌کران خود، زنده نگه دارد. علامه طباطبائی نیز از مسئله «طول عمر» به عنوان «خرق عادت» یاد کرده، می‌فرماید: «نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت می‌توان پذیرفت. البته خرق عادت، غیر از محال است و از راه علم، هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند، تنها همان‌ها هستند که ما آنها را دیده ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی - که ما از آنها خبر نداریم، یا آثار و اعمال آنها را ندیده ایم یا نفهمیده ایم - وجود ندارد. از این رو ممکن است در فردی و یا افرادی از بشر، اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیاری طولانی - هزار یا چندین هزار ساله - برای ایشان تأمین نماید»^۲

۱. المیزان، ج ۱۲، ص ۳۵.

۲. شیعه در اسلام، ص ۱۵۱.

هـ - طول عمر در قرآن

در دین اسلام، امکان عمر طولانی، یکی از مسائل مورد اتفاق است و آیات بسیاری در قرآن هست که امکان طول عمر زیاد را یادآوری می کند و در تفاسیر و کتاب های روایی نیز آمده است.

قرآن به صراحت از عمر طولانی نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ خبر می دهد: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم پس در میان آنان ۹۵۰ سال درنگ کرد.^۱

عموم مسلمانان اتفاق دارند که عیسی و بلکه خضر و ادريس و الياس نیز زنده هستند و عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در آخرالزمان به زمین خواهد آمد و به حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ در نماز اقتدا خواهد کرد.

قرآن درباره عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قُتِلُوا وَمَا صَلَّبُوا وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ... وَمَا قُتِلُوا يَقِينًا. بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ...» گفته ایشان - که ما مسیح عیسی بن مریم، رسول خدا را کشتیم - صحیح نیست، زیرا آنها نه او را کشتند و نه به دار آویختند بلکه (امر) بر آنها مشتبه شد... او یقیناً کشته نشده بلکه خدا او را به سوی خود بالا برده است.^۲

۱. عنکبوت، آیه ۱۴.

۲. نساء، آیه ۱۵۷ - ۱۵۸.

سلطان عشق

جانِ قربانِ دوچشمانت کجا بروی من صدیگشتم بانگِ اهتِ دلبرمه روی من
 تا بجانم شمه ای از بویِ عطر تو وزید مست گشتم از شمیت ای گلِ خوشبوی من
 من نمیدانم چه اکسیر است در نام شما تا که نامت میبرم آیند دلهما سوی من
 بر سر هر تار مویت صد بزاران دل مقیم زلفِ راشانه مزنی ای یارِ شگین موی من
 کو طیبی تا بیاید بر سر بالین من زانکه درمانی ندارد تا تویی داروی من
 کم نمی‌کردد ز فرو شوکتت سلطان عشق پانچی چشم‌نوشینی تو رو در روی من

هاشمی جان راجه پاید خرنشار روی سوت

هستیم قربانیت ای دولت و دجوی من

حدیث بیست و نهم: سپاهیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ «أَتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۱ قَالَ هُوَ أَمْرُنَا أَمْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَلَّا نَسْتَعْجِلَ بِهِ يُؤَيِّدُهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ بِالمَلَائِكَةِ وَالمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبِ وَخُرُوجِهِ كَخُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ.^۲

عبدالرحمن بن کثیر گوید: امام صادق عليه السلام درباره‌ی آیه ۵ سوره انفال: «أَتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» فرمود: منظور، امر (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) ماست؛ خداوند حکم کرده است که درباره‌ی آن عجله نکنیم، تا او را با سه لشکر یاری رساند: با ملائکه، مؤمنان و ترس [در دل دشمنان]. خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند ظهور پیامبر خدا صلى الله عليه وآله است. همان گونه که خداوند فرموده است: آن چنان بود که پروردگارت تو را از خانه ات به حق بیرون آورد، حال آنکه گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند.

یاران و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بازوان توانمند ایشان، مایه دلگرمی و پیروزی هستند؛ همان گونه که همه پیامبرانی که از این همراهی بهره‌مند بودند به پیروزی‌هایی دست می‌یافتند.

۱. انفال، ۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.

امام صادق علیه السلام در این روایت مجموع عواملی که سبب پیروزی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود در سه چیز دانسته، اول: ملائکه دوم: مومنان سوم: رعب و وحشت، که در این مقال به بررسی آنها می پردازیم.

الف - فرشتگان

ابان بن تغلب می گوید: امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «سیزده هزار و سیصد و سیزده نفر از فرشتگان بر او نازل می شوند». من عرض کردم: این همه فرشته بر او نازل می شود؟ امام صادق علیه السلام فرمود: آری! آنها عبارتند از:

۱. همه فرشتگانی که با حضرت نوح علیه السلام در کشتی بودند.
۲. همه فرشتگانی که به هنگام افتادن حضرت ابراهیم علیه السلام در میان آتش با او بودند.
۳. همه فرشتگانی که به هنگام شکافتن رود نیل برای بنی اسرائیل با حضرت موسی علیه السلام بودند.

۴. همه فرشتگانی که به هنگام عروج حضرت عیسی علیه السلام با او بودند.
۵. چهار هزار فرشته نشان دار که در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودند.
۶. هزار فرشته که پشت سر هم، برای یاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمدند.
۷. سیصد و سیزده فرشته که در جنگ بدر حضور داشتند.

۸. چهار هزار فرشته که در روز عاشورا برای یاری امام حسین علیه السلام فرود آمدند و به آنها اجازه جنگ و پیکار داده نشد پس بالا رفتند و فرود آمدند و رخصت خواستند، باز رخصت نداد و بارها بالا رفتند و فرود آمدند و آن حضرت رخصت نمی داد، تا اینکه امام شهید شدند. پس از آن روز ملائکه همچنان پریشان و

غبار آلود نزد قبر آن حضرت گریان هستند، تا اینکه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند.^۱
 ابو حمزه ثمالی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت کرده است: هرگاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خروج کند، خداوند او را ملائکه مسومین و مردفین و منزین و کروبین یاری خواهد فرمود. جبرئیل پیش روی او، میکائیل در سمت راست او و اسرافیل در سمت چپ او قرار دارند و رعب و هیبت او به فاصله یک ماه راه، پیشاپیش و پشت سر و از راست و چپ او حرکت می‌کند (یعنی شعاع هیبت اش تا بعد یک ماه راه را زیر پوشش می‌گیرد) و فرشتگان مقرب در برابر او خواهند بود.^۲

ب- مومنان

همان‌گونه که بیان شد، طبق فرمایش امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از سه رکن پیروزی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مؤمنان هستند. و این مؤمنان، همان منتظران راستینی هستند که دوران غیبت را به نیکی سپری کرده‌اند؛ همان کسانی که زمینه‌سازان ظهور که به وظایف خود به شایستگی عمل کرده‌اند.

روایات مجموع این یاران را به دو بخش تقسیم کرده است.

۱. یاران خاص؛

۲. یاران عام (یاوران).

دسته نخست: یاران خاص

یاران ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده نفرند. احادیث فراوانی در ستایش این گروه ممتاز وارد شده؛ امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف در وصف یاران خاص

۱. کامل الزیارات، ص ۱۳۰.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۳۴.

حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ فرموده است: مردانی که گویی قلب‌هایشان مانند پاره‌های آهن است. هیچ چیز نتواند دل‌های آنان را درباره ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت‌تر از سنگ هستند. اگر بر کوه‌ها حمله کنند، آن‌ها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زین اسب امام دست می‌کشند و از این کار برکت می‌جویند. گرد امام خویش چرخیده، در جنگ‌ها، جان خود را سپر او می‌سازند و هر چه را بخواهد برایش انجام می‌دهند. مردانی که شب‌ها نمی‌خوانند؛ در نمازشان همه‌ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب‌ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب‌های خود سوارند. پارسایان شبند و شیران روز. اطاعت آنان برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آقایش زیادتر است. مانند چراغ‌ها هستند... گویی که دل‌هایشان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادتند. تمنایشان شهید شدن در راه خدا است. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می‌کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه وحشت حرکت کند. آنان، دسته دسته به سوی مولا می‌روند. خدا به وسیله آنان امام راستین را یاری می‌فرماید.^۱

علی بن عاصم گوید: امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدران بزرگوارشان، از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده که در بخشی از آن در باره یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ می‌خوانیم: «...رَجَالَ مُسَوِّمَةٍ يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنْ أَقْاصِي الْبِلَادِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا...» و مردانی شناخته شده

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

و نامدار، خدای تعالی برای او از اقصی نقاط بلاد سیصد و سیزده تن به عدد اصحاب بدر گرد آورد.^۱

دسته دوم: یاران عام (یاوران)

پس از گردآمدن یاران خاص حضرت در آغاز ظهور، نوبت به یاوران آن حضرت می‌رسد. آنان به طور سریع در مکه جمع شده آماده یاری می‌شوند. شمار یاوران آن حضرت در ابتدا افزون بر ده هزار نفر خواهد شد. چنانکه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أَوْلَى قُوَّةٍ وَ مَا يَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ» امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام خروج نمی‌کند مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از ده‌هزار نفر نیستند.^۲

آنچه در اینجا باید یادآور شد اینکه بخشی از یاران عام آن حضرت همان شیعیان واقعی آن حضرتند که در دوران غیبت به شایستگی به وظایف خود عمل کرده‌اند.

ج - رُعب

منصور بالرعب بودن، یعنی آنکه پیروزی آن حضرت ظاهرا در سایه رعب و وحشتی است که در دل دشمنان، از او و لشکریانش ایجاد می‌شود و آنها از قدرت و پیروزیهای او به قدری به هراس می‌افتند که توان استقامت خویش را از دست می‌دهند یا تسلیم می‌شوند و یا سلاحها را بر زمین می‌گذارند و فرار می‌کنند و این خود زمینه پیروزی و فتح بدون درگیری و خونریزی و جنگ را برای آن حضرت فراهم می‌سازد.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۲۰.

در تاریخ از اینگونه پیروزیها دیده شده که سپاهی با مشاهده قدرت طرف مقابل متزلزل و مرعوب می‌شدند و سرانجام قبل از رسیدن لشکر، خود را تسلیم می‌کردند.

پیامبر اسلام ﷺ، طبق شواهد تاریخی و آیات قرآن از این موهبت برخوردار بوده و در مواردی صلابت و اُبَهِت آن حضرت و تصمیم و اراده شکست‌ناپذیر او دل‌های دشمنان را به لرزه افکنده و آنان را پریشان ساخته است و پیش از درگیری و یا به مجرد رویارویی، شکست خورده و پا به فرار نهاده یا تسلیم شده‌اند.

پیامبر اسلام در «غزوه بدر» با اقلیتی غیر مجهز و بسیار کم در برابر سپاهی مجهز و چندین برابر، نه تنها ایستاد، بلکه به پیروزی جالبی هم رسید و این خود از مواردی است که دشمن با رعبی که در دلش از پیامبر اسلام توسط خداوند می‌افتد و با دادن بیش از هفتادکشته و مجروح و به جا نهادن اسیران زیاد، پا به فرار می‌گذارد.

ابوسفیان می‌گوید به محض رساندن کاروان به مکه بسرعت به بدر مراجعه کردم، لشکر در حال فرار بود و به هر کس می‌گفتم: بایست! می‌گفت: علی ع، سوار بر اسب مرا تعقیب می‌کند.

و نیز در جنگ با یهود بنی‌نظیر و بنی‌قریظه، ترس و نگرانی به حدی بود که به تعبیر قرآن: «وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمُ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ»^۱ و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست

۱. سوره حشر، آیه ۲.

مؤمنان خانه هاشان را ویران کردند.

اینها نمونه کوچکی است از پیروزی که در سایه ترس و رعب در دل دشمن به وجود می‌آید.

پس بسیار روشن است که یکی از عوامل عمده پیروزی ارتش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان رعب است که از آوازه حضرت و تایید و نصرت او از طرف خدا در دل دشمنان خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، می‌افتد و این حقیقت در لابلای آیات و روایات مشهود است.

اینک آیاتی که دلالت بر اینگونه پیروزیها دارد و می‌رساند که پیامبر، صلی الله علیه وآله، در مواردی، منصور بالرعب بوده است از نظر شما می‌گذرانیم:

۱. « سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب بما اشركوا بالله » بزودی در دل‌های کفار رعب و هراس می‌افکنیم به خاطر آنکه شرک برای خدا قائل شدند.^۱

۲. « سالتی فی قلوب الذین کفروا الرعب فاضربوا فوق الاعناق » بزودی در دل‌های کافران وحشت و ترس می‌افکنیم، پس ضربه‌ها را بر بالای گردن‌ها (یعنی مغزشان) فرود آورید. این در رابطه با رعبی است که در دل کفار قریش در جنگ بدر افتاد و سبب پیروزی مسلمانان بر آنها شد.^۲

۳. « وقذف فی قلوبهم الرعب فریقا تقتلون و تاسرون فریقا » در دل یهودیان رعب و وحشت افتاد که سبب فرو آمدن از دژهایشان شد و شما گروهی

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۱.

۲. سوره انفال، آیه ۱۲.

را کشتید و گروه دیگری را به اسارت گرفتید.^۱

۴. «فاتاهم الله من حیث لم یحتسبوا و قذف فی قلوبهم الرعب» پس قدرت خداوند از جایی که گمان نمی بردند، آمد و رُعب وحشتی در دل آنان افتاد.^۲

با توجه به معنای لغوی رعب که همان خوف و در واقع ترس شدیدی است که کتمان آن ممکن نیست، روشن می شود منصور به رُعب بودن آن حضرت ممکن است به این معانی باشد:

۱. مردم مخالف و دشمنان، روحیه خود را ببازند و جرات مقاومت در برابر او نکنند و از ترس لشکر مقاوم و غیرقابل نفوذ و شکست ناپذیر آن حضرت، تسلیم شوند.

۲. آوازه آن حضرت و لشکرش چنان رُعب آور است که شهرهای دور دست که با لشکر امام به مسافت یک ماه راه رفتن، فاصله دارند، از هر طرف بدون درگیری و رویارویی و مقاومت تسلیم می گردند.

۳. تمام دشمنان آن حضرت در خوف شدید به سر می برند و این ترس خود مقدمه پیروزی امام و شکست دشمنان امام است.

این رُعب و ترس از چند جهت ممکن است رخ دهد:

الف) از نظر اعجاز و قدرت خداوند که هراس و رعب در دل‌های دشمنان

۱. سوره احزاب، آیه ۲۳.

۲. سوره حشر، آیه ۲.

امام و ابرقدرتها بیفکند و قدرت اراده و تصمیم به مقاومت را از آنان سلب نماید، نتیجه اینکه زودتر تسلیم گردند. گویی چنان از خود بی خود شوند و دست و پای خود را گم کنند که توان حرکت نیابند همانند بره در برابر شیر و...!

ب) آوازه پیروزی سریع حضرت و شیوع فتح و نصرت او در سراسر بلاد و ویژگی یاران او و لشگریانش که مقاوم و شکست ناپذیرند، سبب این خوف و رعب گردد.

ج) انتشار حرکت و قیام امام و آمادگی باطنی مردم ممکن است، سبب پیوستن مردم به امام شود و در تمامی کشورها نیروها و مردم خواستار همکاری با امام زمان گردند و در نتیجه شورشها و قیامهای داخلی رخ دهد و موجب انشعاب حکومتها و تقسیم و تجزیه آنان گردد و عملاً ایجاد ترس و وحشت و رعب در دل‌های حاکمان و طاغوت و قدرتها شود.

د) امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با احاطه ای که بر اسرار غیب دارد ممکن است راز و رمز آنان را قبلاً کشف و خنثی کند و منابع و ذخایر اسلحه و نیروهای انسانی آنان را نیز شناسایی کند و نقاط ضعف و آسیب‌پذیری آنان را بداند و با یک اقدام سریع همه را وادار به تسلیم سازد و نیز کافی است که این کار را با چند دولت مقتدر انجام دهد تا بقیه حساب خویش را بدانند...!!

بوستان حُسن

ای دلبری که عاشق صد مایه هزار داری در خیل عاشقانت یک بی قرار داری
 میخانه پرزستان، کاشانه پرزستان در گیر و دار عالم، هستی خمار داری
 دریا و کوه و صحرا آواره صد هزارند درایت سپاهت یک تک سوار داری
 گاهی قدم فرو نه بر دیدگان خونبار چشمان اشکباری چشم انتظار داری
 ای گلشن از گلشن در بوستان حُسن با صد هزار سوسن یک بوته خار داری
 آرام کی توان یافت در سایه فراق آخر تو پادشاهی هم اختیار داری

ای بلبل خوش احسان، بگشای کف به احسان

برگویی هاشمی را، با ما چه کار داری

حدیث سی ام: مرگ شیطان

عَنْ وَهْبِ بْنِ جَمِيعٍ مَوْلَى إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» قَالَ لَهُ وَهْبٌ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ قَالَ: يَا وَهْبُ أَتُحَسِبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ، إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُ فِيهِ قَائِمًا فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمًا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسَ حَتَّى يَجْتُو بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ: يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ الْيَوْمُ هُوَ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ^۱.

وهب بن جمیع می گوید درباره آیه (فانك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم) از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف سؤال کردم و گفتم: فدایت شوم این وقت معلوم چه روزی است؟ امام عجل الله تعالی فرجه الشريف فرمود: ای وهب آیا فکر می کنی که آن روز مقصود روز قیامت است؟! چنین نیست، خداوند به او ابلیس تا روزی که قائم ما قیام کند مهلت داده است وقتی خداوند قائم ما را برانگیزد او در مسجد کوفه است که ابلیس می آید و در برابرش زانو می زند و می گوید: ای وای از امروز، آن گاه قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف موی پیشانی اش را می گیرد و گردن می زند و آن روز روز وقت معلوم است.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۵۴ - کنز الدقائق، ج ۷، ص ۱۲۹.

در چند آیه از آیات قرآن کریم آمده است که بعد از نافرمانی ابلیس نسبت به فرمان خداوند، ذات اقدس احدیت، ابلیس را مورد طرد و لعن قرار داد و فرمود: «فَأَخْرَجُ مِنْهَا فِرَاتَكَ رَجِيمًا»، سپس بنا به این فرمان خداوند، ابلیس رو به حضرت رحمان گفت: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۱ یعنی حال که مرا رانده درگاهت نمودی پس تا روز قیامت به من مهلت بده؛ در پاسخ این درخواست شیطان، قرآن کریم در می‌فرماید که به او مهلت داده شد. این مهلت در آیتی تا روز قیامت و سرانجام کار بیان شده است، و در آیه مورد نظر، تا روز موعود و وقت معلوم، که بنا به روایات، این روز، آغاز امامت و ظهور حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام فرج‌الشریف روی زمین خواهد بود. در این روز شیطان مطرود به دست باکفایت حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام فرج‌الشریف از میان برداشته خواهد شد.

سؤال:

بنابراین بیان قرآن کریم می‌بایست بعد از قیام حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام فرج‌الشریف، دیگر فردی دچار گمراهی و ضلالت نگردد، پس چگونه است که با توجه به پایان مهلت شیطان، باز گروهی در عصر ظهور در مقابل حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام فرج‌الشریف می‌ایستند؟

طبق آیات فراوان، مسئله اختیار و بقای تکلیف الهی انسان، تا پایان دوران و قیام قیامت، مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. درست است که ابلیس به دست باکفایت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام فرج‌الشریف از میان برداشته خواهد شد، اما انسان کماکان مختار خواهد بود و این قدرت انتخاب و گزینش اوست که می‌تواند

۱. سوره حجر، آیه ۳۶.

همچنان وی را بر مدار حق و حقیقت و یا گمراهی و ضلالت حرکت دهد. تمامی عصیان‌ها و نافرمانی‌های انسان از وجود شیطان منبث نمی شود، بلکه پاره‌ای از این سرکشی‌ها به علت نفس اماره و خوی تفاوت‌خواه و عصیانگر آدمی است. در قرآن کریم یک شیطان بزرگ تعریف شده که همان ابلیس مطرود است، اما در همان بیانات، سخن از نفس سرکش و ناآرام آدمی نیز به میان آمده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱؛ در جای دیگر سخن از شیاطین جن و انس است: «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ»^۲.

نکته مهم در عصر ظهور در این مسئله است که، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار اغوا و فریب آدمیان از میان خواهد رفت و راه سعادت و کمال، بیشتر و بهتر روی مخلوقات گشوده خواهد شد.

راههای نفوذی شیطان

شیطان برای رسیدن به اهدافش روش‌های زیادی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. **تطمیع کردن:** آنچه که حضرت آدم را از بهشت بیرون کرد همین تطمیع کردن بود. اگر عمرسعد، عمرسعد شد بخاطر طمع حکومت شهر ری بود.

۱. سوره یوسف، آیه ۵۳.

۲. سوره ناس، آیات ۴-۶.

طمع داشتن زندگی تجملاتی، خانه بهتر، ماشین بهتر، مسئولیت بالاتر و... یکی از حربه‌های مهم شیطان به حساب می‌آید. و باعث می‌شود به گناه‌هایی مانند حرام خواری، دروغ و... متوسل شویم.

۲. **تزئین کردن:** شیطان با مخفی کردن چهره واقعی زشت گناه و برعکس جلوه دادن و زیبا نشان دادن و تزئین گناه شوق گناه را در دل ما تقویت می‌کند. اگر زمان غیبت تصور کنیم که در حال خوردن گوشت برادر مرده خودمان هستیم. اگر زمان گناه خودمان را در میان آتش‌های زبانه کشیده دوزخ تصور کنیم، هرگز میلی به گناه نخواهیم داشت. اما شیطان یک نگاه به نامحرم، یک ماشین جدید، یک منزل بزرگ را چنان جلوه می‌دهد که انسان با فراموشی از باطن گناه و عواقب آن به گناه روی می‌آورد.

۳. **تدریج:** یعنی اول گوش کردن و خندیدن به یک لطفه‌ای که در مقابل باورهای دینی ما می‌باشد. بعد بی غیرتی دینی. بعد از بین رفتن قبح گناه م بی تفاوتی به امر به معروف و نهی از منکر و بعد شرکت در گناه.

۴. **تسویف:** یعنی به تاخیر انداختن کار واجب، به تاخیر انداختن کار خیر. نماز قضا داریم می‌گوئیم باشد از اول محرم، وقتی نمی‌توانیم می‌گوئیم باشد از اول ماه مبارک رمضان، می‌گوئیم باشد از اول فروردین و... و تا چشم به هم می‌زنیم می‌بینیم چهل سال، پنجاه سال گذشت و هنوز روز جبران فرا نرسیده است. می‌خواهیم وصیت نامه بنویسیم، می‌خواهیم حلال بودی به طلبیم، می‌خواهیم روزه‌های قضای مان

را بجا بیاوریم و... ولی دریغ از یک تصمیم واقعی و عمل. و غافلانه می‌گوئیم هنوز که جوان است و... بدیهی است که این یکی از حربه‌های مسلم و خطرناک شیطان است.

۵. **وعده‌های دروغ و آرزوهای بلند:** آرزوهای بلند و دست نیافتنی مانند یک باتلاقی است که انسان هر مقدار که بیشتر در آن دست و پا می‌زند بیشتر فرو می‌رود تا جایی که در آن هلاک شود. آرزوی دست نیافتنی باعث می‌شود انسان تمام هدفش برای تمام عمر فقط بدست آوردن آن باشد و چون به آن نمی‌رسد تلاشش ادامه خواهد داشت تا زمان مرگ و این باعث می‌شود از اهداف دیگر مانند جلب رضایت خداوند محروم شده و بی دین از دنیا برود.

۶. **بیم ترس:** ترس از آینده، مثل اینکه پناه بر خدا، خدای امروز او فردا ممکن است نباشد. ترس از آبرو، ترس از ازدست دادن موقعیت، ترس از خطرات جانی و... می‌تواند باعث ترک یک واجب و یا عمل به یک حرام را باعث شود.

غفلت، جبهه جنگ شیطان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

آنچه موجب موفقیت انسان در هر کاری می‌شود توجه قلبی او نسبت به آن موقعیت و کار است. راننده موفق کسی است که توجه کامل به رانندگی داشته باشد و دچار حادثه نشود. دانش‌آموز موفق کسی است که خوب به درس و برنامه خود توجه کرده و به آن دل دهد. نماز گزار شایسته آن است که حضور قلبی خود در نماز را حفظ نماید. خلاصه اینکه در نتیجه گیری هر کاری توجه

قلبی نیاز است. و باید گفت جامعه موفق جامعه ای است که از امام زمان خود غافل نباشد. زیرا امام هر زمانی به مانند رئیس يك کاروان است. که با رهبری و هدایت او آنانی که در رکابش هستند به مقصد می‌رسند. لذا کسانی که از غافله سالار، غافل شده و به راهنمایی‌های او توجه نمی‌کنند از غافله عقب مانده در بیابان می‌مانند و به مرگ تن می‌دهند. و یا اینکه گرفتار درندگان و گرگهای بیابان می‌شوند.

خداوند امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى را غافله سالار بشری قرار داده است. و مهمترین درد جامعه بشری آن است که غافله سالار خود را گم کرده و او را از یاد برده و در بیابان‌های جهل و فساد و در باتلاق‌های انحطاط دچار مرگ روحی و جسمی شده است.

از جمله مواردی که موجب می‌شود شیطان ما را از امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى غافل نماید عبارت از: القاء مطالبی که به شکل مرموزانه‌ای یاد آن حضرت را از خاطرها می‌زداید مانند آنکه می‌گویند: اگر امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى بیاید همه را از دم تیغ می‌گذرانند. این‌گونه مطالب ظلمی آشکار به حضرت ولی عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى می‌باشد. علاوه بر آنکه این مطالب بسیاری از مردم را دلسرد می‌کند. باعث فراموشی از امام عصر ارواحنا فداه خواهد شد.

اصولا مردم از آنچه بترسند آن را فراموش می‌کنند مانند ترس از مرگ که باعث می‌شود انسان آنرا به فراموشی بسپارد تا به سراغش نیاید و در اینجا هم شیطان کوشیده است امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى را رو در روی انسان قرار دهد و ترس عمیقی در دلها ایجاد نماید.

تا به امروز شیطان لعین نقشه فوق را در جبهه‌های فکری و حتی بر زبان بعضی از مسلمانها اجرا نموده و همه می‌بینیم که عموم مردم به جای آنکه مشتاق ظهور آن حضرت باشند آن را برای زمان‌های آینده دانسته و قدری تحت تأثیر تبلیغاتی شیطان قرار گرفته اند. که ظهور آن بزرگوار در عصر حاضر را بسیار بعید می‌دانند. و در نتیجه دلیلی برای آنکه برنامه‌های زندگی خود را برای تشریف فرمایی آن حضرت تنظیم نمایند نمی‌بینند و به کار و کسب خویش مشغول می‌شوند. و این همان غربت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که تا کنون یازده قرن است که او را چنین تنها گذاشته و زمان غیبتش را طولانی نموده‌ایم.

شیطان از غفلت‌مان درباره امام زمانمان سوء استفاده کرد و لشکر خود را بر ما مسلط نمود به طوری که حتی شیعیان فداکار نیز از سخن گفتن در باره آن حضرت دریغ نموده، و به بهانه‌های مختلف، از زیر بار مسئولیت تبلیغ آن حضرت شانه خالی می‌کنند.

سلطان دوران

عاقبت دوران هجران ہم به پایان رسد یوسف گم گشته چشم انتظاران می رسد
 کرچه در راه وصال ت بی سرو سامان شدم بی سرو سامانی ما هم به پایان می رسد
 بی قراری های این دوران قرار از ما گرفت بایه آرامش ما بی قراران می رسد
 سال ها از آتش هجران رویت سوختم مرحم جان و دل سوزان یاران می رسد
 گرچه عمر ما گذر گاهی ست سوی عافیت عاقبت آن روزگار تحمل و آسان می رسد
 هر که و بی گاه می نالیم از شام فراق با تجلی حضورت روز درمان می رسد

هاشمی صبر و قرارت رفت، نختی صبر کن

مهدی صاحب زما سلطان دوران می رسد

حدیث سی و یکم: ادب نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ وُلِدَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَقَالَ لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.^۱

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد که آیا قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ به دنیا آمده است، فرمود: نه، اگر او را درک می‌کردم تمام عمر خود را صرف خدمتش می‌کردم.

یکی از مهم‌ترین وظایف یک مؤمن رعایت ادب و احترام نسبت به ساحت مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اصولاً احترام به اسماء الهی، احترام به کلام الهی، احترام به احکام و قوانین و دین خدا، احترام نسبت به مکان‌های مقدس الهی، مثل بیت الله الحرام، مساجد، احترام به ایام الله و زمان‌هایی که رحمت و عنایت خدا در آن جلوه خاص دارد، مثل شهر الله ماه مبارک رمضان، احترام و رعایت ادب به همه این‌ها امری لازم و ضروری و از لوازم مسلمانی است.

رعایت ادب و آداب در هر امری، سبب دست یافتن بهتر به اهداف آن کار است. هر چیزی هم برای خود آدابی دارد؛ مثل آداب تجارت، آداب معاشرت، آداب کسب علم، آداب جنگ و مبارزه، آداب نماز و قرائت و ... که شناخت و

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۴۵.

مراعات آنها، آن امر را موفقیت آمیز تر می‌سازد و عامل را به هدف نزدیک تر می‌سازد.

از جمله برای زیارت هم آدابی ذکر شده است. مراعات آنها هم ثواب بیشتر دارد و هم زائر را در دستاوردهای معنوی زیارت کامیاب تر می‌سازد. این آداب، برخی ظاهری است و برخی باطنی است. در کتب حدیث هم عنوان آداب ظاهری و آداب باطنی برای برخی از اعمال و سنن مطرح شده است. بی‌شک همان آداب ظاهری هم به حصول توجّه قلبی و آداب باطنی کمک می‌کند.

اگر بی ادبی در ساحت مقدس امام صورت بگیرد اولین جریمه‌اش محرومیت از رحمت الهی است.

حفظ ادب هم ثمره محبت است و هم بذر محبت. هر چه محبت بیشتر، رعایت آداب هم بیشتر و هر چه ادب و محبت بیشتر نظر حضرت محبوب با او بیشتر. لذا گفته‌اند: «إِذَا صَحَّتِ الْمَحَبَّةُ تَأَكَّدَتِ عَلَى الْمُحِبِّ مُلَازِمَةَ الْأَدَبِ» هنگامی که محبت واقعی باشد مُحب بر رعایت آداب تاکید بیشتری می‌ورزد. پس هر کس که محبتش به امام عَلَيْهِ السَّلَامُ بیشتر باشد اهتمام او به مراعات آداب بیشتر خواهد بود.

مصادیق ادب نسبت به وجود مقدس حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوْجَةُ الشَّرِيفِ

۱. ادب و احترام نسبت به نام‌ها و اسامی مقدس حضرت

این روایت معروف است و در وسائل شیعه آمده‌است که یکی از اصحاب امام

صادق عَلَيْهِ السَّلَام چند روز خدمت آقا نرسیده بود وقتی آمد خیلی گرفته و غمگین بود، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: چرا این قدر گرفته‌ای؟ غمگینی؟ گفت: خدا به ما یک فرزند دختری داده (چون فرزند زیاد نمی‌خواست و حس می‌کرد که سخت است درآمدها کم است و روزیشان در نمی‌آید، از این جهت ناراحت بود). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: این چه جای غمی است «ثِقْلُهَا عَلَى الْأَرْضِ وَرِزْقُهَا عَلَى اللَّهِ» سنگینی اش که روی زمین است روی دوش تو که نیست رزقش هم که با خداست با خودش برکت و روزی اش را می‌آورد، جای غم نیست. بعد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود اسمش را چه گذاشتی؟ گفت فاطمه. امام تا این اسم را شنید شروع کرد تکرار کردن فاطمه فاطمه فاطمه بعد حضرت فرمود: «لا تصبها و تلعنها ولا تضربها» مبادا او را نفرین بکنی، دشنامی به او بدهی، او را بزنی. این اسم احترام دارد.^۱

علامه‌ی امینی، آخر عمر بیماری سنگینی داشت یکی از علماء، می‌گفت من رفتم برای عیادتش ایشان دراز کشیده بود، بیماری اش سنگین بود. من خدمت ایشان یک مقدار که نشستم گفتم: آقا یک سوالی از شما دارم می‌خواستم یک چیزی پرسم حالش را دارید؟ گفت بفرمایید راجع به چه است؟ گفتم راجع به حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام، تا نام حضرت را شنید، گفت: من را بلند کنید؛ از پشت پرده خانمی که وابسته به بیت ایشان بود اشاره کرد که بلند نشوند حالشان سنگین است، برایشان خوب نیست. من گفتم: حاج آقا بخواهید حالا همین طور من می‌پرسم. گفت نه اسم خانم حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام آمد دیگر نمی‌شود پا

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۰۰.

دراز باشد، با زور و زحمت نشست من سوالم را از او پرسیدم.

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام؛ اسامی و القابی دارند که در کتاب نجم الثاقب مرحوم حاجی می نویسد ۱۸۰ اسم و لقب حضرت را آورده است که لازم است، وقتی این القاب به کار برده می شود با احترام بیان شوند، این جزء ادب است. لقب قائم صلوات الله علیه وقتی بیان می شود، مستحب است ایستادن و بلند شدن که در سیره‌ی عملی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده است، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هر موقع که این لقب بیان می شد، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام تمام قامت بلند می شد و احترام می کرد.^۱

وقتی دعبل خزاعی، قصیده‌اش را در محضر امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام خواند، به یک بیتی رسید که راجع به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بود؛ که «خروجِ إِمَامٍ لِمَحَالَةِ خَارِجٍ وَاقِعٍ يَقْدُمُ عَلَيَّ اسْمَ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِي» آن امامی که قیام می کند در آخر الزمان تا این اسم آمد اشاره کرد به قیام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام بلند شدند به تمام قامت و کف دستشان را روی سر گذاشتند فرمودند: «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه»^۲

۲. احترام کردن به منسوبین به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

یکی دیگر از مصادیق ادب نسبت به امام زمان این است که، آن افرادی که به گونه‌ای منسوب به حضرت هستند، یعنی یا از جهت نسبی منسوب به حضرت اند یعنی سادات که از خاندان اهل بیت اند و یا از جهت معنوی مثل علمای صالح و بزرگ و حتی مومنین که به گونه‌ای منسوبین به حضرت هستند.

۱. منتخب الاثر، ص ۵۰۶.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۵ - کمالاتین، ج ۲، ص ۳۷۲ - منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۸۸.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: در قیامت که مردم در آن هول و تکان‌های قیامت هستند، ندایی می‌رسد که ساکت باشید، پیغمبر بلند می‌شوند می‌فرماید: که هر کسی که منتی بر من دارد یا خدمتی بر من کرده یا خیری بر من رسانده است بلند شود همه می‌گویند: یا رسول الله ما چه منتی به شما داریم تمام منت و خیر را شما بر ما دارید. می‌فرماید: نه آن کسی که به بچه‌های من اکرام کرده منت بر من گذاشته است، آن‌ها بلند شوند یک عده بلند می‌شوند خطاب می‌رسد که یا رسول الله هر جای بهشت را که می‌خواهی این‌ها را جا بدهد پیغمبر می‌فرماید: که این‌ها را همسایه‌ی خودم جایشان می‌دهم.^۱

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتِمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ خوشا به حال کسی که حضرت قائم از اهل بیت مرا درک نماید در حالی که در زمان غیبت او پیش از ظهورش، به امامت او معتقد بوده و با دوستان او دوستی کرده و با دشمنانش دشمنی کرده باشد. چنین کسی از رفقا و دوستان من و از گرامیترین امت من نزد من در روز قیامت خواهد بود.^۲

۳. خود را در محضر امام بدانند

یکی دیگر از مصادیق ادب نسبت به امام این است که، معتقد باشد که همه جا و همه زمان در محضر امام است. احساس حضور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَجَّهَ الشَّرِيف و اینکه

۱. الاحتیاج، ص ۱۰۳- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۲۲.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

ما قائل به حاضر و ناظر بودن ایشان در جامعه باشیم یکی دیگر از وظایف ما در زمان غیبت می باشد.

همسر آخوند صاحب کفایه، ملا محمد کاظم خراسانی اعلی الله مقامه در نجف اشرف بیمار شده بود، مرتاضی از هندوستان آمده بود، شیعه بود و از مغیبات خبر می داد، یک روز فرزندان آخوند به ایشان گفتند: پدر اجازه می دهید، نزد مرتاض برویم و راجع به مادرمان از او سؤال کنیم که آیا بهبودی می یابند یا خیر؟ آخوند اجازه فرمود. این مرتاض معمولاً در حرم مطهر مولا علی علیه السلام می نشست و وقتی هم که می خواست از غیب بگوید، تسبیحش را نگاه می کرد و می گفت؛ فرزندان نزد مرتاض آمدند و گفتند: نیتی کرده ایم، می توانی از نیتمان خبر دهی؟ مرتاض تسبیحش را بالا و پایین کرد و گفت: بانویی از بستگان شما مریض است، شما می خواهید بدانید، حالش خوب خواهد شد یا نه؛ او سه روز بیشتر از عمرش نمانده و بعد از سه روز می میرد. یکی از فرزندان آخوند گفت: بگذار نیت دیگری هم بکنم، اگر این را راست بگوید، معلوم می شود، اولی را هم راست گفته، لذا به مرتاض گفت: من نیت دیگری هم کرده ام، می توانی بگویی؟ اما این مرتاض تسبیحش را نگاه کرد، رنگش متغییر شد، دوباره تسبیح را نگاه کرد، رنگش عوض شد، گفت: عجیب است چه نیتی کردی؟ آقایی را نیت کردی که من الان او را در مدینه، الان در دمشق، الان در کربلاء و الان در مشهد الرضاء می بینم! آقایی را که تو نیت کردی و می خواهی جایش را پیدا کنی، او کسی است که منظومه شمسی گرد

سرش می چرخد و او حجة بن الحسن العسکری ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء است.

۴. تحت هیچ شرایطی بر سر امام منت نگذارد

ماموم باید بداند که در هیچ امری بر امام منتهی ندارد و هر چه توفیق است از سوی امام است.

عمرو بن قرظه در روز عاشورا خود را سپر حضرت کرده و تیرها به صورت و سینه اش برخورد می کرد تا آسیبی به امام حسین علیه السلام نرسد. او در حالی که بدنش پر از جراحت شده بود، رو به حضرت کرد و گفت: یا بن رسول الله! آیا به عهد خود وفا کردم؟ حضرت فرمود: «در بهشت جلوی من خواهی بود و سلام مرا به رسول خدا برسان.» در همین لحظه عمرو به زمین افتاد و به شهادت رسید.

اگر امام می فرماید: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي؟» در واقع معنایش این است که آیا کسی هست که من او را کمک کنم؟ چه این که امام یدالله است و یدالله فوق ایدیهم است. امام مظهر اسم «الصمد» خداوند است و همگان به او محتاج اند و او به هیچکس محتاج نیست.

در صدر اسلام برخی افراد وقتی با پیامبر خدا صلوات الله علیه صحبت می کردند، حضرت را به اسم کوچک صدا می زدند، یا در حضور پیامبر با هم قیل و قال و بحث و جدل و سر و صدا می کردند. و گاه پایشان را در محضر مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله دراز می کردند، و گاه لباس حضرت را می کشیدند. قرآن کریم در آیاتی ادب نسبت به رسول خدا را به مسلمانان یاد می دهد. در

ابتدای سوره حجرات که سوره اخلاق و ادب است می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و همچنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویند، با او به صدای بلند سخن مگویید.» (إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ)^۱؛ کسانی که تو را از پشت حجره‌ها و اتاق‌ها بی ادبانه صدا می‌زنند، بیشترشان بی‌خردند.

۵. ادب در خطاب

قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»^۲؛ خطاب کردن پیامبر را در میان خود، همانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی دیگر قرار ندهید.

مفسران همین آیات را به سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام توسعه داده‌اند و گفته‌اند: در محضر آن‌ها هم باید رعایت ادب بشود و حرمت آن بزرگواران نیز باید حفظ شود.

۶. طهارت ظاهری در محضر امام

چند نفر از اصحاب امام صادق علیه‌السلام داشتند به منزل حضرت می‌رفتند. ابو بصیر هم که جنب بود همراه آن‌ها شد. خدمت حضرت رسیدند، حضرت رو به ابو بصیر کردند و فرمودند: «يَا أَبَا بَصِيرٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بَيُوتَ الْأَنْبِيَاءِ وَأَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ

۱. سوره حجرات، آیه ۴.

۲. سوره نور، آیه ۶۳.

لَا يَدْخُلُهَا الْجُبُّ»؛ ای ابا بصیر، نمی دانی نباید در خانه انبیا و اولاد انبیا جنب وارد شود؟^۱

خدا فقیه اهل بیت علیهم السلام مرحوم آیه الله مرعشی نجفی را رحمت کند که پاک و با عظمت بود. یکی از کسانی که معمولاً پشت سر ایشان در حرم حضرت معصومه علیها السلام نماز می خوانده، کارمند اداره ای بوده است. می گوید: یک روز صبح جنب بودم. منتهی چون فرصت نداشتم غسل کنم، به اداره رفتم و گفتم: بعد از ساعت اداری به منزل می آیم و غسل می کنم و نماز ظهر و عصر را می خوانم. اتفاقاً آن روز اداره دیرتر تعطیل شد. هنگام ظهر بود و من طبق عادت که حتی الامکان نماز را به جماعت پشت سر آقای مرعشی می خواندم، فراموش کردم غسل واجب برگردنم هست. شتابان به صحن مطهر آمدم و وضو گرفتم. خواستم وارد حرم شوم که در کنار درب ورودی، با آیه الله مرعشی نجفی روبه رو شدم. سلام کردم. آقا جواب داد و فرمود: کجا با این عجله؟! گفتم: آقا، داشتم برای نماز به داخل حرم می رفتم. ایشان فرمود: تو باید حمام بروی. داخل حرم نرو. من که پاک فراموش کرده بودم، ناگهان یادم آمد و با شرمندگی خداحافظی کردم و برگشتم.

مرحوم آیه الله میلانی در جلسه روضه ای که در منزلشان بوده، به شخصی که با حالت جنابت به مجلس آمده بود، آهسته فرمود: فلانی، انسان بدون طهارت و غسل در مجلس امام حسین شرکت نمی کند.

۱. کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۶۹ - وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۱۱.

عطر بندگی

گرسد ره است جای در دگر نمی زخم قبله توئی به کوی دگر سرنی زخم
 با اینکله پر شکسته و مخزون و خسته ام بر غیر بام کوی شما پر نمی زخم
 ای نور زکست همه خیرالنسای جان من رو به غیر نزد تو سرور نمی زخم
 افتاده ام چو لاله به جوی امید تو بوسه به پای هر سر و همسر نمی زخم
 محرت به یادگار ز مادر گرفت ام این بس که دم به غیر تو مادر نمی زخم
 تا عطر بندگی تو در جان من نشست عطری دگر به جان معطر نمی زخم

سو کند هاشمی به خدای جهانیان

گرسد ره است، همان، در دگر نمی زخم

حدیث سی و دوم: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر اسم غیب خداست

عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام فِي هَذِهِ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ: (هُدَى لِمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) الْمُتَّقُونَ: شِيعَةُ عَلِيٍّ، وَالْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ.^۱

از امام صادق عليه السلام نقل شده است که در مورد آیه: «هُدَى لِمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» فرمود: متقین، شیعیان علی بن ابیطالب عليه السلام هستند و غیب هم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر اسم غیب خداست، عین الله و اذن الله است. به اذن خداوند مجرای سمع و بصر الهی است و بر همه عالم وجود اشرف دارد، همان گونه که روح بر بدن اشرف دارد. هر حرکتی، هر نگاهی و هر حرفی را می داند و می بیند و می شنود. لذا باید مراقب باشیم در پیشگاه آن حضرت گناه و ظلم نداشته باشیم که این خود نوعی توهین است.

اگر کسی باور کند که مولایش حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف او را می بیند و بر حال او اشرف دارد، در محضرش گناه و معصیت نمی کند.

شیخ مفید رضوان الله علیه در کتاب الاختصاص، این حدیث شریف را نقل

۱. یوم الخلاص، ص ۲۲۳- الزام الناصب، ص ۱۳۷.

کرده است که «این کره زمین - با پنج میلیارد جمعیت - کف دست حضرات معصومین علیهم السلام مانند گردوی شکسته و دو نیم شده‌ای است که در دست ما قرار گرفته است»، یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تا این اندازه بر عالم احاطه دارند، لذا در زیارت حضرت می‌خوانید: «السلام علیک یا ناظر سدرۃ المنتهی» یعنی سلام بر تو ای صاحب الزمان که وقتی نگاه می‌کنی، افق دید تو تا سدرۃ المنتهی را می‌بیند. سدرۃ المنتهی کجاست؟ آخرین اوج جبریل امین در لیلۃ معراج است که جبرائیل گفت: اگر از این بالاتر بروم، بال و پرم می‌سوزد؛ مولای شما صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر کجا که باشد، افق دیدش تا سدرۃ المنتهی را می‌بیند.

جلوی پدرت حاضر نیستی گناه کنی، جلوی مادرت حاضر به گناه نیستی! وقتی می‌خواهی یک صحنه بد را ببینی، در خانه را قفل می‌کنی، پرده را می‌اندازی، همه را مراقبت می‌کنی که مبادا برادر کوچکم داخل شود و مرا در حال گناه ببیند! مبادا دوستم بفهمد! آقای تو در همه حالات احاطه بر احوالات تو دارند، تو در محضر او هستی، او ولی خداست.

یکی از شیعیان محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شد؛ حضرت فرمودند: فلانی حال برادرت چطور است؟ گفت: برادرم چنان محتاط و متقی است که شما را هم به امامت و ولایت قبول ندارد، در پذیرش امر ولایت شما هم احتیاط کرده است! حضرت فرمودند: از قول من به برادرت بگو، آن شب کنار نهر بلخ، تقوا و ورع تو کجا رفت؟ انجا چرا احتیاط نکردی. آن شخص نزد برادرش آمد و گفت: خدمت امام صادق علیه السلام بودم، آقا حال تو را جویا شد، من

هم گفتم: برادرم چنان محتاط و اهل تقواست که در پذیرش امامت حضرت صادق هم توقف کرده است، بعد امام صادق پیغامی برایت دادند، حضرت فرمودند: به تو بگویم، آن شب کنار نهر بلخ، تقوا و ورعت چه شد؟ یک مرتبه حال آن برادرم منقلب شد، گفت: هم اکنون به امامت امام صادق عجل الله تعالی قائل شدم، گفتم: چطور؟ جواب داد: از کنار نهر بلخ من، کسی خبر نداشت؛ پرسیدم: مگر کنار نهر بلخ چه اتفاقی افتاد؟ جواب داد: نیمه شب کنار نهر بلخ از کشتی پیاده شدم، رفیقم رفت تا هیزم بیاورد و آتشی روشن کند، در غیاب او با کنیزش مباشرت نامشروع کردم، اما مدینه کجا و نهر بلخ کجا؟ یقین پیدا کردم که او ولیّ خداست که از خانه اش مرا در کنار نهر بلخ می بیند.^۱

ما نیز در محضر امام زمانیم، ایشان بر ما اشراف دارد، وقتی در خانه ای، حضرت تو را می بیند، در بازار وقتی چشمت دنبال گناه می رود، آقا تو را می بیند، وقتی غیبت می کنی، آقا تو را می بیند.

ابو بصیر یکی از شاگردان امام صادق عجل الله تعالی است. نقل می کند: در مسجد کوفه زنی را تعلیم قرآن می کردم، زن آن طرف پرده بود و من این طرف، شیطان بر من غالب شد و با آن زن نامحرم شوخی کردم، یک سال گذشت، سال بعد به مدینه آمدم، خدمت امام صادق عجل الله تعالی رسیدم، امام آهسته در گوش من فرمودند: «هر کس از دوستان ما در خلوت گناه کند، خدا نظر رحمت خود را از او بر می دارد، ما دیدیم تو در مسجد کوفه با زن نامحرم شوخی کردی، چیزی بر ما پنهان

۱. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۷۵.

نیست» مزاح با زن نامحرم حرام است، در عقاب الأعمال شیخ صدوق آمده است که اگر کسی با زن نامحرمی مزاح کند، خدا به خاطر هر کلمه مزاحش، او را هزار سال حبس می‌کند.^۱

شخصی به امام هادی علیه السلام عرض کرد: آقا، ما گاه حاجتی داریم. می‌خواهیم خدمت شما آن را مطرح کنیم، ولی راهمان دور است. نمی‌توانیم هر دفعه خدمت برسیم. حضرت فرمود: «إِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَحَرِّكْ شَفَتَيْكَ»؛ اگر حاجتی داشتی لب هایت را حرکت ده و بگو. ما آن را می‌شنویم.^۲

به تعبیر یکی از مراجع عظام تقلید قبل از این که صدا از دهان ما به گوش خودمان برسد، به گوش حضرت رسیده است. فقط حرف و صوت، که از آن چه در دل می‌گذرد، به اذن الله آگاه است و به آن اشراف دارد.

خانم شخصی به نام ابو یعقوب، باردار بود. خیلی دلش می‌خواست خداوند پسری به او عطا کند. به علاوه دوست داشت اسم بچه اش را هم امام انتخاب کند. لذا به محضر امام جواد علیه السلام رفت. هنوز چیزی نگفته بود که حضرت فرمودند: «يَا أَبَا يَعْقُوبَ سَمِّهِ أَحْمَدُ»؛ ای ابو یعقوب، اسم پسرت را احمد بگذار. جایی از عوالم وجود نیست که از دید و اشراف امام علیه السلام پنهان باشد. حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا»؛ در شرق و غرب زمین، مؤمنی از ما پنهان نیست. ممکن است

۱. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۷.

۲. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۵۵.

کسی از این مطلب یک برداشت سطحی و عوامانه کند و بگوید: الان که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را می‌بیند، مثلاً خانم‌ها را هم که در خانه شان معمولاً بدون حجاب هستند را می‌بیند. مگر آن‌ها نامحرم نیستند؟ یا گاه ما در خانه در جایی یا در حالتی هستیم که دوست نداریم کسی ما را ببیند و این بد است که ما در آن جا، یا در آن حالت و وضع ببیند. جواب این است که دیدن ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف دیدن با این چشم نیست که مثلاً روی بلندی نشسته‌اند و دارند با چشم داخل خانه مردم را نگاه می‌کنند تا این اشکال‌ها را بکنیم. منظور از دیدن، علم و اطلاع و اشراف است. مثل اطلاع و اشرافی که الان روح ما بر جزء جزء بدن ما دارد. این اشراف با دیدن چشمی نیست. الان روح ما از کف پا که در کفش است خبر دارد. اگر میخی یا سنگی در کفش باشد روح خیر دارد. پس اشراف به صورت علم حضوری و از سنخ علم الهی به موجودات و مخلوقات است.^۱

حدیث سی و سوم: تهذیب نفس،

شرط تشرف به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ، إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ، فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ، وَلَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ، وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ، فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ^۱.

امام صادق ع فرمود: نزدیک ترین حالت بندگان به خدا و خشنودی او از آنها هنگامی است که حجت خدا در میان آنها نباشد و برای آنها ظاهر نشود و آنها محل او را ندانند. ولی در عین حال معتقد باشند که حجت خدا هست، در این زمان شب و روز در انتظار فرج باشند.

مهم ترین شرط تشرف به محضر امام زمان، رفع موانع و حجاب‌هایی است که بین انسان و امام زمانش وجود دارد، و او را دلبسته مادیات، شهوات، نفسانیات و... می‌کند.

در داستان تشرف علامه حلّی به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف آمده است: علامه حلّی در شبی از شب‌های جمعه تنها به زیارت قبر مولایش ابی عبدالله الحسین ع می‌رفت. ایشان بر حیوانی سوار بود و تازیانه‌ای برای راندن آن در

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵.

دست داشت. اتفاقاً در اثنای راه شخص پیاده‌ای در لباس اعراب به او برخورد کرد و با ایشان همراه شد. در بین راه شخص عرب مسئله‌ای را مطرح کرد، علامه حلّی رحمته الله علیه متوجه شد که این مرد عرب، انسانی است عالم و با اطلاع؛ بلکه کم مانند و بی نظیر، لذا بعضی از مشکلات خود را از ایشان سؤال کرد تا ببیند چه جوابی برای آنها دارد، با کمال تعجب دید آن مرد حلال مشکلات و معضلات و کلید معماها است. باز مسائلی را که بر خود مشکل دیده بود؛ سؤال نمود و از شخص عرب جواب گرفت و خلاصه متوجه شد که این شخص علامه دهر است. چون ایشان تا به آن وقت کسی را مثل خودش ندیده بود و خودش هم که در آن مسائل متحیر بود. بالاخره در اثناء سؤال‌ها، مسئله‌ای مطرح شد، او در آن به خلاف نظر علامه حلّی فتوا داد. ایشان قبول نکرد و گفت: این فتوا بر خلاف اصل و قاعده است و دلیل و روایتی که مدرک آن باشد، نداریم. آن جناب فرمود: «دلیل این حکم که من گفتم حدیثی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نوشته است». علامه گفت: چنین حدیثی در تهذیب نیست و به یاد ندارم دیده باشم که شیخ طوسی یا غیر او نقل کرده باشند. آن مرد فرمود: «آن نسخه از کتاب تهذیب را که تو داری از ابتدایش فلان مقدار صفحه را بشمار، در فلان صفحه و فلان سطر حدیث را پیدا می‌کنی». علامه با خود گفت: شاید این شخص که در رکاب من می‌آید، مولای عزیزم حضرت بقیّه الله روحی فداه باشد، لذا برای اینکه واقعیت امر برایش معلوم شود، پرسید: آیا ملاقات با حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان دارد یا نه؟

در همین حال تازیانه از دست او افتاد و آن شخص خم شد و آن را برداشت و با دست با کفایت خود در دست علامه گذاشت و در جواب پرسش او فرمود: «چطور نمی توان او را دید و حال آنکه الان دست او در دست تو است؟» همین که علامه این کلام را شنید، بی اختیار خود را از روی حیوانی که بر آن سوار بود، بر پاهای آن امام مهربان انداخت تا پای مبارکشان را ببوسد و از کثرت شوق بی هوش گردید. وقتی به هوش آمد کسی را ندید و افسرده و ملول گشت. بعد از این واقعه وقتی به خانه خود بازگشت، کتاب تهذیب خود را ملاحظه کرد و حدیث را در همان جایی که آن بزرگوار فرموده بود، مشاهده نمود. پس در حاشیه کتاب تهذیب خود نوشت: این حدیثی است که مولایم صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف مرا به آن خبر دادند و حضرتش به من فرمودند: «در فلان صفحه و فلان سطر می باشد».

در تهران، استاد روحانی ای بود که «لمعتین» را تدریس می کرد. مطلع شد که گاهی از یکی از طلاب و شاگردانش که از لحاظ درس خیلی عالی نبود، کارهایی نسبتاً خارق العاده دیده و شنیده می شود. روزی چاقوی استاد (در زمان گذشته وسیله نوشتن قلم نی بود و نویسندگان، چاقوی کوچک ظریفی برای درست کردن قلم به همراه داشتند) که خیلی به آن علاقه داشت، گم می شود و وی هرچه می گردد، آن را پیدا نمی کند و به تصوّر آنکه بچه هایش برداشته و از بین برده اند، نسبت به بچه ها و خانواده عصبانی می شود. مدتی بدین منوال می گذرد و چاقو پیدا نمی شود و عصبانیت آقا نیز تمام نمی شود. روزی آن

شاگرد بعد از درس، به استاد می‌گوید: آقا! چاقویتان را در جیب جلیقه کهنه خود گذاشته‌اید و فراموش کرده‌اید. بچه‌ها چه گناهی دارند! آقا یادش می‌آید و تعجب می‌کند که آن طلبه چگونه از آن اطلاع داشته است. از اینجا دیگر یقین می‌کند که او با اولیای خدا سر و کار دارد، روزی به او می‌گوید: بعد از درس با شما کاری دارم. چون خلوت می‌شود، می‌گوید: آقا عزیز! مسلم است که شما با جایی ارتباط دارید. به من بگویید خدمت آقا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ مشرف می‌شوید؟ استاد اصرار می‌کند و شاگرد ناچار می‌شود جریان مشرف خود خدمت آقا را به او بگوید. استاد می‌گوید: عزیزم! این بار وقتی مشرف شدید، سلام بنده را برسانید و بگویید: اگر صلاح می‌دانند، چند دقیقه‌ای اجازه مشرف به حقیر بدهند. مدتی می‌گذرد و طلبه چیزی نمی‌گوید و استاد هم از ترس اینکه نکند جواب، منفی باشد، جرئت نمی‌کند از او سؤال کند، ولی به جهت طولانی شدن مدت، صبر استاد تمام می‌شود و روزی به وی می‌گوید: آقا عزیز! از عرض پیام من خبری نشد؟ می‌بیند که وی (به اصطلاح) این پا و آن پا می‌کند. استاد می‌گوید: عزیزم! خجالت نکش. آنچه فرموده‌اند، به حقیر بگویید؛ چون شما قاصد پیام بودی (و ما علی الرسول إلا البلاغ المبین). آن طلبه با نهایت ناراحتی می‌گوید: آقا فرمود: «لازم نیست ما چند دقیقه به شما وقت ملاقات بدهیم. شما تهذیب نفس کنید؛ من خودم نزد شما می‌آیم.»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ

الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرٍ مَنْ أَدْرَكَهُ فَحِدُوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛ هر کس که از بودن اش در شمار یاران امام قائم شادمان است باید بانتظار باشد و با همین حال انتظار به پرهیز و اخلاق نیکو رفتار کند پس اگر اجلس فرا رسید و امام قائم پس از مرگ او قیام کرد پاداش او همانند پاداش کسی است که امام قائم را درک کرده باشد پس کوشا باشید و بانتظار بنشینید.^۱

نیاید

بھار آمد و آن سرو بی قرار نیاید سحر کہ شب تاریک انتظار نیاید
 کنند منتظرانش دعا برای طھورش دعای منتظرانش یکی بہ کار نیاید
 جھان بدون طھورش غم است و حسرت و محنت بہ نغمہ سازی یاران بی قرار نیاید
 شب است عالم خلقت بدون شمعش فروغ بخش دل افروز شام تا نیاید
 چہ مالہا کہ در آویخت با تمام وجودم اثر گذار دل و مالہ مای زار نیاید
 نشسته اند کدایان بہ انتظار وصالش ولیک حیف کہ شاہ تمام عیار نیاید
 صدای فاطمہؑ آید بہ گوش کنبد مینا ہنوز وارث شمشیر ذوالفقار نیاید

سرو دہاشمی بینوا بہ مالہ سحر گاہ

کہ عمر من بہ سرو آمد ولی نگار نیاید

حدیث سی و چهارم: حفظ زبان در دوره آخرالزمان

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالطَّرِيقِ الْمَذْكُورِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَطُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُنَادِيَهُمُ الْبَارِي عَزَّوَجَلَّ عِبَادِي أَمَنْتُمْ بِي سِرِّي وَصَدَقْتُمْ بِعَيْبِي فَأَبَشِرُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ مِنِّي أَنْتُمْ عِبَادِي وَإِمَائِي حَقًّا مِنْكُمْ أَتَقَبَّلُ وَعَنْكُمْ أَعْفُو وَبِكُمْ أَسْقِي عِبَادِي الْغَيْثَ وَادْفَعُ عَنْكُمْ الْبَلَاءَ وَ لَوْلَاكُمْ لَأَنْزَلْتُ عَلَيْهِمْ عَذَابِي قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا أَفْضَلُ مَا يَسْتَعْمِلُهُ الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ قَالَ حَفِظَ اللِّسَانَ^۱.

امام باقر علیه السلام فرمودند: زمانی مردمان را پیش آید که امام ایشان از ایشان غایب گردد، پس خوشا حال آن جماعتی که در آن زمان بر امر ما ثابت باشند، یعنی به امامت ما قائل باشند، بدرستی که کمترین چیزی که باشد ایشان را از ثواب، آنست که حضرت باری تعالی ندا کند ایشان را و گوید که ای غلامان و کنیزان من گرویدید به سر من و تصدیق نمودید غیبت مرا، پس بشارت باد شما را به نیکوئی ثواب از من، پس شما غلامان و کنیزان منید حقا، از شما می پذیرم حسنات و مبرات و خیرات را، و از شما عفو می کنم سیئات را و شما را می آمرزم، و به سبب و برکت وجود شما باران به دیگر بندگان می فرستم، و به سبب وجود شما بلا را از ایشان دفع می کنم،

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵-کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.

و اگر شما نمی بودید عذاب به ایشان می فرستادم. جابر گفت که: گفتم ای فرزند رسول خدا چه چیز است بهتر و فاضلتر آنچه در آن زمان مومن آن را به فعل آورد؟ آن حضرت فرمود که: نگاه داشتن زبان.

زبان، یکی از اساسی ترین اعضای وجود آدمی است که عزت و ذلت انسان در گرو آن است. شاهدهی است که از باطن شخص خبر می دهد، وجود انسان را معرفی می کند و بیان کننده عقل و اندیشه اوست. زبان مهم ترین وسیله ارتباط انسانها با یکدیگر و اطلاع رسانی و مبادله افکار و اندیشهها است، می توان آن را از فعالترین عضو بدن یاد کرد، زبان بیش از هر چیز دیگر بر انسان حاکمیت دارد، و همیشه در اختیار انسان است از این رو اگر افسار گسیخته باشد، خطرات آن با خطرات هیچ یک از اعضاء دیگر قابل قیاس نیست، آفات و گناهان کبیره ای که از زبان برمی خیزد، بسیار است که بعضی از بزرگان ۱۰۰ گناه کبیره را به زبان نسبت داده اند، مانند: تهمت، دروغ، غیبت، سخن چینی، گواهی به باطل، خودستایی، اشاعه فحشاء و نشر اکاذیب، بیهوده گفتن، ناسزاگویی، خشونت با زبان، اصرار بی جا، تکدی گری و چاپلوسی با زبان، مسخره کردن، و آزار رسانی به دیگران با زبان، نکوهش دیگران، کفران نعمت با زبان، تبلیغ باطل و تشویق به گناه، وعده دروغ، بدزبانی، نهی از معروف و امر به منکر با زبان و...

هر یک از اعضای بدن، اسباب، لوازم و امکاناتی نیز دارند تا به انحراف و کجی کشیده شوند و به فسق و فساد آلوده گردند، ولی تنها زبان است که بدون مقدمه و تهیه امکانات ویژه، به راحتی راه خطا و گناه را هموار می کند و با

آفت‌هایی چون غیبت، دروغ، سخن چینی و تهمت مرتکب معصیت می‌شود. چه بسیاریند کسانی که از یک طرف گفتارشان دیگران را به خاک سیاه نشانده و از سوی دیگر، زبانشان خرمن خوبی هایشان را به آتش کشیده و دنیا و آخرت آنها را تباه کرده است.

دلایل اهمیت حفظ زبان از گناه

دلایل اهمیت حفظ زبان را در سه مورد می‌توانیم برشماریم:

۱. تعداد گناهان این عضو از دیگر اعضا بیشتر است و تعدادی از گناهان کبیره از زبان صادر می‌شود؛
۲. وسیله این گناه به آسانی در اختیار است و نیاز به لوازم و امکانات ویژه ندارد؛
۳. قُبْح گناهان زبان ریخته شده است.

رعایت چند نکته در کنترل زبان

۱. همیشه در هر کاری، توکل به خدای تعالی و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داشته باشید و از آن ذوات نورانی، به ویژه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف کمک و یاری بخواهید.
۲. از ابتدای صبح که بیدار می‌شوید با خود و خدای خود عهد کنید که در این روز غیبتی نکنید و یاهیچ دلی را نشکسته و مراقب گفتار و رفتار خود خواهید بود.

۳. دفتری تهیه کرده، با نوشتن ایام هفته، اگر دلی را در روز نرنجاندید و با زبان خود آزار ندادید، یا بالعکس اگر از عهد خود تخلف کردید در هر دو صورت، در آن دفتر یادداشت کنید.
۴. در آخر شب با مرور دفتر، اگر به عهد خود پایبند بودید خود را تشویق کرده، سپاسگزار لطف خداوند باشید؛ اگر تخلف کردید، با استغفار به درگاه الهی، خود را تنبیه کنید. مثلاً فردای آن روز را روزه بگیرید؛ یا مقداری پول به عنوان صدقه کنار بگذارید.
۵. عادت کنید قبل از هر حرف و عملی، کمی فکر کنید. اگر آن کار به نفع دنیا و آخرت شما بود، آن را انجام دهید و اگر به ضرر شما بود از انجام آن کار یا زدن آن حرف اجتناب کنید.
۶. با خود تصور کنید عده‌ای همه اعمال شما را زیر نظر دارند و قرار است کارهایتان را ثبت و ضبط کنند و به دیگران نشان دهند. سپس از خود بپرسید در چنین صورتی چه رفتاری از خود نشان می‌دهید؟ در حالی که خدای قادر و توانا همه اعمال ما را زیر نظر دارد و هیچ عملی از منظر او مخفی نیست! بدون شک با تقویت چنین فرضی، در گفتار و رفتارتان تجدید نظر خواهید کرد.
۷. دوستانی انتخاب کنید که از اخلاق و رفتار مناسبی برخوردار باشند و آنها را الگوی خود قرار دهید.
۸. اینکه ناخواسته چنین رفتارهایی از شما سر می‌زند، نشان دهنده‌ی این

است که به اینگونه رفتارها عادت کرده‌اید و همانطور که می‌دانید ترک هر عادت‌تی نیاز به تلاش و زحمت و استقامت دارد. بنابراین کمر همت خود را محکم ببندید و ایمان داشته باشید که در صورت استقامت، خداوند شما را یاری خواهد کرد.

لطف دوباره‌ای

آرام جان کفتم به یاران نظاره‌ای غیر از کشایش تو نماندست چاره‌ای
 دستم پر از دعا به امید نگاه تو کی می‌کند دعا اثر از سنگ خاره‌ای
 گر سوز از فراق تو دل‌های عاشقان دارد اثر دعا ز دل پر شراره‌ای
 ای باغ دل ز آتش حجب تو سوخته هم عاشقان روی تو هم بی‌شماره‌ای
 گویم به آب دیده زارم گهی بید ای قلب آتین، تو در اینجا چه کاره‌ای
 دل لایق وصال تو دلبس نمی‌شود جاناکم ز لطف منانی اشاره‌ای
 ای بهترین شکوفهٔ بتان فاطمی بر آسمان عشق و ولایت ستاره‌ای

گوید سوز جگرها شمی نژاد

آمد زمان جود تو لطف دوباره‌ای

حدیث سی و پنجم: منتقم خون سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَنِ الثُّمَالِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الْبَاقِرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَسْتُ كُذِّمْتُ كُذِّمْتُمْ قَائِمِينَ بِالْحَقِّ قَالَ: بَلَى قُلْتُ: فَلِمَ سُمِّيَ الْقَائِمُ قَائِمًا، قَالَ: لِمَا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ صَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ وَقَالُوا إِهْنَا وَسَيِّدَنَا أَتَعْمَلُ عَمَّنْ قَتَلَ صَفْوَتَكَ وَإِبْنَ صَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ قَرُّوا مَلَائِكَتِي فَوَعَزَّتِي وَجَلَّالِي لِأَنْتَقِمَنَّ مِنْهُمْ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنِ الْأَمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِلْمَلَائِكَةِ فَسَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ فَإِذَا أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ^۱.

از ابوحمزه ثمالی نقل شده که از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم: ای فرزند رسول خدا! مگر همه شما امامان، قائم به حق نیستید؟ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: آری. عرض کردم: پس چرا فقط به امام دوازدهم قائم گفته می شود؟ فرمود: چون جدم حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ کشته شد فرشتگان با گریه و فغان به درگاه خداوند عز و جل فریاد برآوردند که: ای خدای سرور ما! آیا از کسانی که برگزیده تو و فرزند برگزیده تو و بهترین آفریده تو را می کشند چشم می پوشی؟ خداوند عز و جل به آنان وحی فرمود که: فرشتگان من! آرام گیرید؛ به عزت و جلالم سوگند از آنان انتقام خواهم گرفت گر چه به طول انجامد. آن گاه

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۸ - عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۴۷۴.

خداوند عزّ و جلّ امامان نسل حسین علیهم السلام را به فرشتگان نشان داد و فرشتگان بدان شادمان گشتند. در میان آنان یکی ایستاده بود و نماز می خواند. خداوند فرمود: با این قائم (ایستاده) از آنان انتقام می کشم!

مسئله انتقام گرفتن از قاتلان و ظالمان در حق امام حسین علیه السلام توسط حضرت مهدی فرجه الشریف علیهما السلام و خونخواهی و طلب خون سیدالشهدا و قاتلان آن عزیز از جمله مباحث مهم در جریان ظهور حضرت مهدی فرجه الشریف علیهما السلام است. در برخی از روایات، زیارات و ادعیه بر این موضوع تصریح شده است که در زمان ظهور امام مهدی فرجه الشریف علیهما السلام، انتقام خون امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا گرفته می شود و حتی از این بالاتر، این موضوع، به عنوان یکی از اهداف اصلی قیام مهدی موعود برشمرده شده است.

در روایتی که در ذیل آیه ۳۳ سوره اسراء از امام صادق علیه السلام نقل شده است، در این زمینه چنین می خوانیم: «سَأَلْتُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا)؛ قَالَ: ذَلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ يَكُنْ مُسْرِفًا.» از حضرت امام صادق علیه السلام راجع به فرموده خدای تعالی که: «و هر آن که مظلوم کشته شود، پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم [بدر قاتل]، پس مباد در کشتن اسراف کند که او منصور است» پرسیدم. امام صادق علیه السلام فرمودند: «آن قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است، خروج می کند و به انتقام خون امام حسین علیه السلام، دشمنان او را

می‌کشد. پس چنانچه اهل زمین را به قتل برساند، مسرف نخواهد بود.^۱
در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيُّنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» یعنی کجاست آن‌که به خون خواهی شهید کربلا به پا می‌خیزد؟

در دو فراز از زیارت عاشورا، زائر امام حسین، از خداوند می‌خواهد که همراهی با امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ را در خون خواهی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ روزی‌اش گرداند؛ یک‌بار در این فراز که «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ أَنْ يُكْرِمَنِي بِكَ وَ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»؛ پس از خدایی که مقام تو را گرامی داشت می‌خواهم که مرا به خاطر تو گرامی دارد و خون خواهی تو را با امامی پیروزمند از خاندان حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روزی‌ام گرداند.

در کتاب ارزشمند مجمع البحرين لغت (ثائر) را چنین معنا می‌کند، (ثائر) کسی است که بر هیچ وصفی قرار و آرام نمی‌گیرد، تا اینکه خونبهای خویش را بگیرد. بر این اساس حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ ثائر خون ابا عبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

بار دیگر در فرازی که می‌گوید: «وَأَسْأَلُهُ ... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ نَاطِقٍ لَكُمْ»؛ و از او می‌خواهم... که خون خواهی شما را به همراه امامی از شما که مهدی [هدایت‌گر] و گویای از شماست، روزی من قرار دهد.» بنابراین تردیدی باقی نمی‌ماند که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ به هنگام ظهور به خون خواهی جد مظلومش برمی‌خیزد و انتقام آن حضرت را از قاتلان‌ش می‌گیرد.

۱. کامل زیارت، ص ۶۳- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۱.

از آنجا که ارزش و عظمت خون خواهی هرکس به قدر صاحب آن خون است و خون خواهی امام حسین علیه السلام که ثارالله است از عظمتی برخوردار است که هیچ کس نمی تواند آن را کامل درک کند . به همین علت برای آن که بتوانیم در حد استعداد و ظرفیت خودمان آن عظمت را استخراج کرده و درک نماییم در این زیارت شریف از خدا می خواهیم که ما را در رکاب و با رهبری امام زمان ، خون خواه حضرت سید الشهداء علیه السلام قرار دهد و این سعادت بزرگ را روزی ما نماید.

مستحب است در روز عاشورا به یکدیگر این گونه سرسلامتی دهیم: «أَعْظَمُ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَعَلَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»^۱ ؛ خداوند پاداش ما را در عزای مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از جمله کسانی قرار دهد که به همراه ولی اش امام مهدی علیه السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله به خونخواهی او برمی خیزند.

در روایت دارد زمانی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف ظهور می کند، [کنار کعبه] ما بین رکن و مقام می ایستد و پنج ندا می دهد:

الأول: أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الْإِمَامُ الْقَائِمُ الثَّانِي عَشَرَ؛ آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم
الثاني: أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الصَّمْصَامُ الْمُنتَقِمُ؛ آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده

۱. مصباح المتعجد، ص ۷۷۲.

الثالث: أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جد من حسین را تشنه کام کشتند

الرابع: أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ طَرَحُوهُ عُرْيَانًا؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جد من حسین را برهنه روی خاک افکندند

الخامس: أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عُدْوَانًا؛ آگاه باشید ای جهانیان که جد من حسین را از روی کینه توزی پایمال کردند.^۱

۱. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۸۰ - إلیزام الناصب، ج ۲، ص ۲۳۳.

دل خون شده

دلم از داغِ غمت سوخته، خاکستر شد باز اشک آمد و پسانه چشم تر شد
 دل بچاره به امید تماشای رخت تا سحر با غم غمهای تو بهم بستر شد
 آن چنان سوخته دل ناله محزون سرداد خرمی از غم غمهای تو غم پرورش شد
 چه صبوری دل خون شده ات محمدی ﷺ جان صبر بی حوصله شد، حوصله دل سر شد
 کی شود بانگ برآرم ز دل سوخته ام عاشقان مرده که ایام فراق آخر شد
 مادرت پشت در سوخته می گفت بیا بنگر این غنچه گل ز آتش کین پر پر شد

ماشی خادم دیرینه در بار شماست

به کدائی سرگومی شما سرور شد

حدیث سی و ششم: سلوک خانوادگی

یاوران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام
فَرَجَةَ الشَّرِيف

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ: وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ: لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بِرَاءٌ^۱.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله به بعضی از کودکان نظر کرده و فرمودند: وای بر فرزندان آخر الزمان از روش پدرانشان! سؤال شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آن‌ها؟ حضرت فرمود: نه، از پدران مسلمانان که چیزی از فرائض دینی را به آن‌ها یاد نمی‌دهند و اگر فرزندان، هم پی فراگیری بروند، آن‌ها را منع می‌کنند و تنها از این خشنودند که آنها درآمد مالی داشته باشند هر چند ناچیز باشد. سپس فرمود: من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند!

از جمله راهکارهای عملی برای ایمنی از تمام فسادهای دوره آخرالزمانی، دستور داده شده خانواده محوری و خانواده درمانی در دستورکار قرار بگیرد، شیعیان اهل بیت، مأمورند تا رسیدن ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام فَرَجَةَ الشَّرِيف، بالاترین سرمایه

۱. جامع الأخبار، ص ۱۰۶ - مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

گذاری‌های معنوی و مادی را در متن خانه و خانواده داشته باشند. عشق به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از ارکان اساسی ولایت‌مداری است، چنانچه پدر و مادر در خانواده بتوانند این امر را در خود و فرزندان‌شان نهادینه کنند، در مسیر ظهور و زمینه‌سازی برای این امر تأثیر بسزایی خواهند داشت.

سلوک خانواده یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. خانواده یاوران مهدی، در بستر خانواده مبلّغ محبت‌های خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام هستند. محبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث جلوگیری از لغزش‌ها در مسیر عبودیت و بندگی خداوند متعال خواهد شد و نقطه محوری و کانون جذب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.
۲. خانواده مهدوی میل به ارزش‌ها را در خود تقویت می‌کند.
۳. خانواده یاوران مهدی، نسبت به نسل آینده و تربیت نسل مهدوی و بسترسازی و ایجاد کانون سرشار از عدالت و امنیت مسئولیت‌پذیر است.
۴. گناه نکردن و استغفار کردن ویژگی دیگر خانواده یاوران مهدی است. پرهیز از گناه به حسنه کردن روابط منجر شده و استغفار کردن جبران گناهان گذشته است. اگر کانون خانواده‌ای به کانون ولایتمداری و دین‌شناسی تبدیل شود و اعضای خانواده در مسیر حلال گام بردارند و از خوردن لقمه‌های شبهه‌ناک پرهیز کنند و با ارتقای علم و عمل و توجه به سخنان بزرگان دین لحظات زندگی خود را بسازند و از تن دادن به جهل

- و نادانی پرهیز کنند، آن خانواده نورانی‌تی ویژه می‌یابد که سعادت دنیا و آخرت اعضای خود و دیگران را تضمین می‌کند.
۵. خانواده یاوران مهدی، برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سرباز تربیت می‌کند.
۶. از شاخصه‌های خانواده یاوران امام زمان، ترک محرمات و انجام واجبات است.
۷. از ویژگی‌های خانواده مهدی‌باور، شناخت آسیب‌ها و آفت‌های خانوادگی در دوران آخرالزمان، حفاظت و پاک نگه داشتن حریم خانه و خانواده از آسیب‌ها و آفات آخرالزمانی و جای‌گزینی «فرهنگ انتظار» در برابر «فرهنگ ابتدال» است.
۸. خانواده یاوران مهدی، باید تقیّد به یکسری شاخصه‌ها داشته باشد. خداوند در آیه ۴۱ سوره حج می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکّن دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و مردم را به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای زشت باز می‌دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.
- در روایات آمده است، مصداق بارز این آیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. امام باقر علیه السلام ذیل این آیه فرمود: «وَ هَذِهِ الْآيَةُ لِأَنَّ مُحَمَّدًا وَ الْمَهْدِيَّ وَ أَصْحَابَهُ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبَهَا»؛ این آیه مختص آل محمد صلی الله علیه و آله و مهدی و اصحابش است که خداوند مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را در مالکیت

ایشان در می‌آورد.^۱

لذا، ما باید جهت خانواده و جامعه (به عنوان خانواده بزرگ) را به سوی صالحیت سوق دهیم تا شبیه یاران حضرت شویم. در واقع باید همواره سعی کنیم عمل خود را منطبق با اراده امام کنیم. بر اساس این آیه و برای دستیابی به چنین موقعیتی باید در چهار محور کار صورت گیرد:

اولین محور، اقامه نماز است. در خانواده یاوران مهدی، نماز و توجه به خداوند پررنگ است.

دومین محور، بر اساس همان آیه ۴۱ سوره حج، زکات است؛ «وَأَتُوا الزَّكَاةَ»، در زکات مسئله از خودگذشتگی و ایثار و خدمت به خلق خدا نهفته است.

سومین محور، امر به معروف است. دغدغه خانواده مهدوی تنها سعادت فردی نیست بلکه تعاملات خود با دیگران را به گونه‌ای تعریف می‌کند که همه چیز در مسیر زمینه‌سازی ظهور باشد. در خانواده مهدوی، دغدغه اصلی، دغدغه امام است نه دغدغه خود. لذا هم به فکر اصلاح خود و هم اصلاح دیگران هستند. چنین اشخاصی به جای توجه به خود، توجه به امام را پررنگ می‌کنند. بر خلاف کسانی که از ابزار دین صرفاً جهت رشد خود استفاده می‌کنند و خیرشان به دیگران نمی‌رسد.

چهارمین محور، نهی از منکر است.

تزلزل شدید بنیاد خانواده در آخرالزمان

در روایات مربوط به آخرالزمان آمده است که در آن دوران، بنیاد خانواده به

۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۷.

شدت متزلزل و آسیب پذیر خواهد شد و آفات آن زمان نه تنها فرزندان، بلکه پدران و مادران را نیز در بر خواهد گرفت که در این خصوص امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده اند: «در آخرالزمان فتنه‌ها، همچون پاره‌های شب تاریک شما را فرا می‌گیرد و هیچ خانه‌ای از مسلمین شرق و غرب عالم نمی‌ماند، مگر اینکه فتنه‌ها بر آن داخل می‌شود».

ناهنجاری‌های خانوادگی در آخرالزمان

۱. بی‌غیرتی

غیرت در لغت به معنای کراهت انسان از تصرف بیگانه در حقوق اوست و در اصطلاح به معنای تلاش انسان برای مراقبت از ناموس، آبرو، مال و حق خویش می‌باشد و بی‌غیرتی نیز به معنای کوتاهی در نگرهبانی از آن ارزش‌هایی چون: ناموس، آبرو و... است که حفظش واجب است.

در دوره‌ی آخرالزمان، زنان و مردان و جوانان، دچار نوعی بی‌حسی و بی‌میلی در دفاع از ارزشهای اسلامی و انسانی خود و از کیان خود و خانواده خود می‌شوند و با بی‌تفاوتی و گاهی در معرض نامحرمان قرار دادن شرافت و ناموس خود، به ساختارشکنی نظام و حقوق و مبانی اخلاقی خانواده می‌پردازند.

قال علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَيَرَى الرَّجُلَ مِنْ رَوْجَتِهِ الْقَبِيحِ فَلَا يَنْهَاهَا وَلَا يَرُدُّهَا عَنْهُ وَلَا يَأْخُذُ مَا تَأْتِي مِنْ كَدِّ فَرْجِهَا وَمِنْ مُفْسِدِ خَدْرِهَا حَتَّىٰ لَوْ نُكِحَتْ طَوَّالًا وَعَرْضًا لَمْ يَنْهَاهَا وَلَا يَسْمَعُ مَا وَقَعَ، فَذَاكَ هُوَ الدَّيُّوْتُ»؛ مرد از همسرش انحرافات جنسی را می‌بیند و اعتراضی نمی‌کند، از آنچه از طریق خود فروشی به دست آورده می‌گیرد و می‌خورد، اگر انحراف سراسر وجود را فرا گیرد، اعتراض نمی‌کند،

به آنچه انجام می‌شود و در حقیقت گفته می‌شود گوش نمی‌دهد. پس او کسی است که دیوٲ است (بیگانگان را بر همسر خود وارد می‌کند).^۱

قال علیؑ: «إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ إِمْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ، يَعْلَمُ ذَلِكَ وَيُقِيمُ عَلَيْهِ! بَلْ يَكْرِي إِمْرَأَتَهُ وَخَادِمَتَهُ وَجَارِيَتَهُ وَيَرْضَى بِالذَّنْبِ مِنَ طَعَامِهِ وَشَرَابِهِ وَمَلْدَاتِهِ»؛ هنگامی که زن از راه نامشروع پول به دست آورد و مرد از درآمد او بخورد! وضع نامطلوب او را بداند و با او زندگی کند! زن و کنیز و دخترش را به کرایه بدهد و به لذا ید پست دنیا راضی شود.^۲

بر اساس روایات اهل بیتؑ، این صفت اخلاقی در آخرالزمان به شدت مورد آسیب قرار می‌گیرد و زنان، مردان و جوانان نه تنها غیرت خویش را از دست می‌دهند، بلکه به نداشتن آن نیز افتخار می‌کنند، به همین دلیل جهت حراست از کیان و قداست خانواده لازم است با پناه بردن به فرهنگ انتظار و غیرت ورزی از ابتذال و بی‌غیرتی، خانواده‌ها را مصونیت بخشیم.

۲. زن پرستی و شهوت پرستی

به تعبیر روایات یکی از آفات و ناهنجاری‌های خانوادگی در آخرالزمان، زن سالاری تا سرحد قبله قرار دادن زن می‌باشد.

قال رسول الله ﷺ: «يَكُونُ الرَّجُلُ هَمُّهُ بَطْنُهُ وَقَبْلَتُهُ زَوْجَتُهُ وَدِينُهُ دِرَاهِمُهُ!»؛ (در آخرالزمان) تمام همت یک مرد شکم او خواهد بود و قبله‌اش همسر او و دینش، درهم و دینار او.^۳

۱. یوم الخلاص، ح ۱۰۹۵.

۲. یوم الخلاص، ح ۱۰۶۸.

۳. یوم الخلاص، ح ۱۰۶۹.

۳. عدم احسان در رسیدگی به والدین

یکی از مشکلات خانوادگی در آخرالزمان، ایجاد گسست و گسیختگی بین اعضاء خانواده و بی توجهی فرزندان نسبت به والدین می باشد.

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «... وَرَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَاسْتُخِفَّ بِالْوَالِدِينَ»؛ و می بینی که عاق و والدین شدن رواج یافته، پدر و مادر سبک شمرده می شوند.^۱

«يَفْتَرِي الْوَالِدَ عَلَى أَبِيهِ وَيَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَيَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا»؛ فرزند به پدرش تهمت می زند، پدر و مادرش را نفرین می کند و از مرگ آنها مسرور می شود.^۲

۴. عدم توجه به معنویت و تربیت دینی فرزندان

یکی از ناهنجاریهای دوره آخرالزمان، کم توجهی والدین به امور معنوی و دینی فرزندان و مانع تراشی آنان برای آشنایی علمی و گرایش های دینی می باشد.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: يَكُونُ هَلَاكُ الرَّجُلِ عَلَى يَدَي أَبِيهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَبَوَانِ فَعَلَى يَدَي زَوْجَتِهِ وَوَلَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَوَلَدٌ فَعَلَى يَدَي قَرَابَتِهِ وَجِيرَانِهِ؛ هلاکت انسان به دست پدر و مادرش تحقق می یابد، اگر پدر و مادر نداشته باشد، به دست همسر و فرزندان و اگر همسر و فرزندی نداشته باشد، به دست خویشان و همسایگانش.^۳

۵. کثرت طلاق

از دیگر آفات و آسیب های خانوادگی آخرالزمان، سست شدن نهاد خانواده

۱. يوم الخلاص، ح ۹۹۱.

۲. يوم الخلاص، ح ۱۱۰۹.

۳. يوم الخلاص، ح ۹۹۷.

و فروپاشی روابط خانوادگی و گسستگی و سپس گسیختگی خانواده‌هاست و اخبار آخر الزمان از شیوع طلاق در آن دوره خبر می‌دهد. رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: « إِذَا كَثُرَ الطَّلَاقُ وَلَا يُقَامُ حَدٌّ » ؛ هنگامی که طلاق بسیار باشد و حدود الهی اقامه نشود.^۱

یا سفر کرده

عاقبت یا سفر کرده مامی آید	آن که سرشتمه شورا است و ولامی آید
گو به یعقوب زمان چشم بر اهش می دار	یوسف کم شده مابه خدامی آید
کعبه و سعی و صفانتظر اندهمه	آنگاه بخشد به صفاروح صفامی آید
به غریبان ستدیده ما مرده رسید	که کل رفته به همراه صبامی آید
کمر بست خود بست به وادی دعا	معنی و باطن هر ذکر و دعای آید
به همه منتظران وعده دیدار دهید	که فروغ دل چشمان شمامی آید
دوره حسن و پریشانی ما خواهد شد	چون سرور دل غمیده مامی آید
چهره یا تجلی که ما خواهد شد	آخرین کو کعبه صلح و صفامی آید

باشمی چهره مولای خودش خواهد دید

که به خونخواهی شاه شهدامی آید

حدیث سی و هفتم : حرام خواری در آخرالزمان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَقَلُّ مَا يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَحُّ يُوثَقُ بِهِ أَوْ دَرَاهِمٌ مِنْ حَلَالٍ^۱.

کمترین چیزی که در آخر الزمان هست برادری مطمئن و دره‌می پول حلال است.

در آخرالزمان بحران اقتصادی حرام به حدّ اعلاّی خود می‌رسد، خانواده‌ها تقوای اقتصادی را از دست داده و در منجلاب آلودگی‌های اقتصادی همچون ربا، کم فروشی، رشوه‌خواری و گران‌فروشی غوطه‌ور می‌گردند.

در روایتی طویل امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پس از آن که به نشانه‌ها، علامات، اوضاع و احوال دوره‌ی آخرالزمان اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشِيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شَرَبِ مُسْكِرٍ كَثِيبًا حَزِينًا؛ ... وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانِ؛ ... وَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرَّبَا وَ يَتَعَامَلُونَ بِالرُّشَى وَ يُوَضَّعُ الدِّينُ وَ تُرْفَعُ الدُّنْيَا؛ ... لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرَّبَا فَإِنَّ لَمْ يَأْكُلْهُ أَضَابَهُ غِبَاؤُهُ...»؛ مرد را می‌بینی هنگامی که یک روز بر او گذشته و گناه بزرگی

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۵۷ - تحف العقول، ص ۵۴.

انجام نداده است از قبیل فحشا، کم فروشی، کلاه برداری و یا نوشیدن مست کننده‌ای بسیار غمگین و اندوهگین می‌شود؛ ... و می‌بینی که زندگی مرد از کم فروشی و تقلب تأمین می‌شود؛ ... در آن زمان و با شایع می‌شود. کارها با رشوه انجام می‌یابد، مقام و ارزش دین تنزل می‌نماید و دنیا در نظر آنها ارزش پیدا می‌کند؛ ... برای مردم زمانی پیش می‌آید که اُحدی یافت نمی‌شود جز این که به ربا آلوده گردد، اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می‌رسد...^۱

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً...»؛ ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید...^۲

عده‌ای از اهالی خراسان خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شدند، حضرت قبل از آن که مسئله‌ای را پرسند فرمودند: «من جمع مالا من مهاوش، اذهبه الله فی نهابر، فقالوا: جعلنا فداک لانفهم هذا الکلام، فقال علیه السلام: (از باد آید به دم شود)»؛ هر کس مالی از راه‌های غیر مشروع به دست آورده، خداوند متعال آن مال را در راه‌های حرام و بیهوده‌ای تباه می‌سازد که نفعی به او نداشته باشد. عرض کردند: ما معنای سخن شما را نفهمیدیم، حضرت به فارسی فرمودند: (از باد آید به دم شود) یعنی با کوچکترین جابه‌جایی هوا از بین می‌رود.^۳

تأثیر لقمه حرام در نسل

قضیه پسر مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری مشهور است و از ثقات نقل شده، که فرمودند: زمانی که در عصر میرزای شیرازی بزرگ علیه الرحمه مقیم

۱. یوم الخلاص، ح ۱۰۹۳.

۲. مؤمنون، ۵۱.

۳. بحار، ج ۴۷، ص ۸۴.

سرّمن (سامرا) رای بودیم، روزی در بین راه به مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری، شهید مصلوب، برخوردیم ایشان را بسیار مضطرب و افسرده دیدم و سببش را سوال کردم گفتند چندی قبل، خدا فرزندی به من عطا کرد، اتفاقاً مادرش شیر نداشت، در مقام تحصیل زنی مرضعه (زنی که بچه‌ها را شیر میدهد) برآمدیم تا این‌که زنی را پیدا کردیم بچه را شیر می‌داد امروز پس از مدتی فهمیدیم این زن ناصبی است لذا مضطرب و در فکر با این بچه چه کنم. این بچه همان بود که بزرگ شد و در دار زدن پدرش کمک و خوشحالی می‌کرد بلکه کف هم می‌زد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «كسب الحرام يبين في الذرية»؛ درآمدهای حرام در نسل انسان خودش را نشان داده و ظاهر می‌شود.^۱

علامه مجلسی و سوزن در مشک آب

علامه ملا محمد تقی مجلسی فرزند نوجوانش آقا باقر را به همراه خود به مسجد می‌برد، روزی دید فرزندش سوزن را در مشک آب کرد و آب‌ها هدر رفت. خیلی ناراحت شد که چرا فرزندم چنین عمل ناپسندی را انجام داد، به خانه آمد و با همسرش موضوع را مطرح کرد، همسرش گفت: من مقصرم. وقتی او را حامله بودم، به خانه همسایه رفتم چیزی عاریه بگیرم. انارها بر درخت بود و هوس انار گرفتم، سوزن خیاطی را در اناری فرو کردم و مزه انار را چشیدم. علامه فرمود: اگر آن روز سوزنی بدون اجازه صاحب انار در انار فرو نمی‌کردی امروز فرزندمان سوزن در مشک آب مسجد نمی‌کرد.

۱. بحار، ج ۴۷، ص ۸۴.

تاکید امام زمان بر لقمه حلال

حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام در دعای معرف می‌فرماید: «وَطَهَّرَ بَطُونَنَا مِنْ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ»؛ خدایا شکم‌های ما را از حرام و شبهه پاک کن. در جمیع ابواب فقه دو قانون حاکم است. ۵۲ کتاب فقهی داریم که این ۵۲ کتاب فقهی در لمعتین شهید ثانی جمع است، طهارت داریم در مقابلش نجاست است، حلیت داریم، در مقابلش حرمت داریم، اما شرع مقدس در طهارت و نجاست تأکیدی بر احتیاط نفرموده است بلکه می‌فرماید: هر شی بر تو پاک است، مگر اینکه علم پیدا کنی که نجس است، یعنی به اصطلاح علما استصحاب جاری کن، بگو این آب پاک بود، نمی‌دانم نجس شده است یا نه؟ علامت نجاست را ندارد بگو پاک است.

یقین به طهارت را با شک به نجاست نشکن، بلکه یقینت را به یقین دیگر بشکن، در خیابان ماشینی عبور می‌کند آبی به لباست می‌پاشد علامت نجاست هم ندارد، نجس است؟ نه مگر اینکه نجاست را ببینی، آبی از بالای ناودان ریخته می‌شود نجس است؟ شارع در طهارت و نجاست سختگیری نفرموده است، بلکه شارع مقدس احتیاط را در حلیت و حرمت تأکید کرده است، شک دارم این لقمه حلال است یا حرام؟ می‌فرماید اینجا توقف کن، این لقمه را نخور، شک دارم این معامله ربوی است یا نه؟ نمی‌دانم این پول حلال است یا حرام؟

اما متأسفانه، ما مردم بر عکس عمل می‌کنیم، در طهارت و نجاست اکثراً وسواس داریم، غسلش نیم ساعت طول می‌کشد، اما شتر را با بارش می‌خورد،

دینتان را در حلیت و حرمت نشان بدهید، شارع در حلیت حرمت تأکید فرموده است.

لقمه حرام؛ انسان را از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام فَرَحَةَ الشَّرِيف دور می‌کند، و دست انسان را از دست امام زمان جدا می‌کند.

روز سرنوشت

ای آفتاب چرخ کین بنده درت افلاک و گهکشان همه پروانه سرت
 شکر خدا که کلک قضا روز سرنوشت تحریر کرد نام مرا هم به دفترت
 کی می شود طهور کنی تا که اوستد چشمان عاشقان جمالت به منظر ت
 گر پانچی بیدیده من نیم شبی جان می کنم نثار قدم مطهرت
 شاهان روزگار و کدایان بی شمار آیند از برای گدائی به محضرت
 شاهما به بی‌نوامی در خود اجازتی یک لحظه آید و نشیند برابرت
 بایادام خویش هسی آه می‌کشی از ضربتی که خورد به رخسار مادرت

ای ماشی به نفس ایر خودت بگو

لایق نبوده ای که سینی تو سرورت

حدیث سی و هشتم : قطع رحم در آخرالزمان

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : ... إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَمُنُوا بِالطَّعَامِ...^۱

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از آن که به نشانه‌ها، علامات، اوضاع و احوال دوره ی آخرالزمان اشاره می‌کنند، می‌فرمایند: در هنگامی که پیوند خویشاوندی قطع شود و برای اطعام و میهمانی دادن بر یکدیگر منت گذارند....

از معضلات و آسیب‌های دوره ی آخرالزمان، قطع رحم و بی‌وفایی و کم توجهی و عدم ارتباط بین اقوام و خویشان می‌باشد. این معضل در حالی است که ارتباطات اجتماعی و روابط با غیر اقوام در برخی موارد جدی گرفته شده و در آن افراط می‌شود.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام ثَلَاثُ خِصَالٍ لَا يَمُوتُ صَاحِبُهَا أَبَدًا حَتَّى يَرَى وَبِالْهَنْ الْبُغْيَ وَقَطِيعَةَ الرَّحِمِ وَالْيَمِينَ الْكَاذِبَةَ يَبَارِزُ اللَّهُ بِهَا وَإِنْ أَعَجَلَ الطَّاعَةَ ثَوَابًا لَصَلَّةِ الرَّحِمِ وَإِنَّ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ فُجَارًا فَيَتَوَاصَلُونَ فَتَنَمِي أَمْوَالُهُمْ وَيَثْرُونَ وَإِنَّ الْيَمِينَ الْكَاذِبَةَ وَقَطِيعَةَ الرَّحِمِ لَتَدْرَانِ الدِّيَارَ بِلَاقِعِ مَنْ أَهْلَهَا وَتَنْقُلُ الرَّحِمَ وَإِنْ نَقَلَ الرَّحِمَ انْقِطَاعُ النَّسْلِ» ؛ در کتاب علی عَلَيْهِ السَّلَام است که: سه خصلت است که صاحب آن‌ها نمی‌میرد تا وبال آن‌ها را ببیند: ستم، و قطع

۱. يوم الخلاص، حدیث ۹۹۶.

رحم، و قسم دروغ که به وسیله آن با خدا می‌جنگند و ثواب هیچ طاعتی زودتر از صله رحم به صاحب آن نمی‌رسد. برآستی گاهی مردمی فاجر و گناهکار باشند که به سبب صله رحم و نیکی کردن با هم اموالشان زیاد شود و ثروتمند گردند، و قسم دروغ و قطع رحم خانه‌ها را ویران و از اهلس خالی می‌کند. و خویشاوندی را از جای بر کند، و از جای برکنده شدن خویشی همان انقطاع نسل است.^۱

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مَنْ ضَمِنَ لِي وَاحِدَةً ضَمِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةً يَصِلُ رَحْمَهُ فَيَجِبُهُ اللَّهُ تَعَالَى وَيُوسِّعُ عَلَيْهِ رِزْقَهُ»؛ هر کس برای من، انجام دادن یک کار را تضمین کند، من چهار چیز را برای او تضمین می‌کنم: صله رحم کند تا خداوند او را دوست بدارد و روزیش را وسیع نماید، عمرش را زیاد و او را در بهشت جای دهد.^۲

چند نکته:

۱. تجمل‌گرایی را از مهم‌ترین عامل قطع صله رحم می‌باشد.
۲. صله رحم، انواعی دارد، گاهی فقط با یک تلفن و احوال‌پرسی صله رحم انجام می‌شود، گاهی در دید و بازدید است، وگاهی فراتر از این بحث‌ها بوده و باید به وابستگان و نزدیکانمان کمک مالی، معنوی و یا حتی مشاوره فکری دهیم، پس صله‌رحم فقط به این محدود نمی‌شود که به منزل بستگان برویم بلکه این کار یکی از شاخصه‌های صله رحم است.

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۴۷

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، صفحه ۹۲

۳. موضوع صله رحم، به قدری مهم است که در صورت ترک آن مانع دیدار ما نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود.
۴. اگر صله رحم موجب اسراف شود، نارضایتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دنبال داشته و آثار مترتب بر صله رحم را نخواهد داشت.

سیاه نامه

رخسار لبر بای تو ای دوست دیدنی است آبنگ روح بخش صدایت شنیدنی است
 من در دبی قراری بجز آن کشیده ام نازنیازمند سرایت کشیدنی است
 عمسری دویده ایم به پای پر آبه راه وصال یوسف زهرا علیها السلام دیدنی است
 شیرین تر از فراق به شوق وصال نیست طعم فراق یاد عزیزم چشیدنی است
 ای گلستان حُسن ز روی تو با صفا گل از جمال گلشن روی تو چیدنی است
 هستم سیاه نامه به درگاه شاهیت عبد سیاه نامه وز شتم خریدنی است

سر را مننه به زانوی غم هاشمی تراود

دست گدا به دامن مولاریدنی است

حدیث سی و نهم: گوشه‌ای از برکات

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يُخْرَجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَيَعْمَلُ سُنَّتِي وَيُنْزِلُ اللَّهُ لَهُ الْبَرَكَاتَ مِنَ السَّمَاءِ وَيُخْرِجُ الْأَرْضَ بِرِكَاتِهَا وَتَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا.^۱ پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله و سلم فرمود: مردی از اهل بیت من به سلطنت خواهد رسید که به سنت من (آن طور که باید) عمل کند و خداوند از آسمان برای وی روزی فرستد و زمین آنچه دارد، بیرون دهد و او زمین را پر از عدل کند چنان که پر از ظلم و ستم باشد.

نکته مهمی که در این روایت اشاره شده است، جاری شدن برکت از آسمان و زمین به یمن وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایجاد حکومت عدل در اوج رواج ظلم و ستم در دنیاست.

برکات و ثمرات عصر ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله موضوعاتی است که در آیات و احادیث مربوط به موضوع مهدویت دیده می‌شود. با اندک مروری بر این نوع آیات و روایات درمی‌یابیم حیات طیبه‌ای که خداوند در قرآن از آن یاد کرده است، چیزی جز این مقطع نخواهد بود؛ چرا که بشریت در این مقطع در

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۲.

پرتو امامتِ امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام و از مجرای پربرکت ایشان و نیز در پرتو حضور صالحان، زندگانی پاک و زلال و بدون درد و آلامی را تجربه می‌کند که تمام انبیا و رسولان وعده آن را به امت‌های خویش و آیندگان داده بودند.

برکات دوران ظهور در آینه روایات

۱. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَاحَ كَبِدِهَا وَيَحْثُوا الْمَالَ حَثْوًا وَلَا يُعَدُّهُ عَدًّا»؛ زمین، جگرگوشه‌های خود را برای آن حضرت، ظاهر می‌سازد و ثروت، چنان فزونی یابد که قابل شمارش نباشد.^۱
۲. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در آخرین خطبه خویش در روز عاشورا، پس از وعده به رجعت خود در مقطعی از ظهور و پس از بیان فعالیت‌هایی که در عصر ظهور در نابودی بدان و بدی‌ها انجام می‌دهند، اشاره به برکات آن دوران کرده و فرمودند: «وَلَا يَتَّقِي عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مُقْعَدٌ وَلَا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَ لِيُنزِلَنَّ الْبَرَكَاتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّىٰ إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتُقْصَفُ بِمَا يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ وَ لَتَأْكُلَنَّ ثَمَرَةَ الشِّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَ ثَمَرَةَ الصَّيْفِ فِي الشِّتَاءِ»؛ به روی زمین شخص نابینا و زمین‌گیر و مبتلانی نخواهد بود مگر اینکه خداوند به‌وسیله ما اهل‌بیت بلا را از او برطرف می‌کند؛ و به‌قدری برکت از آسمان به‌سوی زمین نازل می‌شود که شاخه درخت از زیادی میوه می‌شکند! میوه زمستانی در تابستان و میوه تابستانی در زمستان

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸.

خورده می شود.^۱

۳. امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از ثمرات ظهور را بخشندهگی اموال به نیازمندان و سختگیری بر مسئولان حکومتی توسط امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ معرفی می کند و می فرماید: «المَهْدِيُّ سَمِيحٌ بِالْمَالِ شَدِيدٌ عَلَى الْعَمَالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ» امام مهدی بخشنده است و مال را به وفور می بخشد، بر مسئولان و کارگزاران بسیار سخت گیر و بر فقرا و ضعیفا رئوف و مهربان است.^۲

۴. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا وَعُمَرُ»؛ در حکومت حضرتش جای مخروبه ای در زمین باقی نمی ماند جز آنکه آباد می شود.^۳

۵. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در ترسیم عدالت فراگیر آن حضرت میفرماید: «أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ حَوْفَ بُيُوتِهِمْ، كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ»؛ به خدا سوگند عدالت آن حضرت از درهای بسته بر خانه های آنها وارد می شود، همانگونه که سرما و گرما به داخل خانه ها نفوذ می کند.^۴

۶. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اوصاف حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «إِنَّهُ يَسْتَنْجِرُ الْكُنُوزَ وَيُقَسِّمُ الْمَالَ»؛ به راستی او (مهدی) گنج ها را

۱. مختصر البصائر، ص ۱۴۰.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷.

۳. بشارة الاسلام، ص ۹۹.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

- استخراج می‌کند و (منابع) ثروت‌ها را تقسیم می‌کند.^۱
۷. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «و تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا، وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا»؛ و زمین، پاره‌های جگر خود را برای او بیرون خواهد داد و کلید گنج‌هایش را تسلیم او خواهد کرد.^۲
۸. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «و لَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ إِلَّا أَخْرَجَتْهُ»؛ و زمین نیز همه گیاهان خویش را می‌رویاند.^۳

مجموع این روایات نشان می‌دهد که یکی از ثمرات مهم ظهور امام عصر عَجَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى نزول برکات آسمانی است؛ برکاتی که نمونه‌های آن تا قبل از ظهور حضرت نمونه نداشت.

علت تحقق یافتن این برکات در زمان ظهور

نکته اصلی پاسخ به چرایی بارش بی حد و حصر رحمت الهی بر انسانها در زمان ظهور، در یک واقعیت نهفته است، و آن هم خود حقیقت انسان است. توضیح آنکه: همه عقب ماندگی‌های اخلاقی، امنیتی، فرهنگی، علمی و ... همه این نوع نابسامانی‌های اینچنینی موجود در قبل از ظهور معلول ردائلی از جمله طمع، حرص، بی‌بندوباری، جهالت و هوس رانی و در یک کلمه همه موارد به خود رأیی و خود محوری خود انسان برمی‌گردد. به بیان دیگر همه این موارد معلول ردائلی و زشتی‌هایی است که در درون و به دست خود انسان

۱. منتخب الاثر، ص ۴۷۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳.

در روح و باطن خودش نقش بسته و شکل گرفته است و لذا اگر بُعد باطنی و روحی بشر که دربرگیرنده همه این رذائل است تصحیح گردد، کل جهان نیز از فساد، زورگویی و ... رهایی می‌یابد و نعمات بی‌پایان حق تعالی شروع به بارش می‌کند.

حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت تقوا است، آثار تقوی هم ظاهر می‌شود. و من جمله آثار تقوا نزول برکات از آسمان و باز شدن درهای برکت از زمین و آسمان است که حل مشکلات مردم و روزی فراوان نیز بدنبال آن است.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با دریافت و شناخت این حقیقت به درمان انواع این بیماری‌ها به مانند یک طبیب مهربان می‌پردازد و لذا زمانی که حقیقت وجودی انسان از انواع امراض و رذائل رهایی یابد و از آن سوی نیز به تعالی و رشد خصال و مکارم اخلاقی آراسته شود، علت این صفات یعنی همان حرص و طمع و ... از میان می‌رود و جهان نیز سروسامان گرفته، عموم انسانها، فناء در بندگی و عبودیت خدای تعالی می‌گردند و از هر گونه ظلم و تعدی و ... مبرا و پاک می‌شوند. اگر هم کسی در این میان بخواهد خلاف این رودخانه خروشان قدم بردارد و شنا کند خود به خود محکوم به فنا و نابودی است.

ایھا الکریم

غیرست من گدای توام ایھا الکریم مسکین بنوامی توام ایھا الکریم
 باز آدم به رسم گدائی به کوی تو محتاج آشنای توام ایھا الکریم
 خردب خانوات نروم جای دیگری من سائل سرای توام ایھا الکریم
 امی خاکپای مقدم تو سُر مه ملک من خاکِ خاکپای توام ایھا الکریم
 بگشامی در روی فقیر و شکستات من عبد بنوامی توام ایھا الکریم
 درد مرا به غیر تو جانا طبیب نیست من طالبِ شفای توام ایھا الکریم
 بار دگر گناه مرا عفو میکنی عاصی پز خطای توام ایھا الکریم
 از عالم جنون نبود بستر عالمی مجنون و مبتلای توام ایھا الکریم
 عمری نفس به شوق وصال تو می کشم من عاشق لقای توام ایھا الکریم

بار دگر بگو سخنت با شسی نژاد

مسکین بنوامی توام ایھا الکریم

حدیث چهلیم : حقوق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

قَالَ السَّيِّدُ بْنُ طَاوُوسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: ذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي قُرَّةٍ نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزْوَفَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دُعَاءَ النَّدْبَةِ وَذَكَرَ أَنَّ الدُّعَاءَ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ وَأَعْتَنَا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ ...^۱

سید بن طاووس می فرماید: برخی از یاران ما، یادآوری کرده اند که محمد بن علی بن ابی قره گفته است: من از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری، دعای ندبه را نقل کردم و در آن گفته شده که این دعا از صاحب الزمان است و مستحب است که در عیدهای چهارگانه خوانده شود. و ما را بر اداء حقوق آن حضرت و جهد و کوشش در طاعتش و دوری از عصیانش یاری فرما...

این جملات زیبا، بخشی از دعای ندبه است، که از خدا می خواهیم که ما را در ادای حقوق مولا و ولی نعمتمان، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف یاری کند. از میان همه حقوق گوناگونی که در آموزه های اسلامی بر ادای آنها تأکید شده است، پس از حق خدای متعال، هیچ حقی به بزرگی حقی که امامان و

۱. الإقبال، ج ۱، ص ۵۰۴ - مصباح الزائر، ص ۴۱۸ - بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۴.

پیشوایان معصوم دین علیهم السلام بر عهده ما دارند، نیست؛ زیرا هیچ کس به اندازه آنها در زندگی ما نقش ندارد و استمرار زندگی ما بدون وجود آنان امکان پذیر نیست. به دلیل همین عظمت حقوق امام علیهم السلام است که در دعای ندبه از خدا می خواهیم که ما را در ادای این حقوق یاری کند.

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حقوقی دارد که همه شیعیان و منتظران آن حضرت موظفند که آن را رعایت کنند؛ برای آشنایی بیشتر با حقوق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با تکیه بر آیات و روایات، به برخی از حقوق اشاره می کنیم.

۱. حق خویشاوندی با رسول اکرم صلی الله علیه و آله

در سوره شوری آیه ۲۳ می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ رسول ما به مردم بگو: من از شما برای تبلیغ رسالت مزدی نمی طلبم جز اینکه در مورد خویشاوندانم مودت ورزید.

از حضرت امام باقر علیهم السلام روایت شده است که منظور از (قربی) در این آیه اهل بیت عصمت و امامان علیهم السلام می باشند، و این مودت هم به واسطه صفات و ملکات فاضله آنانست که موجب قرب آنان می گردد.^۱

در حدیث ندای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهور آمده است که حضرت در آغاز قیام جهانی اش، بر دیوار خانه خدا تکیه می زند و سخنرانی تاریخی و جاودانه خویش را آغاز می کند و می فرماید: از شما می خواهم مرا یاری کنید. شما را به خدا و حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و حق خودم بر شما که مرا بر شما حق قرابت و خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله است، به یاری ام بشتابید.^۲

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۳ - شواهد التنزیل، جلد ۲، ص ۱۸۹.

۲. الغیبة النعمانی، ص ۱۴۹.

۲. حق واسطه نعمت

تمام فیوضات و منافعى که به مردم مى‌رسد، به برکت وجود امام آن زمان است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مى‌فرماید: هر کس نسبت به شما کار نیکی انجام داد به او پاداش دهید، اگر توانائی نداشتید، برای او دعا کنید، تا اطمینان یابید که کار نیک آن شخص را جبران کرده‌اید. و این حق از حقوق مسلم مولای ما امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام مى‌باشد، زیرا تمام منافعى که به خلق خدا مى‌رسد از برکات وجودی اوست و سابقاً گفتیم که بهره‌برداری و انتفاع از وجود آن حضرت اختصاص به زمان ظهور ندارد، زیرا انتفاع به وجود آن حضرت در زمان غیبت مانند استفاده انسان از خورشید است که در پس ابرها پنهان باشد.

در زیارت جامعه کبیره دربارهٔ حضرات ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام مى‌خوانیم: «و اولیاء النعم».

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام مى‌فرماید: اگر ما نبودیم نه نهرها جاری مى‌شد، و نه میوه‌ها مى‌رسید، و نه درخت‌ها سبز مى‌گشت.^۱

امام علی ابن الحسین زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَام به ابو حمزه ثمالی فرمود: ای ابو حمزه، پیش از طلوع آفتاب نخواب، که برایت خوش ندارم به تحقیق که خداوند در این وقت روزی‌های بندگان را تقسیم مى‌کند و بر دست ما آنها را جاری مى‌سازد.^۲ جمله‌ی دیگری در آخر دعای ندبه داریم: «وَ اجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهٖ مَقْبُولَةً وَ دُنُوبَنَا بِهٖ مَغْفُورَةً، وَ دُعَاءَنَا بِهٖ مُسْتَجَابًا وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهٖ مَبْسُوطَةً وَ هُمُومَنَا بِهٖ مَكْفِيَةً وَ

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. مکالمات المکارم، ج ۱، ص ۶۲.

حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً»؛ اینجا نشان می‌دهد که ولی نعمت ما نیز حضرت است، و سبب خلقت و وجود ما، حیات ما و نفس کشیدن ما وجود مبارک این انسان کامل و این امام بزرگوار می‌باشد، که [در اینجا] خدا را به امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى قسم می‌دهیم که: «خدایا تو را به امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى نماز ما را قبول کن، تو را به آن حضرت گناهان ما را ببخش، تو را به آن حضرت دعای ما را مستجاب کن، تو را به آن حضرت رزق را بر ما گشایش ده، تو را به آن حضرت هم و غم ما را برطرف کن، تو را به آن حضرت حاجت‌های ما را روا کن...»^۱

۳. حق هدایت و تعلیم

تمام هدایت‌ها برای مردم به وسیله نور هدایت امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صورت می‌گیرد؛ زیرا آنان راسخین در علم اند. در بسیاری از روایات نیز به مردم توصیه شده که برنامه تربیتی، اخلاقی و سازنده زندگی را از این بزرگواران که واسطه بین خالق و مخلوق اند، فرا گیرند.

(مهدی) و (هادی)، از القاب حضرت ولی عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى است؛ (مهدی)

یعنی هدایت شده و (هادی) یعنی هدایت کننده.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در معنای (مهدی) فرمود: مهدی، کسی است که مقام هدایت یافتنش به جایی رسیده که می‌تواند از طرف خداوند در مقام هدایت کردن برآید.^۲

۱. دعای ندبه - مفاتیح الجنان.

۲. الغیبة النعمانی، ص ۲۳۷.

۴. حق امام و پیشوا

امام به معنای پیشوا و مقتداست و در اصطلاح شیعه، پیشوای معصوم و منصوب از سوی خداست که مقام ریاست همگان را بر عهده دارد. امام از آن جهت که بر مردمان ولایت دارد، دارای حقی است که مردمان باید آن را رعایت کنند. این حق مربوط به امامت و ولایتی است که آنان بر امت اسلامی دارند، ابوحمزه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: «ما حق الامام علی الناس» حق امام بر مردم چیست؟ فرمود: «حقّه ان یسمعوا له و یطیعوا» حق امام این است که مردم بشنوند و فرمان برند.^۱

امیر مؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه در خطابه ای می فرماید: و اما حق من بر شما این است که به بیعت من وفادار باشید. و در حضور و غیاب نصیحت پذیر، و هر وقت شما را دعوت کردم اجابت نمائید و چون دستوری دادم فرمان برید.^۲ در یکی از فقرات پایانی دعای ندبه چنین می خوانیم: «و الاجتهاد فی طاعته، و الاجتناب عن معصیته»؛ پروردگارا، مرا در تلاش و کوشش در فرمانبرداری از او (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دوری از نافرمانیش یاری فرما.

زیرا حضرات ائمه معصومین علیهم السلام بر ما سیادت و آقائی دارند، و آنان از خود ما در تمام امور اولی و شایسته ترند، هم چنانکه خداوند سوره احزاب، آیه ۶ می فرماید: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»؛ پیغمبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر و اولی است. و این اولویت بر مبنای روایات متعددی از آن ائمه معصومین علیهم السلام تا حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۱.

۲. نهج البلاغه خطبه ۳۴.

۵. حق پدر بر فرزند

همان‌گونه که فرزند از پدر به وجود می‌آید، شیعیان هم از باقی مانده گل خاندان وحی آفریده شده‌اند. حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام نسبت به مردم به منزله پدری مهربان و دلسوز می‌باشند. چنانکه امام علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام می‌فرماید: «الامام الانیس الرفیق و الوالد الشفیقُ و الاخ الشفیقُ»؛ امام، همدم و رفیق و پدر مهربان است.^۱

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت است که فرمود: من و علی دو پدر این امت هستیم. از امام صادق علیه‌السلام روایت است که فرمود: خداوند ما را از علیین آفرید، و ارواح ما را از بالای آن خلق کرده و ارواح شیعیان ما را از علیین و بدنهایشان را از پائین آن آفریده، از همین روی بین ما و آنها خویشی و نزدیکی است و دل‌های آنها به سوی ما مشتاق.^۲

مرحوم شیخ صدوق در کتاب ارزشمند کمال الدین از عمر بن صالح روایت کرده که می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام پیرامون آیه معروفه (اصلها ثابت و فرعها فی السماء) پرسیدم. امام فرمود: اصل آن درخت پاکیزه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شاخه آن امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حسن و حسین میوه آن هستند. و نه تن از فرزندان حسین علیه‌السلام شاخه‌های کوچک‌تر آنند. و شیعه برگهای آن درخت می‌باشند، به خدا قسم وقتی یکی از آنها (شیعیان) می‌میرد، یکی از برگهای آن درخت می‌افتد.^۳

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۹.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵.

حقیقت حق

ای معنی و حقیقت امّن نجیب ها داروی درد ها و طبیب طبیب ها
 ای همدان انتقام شهیدان کربلا عجل بخوان مصیبت یابن شیب ها
 بکشای لب بخلبه غزای مهدوی تا بشنوند صوت رسالت خطیب ها
 عشاق را بغیر تو دیگر حبیب نیست ای بهترین رفیق و شفیق حبیب ها
 ای معنی نجابت و پائی نشان کجاست؟ تا بگردوی نجویت نجیب ها
 ای مقتدای عیسی مریم ظهور کن تا بشنمزد صولت صبرت صلیب ها
 آتش گرفته جان من از غربت غریب همراه کن بهمت ذکر ت غریب ها

گفت هاشمی حقیقت حق جلوه ای نما

تا باکلی تو رشته ظلم و فریب ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ،
وَأَنْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَأَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ،
وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي،
وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا
طَاعَتَهُمْ، وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ
فَرَجاً عَاجِلاً قَرِيباً كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ
يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ،
وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ
الرِّمَانِ، الْعُوْتُ الْعُوْتُ الْعُوْتُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي،
السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ،
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.